

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در دفتر اول جلد هفتم

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان
و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی
(اتحادیه ملی)

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵
حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

- دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم ----- ۱
- سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم ----- ۲
سخنان علی شاکری زند در مجلس بزرگداشت خسرو شاکری زند ----- ۲
- سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم ----- ۶
جنبش مسلحانه ایران و سازمان‌های خارج از کشور ----- ۶
- سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم ----- ۱۴
اعلامیه پان ایرانیست‌ها ----- ۱۴
- سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم ----- ۲۰
نقل از گزارش دبیر تشکیلات به کنگره دهم کنفدراسیون جهانی بخش دوم کارلسروهه فوریه ۱۹۷۰ ----- ۲۰
- سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم ----- ۶۹
خلاصه‌ای از کارکرد کنفدراسیون جهانی در سال ۷۴ ----- ۶۹
- سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم ----- ۱۰۳
۱۱۶م آذر ماهنامه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی شماره ۱، سال ۶ دی، بهمن ۴۸- ژانویه، فوریه ۱۹۷۰ ----- ۱۰۳
مبارزه علیه سازمان "امنیت" را ادامه دهیم ----- ۱۰۳
- سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم ----- ۱۱۱
پیام هیئت دبیراد کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی به دهمین کنگره فدراسیون اطریش ----- ۱۱۱

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در دفتر نخست جلد هفتم

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)
 سخنان علی شاکری زند در مجلس بزرگداشت خسرو شاکری زند

پنجشنبه، آبان ۱۳۹۴، ۰۷

نکاتی از زندگی خسرو شاکری زند و سبب درگذشت وی

سخنان علی شاکری زند در مجلس بزرگداشت خسرو شاکری زند



علی شاکری زند

من قصد سخنرانی در این مجلس را نداشتم؛ اما چون یادآوری نکاتی از زندگی خسرو شاکری زند و نیز توضیحی درباره علت واقعی درگذشت وی را لازم می‌دیدم ادای سخنانی که خواهید شنید ضروری گردید. ۱

I

۱- اولین نکته ای که لازم دیدم در این محفل به اطلاع حاضران و از این طریق به اطلاع هموطنان دیگر برسانم مربوط به اشتباهی است که در رسانه های خارج و داخل کشور درباره ی سبب مرگ خسرو شاکری رخ داد. ضمن توضیحاتی که خواهم داد اهمیت موضوع روشن خواهد شد.

در حالی که در اطلاعاتی منتشر شده از طرف خانواده درباره ی علت مرگ نوشته شده بود «خونریزی شدید مغزی که پزشکان موفق به مهار کردن آن نشدند» اکثر رسانه ها این علت را «سکته ی مغزی» نامیده بودند.

علت این شبهه آن بود که اندکی پیش از انتشار اطلاعاتی خانوادگی در یکی از سایت های خارج از کشور در این باره کلمه ی «سکته ی مغزی» بدون هیچ دلیلی به کار رفته بود. پس از آن بود که، علی رغم انتشار اطلاعاتی خانوادگی، اکثر سایت های دیگر و حتی مجلات داخل کشور همان اصطلاح «سکته ی مغزی» را از یکدیگر اخذ و آن را تکرار کردند.

اما تفاوت این دو علت از لحاظ پزشکی چه بود؟

باید دانست آنچه سکته ی مغزی نامیده می شود معمولاً نوعی اختلال عصبی در مغز است که در نتیجه ی اختلال موضعی و معمولاً کوچک و محدودی در مغز رخ می دهد و علل آن بر دو نوع است. این علت یا گرفته شدن یکی از شریان های کوچک مغز در اثر عبور خون لخته شده یا ترکیبات خونی شبیه به آن است، اختلالی که ترومبوز نامیده می شود و عبارت از قطع جریان خون در ناحیه ای است که با آن رگ یا مویرگ مشروب می شده، و اثرات آن را به فرانسه ایسکمی می نامند (ischémie)، که آنهم به معنی کاهش جریان خون در یک بافت یا اندام بدن است؛ و علت دیگری پارگی یکی از همین رگ های کوچک است که سبب خونریزی موضعی معمولاً کوچکی می گردد، با آسیب های محلی ناشی از آن در مغز، و آثار مترتب بر آنها در بدن.

البته خطرات مترتب بر سکته ی مغزی نیز شدید است و امکان مرگ در یک ماهه ی پس از وقوع آن از ۲۰٪ تا ۳۰٪ است، و ۱۰٪ از بیمارانی که از آن جان سالم به در می برند، ضرورت دارد که برای رفع آسیب های ناشی از آن در مؤسسات تخصصی تحت درمان قرار گیرند.

اما آنچه موجب مرگ خسرو شاکری زند گردید، نه سکته ی مغزی به معنی بالا، بلکه خونریزی شدید مغزی بوده که در ناحیه ی زیر غشاء بیرونی مغز موسوم به دور-مر (dure-mère) رخ داده (که خود آن ترجمه ای تحت اللفظی از عربی است یعنی از دو جزء اول و سوم واژه ی عربی أم الیماع الصقیفه گرفته شده).

اما، برخلاف سکته های مغزی که بطور روزمره شاهد آنها هستیم، خونریزی مغزی وقتی اینگونه شدید باشد در اکثر موارد می تواند نتیجه ی بالا رفتن شدید اندیس انعقاد خون باشد که آن هم معمولاً در نتیجه ی مصرف داروهایی است که به بیمار داده می شود.

در مورد خسرو شاکری زند که پس از عمل قلب در سال ۱۹۶۵ باید انعقاد خونس همواره به درجه ی معینی پایین نگهداشته می شد مصرف روزمره ی میزان معینی از یکی از این داروها همواره لازم و حیاتی بوده است. اما همانطور که مصرف آن داروها لازم بود رعایت مقدار، نوع مناسب و رعایت دقیق فاصله های زمانی این مصرف هم امری حیاتی بود.

از طرف دیگر وقتی بیمار در بیمارستان بستری می شود، داروهای روزمره ی خود را کنار می گذارد و از آن ساعت از تجویز های پزشکان معالج آنجا پیروی می کند. این همان کاری است که تا بستری شدن وی در بخش روماتیسم بیمارستان ساینترپیر در نیمه ی ماه ژوئن اخیر همواره درست انجام می شده.

اما در این مورد اخیر به احتمال قریب به یقین با داروهایی که به وی داده می شود آن پارامتر انعقاد که International Normalised Ratio (INR) نامیده می شود (تابعی از مدت زمان لازم برای انعقاد خون در شرایط آزمایش استاندارد در مقایسه با مدت زمان لازم برای بدن عادی که بر حسب تعریف واحد قرار داده می شود و یک نامیده می شود) و باید برای او میان ۲/۵ تا ۳ قرار می داشته، از ۶ تجاوز می کند و همزمان با این وضع در بدن بیمار خونریزی های شدیدی رخ می دهد که در نتیجه ی آن سطح بدن وی به سرعت از آثار آن سرخ و کبود می شود و در یک نقطه ی بدن در زیر پوست گلوله ی بزرگی از خون بوجود می آورد. اشتباهات احتمالی بعدی مانع از این می شود که این خونریزی کاملاً قطع گردد؛ و زمانی که، با ۳ - ۴ روز تأخیر سرانجام وی

را به اصرار خود او به انستیتی قلب که در این زمینه صلاحیت بیشتری دارد و با وضع وی نیز سابقه ی آشنایی طولانی داشت منتقل کردند بدن همچنان پوشیده از آن کیودی ها بود.

سه یا چهار روز پس از انتقال به بخش قلب بود که از بیمارستان به من تلفن کرده گفتند که برادران در اثر خونریزی شدید مغزی به حال اغمانی بدون برگشت رفته است.

با همه ی توضیحاتی که در همان روز و فردای آن روز، در بخش مراقبت انستیتی بیماری های قلبی به ما دادند و با وجود پاسخ هایی که به پرسش هایمان داده شد بخوبی پیدا بود که بدون آن اشتباهات اولیه در بخش روماتیسم این خونریزی شدید مغزی نمی توانسته رخ دهد.

من پس از قرانت گزارش های پزشکی بخش های روماتیسم و قلب و دیگر پرونده های معاینات و معالجات سالهای اخیر خسرو شاکری زند که برای خانواده فرستاده شده بود نامه ای شامل ده صفحه نوشتنم تا در آن نشان دهم که این حادثه ابتدا به ساکن رخ نداده و خونریزی هایی که در بخش روماتیسم شروع شده بوده، سرانجام در مغز ادامه یافته و، به گفته ی خود پزشکان با تکان دادن مغز از جای خود، موجب مرگ گردیده است.

به استناد این توضیحات من در نامه ام از مراجع مسئول بیمارستان خواستار شدم که به موضوع بطور جدی رسیدگی و مسئولیت ها تعیین گردد تا حتی المقدور از تکرار نظائر اینگونه اشتباهات در دناک پیشگیری شود.

در نامه ای که از طرف ریاست بیمارستان در پاسخ نامه ی من رسید گفته شده که جلسه ای از متخصصین مختلف پزشکی برای رسیدگی به این نامه تشکیل شد و تصمیم گرفته شد تا موضوع تحت بررسی دقیق قرار گیرد و به من وعده داده شد که نتایج رسیدگی به اطلاع خانواده برسد. چندی بعد از آژانس منطقه ای بهداری ایل دو فرانس نیز، که معادل وزارت بهداری منطقه ی پایتخت است، و نقش مهمی در رسیدگی به اختلالات کار مؤسسات پزشکی دولتی و شکایات بیماران و بستگان آنان بر عهده دارد، و یک نسخه از نامه به مدیر آن نیز ارسال شده بود، پاسخ تقریباً مشابهی دال بر ارجاع نامه و شکایت مربوطه به دایره ی مسئول رسیدگی به شکایات، رسید.

و ما اینک منتظر دریافت این نتایج هستیم و کار را همچنان از نزدیک دنبال خواهیم کرد.

II

و اینک نکاتی قابل یادآوری از زندگی خسرو شاکری زند

۱- نامه ی دانشجوی جوان به دکتر مصدق در احمداًباد و پاسخ نخست وزیر محبوب ملت به وی
او در اولین سالهای سفرش به آمریکا و اقامت در آن کشور به قصد تحصیلات دانشگاهی، که تصور می کنم هنوز جبهه ملی نه در اروپا تشکیل شده بود و نه در آمریکا، نامه ای به احمد آباد خطاب به دکتر مصدق نوشت که در آن از وی خواسته بود که نخست وزیر محبوب اما محصور ایران وی و دانشجویان خارج از کشور را با راهنمایی های خود کمک کند.

دکتر مصدق که مردی به نهایت میادی آداب بود و از جمله هیچ نامه ای را بی پاسخ نمی گذاشت و نسبت به جوانان و دانشجویان مهر و توجهی خاص داشت و ارجی ویژه می گزارد در نامه ای تشویق آمیز به او توصیه کرده بود که از سخنرانی های وی در مجلس چهاردهم شروع کند، و دستور داده بود که دو مجلد کتاب های زنده یاد حسین کی استوان زیر عنوان نطق های دکتر مصدق در مجلس چهاردهم را که حاوی صورت جلسات آن دوره ی مجلس شورای ملی بود برای وی بفرستند. او از دریافت آن پاسخ و این کتاب ها بسیار شادمان شده بود و اعتقاد محکمی که به مصدق داشت با این حادثه بسی شدید تر شد. این خبر را با ما هم در میان گذاشت و آن کتاب ها را که ما نمی شناختیم به ما داد و ما هم سفارش دادیم که از ایران برایمان بیاورند؛ بعد از تشکیل جبهه ملی در خارج از کشور هم، بخصوص در اروپا آن کتاب از اولین کتاب هایی بود که خواندن آن را به اعضاء جبهه ملی توصیه می کردیم. او سالها بعد از آن بارها اصل آن نامه را جست و جو کرده بود و از اینکه هرگز آن را نیافت بسیار متأسف بود و خود را نمی بخشید. تأثیر این پاسخ دکتر مصدق به نامه ی وی و بخصوص عمل وی، یعنی ارسال آن کتاب ها را، که در شروع پیشرفت فرهنگ تاریخی همه ی ما که هنوز بسیار جوان بودیم در آن زمان تأثیری غیر قابل انکار بجا گذاشت نمی توان کم بها داد. و چه بسا که پیدایش علاقه ی شدید تاریخ سیاسی معاصر ایران در خسرو شاکری زند و شکوفایی قریحه ی تاریخنگاری در وی از همانجا آغاز شده باشد.

۲- واقعیت درباره ی تماس با دفتر اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد.

درباره ی تماس او با دفتر اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد، در زمانی که پرویز نیکخواه و دوستانش در معرض صدور حکم اعدام قرار داشتند، بسیار گفته شده اما این گفته ها گاه مبالغه آمیز نیز بوده؛ حال آنکه موفقیت دبیر بین المللی کنفدراسیون در این زمینه آنقدر مهم بود که برای درک اهمیت کارش نیازی به مبالغه وجود نداشت.

در آن زمان ما از جمله کارهایی که کرده بودیم یکی هم برگذاری اعتصاب غذای بزرگی بود در شهر کارلسروهه ی آلمان. در زمانی که ۹ روز از آغاز آن گذشته شده بود و اکثر اعتصاب کنندگان به بیمارستان برده شده بودند و هنوز چند تن از ما، از جمله زنده یادان منوچهر حامدی و محمود راسخ افشار، در حال اعتصاب بودیم و فعالیت های دبیر بین المللی را از نزدیک دنبال می کردیم خبر شدیم که وی توانسته است به کمک دفتر برتراند راسل در لندن که با آن رابطه ای قدیمی تر داشت با دفتر دبیر کل سازمان ملل تماس برقرار کند و با رییس دفتر دبیر کل گفتگو کند. چنانکه گفتیم در روز نهم بود که او از تلفنی دیواری که در محل اعتصاب غذا، شیبستان ماندنی متعلق به یکی از سازمان های پروتستانتهای آلمان، یافت می شد برای چندمین بار با رییس دفتر دبیر کل گفتگو می کرد که ناگهان به من که در حال اعتصاب غذا در کنار او ایستاده بودم رو کرد و گفت اوتانت طی تلگرافی به شاه از او خواسته که قول دهد که به هیچ وجه جان اعضاء سابق کنفدراسیون که متهم به توطئه علیه جان او شده بودند در معرض تهدید قرار نگیرد؛ او از همان تلفن

دیواری از رییس دفتر دبیرکل سازمان ملل خواست تا متن تلگراف را به وی دیکته کند، و بلافاصله آن را در محل اعتصاب غذا به اطلاع حاضران رسانید.

این کار اوتانت برای ما موفقیتی بزرگ بود که آن را مدیون همت و ابتکار دبیرملی کنفدراسیون بودیم و به همین جهت با اعلام پیروزی پایان اعتصاب غذا را اعلام کردیم. اما چنانکه گفته شد، او شخصاً با دبیرکل سازمان ملل گفتگو نکرده بود و آنچه برای ما حائز اهمیت بود آن تلگراف بود نه دیدار دبیر بین المللی با دبیر کل سازمان ملل.

۳ - واقعیت روابط با جبهه ملی

چند مورد خواندم که «خسرو شاکری از جبهه ملی برید». لازم است توضیح دهم که او که خود یکی از بنیادگذاران سازمان های جبهه ملی ایران در اروپا بود هیچگاه از جبهه ملی به معنی راه و اندیشه ی آن و حتی اعضاء و تشکیلات آن نبرید و تا آخرین روزهای حیات نگران حیات آن بود.

در اواخر سالهای شصت پس از اینکه هیئت نمایندگی کنفدراسیون که به یک کنگره ی سازمان ملی دانشجویان عراق رفته بود و در قرانت پیام کنفدراسیون، به ملاحظه روابط تیمور بختیار با صدام حسین، و لایذ تحت فشار سازمان میزبان، از خواندن نام او خودداری کرده بود، از این بابت مورد انتقاد شدید وی قرار گرفت و او از سازمان خواست که به عمل هیئت که مرتکب آن شده بودند و از اعضاء جبهه ملی اروپا نیز بودند رسیدگی شود. پس از آنکه به یادآوری هایش ترتیب اثر لازم داده نشد، از آنجا که ایرادهای دیگری هم از همین قبیل داشت که توجه کافی به آنها نشده بود عدم تحمل این وضع را به این صورت بیان کرد که بگوید «من استعفا می دهم».

اما این به هیچ وجه به معنی قطع رابطه ی او با تشکیلات و عدم همکاری نبود. لیکن چون او از کار سازمانی تصویری دقیق تر و منظم تر داشت خواست نشان دهد که این وضع را قبول ندارد و تحمل نمی کند.

به همین ترتیب به جبهه ملی ایران، یعنی داخل کشور و رهبران آن نیز ایراد های زیادی داشت که در خاطراتی که از خود باقی گذاشته از آنها سخن گفته؛ اما هیچگاه او نه سازمان دیگری را بجای جبهه ملی برگزید نه از همکاری فعالانه با آن خودداری کرد. درباره ی دکترین سیاسی جبهه ملی، مانند همه ی ما از همان ابتدا می دانست که ما یک جبهه ایم و در میان ما همه نوع مسلک سیاسی تا جایی که با استقلال کشور و اصول دموکراسی منافات نداشته باشد جای خود را دارد؛ و در عمل هم همین طور بود. تمایلات سیاسی چپ او که در میان ما منحصر به او نبود به هیچ وجه در قضاوت وی نسبت به جبهه ملی ایران دخیل نبود.

۴- در همین زمینه باید به نکته ی دیگری مربوط به تحقیقات و کتاب های او اشاره شود. در بسیاری از نوشته هایی که پس از درگذشت وی منتشر شد او را مورخ جنبش چپ نامیده بودند. در اینکه شاید چپ ایران مورخی به باریک بینی او و دیدگاه نقادانه اش نداشته است سخنی نیست. و نیز اینکه کارهای مهم خود را در این زمینه آغاز کرد نیز همچنین. اما محدود ساختن کار او به این زمینه نادرست است و شاید حتی جانبدارانه باشد. در واقع او هم مورخ چپ بود و هم مورخ نهضت ملی و حتی بطور کلی متخصص تاریخ سیاسی معاصر ایران.

آثاری که او به زمینه ی اخیر اختصاص داد اگر از آن بخش نخست مهم تر نباشند اهمیت کمتری هم ندارند؛ مانند کتاب وی درباره ی احمد قوام که در نوع خود یک دوره ی کامل تاریخ ایران پس از شهریور بیست است؛ یا کتاب او درباره ی زندگی سیاسی مصدق که با وجود آماده بودن مدت مدیدی است که به دلالتی که فرصت ببانش نیست در انتظار انتشار مانده است. و حتی کتاب میلاد زخم وی درباره ی جنبش جنگل با وجود عنوان دوم آن، یعنی جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران؛ از آنجا که این کتاب به جنبش کوچک خان اختصاص دارد و می دانیم که این جنبش در اصل یکی از تدابیر ملی و میهنی بوده که در برابر اشغال ایران در جنگ جهانی اول از طرف عده ای از ایرانیان به سرکردگی کوچک خان که از مشروطه خواهان بنام دوران استبداد صغیر بود، در پیش گرفته شد و در نتیجه، با وجود تحولات بعدی جنبش جنگل، کتاب میلاد زخم نمی تواند کتابی صرفاً درباره ی جنبش چپ محسوب گردد. در همین زمینه باید به رابطه ی او با مارکسیسم نیز اشاره ای اجمالی بکنم. باز بسیار گفته شد که او مارکسیست بوده است. در این مورد باید گفت که وی به هیچ طرز فکر و مکتبی بطور دگماتیک عقیده نداشت. مطالعات وسیع او درباره ی حزب توده، درباره ی استالینیسم، و حتی درباره ی انحرافات لنینیسم از سوسیالیسم مارکس او را آگاه کرده بود که اعتقاد دگماتیک خشک و متعصبانه می تواند هر دکترینی را فاسد کند. همچنین اطلاعات وسیعش درباره ی مارکس و زندگی و آثار او به وی آموخته بود که همانطور که دکترین مارکس در زمان حیاتش دائماً در حال تحول بوده بعد از مرگ آفریننده ی آن نیز می بایست تحول می یافت؛ اعم از آنکه آن را مارکسیسم بنامیم یا نه. چنانکه می دانست که مارکس خود نیز گفته بود «من مارکسیست نیستم» و زمانی که ما، هر دو، این جمله ی مارکس را در کتاب بزرگ ماکسیمیلیان روبل (Maximilien Rubel)، موسوم به «مارکس علیه مارکس» (Marx contre Marx) خوانده بودیم، از آنجا که می دانست، به قول مسیحیان اروپا «نمی توان از پاپ کاتولیک تر بود»، با لیخندی آن جمله را تفسیر می کرد، چنانکه این ضرب المثل معروف لاتینی را نیز که می گوید «درهیچ امر شک را از یاد مَن» (de omnibus dubitandum)، و از ضرب المثل های مورد علاقه ی مارکس نیز بود، تکرار می کرد. حتی علمگرایی (scientisme) دوران جوانی او هم (که باید در مورد مارکس و انگلس هم یادآور شد که، آنان نیز با وجود فیلسوف بودنشان، از آنجا که از متفکران قرن نوزدهم بودند علم گرایی از خصوصیات هر دوی آنان نیز بود)، در دهه های اخیر با خواندن آثار برخی از معرفت شناسان، مانند پُل فیرابند (Paul Feyerabend) تعدیل شده بود. در دورانی که بسیاری از مارکسیست های قدیمی دیگر از مارکسیست نامیدن خویش خودداری می کردند، اما بسیاری از فرهیختگان غربی هم بودند که از نفی سیستماتیک آموزش مارکس خودداری می کردند و خود را مارکسی - مارکسین marxien می نامیدند خسرو شاکری زنده نیز که همیشه گفته بود من از مارکس تنها به عنوان «متد» استفاده می کنم، چنانکه در پیام آقای دکتر و هاب زاده نیز می خوانیم، می گفت «من مارکسی هستم».

۱- در جلسه، این سخنان که ابتدا به فارسی نوشته شده بود، به علت حضور همکاران و دوستان فرانسه زبان خسرو شاکری زنده، در ترجمه ی فرانسه ی آنها بیان گردید.

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

سخنان علی شاکری زند در مجلس بزرگداشت خسرو شاکری زند

"در اواخر سال‌های شصت پس از اینکه هیئت نمایندگی کنفدراسیون که به یک کنگره‌ی سازمان ملی دانشجویان عراق رفته بود و در قرائت پیام کنفدراسیون، به ملاحظه روابط تیمور بختیار با حسن البکر، و لابد تحت فشار سازمان میزبان، از خواندن نام او خودداری کرده بود، از این بابت مورد انتقاد شدید وی قرار گرفت و او از سازمان خواست که به عمل هیئت که مرتکب آن شده بودند و از اعضا جبهه ملی اروپا نیز بودند رسیدگی شود. پس از آنکه به یادآوری‌هایش ترتیب اثر لازم داده نشد، از آنجا که ایرادهای دیگری هم از همین قبیل داشت که توجه کافی به آنها نشده بود عدم تحمل این وضع را به این صورت بیان کرد که بگوید «من استعفاء می‌دهم»." (نقل از "نکاتی از زندگی خسرو شاکری زند و سبب درگذشت وی، سخنان علی شاکری زند در مجلس بزرگداشت خسرو شاکری زند". پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۹۴ ه.ش.).

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

جنبش مسلحانه ایران و سازمان‌های خارج از کشور

BBC NEWS | فارسی

صفحه اول کرونا پخش زنده ویدیو تلویزیون رادیو ایران افغانستان جهان ها

جنبش مسلحانه ایران و سازمان‌های خارج از کشور

۱۸ بهمن ۱۳۸۹ - ۷ فوریه ۲۰۱۱

به روز شده در ۲۰ بهمن ۱۳۸۹ - ۹ فوریه ۲۰۱۱

با فرارسیدن ۱۹ بهمن ۱۳۸۹، چهل سال از رخداد سیاهکل می‌گذرد. در آن زمان من جوانی ۲۸ ساله بودم که در آلمان به سر می‌بردم و همزمان عضو کنفدراسیون جهانی، عضو هیئت اجراییه "جبهه ملی ایران خارج از کشور" و همچنین عضو محفل نیمه مخفی "کارگر" بودم که گروهی مارکسیستی بود.

بنابراین در کوران مبارزات سیاسی آن زمان قرار داشتم و رخداد سیاهکل و پیدایش جنبش‌های مسلحانه در ایران در زندگی من بی‌تأثیر نبود.

روایت سیاهکل

در زمانی که من در آلمان می‌زیستم و بدون آنکه از فعالیت‌های سیاسی برادر کوچکم ایرج با خبر باشم، او با کسانی چون البرز محرابی، عباس دانش بهزادی و محمدعلی محدث قندچی در دوران تحصیل در دانشکده دامپزشکی تهران دوست بود و آنها با هم "مطالعات مارکسیستی" می‌کردند.

علاوه بر آن محمدعلی محدث قندچی دوست خانوادگی برادرم بود و برای دیدار برادرم هر از چند گاهی به خانه ما می‌آمد. همین دوستی سبب شد تا برادرم به همراه عباس دانش بهزادی و محمدعلی محدث قندچی برای

آغاز جنبش مسلحانه پارتیزانی به سیاهکل برود. برادرم اما چند روز پیش از آغاز مبارزه مسلحانه دچار تردید و دو دلی شد و بدون آنکه به دوستان خود بگوید، از کوه به تهران بازگشت و پس از سه روز اقامت در تهران به سر کار خود که در دوگنبدان در استان لرستان بود، رفت.

بنا بر اسناد "ساواک" که در نخستین جلد کتاب "چریک‌های فدایی خلق، از نخستین کنش‌ها تا بهمن ۱۳۵۷" انتشار یافته، دیگران که در سیاهکل ماندند، پنداشتند برادرم در هنگام جمع‌آوری هیزم از کوه پرت شده و مرده است. آنها حتی کوشیدند جسد او را بیابند، اما این تلاش بی‌نتیجه ماند. از ۹ تنی که در جنبش سیاهکل شرکت داشتند، هادی خدا بنده پیش از آنکه مبارزه آغاز شود، در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ توسط مردم دهکده خسب‌لات دستگیر و به ژاندارمی تحویل داده شد.

علی اکبر صفائی فراهانی، هوشنگ نیری و جلیل انفرادی برای رهایی خدا بنده در غروب همان روز به پاسگاه سیاهکل حمله کردند که طی آن یک ژاندارم کشته و جلیل انفرادی نیز اشتبهاً توسط صفائی فراهانی زخمی شد.

آن سه پس از حمله موفقیت آمیز به پاسگاه به دهکده چهلستون رفتند و در آنجا توسط مردم آن روستا دستگیر و دست و پا بسته به ژاندارمری تحویل داده شدند.

در نخستین برخورد نظامی میان مابقی اعضاء گروه با نیروهای نظامی دولتی، صمیمی‌ترین دوست برادرم محمدعلی محدث قندچی ترسید و گریخت و خود را پنهان ساخت و پس از هشت یا نه روز گرسنگی خود را در ۷ اسفند به روستائی رساند و ژاندارمری با راهنمایی مردم روستایی توانست او را دستگیر کند.

عباس دانش بهزادی، احمد فرهودی، رحیم سماعی و مهدی اسحاقی پس از چند روز سرگردانی تصمیم می‌گیرند خود را تسلیم نیروهای دولتی کنند، اما با مقاومت آنها روبه‌رو و مجبور می‌شوند با نیروهای نظامی بجنگند که طی آن سماعی و اسحاقی کشته شدند و فرهودی زخمی و اسیر گشت و دانش بهزادی توانست از معرکه در رود، اما توسط مردم شناسایی شد و ژاندارم‌ها او را دستگیر کردند. در رخداد سپاهکل به جز رحیم سماعی و مهدی اسحاقی، یک غیرنظامی و همچنین ۵ نظامی کشته شدند.

دو دوست برادرم، عباس دانش بهزادی و محمدعلی محدث قندچی، پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه سرانجام کسانی را که گرفتار نشده بودند، "لو" دادند و در این رابطه ساواک توانست رد برادرم را بیابد. او را در قطار و هنگام سفر به دوگنبدان دستگیر کردند و آن چنان شکنجه دادند که ۳ روز بیهوش بود.

تا ۶ ماه خانواده من نمی‌دانست بر سر برادرم چه آمده است و مقامات دولتی هم به آنها خبری مبنی بر دستگیر شدنش ندادند. برادرم پس از تحمل شکنجه‌های سنگین دانستنی‌های خود را در اختیار "ساواک" قرار داد و از آنجا که در ماجرای سپاهکل مستقیماً شرکت نداشت و "ساواک" نتوانست مدارک بیشتری علیه او به دست آورد، پس از چندی از زندان آزاد شد و توانست از آن معرکه جان سالم به در برد. من از این ماجرا هنگامی با خبر شدم که برادرم از زندان رها گشت.

اما دو دوست مبارز برادرم عباس دانش بهزادی و محمدعلی محدث قندچی همراه با دیگر اعضاء "گروه جنگل" و بخشی از اعضاء "گروه شهر" توسط دادگاه نظامی رژیم به اعدام محکوم و به فرمان مستقیم محمدرضا شاه در سحرگاه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ تیرباران شدند. آنها جان خود را برای تحقق آرمان‌های انسانی خویش فدا کردند.

دولت ایران در زمان سلطنت محمدرضا شاه به‌خاطر همسایگی با روسیه شوروی، به‌خاطر داشتن منابع سرشار نفت و همکاری نیمه مخفی با اسرائیل، یکی از متحدین مهم غرب در منطقه بود و حتی ایالات متحده و انگلستان برای کاستن هزینه نظامی خود در خلیج فارس، مسئولیت "ژاندارم منطقه" را به ارتش ایران واگذارند.

در آن زمان رسانه‌های خبری غرب چنین وامی‌نمودند که شاه در پی ساختن ایرانی مدرن است و در نتیجه در برابر جنایات و فساد آن رژیم سکوت می‌کردند. به همین دلیل کنفدراسیون، یعنی یکی از سازمان‌هایی که من عضو آن بودم، می‌کوشید با انتشار اسناد فساد مالی خانواده پهلوی، تهیه گزارش از پایمالی حقوق اساسی مردم توسط نهادهای سرکوب دیکتاتور ایران، چهره واقعی استبدادی رژیم شاه را به افکار عمومی جهانیان بشناساند.

به‌همین دلیل کنفدراسیون از مبارزات همه مردم ایران، از نیروهای مذهبی گرفته تا نیروهای ملی و چپ، و همچنین از مبارزات صلح‌آمیز تا مسلحانه پشتیبانی می‌کرد و توفیری میان اشکال مبارزات آن نیروها نمی‌گذاشت.

به نظر من کنفدراسیون یکی از بهترین سازمان‌های دموکراتیک تاریخ ایران بود که در آن گروه‌ها و افراد مختلف با داشتن بینش‌ها و باورهای مختلف در کنار هم و با هم برای یک هدف مشترک، یعنی دفاع از حقوق پایمال شده مردم ایران مبارزه می‌کردند.

جبهه ملی خاورمیانه

من از دسامبر ۱۹۶۸ تا تابستان ۱۹۷۱ در دو دوره یکی از اعضای هیئت اجرائیه پنج نفره "جبهه ملی خارج از کشور" بودم. در دوره دوم سه تن از اعضای هیئت اجرائیه جبهه ملی هزمان عضو گروه مارکسیستی "کارگر" و دو تن دیگر بنا بر اطلاعاتی که اینک از آن برخوردارم، عضو گروه مارکسیستی-لنینیستی "ستاره" بودند.

در آن زمان، منوچهر کلانتری که دانی بیژن جزنی و یکی از اعضای اولیه گروه جزنی بود، در انگلستان به سر می‌برد. تقریباً شش ماه پیش از رخداد سیاهکل یکی از خویشاوندان کلانتری که در آمریکا تحصیل می‌کرد و عضو جبهه ملی آمریکا بود، به اروپا آمد و به ما خبر داد که در ایران نیرویی چریکی به وجود آمده است و می‌خواهد مبارزه پارتیزانی علیه رژیم را آغاز کند و اینک چند تن از اعضای این گروه در خاورمیانه به سر می‌برند و جبهه ملی می‌تواند از طریق او با آنها رابطه برقرار کند.

همین مسئله سبب شد تا اندیشه ایجاد "جبهه ملی خاورمیانه" به وجود آید، زیرا از یک سو می‌توانستیم با اعضای سازمان‌های چریکی که برای آموزش تعلیمات نظامی و تهیه اسلحه به عراق و فلسطین می‌آمدند، رابطه برقرار سازیم و با پیوند نیروهای درون و بیرون و ایجاد جبهه بزرگ‌تری از نیروها به ابعاد مبارزه با رژیم شاه بیفزاییم و از سوی دیگر، می‌توانستیم به تبلیغ مبارزه میان بسیاری از ایرانیان پردازیم که برای حج و زیارت مقبره‌های امامان شیعه به عربستان، عراق و سوریه سفر می‌کردند.

در آن زمان این باور وجود داشت هرگاه بتوانیم بخش اندکی از آن توده را جلب کار سیاسی مخفی کنیم، در آن صورت مبارزه با رژیم خودکامه شاه می‌توانست از کیفیت و کمیت نوینی برخوردار گردد.

دو عضو هیئت اجرائیه که در عین حال عضو گروه "ستاره" بودند، خود را داوطلب رفتن به خاورمیانه و تأسیس "جبهه ملی خاورمیانه" کردند.

در آن زمان قرار بر این بود که "جبهه ملی خاورمیانه" سازمانی مخفی باشد تا رژیم شاه نتواند اعضای آن را در تبانی با رژیم بعثی عراق دستگیر و همچنین ساواک نتواند در آن نفوذ کند. اما متأسفانه چنین نشد، زیرا رقاباتی که به خاورمیانه رفتند، بسیار زود و بدون تصمیم اکثریت اعضای هیئت اجرائیه با برگزاری یکی دو تظاهرات در بغداد و چاپ عکس تظاهرکنندگان در روزنامه‌های عراقی موجودیت آن سازمان را علنی ساختند.

این کار در خدمت منافع آن روز رژیم عراق قرار داشت، زیرا در آن دوران، رژیم شاه از جنبش خودمختاری کردهای عراق به رهبری مصطفی بارزانی پشتیبانی می‌کرد و رژیم عراق نیز با کمک مالی و سیاسی به "جبهه ملی خاورمیانه" و حتی چریک‌هایی که به آن کشور رفت و آمد می‌کردند و از آنجا به لبنان و اردن می‌رفتند، کوشید رژیم شاه را مورد فشار متقابل قرار دهد.

همین امر سبب شد تا آن بخش از اعضای هیئت اجرائیه که به گروه "ستاره" وابسته بود، در خاورمیانه راه دلخواه خود را در پیش گیرد و حتی روابط خود با سازمان‌های فدایی و مجاهدین را از ما، یعنی مابقی اعضای

هیئت اجراییه پنهان نگاه دارد.

پس از رخداد سیاهکل شکاف میان دو بخش هیئت اجراییه بیشتر شد، زیرا جبهه ملی خاورمیانه که نشریه "باختر امروز" را انتشار می‌داد، بدون مشورت با ما و بدون آنکه مصوبه‌ای از سوی کنگره و یا دیگر ارگان‌های جبهه ملی صادر شده باشد، به‌هواداری بی‌چون و چرا از آن جنبش پرداخت، در حالی که نه فقط ما، بلکه نیروهای مائوئیست و نیز هواداران روسیه شوروی در خارج از کشور برای آن جنبش چشم‌اندازی نمی‌دیدند.

منوچهر حامدی یکی از دو عضو هیئت اجراییه جبهه ملی خارج از کشور بود که برای ایجاد شاخه خاورمیانه این سازمان به آن منطقه رفت. او که در آغاز عضو گروه "ستاره" بود، پس از ایجاد "گروه اتحاد کمونیستی" عضو آن گروه گشت و به نمایندگی آن گروه به ایران رفت و در سال ۱۳۵۶ در یکی از "خانه‌های امن" سازمان چریک‌های فدایی خلق در رشت توسط پلیس کشته شد. یادش گرامی! در آن دوران چون بیشتر گروه‌های مائوئیست از خط سیاسی چین پیروی می‌کردند، پا را در یک کفش کرده بودند که در ایران مناسبات "نیمه فئودالی و نیمه مستعمره" حاکم است و در نتیجه راه مبارزه مسلحانه آنها، راه "محاصره شهرها از طریق روستاها" بود و در این راه نیز تلاش‌هایی در کردستان و مناطق قشقایی نشین ایران کردند، اما همه آن تلاش‌ها ناکام ماند.

پس از رخداد سیاهکل یک بخش کوچک از مائوئیست‌های سابق که در حال گسست از مائوئیسم بود، هوادار جنبش چریک شهری شد و پس از آمدن اشرف دهقانی به اروپا توانست به تدریج زمینه را برای همکاری مشترک با او هموار سازد.

ما، یعنی مارکسیست‌های مستقلی که نه از شوروی و نه از چین و آلبانی پیروی می‌کردند و مناسباتی را که در آن کشورها وجود داشت، اقتصاد دولتی و نه مناسبات سوسیالیستی می‌پنداشتند، رهایی طبقه کارگر را وظیفه خود این طبقه می‌دانستیم و بر این باور نبودیم که بتوان با مبارزات چریکی شهری رژیم شاه را سرنگون ساخت.

نمونه‌های تاریخی نیز نشان دادند که گسترش این روش مبارزه همه جا سبب افزایش اختناق گشت. بنابراین برای آنکه طبقه کارگر بتواند از پس کار سترگ رهایش خود برآید، باید به طبقه‌ای آگاه بدل می‌گشت.

ما در آن زمان ضعف تئوریک جنبش کارگری را پاشنه آشیل آن جنبش پنداشتیم و با انتشار نشریه "کارگر" به صورت گاهنامه کوشیدیم در حد توان خود مسائل و مشکلات ایران را با دامن زدن به بحث‌های تئوریک با روش دیالکتیک مارکس مورد بررسی قرار دهیم.

در همین رابطه طی سال‌های ۵۲-۱۳۵۱ چند مقاله در رد مبارزه مسلحانه و رد "تئوری بقاء" امیر پرویز پویان انتشار دادیم و همچنین در سال ۱۳۵۳ تئوری "جامعه نیمه فئودال و نیمه مستعمره" مائو را به مثابه تئوری ضد مارکسی نقد کردیم.

در کنار آن، کتاب‌های "آنتی دورینگ" فریدریش انگلس، "ایدئولوژی آلمانی" مارکس و انگلس و "مبارزات طبقاتی در فرانسه" مارکس را به فارسی برگرداندیم و انتشار دادیم.

اختلاف و انشعاب

سرانجام وجود اختلاف‌نظرهای تئوریک با گروه "ستاره" و تلاش آن گروه برای تبدیل "جبهه ملی خارج از کشور" به سازمان دنباله رو جنبش چریکی سبب شد تا گروه "کارگر" خود را از جبهه ملی خارج از کشور کنار کشد. ما از آن

پس در چارچوب کنفدراسیون به فعالیت‌های خود در پشتیبانی از مبارزات دمکراتیک مردم ایران ادامه دادیم. البته پس از تشکیل گروه "کارگر" ما همچنان عضو جبهه ملی باقی ماندیم، زیرا بر این باور بودیم که تحقق جامعه سوسیالیستی در کشوری عقب‌مانده چون ایران کار امروز و فردا نیست و بلکه آنچه در دستور روز قرار دارد، تحقق دولت دمکراتیک و متکی بر قانون در ایران است.

به‌همین دلیل در دورانی که من و دوستانم در رهبری جبهه ملی سهیم بودیم، توانستیم در کنگره‌ای که چند ماه پس از رخداد سیاهکل در تابستان ۱۳۵۰ در آلمان تشکیل شد، شعار "استقرار حکومت ملی هدف جبهه ملی ایران است"، را به شعار "استقرار حکومت دمکراتیک ملی هدف جبهه ملی ایران است"، تغییر دهیم، زیرا حکومتی می‌تواند ملی باشد، اما دمکراتیک نباشد.

همچنین بر این باور بودیم که با این شعار می‌توان از قانون اساسی مشروطه فراتر رفت، که بنا به اصل ۳۵ آن "سلطنت و بعه‌ای" بود که "به‌موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده" بود. گروه ما هرگز نکوشید "جبهه ملی" را به جریانی مارکسیستی بدل سازد، زیرا بر این باور بودیم که بدون مطالعه و فهم آثار کلاسیک مارکسیستی نمی‌توان مارکسیست شد. به همین دلیل ما در درون جبهه ملی کوشیدیم از مبارزه مردم ایران با رژیم شاه پشتیبانی کنیم، حتی اگر این مبارزات دارای سویه دینی و یا مبارزه مسلحانه پارتیزانی و چریک شهری بودند.

ما بر این باور بودیم که جبهه ملی باید از حقوق فردی و اجتماعی همه زندانیان سیاسی دفاع کند و این کار به‌معنی تأیید و یا تکذیب سیاست و ایدئولوژی آن گروه‌ها و افراد نخواهد بود و بلکه دفاع از زندانیان سیاسی به معنی دفاع از حقوق اساسی آنها خواهد بود که در قانون اساسی مشروطه تضمین شده بودند و رژیم شاه آن حقوق را روزمره پایمال می‌کرد.

به‌همین دلیل نیز در دورانی که من و دوستانم عضو هیئت اجراییه جبهه ملی بودیم، در روزنامه "ایران آزاد" ارگان رسمی "جبهه ملی خارج از کشور" اخبار مبارزات همه گروه‌ها و از آن جمله "روحانیت مترقی" به رهبری آیت‌الله خمینی و سازمان‌های چریکی را نیز انعکاس می‌دادیم.

همچنین پس از انتشار خبر اعدام ۱۳ تن از چریک‌های فدایی که در رخداد سیاهکل مستقیم و یا غیرمستقیم سهیم بودند، در نشریه "ایران آزاد" چندین مقاله تحلیلی در تمجید و بزرگداشت آن مبارزان نوشتیم و در فروردین ۱۳۵۰ یادآور شدیم که "ما اصولاً با پرنسپ ترور فردی به‌خاطر از بین بردن این و آن پیچ مهره ارتجاع و امپریالیسم در ایران به تصور اینکه بتوان حکومت وابسته به امپریالیسم را سرنگون ساخت، موافقتی نداریم." با این حال ترور فرسیو را گامی در جهت ارتقاء جنبش دانستیم. همچنین در مقاله دیگری کوشیدیم "سیاهکل" را از "چشم‌انداز دیگری" مورد بررسی قرار دهیم.

از جنگ پارتیزانی و چریک شهری تا مبارزات تروریستی سازمان چریک‌های فدایی خلق در آغاز با ایجاد تیم‌های "جنگل" و "شهر" کوشید مبارزه خود را به مبارزه‌ای پارتیزانی بدل سازد، یعنی در مناطقی از جامعه شرائطی را به وجود آورد که زندگی در آن بیرون از حوزه اقتدار رژیم سرکوبگر قرار داشته باشد.

مبارزه پارتیزانی باید با آسیب رساندن به نیروهای نظامی رژیم به تدریج منطقه‌ای را که پارتیزان‌ها در آن حرف آخر را می‌زنند، گسترش دهد تا بتواند منطقه تحت کنترل خود را به "منطقه آزاد" بدل سازد، اما نخستین گام در این

مسیر با شکست روبه رو شد و از آن پس چریک‌های فدایی دیگر به دنبال مبارزه پارتیزانی نرفتند و در عوض تحت تأثیر مبارزات چریک شهری توپاماروها قرار گرفتند.

ابزار مبارزه چریک شهری بسیار متنوع است. چریک شهری می‌تواند با پخش "شبنامه" رژیم استبدادی را افشاء کند؛ می‌تواند با خرابکاری در زیرساخت اجتماعی، ناتوانی رژیم را در تأمین نیازهای بلاواسطه مردم نمایان سازد؛ می‌تواند با سرقت بانک‌ها از یک سو هزینه "انقلابیون حرفه‌ای" خود را تأمین کند و از سوی دیگر، مدعی مبارزه با امپریالیسم گردد؛ و سرانجام آن که می‌تواند با دست زدن به ترورهای سیاسی و ربودن چهره‌های سیاسی و اقتصادی ناتوانی رژیم را در تأمین امنیت برای هیئت حاکمه آشکار کند.

چریک‌های فدایی از همه این اشکال مبارزه استفاده کردند، آنها پس از سرقت بانک‌ها، اعلامیه‌های افشاگرانه خود را پخش کردند، آنها کوشیدند با انفجار دکل‌های برق سراسری ناکارآمدی زیرساخت اجتماعی را در رابطه با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله که شاه در تخت جمشید برگزار کرد، نمایان سازند. آنها با ترور فرسیو که یکی از چهره‌های سرکوبگر رژیم بود، کوشیدند عدم امنیت کسانی را که با خشونت خواست‌های مشروع توده‌ها را سرکوب می‌کردند، آشکار سازند.

اما هر اندازه سرکوب رژیم شدیدتر شد و چریک‌های فدایی بیشتر آسیب دیدند، در نتیجه برای حفظ خود از یک سو مجبور شدند برخی از اعضاء خود را که حاضر به ادامه راه مبارزه چریکی و زندگی مخفی نبودند، سربه نیست کنند و از سوی دیگر با کشتن کسی چون فاتح که کارخانه‌دار بود، کوشیدند به کارگران چنین بنمایانند که سازمان چریک‌ها از منافع کارگران در برابر سرمایه‌داران "بدجنس" و "استثمارگر" دفاع خواهد کرد.

اما می‌دانیم که استثمار ذاتی شیوه تولید سرمایه‌داری است و بدون آن سرمایه‌دار نمی‌تواند به ارزش سرمایه خود بی‌افزاید و بدون ارزش‌افزایی، سرمایه‌دار انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، تولید فرآورده‌های نو و ... نخواهد داشت.

چکیده آنکه هر اندازه به دامنه سرکوب رژیم افزوده‌تر شد، به تدریج سازمان چریک‌های خلق از مبارزات چریک شهری به مبارزات تروریستی گرایش بیشتری یافت.

همچنین پیدایش جنبش چریکی در ایران بر زندگی ما ایرانیان خارج از کشور که علیه رژیم شاه مبارزه می‌کردیم، بی‌تأثیر نبود.

از یک سو رژیم شاه با اعزام مشتی نیروهای امنیتی خود به‌عنوان دانشجو، کوشید در کنفدراسیون نفوذ کند؛ از سوی دیگر سازمان‌های فدایی و مجاهدین توانستند برخی از اعضاء خود را به خاورمیانه و حتی اروپا بفرستند و با ارسال پیام به کنگره‌های کنفدراسیون از دانشجویان خواستند هژمونی سیاسی آنها را بپذیرند و به پشت جبهه شان بدل گردند.

این وضعیت سبب شد تا بسیاری از دانشجویانی که تحت تأثیر جنبش چریکی قرار گرفته بودند و برای چریک‌ها احترام زیادی قائل بودند، زیرا آنها از جان خود می‌گذشتند، به امید آنکه جنبش مبارزاتی قهرآمیز آنها به جنبش توده‌ای ضد امپریالیستی بدل گردد.

پیوستن این دانشجویان به کنفدراسیون سبب شد تا هواداران جبهه ملی که بی‌چون و چرا از جنبش چریکی هواداری می‌کرد، در کنفدراسیون به نیروی تعیین‌کننده بدل گردند.

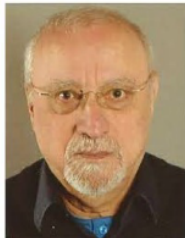
شاید یکی از دلایل انشعاب در کنفدراسیون همین وضعیت بود. هواداران "سازمان انقلابی حزب توده" که در آن زمان به اقلیتی کم‌اهمیت بدل شده بودند، شاید برای آنکه مجبور به دنباله روی از جنبش چریکی و سازمان‌هایی نشوند که از الگوی چینی مبارزه پیروی نمی‌کردند، با طرح این نکته که کنفدراسیون نباید از زندانیان حزب توده دفاع کند، زیرا آنان عوامل "سوسیال امپریالیسم روسیه شوروی" هستند، زمینه را برای انشعاب در کنفدراسیون هموار ساختند.

انشعاب‌های متعدد در کنفدراسیون نیز سبب شد تا آن بخش از کنفدراسیون که خود را موظف به هواداری بی‌چون و چرا از جنبش‌های چریکی می‌دید، نتواند در انعکاس مبارزات چریکی در افکار عمومی اروپا و آمریکا از موفقیت چندانی برخوردار شود.

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

جنبش مسلحانه ایران و سازمان‌های خارج از کشور



"... اما متأسفانه چنین نشد، زیرا رفقای که به خاورمیانه رفتند، بسیار زود و بدون تصمیم اکثریت اعضاء هیئت اجراییه با برگزاری یکی دو تظاهرات در بغداد و چاپ عکس تظاهرکنندگان در روزنامه‌های عراقی موجودیت آن سازمان را علنی ساختند. این کار در خدمت منافع آن روز رژیم عراق قرار داشت، زیرا در آن دوران رژیم شاه از جنبش خودمختاری کردهای عراق به رهبری مصطفی بارزانی پشتیبانی می‌کرد و رژیم عراق نیز با کمک مالی و سیاسی به «جبهه ملی خاورمیانه» و حتی چریک‌هایی که به آن کشور رفت و آمد می‌کردند و از آنجا به لبنان و اردن می‌رفتند، کوشید رژیم شاه را مورد فشار متقابل قرار دهد." (جنبش مسلحانه ایران و سازمان‌های خارج از کشور- نوشته منوچهر صالحی- این نوشته برای نخستین بار در فوریه ۲۰۱۱ در سایت اینترنتی بخش فارسی بی بی سی انتشار یافت).

"... اما متأسفانه چنین نشد، زیرا رفقای که به خاورمیانه رفتند، بسیار زود و بدون تصمیم اکثریت اعضاء هیئت اجراییه با برگزاری یکی دو تظاهرات در بغداد و چاپ عکس تظاهرکنندگان در روزنامه‌های عراقی موجودیت آن سازمان را علنی ساختند. این کار در خدمت منافع آن روز رژیم عراق قرار داشت، زیرا در آن دوران رژیم شاه از جنبش خودمختاری کردهای عراق به رهبری مصطفی بارزانی پشتیبانی می‌کرد و رژیم عراق نیز با کمک مالی و سیاسی به «جبهه ملی خاورمیانه» و حتی چریک‌هایی که به آن کشور رفت و آمد می‌کردند و از آنجا به لبنان و اردن می‌رفتند، کوشید رژیم شاه را مورد فشار متقابل قرار دهد." (جنبش مسلحانه ایران و سازمان‌های خارج از کشور - نوشته منوچهر صالحی - این نوشته برای نخستین بار در فوریه ۲۰۱۱ در سایت اینترنتی بخش فارسی بی بی سی انتشار یافت).

<http://www.manouchehr-salehi.de/Archiv/2011/Siahkal.htm>

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

اعلامیه پان ایرانیست‌ها

ایرانیان گرامی - دانشجویان ارشد

بی گمان همه دانشجویان ایرانی خارج از ایران از جریان گنگره اقتضاج آمیز کنفدراسیون غیرواقعی و آلت دست عناصر خائن و بیگانه پرست که در کارلسروهه تشکیل ولی با ناکامی و شکست روبرو گردید ، با اطلاعیه های بی دریغی انجمن های ملی دانشجویان ایرانی در اروپا که مبنای پرواقعیت های اثباتناپذیر و دلائل و مدارک اثبات کننده خیانت سران کنفدراسیون بود با خبر گشته اند . و باز همگان بر پیور ناخوانمردانه چاقوکشان حرفه ای کنفدراسیون که با تبلیغات حکومت ضد ایرانی آلمان بر «جلسه عقبتگی انجمن ملی دانشجویان کارلسروهه» صورت گرفت و فخر به نابینا شدن چشم راست مهندس الفری دبیر ایرانی‌پرست و با کفایت این انجمن گردید ، و توف کامل دارند و میدانند که عیان این جرثومه های خیانت که چون غلامی خفته به گوش ، نوکری سیاستهای ضد ایرانی را پذیرفته اند و در عمر توطئه ای که به تطمیع ارضی و استقلال میهن ما کوچکترین خدمت های وارد آید ، پیشقراول و در صف مقدم آن قرار خواهند داشت ، به بهانه از نهضت واقعی دانشجویی و پیشگامان و رعروان این جنبش که جز سر بلند و بزرگی و آبادانی ایران و آزادی ملت آن به چیز دیگری نمی اندیشند ، عراسر وادعه دارند بدان که بخیال خود با چاقوکشی و ترور افکار ، این پایمردی و آزادی را در غم شکنند و مبارزان پاکباز رستادیز دانشجویی بیرون از مرزهای ایران را با قیافه درنده و وحشتناک خود و با نشان دادن جاق و دهنه و دیگر تهدیدات مسخره خود از میدان نبرد بیرون کنند . بدون شک اگر این بیگانه پرستان که قبیای گدائی و دیو زگی به آستان بیگانه را بر قامت خود پوشانده اند ، می پندارند که با موی دراز و ریش کشیده و لولیدن در میان هم و در عیش و نوش تنوع آور " گسون " فرورفتن و نگاه به بیست بیگانه پرست خود عریه های ضد ایرانی سردادن مانع از آن میشود که از مبارزه پاکترین و اصیل ترین فرزندان ایران که همیشه با یاد ایران و حماسه جاودان آن زنده اند و بخاطر بزرگی و پیروزی آن با هر نیروی استعماری و ضد ایرانی ستیزی آشتی ناپذیر دارند ، جلوگیری بعمل می آید . خیالی عبت در سر پروراند هاند .

اگر جوانان های دنباله روی این عناصر خیانت پیشه نشان بآن اندازه نرسد که تاریخ مبارزات دودعه گذشته ایران را بخاطر بیاورند ، سردمداران جاسوس کنفدراسیون بخوبی عظمت رزمیهای گذشته این جوانان ایرانی‌پرست را در پهنه ایرانزمین با انبوه بیگانه پرستان و خائنان بیاد دارند و میدانند که هر ایرانی معتقد بیزگی ایران ، یک و تنها در میان یک جهان دشمن از ایرانیت خود که بزرگترین گوهر انسانی اوست تا پای جان دفاع میکند و نه تنها زخمی شدن بلکه مرگ را با آنوس یاز و بخاطر داود انگلی ایران استقبال می نماید . پس ما اکنون اعلام میکنیم ، تا روزی که یک بخائن دوره گرد و یک عنصر مزدور و ایران فروش در صحنه رزم اروپائی ما وجود دارد با همه نیرو و وجود خود چون صاعقه بر سر او فرود خواهیم آمد ، تا او نیز درون شب پرهی که از وصل آفتاب می غراسد و از روشنی و گرمی افکار و اندیشه ما نگران است ، به وادی تنهایی و غلظت خود فروشی پناه برد .

دانشجویان گرامی کنگره اخیر کنفدراسیون رسوا و آلت دست سیاست امپریالیست های جهانخوار شرقی و غربت تنها پرده از روی حقایق بسیاری برداشت ، بلکه خود افشاگر نقش جاسوسی و خیانت پیشگی سران کنفدراسیون بود .

ما در نخستین اعلامیه خود که همزمان با تشکیل کنفدراسیون ضد ایرانی انتشار دادیم ، حقایق نیرقابیل انگاری را مبنی بر تناسبات سران کنفدراسیون با عوامل حکومت " بحث " و تیمور بختیار ، مرد آواره و بی وطن ، در دسترس و قداوت دانشجویان قرار دادیم و باز در آن اعلامیه یاد آور شدیم عناصری که کنفدراسیون را برای غیر دانشجویی و ضد ایرانی کشانده اند ، عناصری معتقد که وابسته به سیاست های استعماری سرخ و سیاه هستند و سران آنها هر روز از پایتخت یکی از این قطبها سردر می آورند و مشغول فرا گرفتن عنوان جاسوسی بر ضد ملت ایران می باشند .

عنوان از پدر این اعلامیه افشاگر حقایق مدت پیش از دو روز نگذشته بود که " زیرخس " دبیر جاسوس و رذل کنفدراسیون که خود یکی از عمین عوامل سرسپرد های بود که در اعلامیه بدان اشاره شده بود ، با عده ای چاقوکش به جلسه عقبتگی و کنفرانس مطبوعاتی دانشجویان ملی کارلسروهه حمله برد و باعث آن یورش تنگین و رسوا کنند های شد که بیگاه خاطره دردناک آن از خاطر دانشجویان و دیگر ایرانیان تا روزگاری که دست عدالت گسواکه مسببین این واقعه را به تمامی نشرد ، زنده نخواهد شد

علت یورش و شیان عوامل خیانت پیشه کنفدراسیون به جلسه عقبتگی دانشجویان ملی کارلسروهه همان انتشار اعلامیه نخستین انجمن ما بود که باعث رسوا شدن " زیرخس " و " نیروضد " گشت و بدنبال انتشار این اعلامیه بود که عده ای از دانشجویان که واقعا از ماجرا و خیانت های پشت پرده اطلاع نداشتند ، مسئولین کنفدراسیون

-۲-

را استیضاح نموده و یا خود اندیشیده‌اند که چگونه عدای مؤردوره گرد و بیگانه پرست توانسته‌اند در لباس مقدس دانشجویی مدتها آن‌ها را اغفال نمایند و همین که گردانندگان کنفدراسیون دریافته‌اند که دیگر نیرنگ‌های گذشته آنان برای فریب دانشجویان وطن پرست موثر نیست، به تکاپو افتاده و برای توجیه خیانت و وطن فروشی خود با انتشار اعلامیه‌ای دولت عراق را متهم به سوء استفاده از صافرت‌های نمایندگی کنفدراسیون به آن کشور نموده و آنرا شدیداً محکوم نموده و تماس با "بختیار" را تندیپ و آنرا شایعه‌ای از طرف خود بختیار بحساب آوردند و نیز در بیانیه‌ای زیر عنوان صحابه مطبوعاتی دشمن کنگره کنفدراسیون اعلام داشتند که اقدامات دولت عراق در اثر بر فراغم ساختن امکانات سیاسی و تبلیغاتی و مالی برای بختیار را شدیداً محکوم و نیز اقدامات بعضی‌ها را خصوصاً علنی با خلع ایراد به حساب می‌آورند. گردانندگان کنفدراسیون که خود بهتر از عرکس دیگری میدانند که به علت خود فروشی‌ها و جاسوسی‌های خود علیه ملت ایران به مدتی از دشمنان ایران دریافت نموده‌اند، با این اقدامات کوشیدند که روی خیانت‌های خود سرپوش بگذارند، ولی ما برای آنکه دانشجویان را واقف به سیاست‌های ضد ایرانی کنفدراسیون بنماییم با ارائه دلائل و مدارک کافی، تضاد اعمال سپاه سران کنفدراسیون را به آنان واگذار می‌نماییم.

۱- دانشجویانی که در کنگره اخیر و ناکام کنفدراسیون شرکت داشته‌اند بخوبی آگاهند که نماینده "حسن البکر" دشمن درجه یک ملت ایران و نوکر استعمار فرتوت انگلیس چند بلیط هواپیمای دوسره در اختیار دبیران کنفدراسیون قرار داد تا آنها بار دیگر به عراق صافرت نموده و دنباله اقدامات خائنانه خویش را از سر بگیرند و ارسال این بلیط بدون هیچگونه تردیدی به اشاره تیمور بختیار، که کنفدراسیون هم ظاهراً او را دشمن ملت ایران میدانند، بوده است. ما از دانشجویان شرکت کننده در کنگره می‌پرسیم که آیا بنظر شما مسئولین کنفدراسیون با پول و همکاری این دشمنان ایران علیه مصالح و منافع ملت ایران و تمامیت ارضی میهن شما اقدام نکرده‌اند؟

۲- در صورتیکه کنفدراسیون اقدامات دولت عراق را محکوم ساخته است، چگونه اجازه داده است که مجدداً حسن ماسالی این دوره گرد بی وطن و سرنایا مشکوک، که این بار در آمریکا تعلیمات جاسوسی خود را گرفته است به اتفاق خسرو کلانتری، جاسوس بی وطن دیگر بنام دبیران موقت کنفدراسیون به عراق صافرت و در کنگره دانشجویان عراقی سخنان البکر نوکر مارکدار امپریالیسم را صبی بر عربی بودن سرزمین خوزستان که مهد دیرین تمدن ایرانی و گهواره شاد منشایی محافضتی است تأیید نمایند و در حقیقت این دو عنصر ناپاک بعنوان فرستادگان کنفدراسیون، تجزیه خوزستان را از دشمنان ایران خواستار شده‌اند.

۳- حسن ماسالی در صحابه مطبوعاتی خود که روز پنجم ژانویه ۱۹۷۰ از رادیو بغداد پخش شد، علناً از سیاست کنونی عراق پشتیبانی و آمادگی کنفدراسیون را در راه خدمت به رژیم ضد ملی و خونخوار عراقی اعلام داشت و همه شما میدانید که حکومت مخلوق استعمار بنام حکومت بعضی عراق همیشه از الحاق خوزستان به عراق، تصاحب آورند رود و عربی بودن خلیج فارس دم می‌زنند و سالهای سال است که با اجرای سیاست "زمین سوخته" در کردستان عراق هزاران مزار نفر را با دم آتش‌زای بمب‌ناپالم از میان برده، خانه‌ها و روستاها و مساجد آنان را ویران کرد و کردستان آنسوی مرزهای ایران را بدل به تل خاکستری نموده است و همچنین با ضرب و جرح و کشتن و غارت اموال ایرانیان و اخراج آنان و توسل به پیشوایان مذهبی شیعه، بزرگترین دشمنی‌ها را با ملت ایران نموده است.

۴- حسن ماسالی و خسرو کلانتری در کاخ حسن البکر با تیمور بختیار ملاقات نموده و او را از پشتیبانی کنفدراسیون مطلع می‌نمایند و پس از موافقت و روبروسی با بختیار، همراه با دینارهای عراقی کاخ دشمنان سیه روی ملت ایران را ترک می‌نمایند.

کدام يك از سران جیره خوار کنفدراسیون است که میتواند فکر این حقایق باشد، زیرا هزاران نفر از مردم ایران و عراق عراق ماسالی و کلانتری را از تلویزیون بغداد مشاهده نموده و صدای آنها را از رادیو بغداد شنیده‌اند و هیچ گاه هیچ ایرانی آزاده و ایرانیپرستی فراموش نمی‌کند که چگونه و نفر با داشتن طیت ایرانی با بیگانگان همصدا شده و همگام با دشمنان ملت ایران علیه تمامیت و استقلال ایران اقدام می‌نمایند.

ما همیشه گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که عناصر و باند‌های ربربری کننده کنفدراسیون همیک بنوعی با سیاست‌های بیگانه و تجاوز به حقوق ملت ایران بستگی دارند و در این باره ما نیز بار دیگر دانشجویان را به تماشای گفته‌های "زربخش" دبیر گذشته کنفدراسیون می‌بریم که پس از نشستن با دشمنان کوشی و مشت و سیلی و لگد پرانی‌های او با شرکت کننده در کنگره که مولود تضاد سیاست‌های بیگانه و اکم بر روح کنفدراسیون میباشد، خواسته است که دلیل این ناهمسانیه‌ها و پراکندگی‌ها را در پناه يك دیالکتیک پشاور واقع بینانه بیان نماید. زربخش گروه‌های موجود و همکاری کننده با کنفدراسیون را بدینگونه تقسیم بندی می‌نماید:

-۳-

گروه اول - گروه اول گروه مدخلی طرفداران حزب ضلع توده (که همان تائید کنندگان سیاست امپریالیستی روسیه هستند) .

گروه دوم - گروهی که فرمت طلب و با دسته اول یعنی همان طرفداران حزب ضلع توده همکاری می نمایند .

گروه سوم گروهی که با زعم سازش کاراند و تائید قیافه داده اند (مثل سازمان مارکسیست-لنینیست طوفان است) .

گروه چهارم - گروهی که با م انقلابی از سازمانهای افراطی غربی تقلید و با آنها همکاری میکنند و دنباله روی اس.د.اس (S.D.S) هستند (مقصود دارو دسته نیرومند است) .

گروه پنجم سازمان انقلابی است که آنها هم کاری انجام نمی دهند (مقصود ضعیفین از کمیته مرکزی حزب توده ایران میباشد که خود زرخش هم در گذشته با آنها همکاری داشته است) .

گروه ششم - در اینجا از گروهی بنام کادرهای سازمان انقلابی که فعلاً خود او در آن عضویت دارد ، نام برده است . این سازمان چنانچه همه میدانند طرفدار چین سرخ میباشد .

بنا به ادعای رهبر کنفدراسیون گردانندگان سیاست کنفدراسیون به شش گروه تقسیم میشوند که پنج گروه آن خائن و غیر صالح برای رهبری مبارزات دانشجویی است و هر یک از آنها را با مارکی از خیانت به کنار گذاشته است و تنها گروهی را که صالح میدانند ، گروه انقلابی است که خود او در آن عضویت دارد و آن نیز، مجری سیاست چین سرخ میباشد .

ما از دانشجویان گرامی میپرسیم آیا عدد دانشجویان برای یک مبارزه اصیل و بخاطر بزرگی ایران این است که گردانندگان سر سیده کنفدراسیون هر یک بنوعی وابسته به سیاستی باشند که همه آن سیاستها در جهت مخالفت مصالح ملت ایران میباشد ؟ آیا دانشجویان عضو کنفدراسیون از خود نرسیده اند که چرا در این تقسیم بندی هیچگونه نشانه ای از گروهی که به سیاست های بیگانه بستگی نداشته و فقط ایرانی باشد ، وجود ندارد .

آیا این سؤال پیش نیامده است که چرا کنفدراسیون همیشه هرگونه سیاست جهانی را که علیه ملت ایران بوده ، بدون چون و چرا تائید نموده است ؟ بی گمان همه این پرسشها از ذهن دانشجویی که ندانسته نیروی خود را در جنگ امریضان خیانت پیشه کنفدراسیون گذاشته است ، بطور کرده است و ما میکوشیم که باز هم پاسخ این کجگویایان اذعان آشفته را در اعلامیه های آینده بازگو کنیم و همچنین از همه دانشجویان آزاده که سودائی جز بزرگی ایران در سر ندارند و میکوشند که با تکیه به نیروی لایزال ملت ایران بر همه ناپسامانیها فائق آیند ، خواستاریم که هرگونه اغلاعی مبنی بر خیانت گردانندگان کنفدراسیون را به آدرس انجمن ملی دانشجویان ایرانی در کارلسروهه بفرستند ، تا بهتر بتوانیم در رسوا کردن این عناصر ضد ایرانی موفق بوده و دانشجویان گرامی را که سازنده فردای ایران بزرگ هستند ، در معرض تضاد آنچه که بنام دانشجوی و در پناه این نام مقدس و کاملاً بر ضد ملت ایران انجام میگردد ، قرار ندیم .

انجمن ملی دانشجویان ایرانی
در کارلسروهه

نشانی : کارلسروهه (آلمان باختری) صندوق پستی ۶۹۵۲

75 Karlsruhe 1
P.F. 6952

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

اعلامیه پان ایرانیستها

ایرانیان گرامی - دانشجویان ارجمند

بی‌گمان همه دانشجویان ایرانی خارج از ایران از جریان کنگره افتضاح‌آمیز کنفدراسیون غیر واقعی و آلت دست عناصر خائن و بیگانه‌پرست که در کارلسروهه تشکیل ولی با ناکامی و شکست روبرو گردید، با اطلاعیه‌های پی در پی انجمن‌های ملی دانشجویان ایرانی دراروپا که متکی بر واقعیت‌های انکار ناپذیر و دلائل و مدارک اثبات‌کننده خیانت سران کنفدراسیون بود با خبر گشته‌اند. و باز همگان بر یورش ناجوانمردانه چاقوکشان حرفه‌ای کنفدراسیون که با تبلیغات حکومت ضد ایرانی آلمان بر جلسه هفتگی انجمن ملی دانشجویان کارلسروهه صورت گرفت و منجر به نابینا شدن چشم راست مهندس ظفری دبیر ایران‌پرست و با کفایت این انجمن گردید، وقوف کامل دارند و میدانند که چنان این جرثومه‌های خیانت که چون غلامی حلقه بگوش، نوکری سیاست‌های ضد ایرانی را پذیرفته‌اند و در هرتوطنه‌ای که به تمامیت ارضی و استقلال میهن ما کوچک‌ترین خدشه‌ای وارد آید، پیشقراول و در صف مقدم آن قرار خواهند داشت، به چه اندازه از نهضت واقعی دانشجویی و پیشگامان و رهروان این جنبش که جز سربلندی و بزرگی و آبادانی ایران و آزادی ملت آن به چیز دیگری نمی‌اندیشند، هراس و واهمه دارند بدان حد که به خیال خود با چاقو کشی و ترور افکار، این پایمردی و آزادی را درهم شکنند و مبارزان پاکباز رستخیز دانشجویی برون از مرزهای ایران را با قیافه درنده و وحشتناک خود و با نشان دادن چاقو و دشنه و دیگر تهدیدات مسخره خود از میدان نبرد بیرون کنند. بدون شک اگر این بیگانه پرستان که قبیای گدائی و درویزی به آستان بیگانه را بر قامت خود پوشانده‌اند، می‌پندارند که با موی دراز و ریش کثیف و لولیدن درمیان هم و در عیش و نوش تهوع آور "کمون" فرورفتن و گهگاه طبیعت بیگانه پرست خود عریه‌های ضد ایرانی سردادن و مانع از آن می‌شود که از مبارزه پاک‌ترین و اصیل‌ترین فرزندان ایران که همیشه با یاد ایران و حماسه جاودان آن زنده‌اند و بخاطر بزرگی و پیروزی آن با هر نیروی استعماری و ضد ایرانی ستیزی آشتی ناپذیر دارند، جلو گیری به عمل می‌آید خیالی عبث در سر پرورانده‌اند.

اگر جوانک‌های دنباله‌روی این عناصر خیانت پیشه سنشان به آن اندازه نرسد که تاریخ مبارزات دو دهه گذشته ایران را به خاطر بیاورند، سردمداران جاسوس کنفدراسیون به خوبی عظمت رزم‌های گذشته این جوانان ایران‌پرست را در پهنه ایران‌زمین با انبوه بیگانه‌پرستان و خائنان به یاد دارند و می‌دانند که هر ایرانی معتقد به بزرگی ایران، یکه و تنها در میان یک جهان دشمن از ایرانیت خود که بزرگ‌ترین گوهر انسانی اوست تا پای جان دفاع می‌کند و نه تنها زخمی شدن، بلکه مرگ را با آغوش باز و به خاطر جاودانگی ایران استقبال می‌نماید. پس ما هم اکنون اعلام می‌کنیم، تاروژی که یک خائن دوره گرد و یک عنصر مزدور و ایران‌فروشی در صحنه رزم اروپائی ما وجود دارد با همه نیرو و وجود خود چون صاعقه بر سر او فرود خواهیم آمد، تا او نیز چون شب‌پره‌ای که از وصل آفتاب می‌هراسد و از روشنی و گرمی افکار و اندیشه ما نگران است، به وادی تنهایی و ظلمت خود فروشی پناه برد.

دانشجویان گرامی کنگره اخیر کنفدراسیون رسوا و آلت دست سیاست امپریالیست‌های جهان‌خوار شرق و غرب نه تنها پرده از روی حقایق بسیاری برداشت، بلکه خود افشاگر نقش جاسوسی و خیانت‌پیشگی سران کنفدراسیون بود. ما در نخستین اعلامیه خود که همزمان با تشکیل کنفدراسیون ضد ایرانی انتشار دادیم، حقایق غیر قابل انکاری را مبنی بر تماس‌های سران کنفدراسیون با عوامل حکومت "بعث" و تیمور بختیار، مرد آواره و بی‌وطن، در دسترس و قضاوت دانشجویان قرار دادیم و باز در اعلامیه یادآور شدیم عناصری که کنفدراسیون را براه غیر دانشجویی و ضد ایرانی کشانده‌اند، عناصری هستند که وابسته به سیاست‌های استعماری سرخ و سیاه هستند و سران آنها هر روز از پایتخت یکی از این قطب‌ها سر در می‌آورند و مشغول فراگرفتن فنون جاسوسی بر ضد ملت ایران می‌باشند.

هنوز از پخش این اعلامیه افشاگر حقایق مدت بیش از دو روز نگذشته بود که "زربخش" دبیر جاسوس و رذل کنفدراسیون که خود یکی از همین عوامل سر سپرده‌ای بود که در اعلامیه بدان اشاره شده بود، با عده‌ای چاقوکش به جلسه هفتگی و کنفرانس مطبوعاتی دانشجویان ملی کارلسروهه حمله برد و باعث آن یورش ننگین و رسواکننده‌ای شد که هیچ‌گاه خاطره دردناک آن از خاطر دانشجویان و دیگر ایرانیان تا روزی که دست عدالت گلوگاه مسببین این واقعه را به تمامی نفشرد، زدوده نخواهد شد.....

علت یورش وحشیانه عوامل خیانت پیشه کنفدراسیون به جلسه هفتگی دانشجویان ملی کارلسروهه همان انتشار اعلامیه نخستین انجمن ما بود، که باعث رسوا شدن "زربخش" و "نیرومند" گشت و بدنبال انتشار اعلامیه بود که عده‌ای از دانشجویان که واقعا از ماجراها و خیانت‌های پشت پرده اطلاعی نداشتند، مسئولین کنفدراسیون را استیضاح نموده و با خود اندیشیدند که چگونه عده‌ای مزدور دوره گرد و بیگانه‌پرست توانسته‌اند در لباس مقدس دانشجویی مدتها آنها را اغفال نمایند و همین که گردانندگان کنفدراسیون دریافتند که دیگر نیرنگ‌های گذشته آنان برای فریب دانشجویان وطن‌پرست موثر نیست، به

تکاپو افتاده و برای توجیه خیانت و وطن‌فروشی خود با انتشار اعلامیه‌ای دولت عراق را متهم به سوءاستفاده از مسافرت هئیت‌نمایدگی کنفدراسیون به آن کشور نموده و آنرا شدیداً محکوم نموده و تماس با "بختیار" را تکذیب و آنرا شایعه‌ای از طرف خود بختیار به حساب آوردند و نیز در بیانیه‌ای زیر عنوان مصاحبه مطبوعاتی دهمین کنگره کنفدراسیون اعلام داشتند که اقدامات دولت عراق دائر بر فراهم ساختن امکانات سیاسی و تبلیغاتی و مالی برای بختیار را شدیداً محکوم و نیز اقدامات بعضی‌ها را خصومت علنی با خلق ایران به حساب می‌آورند. گردانندگان کنفدراسیون که خود بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که به علت خودفروشی‌ها و جاسوسی‌های خود علیه ملت ایران چه مبلغی از دشمنان ایران دریافت نموده‌اند. با این اقدامات کوشیدند که روی خیانت‌های خود سرپوش بگذارند، ولی ما برای آنکه دانشجویان را واقف به سیاست‌های ضدایرانی کنفدراسیون بنمائیم با ارائه دلائل و مدارک کافی، قضاوت اعمال سیاه سران کنفدراسیون را به آنان واگذار می‌نمائیم.

۱- دانشجویانی که در کنگره اخیر و ناکام کنفدراسیون شرکت داشته‌اند بخوبی آگاهند که نماینده "حسن‌البکر" دشمن درجه یک ملت ایران و نوکر استعمار فرتوت انگلیس چند بلیط هواپیمای دوسره در اختیار دبیران کنفدراسیون قرار داده تا آنها بار دیگر به عراق مسافرت نموده و دنباله اقدامات خائنانه خویش را از سر بگیرند و ارسال این بلیط‌ها بدون هیچ تردیدی به اشاره تیمور بختیار، که کنفدراسیون هم ظاهراً او را دشمن ملت ایران می‌داند، بوده است. ما از دانشجویان شرکت‌کننده در کنگره می‌پرسیم که آیا به نظر شما مسئولین کنفدراسیون با پول و همکاری این دشمنان ایران علیه مصالح و منافع ملت ایران و تمامیت ارضی میهن شما اقدام نکرده‌اند؟

۲- در صورتی که کنفدراسیون اقدامات دولت عراق را محکوم ساخته است، چگونه اجازه داده است که مجدداً حسن ماسالی این دوره گرد بی‌وطن و سرتا پا مشکوک، که این بار در آمریکا تعلیمات جاسوسی خود را گرفته است به اتفاق خسرو کلانتری، جاسوس بی‌وطن دیگر به نام دبیران موقت کنفدراسیون به عراق مسافرت و در کنگره دانشجویان عراقی سخنان البکر نوکر مارکدار امپریالیسم را مبنی بر عربی بودن سرزمین خوزستان که مهد دیرین‌ترین تمدن ایرانی و گهواره شاهنشاهی هخامنشی است تأیید نمایند و در حقیقت این دو عنصر ناپاک به عنوان فرستادگان کنفدراسیون، تجزیه خوزستان را از دشمنان ایران خواستار شده‌اند.

۳- حسن ماسالی در مصاحبه مطبوعاتی خود که روز پنجم ژانویه ۱۹۷۰ از رادیو بغداد پخش شد، علناً از سیاست کنونی عراق پشتیبانی و آمادگی کنفدراسیون را در راه خدمت به رژیم ضدملی و خونخوار عراق اعلام داشت و همه شما می‌دانید که حکومت مخلوق استعمار به نام حکومت بعضی عراق همیشه از الحاق خوزستان به عراق، تصاحب آروندرود و عربی بودن خلیج فارس دم می‌زند و سال‌های سال است که با اجرای سیاست "زمین‌سوخته" در کردستان عراق هزاران نفر را با دم آتش‌زای بمب ناپالم از میان برده، خانه‌ها و روستاها و مساجد آنان را ویران کرده و کردستان آن‌سوی مرزهای ایران را بدل به تل خاکستری نموده است و همچنین با ضرب و جرح و کشتن و غارت اموال ایرانیان و اخراج آنان و توهین به پیشوایان مذهبی شیعه، بزرگ‌ترین دشمنی‌ها را با ملت ایران نموده است.

۴- حسن ماسالی و خسرو کلانتری در کاخ حسن البکر با تیمور بختیار ملاقات نموده و او را از پشتیبانی کنفدراسیون مطمئن می‌نمایند و پس از موافقت و روبروسی با بختیار، همراه با دینارهای عراقی کاخ دشمنان سیه‌روزی ملت ایران را ترک می‌نمایند.

کدام یک از سران جیره‌خوار کنفدراسیون است که می‌تواند منکر این حقایق باشد، زیرا هزاران نفر از مردم ایران و عراق، ماسالی و کلانتری را از تلویزیون بغداد مشاهده نموده و صدای آنها را از رادیو بغداد شنیده‌اند و هیچ‌گاه هیچ ایرانی آزاده و ایران‌پرستی فراموش نمی‌کند که چگونه دو نفر با داشتن ملیت ایرانی با بیگانگان هم‌صدا شده و هم‌گام با دشمنان ملت ایران علیه تمامیت و استقلال ایران اقدام می‌نمایند.

ما همیشه گفته ایم و باز هم می‌گوئیم که عناصر و باندهای رهبری کننده کنفدراسیون هر یک بنوعی با سیاست‌های بیگانه و متجاوز به حقوق ملت ایران بستگی دارند و در این باره ما نیز باردیگر دانشجویان را به تماشای گفته‌های "زربخش" دبیر گذشته کنفدراسیون می‌بریم که پس از تشتت‌ها و دشنام‌گویی‌ها و مشت‌وسیلی و لگد پرانی‌های اوباش شرکت‌کننده در کنگره که مولود تضاد سیاست‌های بیگانه و حاکم بروح کنفدراسیون می‌باشد، خواسته است که دلیل این ناپسامانی‌ها و پراکندگی‌ها را در پناه یک دیالکتیک بظاهر واقع بینانه بیان نماید. زربخش گروه‌های موجود و همکاری‌کننده با کنفدراسیون را بدین‌گونه تقسیم بندی می‌نماید:

گروه اول- گروه اول گروه ضد خلقی طرفداران حزب منحل توده (که همان تأیید کنندگان سیاست امپریالیستی روسیه هستند).

گروه دوم- گروهی که فرصت طلب و با دسته اول یعنی همان طرفداران حزب منحل توده همکاری می‌نمایند.

گروه سوم- گروهی که باز هم سازشکارانه و تغییر قیافه داده اند (منظور سازمان مارکسیست-لنینیست طوفان است).

گروه چهارم- گروهی که بنام انقلابی از سازمان‌های افراطی غربی تقلید و با آنها همکاری می‌کنند و دنباله روی اس-د-

اس (... هستند) مقصود دارودسته نیرومند است).

گروه پنجم- سازمان انقلابی است که آنها هم کاری انجام نمی‌دهند(مقصود منشعبین از کمیته مرکزی حزب توده ایران می‌باشد که خود زربخش هم در گذشته با آنها همکاری داشته است).

گروه ششم- در اینجا از گروهی بنام کادرهای سازمان انقلابی که فعلا خود او در آن عضویت دارد، نام برده است. این سازمان چنانچه همه می‌دانند طرفدار چین سرخ می‌باشد.

بنا به ادعای دبیر کنفدراسیون گردانندگان سیاست کنفدراسیون به شش گروه تقسیم می‌شوند که پنج گروه آن خائن و غیر صالح برای رهبری مبارزات دانشجویی است و هریک از آنها را با مارکی از خیانت به کنار گذاشته است و تنها گروهی را که صالح میدانند؛ گروه انقلابی است که خود او در آن عضویت دارد و آن نیز مجری سیاست چین سرخ میباشد.

ما از دانشجویان گرامی می‌پرسیم آیا هدف دانشجویان برای یک مبارزه اصیل و بخاطر بزرگی ایران این است که گردانندگان سر سپرده کنفدراسیون هر یک به نوعی وابسته به سیاستی می‌باشند که همه آن سیاست‌ها در جهت مخالف مصالح ملت ایران می‌باشد؟ آیا دانشجویان عضو کنفدراسیون از خود نپرسیده اند که چرا در این تقسیم‌بندی هیچ‌گونه نشانه‌ای از گروهی که به سیاست بیگانه بستگی نداشته و فقط ایرانی باشد، وجود ندارد.

آیا این سؤال پیش نیامده است که چرا کنفدراسیون همیشه هر گونه سیاست جهانی را که علیه ملت ایران بوده، بدون چون و چرا تأیید نموده است؟ بی‌گمان همه این پرسش‌ها از ذهن دانشجویی که ندانسته نیروی خود را در چنگ اهریمنان خیانت پیشه کنفدراسیون گذاشته است، خطور کرده است و ما می‌کوشیم که بازهم پاسخ این کنجکاوی‌های اذهان آشفته را در اعلامیه‌های آینده بازگو کنیم و همچنین از همه دانشجویان آزاده که سودائی جز بزرگی ایران در سر ندارند و می‌کوشند که با تکیه به نیروی لایزال ملت ایران بر همه نابسامانیها قائل آیند، خواستاریم که هرگونه اطلاعی مبنی بر خیانت گردانندگان کنفدراسیون را به آدرس انجمن ملی دانشجویان ایرانی در کارلسروهه بفرستند، تا بهتر بتوانیم در رسوا کردن این عناصر ضد ایرانی موفق بوده و دانشجویان گرامی را که سازنده فردای ایران بزرگ هستند، در معرض قضاوت آنچه که بنام دانشجو و در پناه این نام مقدس و کاملاً بر ضد ملت ایران انجام می‌گیرد، قرار دهیم.

انجمن ملی دانشجویان ایرانی

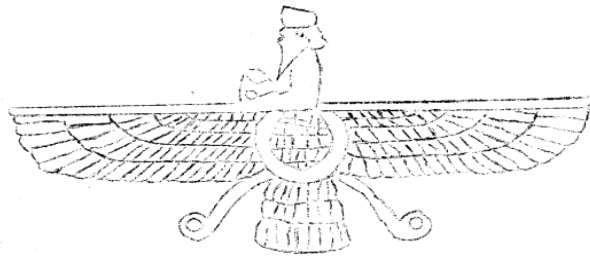
در کارلسروهه

نشانی: کارلسروهه (آلمان باختری) صندوق پستی ۶۹۵۲

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

نقل از گزارش دبیر تشکیلات به کنگره دهم کنفدراسیون جهانی بخش دوم کارلسروهه فوریه ۱۹۷۰



کنفدراسیون جهانی محبت و اتحاد
گزارش

دبیر تشکیلات به کنگره دهم کنفدراسیون

بخش دوم:

- برخوردی به مسائل و وظایف سیاسی جنبش دانشجوی ایران.

- پیرایه از مسائل هم کنفدراسیون جوان در سال گذشته.

کارلسروهه فوریه ۱۹۷۰

بک توضیح مهم!

چاپ این گزارش به علت مشکلات تکنیکی متأسفانه به تأخیر افتاد ولی در این فاصله واحد اسناد راسیون بر پایه گزارش
نابینان و ناظرین شرکت کننده در کنگره به هم به مطالب آن برخورد کردند. عدم انتشار این گزارش همچنین موجب گردید
که محدودیت از این امر سوء استفاده کرده، مطالب آنرا تحریف و بطور نادرستی مطرح سازند. با اینکه خود انتشار گزارش،
این سودجویان را بخوبی افشا خواهد کرد، معیناً لازم میدانیم در رابطه با این شیوه مبارزه با نکات زیر را توضیح دهیم:
۱- تکرار نویسنده گزارش در مورد وحدت در راسیون و مضمون این وحدت تنها آن چیزی است که به روشنی و صاحت
در این گزارش - در پیام به کنگره یازدهم راسیون آلمان و در سایر اسنادی که نویسنده در تنهایی آنها شرکت داشته آمده
است. بنا بر این "تفسیرهای" خود سرانه و نسبتهایی که خارج از مطالب این مدارک انجام میگیرد سندیت نداشته و در واقع
تحریف نظرات نویسنده است. از جمله این موارد نسبت دادن تز خود ساخته باصطلاح "وحدت جبهه واحدی" و یا "وحدت
سازمانهای سیاسی در کنگره راسیون" به نویسنده گزارش است که اساساً بی پایه بوده و بطور آشکار مغایر با نظری است که در
این گزارش و در پیام به کنگره راسیون آلمان آمده است.

۲- در مورد کار در جهت ایران و مساله پیوند.

عده ای ضمن اعتراف به اینکه "کنگره نهم را باید بخاطر طرح مساله کار در جهت ایران نقطه عطفی در زندگی کنفدراسیون
دانست" با وحدت و سراسیمگی عجیبی حتی قبل از چاپ این گزارش به جنجال علیه آن و مسائلی که در زمینه کار در جهت
ایران مطرح ساخته، تحریف آن، "تفسیرهای" خود سرانه حتی در وفور ازی در باره مطالب آورده شده دست زد هاند. در حالی
که مساله پیوند در این گزارش چیزی جز ادامه کوشش برای روشن و دقیق کردن طرح اولیه و تاحدی هم نادرست و غیر مشخص
"طرح کار در جهت ایران" ارائه شده به کنگره نهم نیست. کوششها در طرح مساله پیوند از این اعتقاد ناشی میشود که جنبش
دانشجویی ایران و کنفدراسیون جهانی باید امروز هم در تئوری و هم در عمل به این وظیفه اساسی خود بطور جدی برخورد کند.
ما به دلیل رسیدن به این ضرورت و براساس این اعتقاد در این راه گام برداشتنیم و روشن است که نه تنها طرح اولیه بلکه آنچه
نیز در این گزارش آمده نمیتواند کامل، بی عیب و خالی از ضعف و نادرستی باشد ولی ما در عین حال اعتقاد داریم که توده
دانشجو قادر خواهد بود از طریق بحث و بررسی و در جریان پرانیک این کمبودها را برطرف ساخته و به طرحی نهائی و دقیق
برسد.

بنا بر این آنهایی که این چنین جنجال برپا کرده اند، اگر هم در گذشته گاهی برنده شده اند بهتر است حد اقل اکنون بجای بکار
انداختن کوشش خود در تحریف و وفور ازی، این انرژی را در جهت تنظیم طرحهای درست و دقیق صرف کنند و یقین داشته
باشند که توده دانشجویان در محیط سالن ارزیابی طرحها و نظرات، قادر به تشخیص درست از نادرست خواهد بود.
منتها آنچه صمیمیت این افراد را مورد تردید قرار میدهد اینست که آنها نیکه بلافاصله بدنبال این گزارش اینهمه هیاهو برآه
اند اخته اند در تمام یکسال گذشته کوچکترین برخوردی به "طرح کار در جهت ایران" که به کنگره ارائه دادیم نکردند، در حالی
که این طرح قاعدتاً از نقطه نظر آنها باید به مراتب نادرست تر از نظری باشد که در گزارش به کنگره به هم آمده است.

۳- در مورد کردستان - این افراد که قبل از کنگره به هم و در کنار کنگره همواره در اینجا و آنجا از کم کار کنفدراسیون در مورد
کردستان صحبت میکردند، در خود کنگره کوچکترین اشاره ای به این کم کار ننمودند در حالیکه پر از کنگره مجدداً این ادعا را

ساز میکنند . معلوم نیست آنهایی که به این کم کارن اعتقاد داشتند و حتی پمراز کنگره نیز از این کم کاری گفتگو میکنند چرا در کنگره که مرجع صلاحیتدار رسیدگی به این امر است آنها مطرح نساختمند و ادعاهای خود را بطور آشکار بیان نکردند تا درستی یا نادرستی آن در محضر داوران پانصد نفر نماینده و ناظر شرکت کننده در کنگره قرار گیرد تا بتوان ضمن افشا و انتقاد این کم کاری بمنظور خود دارن از تکرار موارد مشابه در آینده ، از آن آموخت .

اما آنها که این سبک کار و این شیوه مبارزه ! را شناخته اند بخوبی میدانند که هیچیک از این اقدامات تصادفی نیست و این سبک کار در واقع انعکاسی است از یک بینر سیاسی که در عین حال میزان صمیمیت در مبارزه را نشان میدهد . ولی این سبک در سازمانی نظیر کنفدراسیون که خواست مبارزه و صداقت در کار در آن غالب است نمیتواند میدان عمل داشته باشد و توده دانشجویان تنها اجازه رشد و گسترش یافته آنها نخواهد داد بلکه آنها همچنان که در گذشته نیز نشان داده محکوم و طرد میکند .

دبیر سابق، تشکیلات :

-۱-

جنبش ملی و جنبش دانشجویی در درون کشور

ویژگی دوران ما قلبی شدن نیرو است و این قلبی شدن از یکسو بدلیل بن بست توسعه طالبی امپریالیسم و هجوم سرمایه آن به کشورها و سه قاره و پیدایش استثمارگران جدید در عرصه جهانی و از سوی دیگر به خاطر رشد آکاسی و تعدید مبارزه خلقها و سه قاره و کشورها و متروپل هر روز بیشتر میشود. این قلبی شدن با گسترش پیکار انقلابی بی خلقها و مقاومت و تجاوز امپریالیسم برابر اوانی شدن دوران احتضار خود پیوسته آشکارتر و مشخص تر میگردد و بدین ترتیب مرز بین دوست و دشمن و جهت گیریها بسود امپریالیسم یا خلق در جریان مبارزه روزانه توده های مردم در عرصه های گوناگون دقیق میشود. این تعدید پیوسته قلبی شدن و شناخت دقیقتر از دوستان و دشمنان که بویژه در کشورها و مناطقی توفانی بدلیل استثمار شدید تر و قهر آشکار تر امپریالیسم و ارتجاع روشنتر چشم میخورد در تعیین استراتژی و تاکتیک در پیکار جهانی علیه امپریالیسم تاثیر فراوان میگذارد.

در کشور ما ایران امپریالیسم جهانی بسرکردگی ایالات متحده آمریکا و ارتجاع داخلی بسرکردگی شاه بعنوان دشمن زحمتکشان شهر و روستا و بسیاری دیگر از قشرهای شهر نشین جامعه ایران سلاطه خود را بطور عمده از ارتجاع سیستم اختناق پلیسی و زور و فشار اعمال میکنند. بنا بر این وظیفه اول خلق ما ایجاد ابزارها و اتم برای مبارزه و یا ذبح شیوه های مناسب مبارزه با این قهر ضد انقلابی است. امپریالیسم و ارتجاع در ایران با دیکتاتوری فاشیستی با تکیه بر ارتش، سازمان اخیت، دستگاهها و پلیسی و سایر وسائل سلاطه ایکه در اختیار دارد مانع است در راه گسترش مبارزه مردم و در راه شکوفائی کشور ما. بنا بر این مهمترین وظیفه نیروها و مبارزین میهن برای سرداشتن این مانع ایجاد سازمانها و مقابله کننده با دشمن و سازمانها و اوست. نیرو و خلق در درون خلق نهفته است. بسیج و سازماندهی این نیرو و عظیم که اکثریت قاطع مردم میهن ما یعنی کارگران - دهقانان - کارمندان و سایر قشرها و متوسط و پائین شهرن، پیشه وران، روستاییان مبارز، روشنفکران و مترقی و دانشجویان را شامل میشود وظیفه اساسی جنبش در این مرحله است.

تاریخ میهن ما سرشار از داورها و فردی و گروهی است ولی این مبارزه و دلاوری بدلیل گوناگون و بطور عمده بدلیل نبودن سازمان بسیج کننده خلق و شناختن قانونمند و درگونی جامعه ایران نتوانسته بسلاطه امپریالیسم و حاکمیت ارتجاع در میهن ما پایان بخشد. امروز خلق ما پس از شکست ۲۸ مرداد و دوران سکوت بعد از آن در تدارک نیروها غویز است. فشار فاشیستی رژیم علیه مبارزان کرمانستان و آذربایجان، حبس و شکنجه و اخراج دانشجویان مبارز دانشگاهها و ایران، ترور فاشیستی علیه روستاییان ضد امپریالیست ایران، فشار به روشنفکران و مترقی، ایجاد و توسعه سندیکاها و دولتی در کارخانه ها، کارگاهها و دانشگاهها، "انقلاب آموزشی" و دیگر تشیقات رژیم همه نشان ناکامی "رژیم" های امپریالیستی و ارتجاع در ایران، نشان ترس او از خلق و نشان ضعف اوست. این مقاومت و پیکار خلق از یکسو نماینده بارز وجود شرایط عینی و از سوی دیگر نشان آمادگی خلق برای سازمان پذیری و رودروئی با رژیم است که سازماندهی این نیروها و مقاوم پراکنده از وظایف مهم امروز جنبش است.

در همین شرایط دانشجویان و محصلین ایران بعنوان نیروی با توانی که بالقوه در برابر امپریالیسم و ارتجاع قرار دارد باید بیش از گذشته از طریق بسیج و سازماندهی به نیروئی بالفعل بدل گردند. این مساله بویژه با توجه به موقعیت دانشجویان و محصلین ایران و با توجه به کشور رژیم برای ایجاد سازمانها و زرد و فاشیستی

- ۲ -

در دانشگاهها و ایران بیش از پیش اهمیت می یابد. • اهمیت دیگر این سازماندهی در نقش است که روشنفکران انقلابی در کشور تاثیر ایران دارند. • بنا بر این باید با سازماندهی دانشجویان و محصلین ایران و جلب آنان به مبارزه از راهها و گوناگون، محصلها، اولیه امکان عملکرد مشترک روشنفکران و زحمتکشان ایران را بوجود آورد. • و در مراحل مختلف و در سالها مختلف با توجه به وضعیت مشخص، این نیرو را در خدمت جنبش قرار داد. •

نگاهی بحرکت جنبش دانشجویی ایران در چند سال اخیر و بویژه در سال گذشته آگاهی دانشجویان مبارز ایران را به این واقعیه و حرکت آنان را در جهت آن نشان میدهد. •

مبارزات درخشان دانشگاهها و ایران نشاندهنده این آگاهی دانشجویان و تداوم کوششها و مبارزه جویانه آنهاست. • بررسی این مبارزات بویژه نشان میدهد که حرکت مجموعه کوششها مبارزه سیاسی علیه رژیم دست نشانده در ایران است. • در بررسی مبارزات دانشجویان داخل کشور در سال گذشته به روشنی مشاهده میکنیم که کلیه خواستها و تقاضاها عینکه از سالها پیش روبرو شده، سالها دانشگاهی و آموزشی آغاز شده به مبارزه از سیاسی علیه رژیم ایران و سازمان امنیت مذهبی گردیده است. •

در دانشگاه تهران :

در اسفند ماه ۵۸ دانشجویان دانشکده زبانها و خارجی دانشگاه تهران برای مه اادل لیسانس شناختن مدرک تحصیلی خود بمدت یکماه و دانشجویان سال اول دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران به خاطر وادار کردن مقامات دانشگاهی به تشکیل کلاسها، درسی در محل دانشگاه بمدت یکسال و نیم دست به اعتصاب زدند. • اعتصاب دانشجویان با دسیسه ها و گوناگون مسئولین دانشگاه و سازمان امنیت برای درهم شکستن آن و در نتیجه مقاومت دانشجویان در برابر این دسیسه با منتهی شد. • اوایل سال گذشته دوره جدید پیام دانشجویان در ایران انتشار می یابد. • انتشار مجدد " پیام دانشجویان " نمودارست از تداوم و پیگیری در فعالیتها و دانشجویان درون کشور و این نشان میدهد که رفتار دانشجویان ما در ایران چگونه علیرغم ترور و اختناق رژیم و با همه محدودیتها و مشکلات موجود به مبارزه خود ادامه میدهند. •

در مهرماه ۵۸ علاوه بر اخباری که به کنفدراسیون رسیده است ۱۲ نفر از دانشجویان مبارز دانشگاه تهران دستگیر شدند که از گوناگونی آن هنوز اطلاعات دقیقی در دست نیست. • دانشجویان دانشگاه تهران و سایر دانشگاهها از طریق اعلام همبستگی مبارزه جویانه و شرکت وسیع و پرشکوهِ در مراسم بزرگداشت دوست مبارز خود عباس عراقی تشر و کینه خود را نسبت به دشمنان خلق نشان دادند. •

در هنرسرای عالی تهران

در آذر ماه ۵۸ دانشجویان هنرسرای عالی تهران دست به اعتصاب زدند و در نتیجه هنرسرای عالی بمدت بیست و یک روز تعطیل بود. • دانشجویان بنا بر رفتن به کلاس در در در محوطه دانشگاه جمع میشدند و در مورد خواستهها و مسائل خود به بحث و سخنرانی می پرداختند. • اعتصاب دانشجویان برای اعتراض به لایحه ای بود که این آن رژیم ایران تصویب داشت. • هنرسرای عالی را به دانشگاه تربیت دبیر تبدیل کند. • این مبارزه که از یکساله معین روزانه آغاز میگردد به درگیری دانشجویان با پلیس منتهی شده در بخشی از گزارشی که در این زمینه از هنرسرای عالی تهران بدستمان رسیده چنین میخوانیم : " پیروز صبح که برای اعتصاب به دانشگاه رفته بودیم و اندامها حمله میزدند و

- ۲ -

به اهم اتحاد را از دست نداده و متفرق نشدند. البته در روزها گذشته هم ژاندارمها در بیرون دانشگاه و متا بله آن با باتوم و سردیزه آماده بودند ولی تا پیروز به بهر حال حمله نمی کردند. علاوه بر این هم شروع بدویدن کردند و در ضمن هم می دادیم و سعی می کردیم که متفرق نشویم. سربازها پیاده بدنیا آمدن میدویدند و افسرها هم با ماشین می آمدند. مردم کوچه و خیابان بیرون ریخته بودند و ژاندارمها را می کردند. دیروز هم وقتی آمدیم دیدیم در تمام خیابانها مسیر دانشگاه ژاندارمها گوی تا گوشه کشیده اند. و اتوبوسها هم هنوز به هتروا نرسیده بهر حال را پیاده میکنند. گفتند که به استودیوم نمی برویم. علاوه اتوبوس حرکت را در دست دانشجویان را به استودیوم نمی برد. در آنجا معاین پلیس تهران پشت بلندگو رفت و گفت "آقایون ما تا بطلان با شما کوتاه اومدیم خلاصه به کاری نکنید که با نیروی نظامی برخورد کنید" سه ساعتی بودند ولی سرو صدا را زود خوابانند. این ما در یک محوطه سر پوشیده محاصره شده بودیم و افسرها و پلیس و پاساها سفت و سخت آماده بودند."

در نتیجه این اعتصاب ۲۰ روزه سازمان امنیت ۲۵ تا ۳۰ نفر از دانشجویان را دستگیر و زندانی و چهار نفر را روانه سربازخانه کرد که اینها در سنجش بسر می برند. امواج ظالمانه و اعتصابات دانشجویی به تهران محدود نمی شود بلکه سایر دانشگاهها و ایران را نیز فرا میگیرد.

در دانشگاه شیراز: برای نشان دادن مبارزه دانشجویان شیراز از مسائل مشخص روز موه به مبارزه سیاسی به ذکر یک دو نمونه می پردازیم. روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۳۰۲/۱۱/۱۳ "دخترها بسته سال" را در نظر دانشگاه شیراز برگزار نماید و هیأت عامل و مقامات دانشگاهی سالتی را که محل دریافت دکترای فارغ التحصیلان است برای این منظور در اختیار آن قرار میدهد. ولی دانشجویان علیه این مراسم و این اقدام توهین آمیز شدیداً اعتراض کرده و با آن به مقابله برمی خیزند. این اعتراض دانشجویان به برخورد شدید میان تواران و دانش یویان مبارزه دانشگاه شیراز منتهی میگردد و بدینار زود خودی که میان آنان درگیر میشود مراسم مبتذل روزنامه اطلاعات تعطیل میگردد. در این جریان چهار نفر از دانشجویان دستگیر و یکی از آنان به سربازخانه فرستاده میشود.

اعلامیه ای را که دانشجویان دانشگاه شیراز در رابطه با اعتصاب دختر شایسته چاپ و پخش نموده اند دستور سیاسی دانشجویان را علیه رژیم نشان میدهد. در این اعلامیه میتوانیم: "حکومت دست نهانده و استعمار بوسیل جالان سازمان امنیت و به رخنه های دلائل دانشگاهی خود برآید که با ایجاد وحشت و ارباب فریادها و مخالفت دانشجویان و مردم روشنفکر را در سینه ها خفه سازند. عمل استعمار برآورد که دانشگاه باید محیطی پاک و مرکز روشنفکری باشد بوسیل عناصر کثیف و برنانه ها و رسوم خود بطرف محیطی فاسد و ناسالم سوق دهند. برآورد که به عناوین مختلف مانند اعتصاب دختر شایسته عناصر فاسد و شناخته شده از راه گمان خود الگو تمام عیار افکار و رفتار دانشجویان سازند و بدینوسیله تمام مآثر انسانی و اخلاقی را در میان آنان نابود سازند. از اینرو هنگامیکه با اعتراض شدید دانشجویان آگاه و بیدار مواجه میشوند و برنانه ها و سیاه خود را بشکست و برو می بینند و توده مردم را نیز پشتیبان حق گوئی دانشجویان مشاهده میکنند نسبت به اشراج و شکایت دانشجویان زده و گروخی از روشن فکران و روحانیون بیدار دل را بنیم طرفدار از حق و شرافت و جنگال سازمان امنیت اسیر ساخته و به سیاستها سازند تا شاید آنان با این اعمال غیر انسانی دست از حق خواسی بشویند. باین گمان که توده مردم را از همکاری و همگامی با دانشجویان و مخالفت با برنانه ها و فرمانهای امپریالیستی و صهیونیستی منصرف سازند و فریاد

- ۴ -

های مبارزین پیروز مند و پیکارگر را بوسیله اخراج، زندان، تبعید و محرومیت خادوش کنند و به گمان اینکه میتوانند بوسیله سربیزه و زندان، روح و فکر آنان را تسخیر نمایند.

در خردادماه ۴۸ نیز در نتیجه مبارزه دانشجویان دانشگاه شیراز یازده نفر دستگیر و زندانی شدند.

در دانشگاه مشهد:

در نوامبر ۲۹ هفتادمیه در سالن «ارژون» دانشگاه پزشکی مشهد نمایشنامه «سلطان مار» اجرا میشد دانشجویان دانشگاه مشهد به عنوان اعتراض و بمقابلر جلوگیری از اجرای نمایش ۱۰۰ نفر دویان و پلیس به زد و خورد پرداختند. در این جریان چند پلیس و دانشجویان مجروح شدند. دانشجویان با استفاده از شاخه شاو درخت، سیم ها و تلفنی را قلع کردند. شیشه ها و پنجره و درها را که بسته بودند شکستند و وارد سالن شدند. دانشجویان تماشاگران را وادار ساختند که از سالن خارج شوند. با آخره مونتی گردیدند جریان نمایش را تعطیل کنند. نمایشنامه سلطان مار داستان سلطان بیدادگر است که سرانجام تیرش شده و بیدادگری او منجر جلوه داده میشود. در جریان این تظاهرات ده ارباب دانشجویان دستگیر و زندانی میشوند که هنوز بهار نفر آنان در زندان بسر می برند. در همین ماه دانشجویان دانشگاه ادبیات مشهد نسبت برفتار یکی از استادان که دانشجویی را کتاکتاده بود اعتراض و این اعتراض از روز ۲۹ نوامبر ۲۹ به اعتصاب چند روزه دانشجویان دانشگاه ادبیات منتهی میگردد.

بدنبال اعتصاب دانشجویان دانشگاه ادبیات از روز ۲۹ نوامبر اعتصاب دانشجویان دانشگاه دندانپزشکی نیز آغاز شد. این اعتصاب بمقابلر تصویر فروری رقیب دانشگاه دامپزشکی و اعتراض به برنامه آموزشی انجام گرفته است. بدنبال این اعتصابات دستگیر و بازجویی از دانشجویان هر روز افزایش می یابد. سخات ها و سکونی برخی از دانشجویان برای پرونده ساز و مورد بازرسی مامورین سازمان امنیت قرار میگیرد. اموا مبارزات دانشگاهی ایران که در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره کردید در غین اینکه آگاهی دانشجویان را به واقعیت خود و حرکت در جهت تحقق آنها مشغول میکند این ویژگی بارز را نیز نشان میدهد که حرکت مجموعه کوششها مبارزه سیاسی علیه رژیم نشانده در ایرانش است. انتقاص فشارها و الح تقاضاها که در آغاز هر مبارزه بمقابلر بسیج و شمع خنده ها و آگاه ساختن آنان با مسائل مشخص روزمره و دانشگاهی آغاز گردیده در پروسه رشد خود به مبارزه ارباب شعارها و مضمون سیاسی منتهی شده است و از این طریق دانشجویان مبارز ایرانی در داخل کشور ماهیت واقعی رژیم و حربه ها و آنرا در مقابله با خواسته های دانشجویان افشا کرده و در نتیجه دانشجویان بیشتر را بمبارزه میکشند.

جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور - مسائل و دلایل آن:

امروز جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور در رابطه با مسائل ایران در برابر سه وظیفه اساسی قرار دارد. این سه وظیفه اساسی عبارتند از:

۱ - بسیج دانشجویان ایرانی، متشکل کردن و بمبارزه کشیدن آنان

۲ - افکار و رژیم دیکتاتور ایران، دفاع از مبارزات مردم و مبارزات ضد امپریالیسم

۳ - پیوند با مبارزات خلق در مرحله کنونی - روشن کردن مضمون این پیوند

بدون یادآوری این وظایف و بدون داشتن موضع صریح در قبال آنها، عناصر مترقی در جنبش دانشجویی قادر بحل مسائل واروجه در جنبش نخواهند بود. روشن است که تکیه برروز این وظایف اساسی بمعنا نادیده گرفتن سایر مسائل نیست و این تکیه را باین دلیل ضروری میدانیم که معتقدیم در شرایط کنونی باید دید و روشن نسبت

- ۵ -

به اساسی ترین مسائل و وظایف کنفدراسیون داشت و بر مبنای این دید روشن برنامه ریزی نمود.

۱- بسیج دانشجویان ایرانی، متشکل کردن و مبارزه کردن آنان:

در واقع پروژه ایجاد و گسترش کنفدراسیون، پروژه بسیج، متشکل و مبارزه کشاندن دانشجویان ایرانی بوده و هست از آنجا که نیروی اصلی مبارزاتی کنفدراسیون را دانشجویان ایرانی تشکیل میدهند و از آنجا که کنفدراسیون از خواستهای این دانشجویان نمایندگی کرده و میکند، در جریان این پروژه چگونگی بسیج این دانشجویان و متشکل کردنشان همواره شیوه های مناسبی را طلب نموده است. درست است که کنفدراسیون در جریان زندگی خود موفق شده است اکثریت عظیم دانشجویان ایرانی را در شمع فعالیتها و خود گردآورده و آگاه ترین آنان را در صفوف خود متشکل نماید. اما اتخاذ شیوه های درست بمنظور ادای این سیاست و یافتن راههایی که مطابق با شرایط روز و نیاز زمان باشد همواره در دستور کار ما قرار خواهد داشت. در واقع بهمین خاطر است که کنفدراسیون سیاست کار توده ای، بسیج توده ای و در میان گذاردن مسائل جنبش را با آنان هر روز جد تر و دقیق تر در سرلوحه کار خود قرار میدهد. اینکه میگوئیم توجه بمساله کار توده ای و بسیج دانشجویان ایرانی دارا اهمیت است از این بیخ ناشی میشود که به نیروی هر توان توده ای اینان داریم و مبارزه را بدون شرکت وسیع آنان ناموفق میدانیم.

در رابطه با کار توده ای و بسیج از کار توده ای برای بسیج دانشجویان و متشکل ساختن آنان، در کنفدراسیون نقطه نظرات متفاوتی وجود دارد که به دو بیخ کاملاً متفاوت از کار توده ای میانجامد. ما معتقدیم که کار و پیوند توده ای نمیتواند با از دست دادن موضع قاطع ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی صورت گیرد و هر برخورد فرصت طلبانه و سودجویانه با توده و یا پیروان احتمالی سازمانی از "توده ای" الزاماً بمعنای پیوند توده ای داشتن نیست. پیوند توده ای فقط میتواند از اریق زمانها و مبارز بازناب کننده خواستهای توده ای بر قرار شود. بنا براین در مرحله معین از مبارزه باید با ارزیابی روشن از شرایط مبارزه، تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، توانائی عینی یک سازمان ضد امپریالیستی را از ایجاد پیوند توده ای سنجید و اشکال و دامنه این پیوند را معین کرد. به این پیوند که گفتیم باید با حفظ موضع قاطع ضد امپریالیستی برقرار شود، از یکسو در دورانی و با روشنگری سیاسی مداوم، مبارزه ضد امپریالیستی مداوم و کار توضیحی پرشکیندر بین توده ای میتواند بدست آید و از سوی دیگر در هر لحظه معین از مبارزه، دامنه و شکل آن میتواند فن داشته باشد. یعنی این پیوند

۱- همیشه نسبی است و ۲- اشکال و ظاهرات گوناگون میتواند داشته باشد.

روشن کردن مساله پیوند توده ای و کار توده ای تنها بخاطر برخورد درست با مسائل جنبش و اتخاذ شیوه های مناسب فعالیت ضروریست، بلکه از این نظر نیز دارا اهمیت می باشد که ارتجاع و سازشکاران همیشه با تعبیری نادرست از مساله شرکت همه دانشجویان و مساله "پیوند توده ای" مبارزات دانشجویان ضد امپریالیست را مبارزه "اقلیت نازیست" قلمداد کرده و میکنند و با این اساس به جنگ آن میروند.

ما در اینجا در رابطه با مبارزات دانشجویان دانشگاهها و ایران و به نمونه از کمپوز و خارج، دانشجویان اسپانیا (که در شرایط فاشیستی مبارزه میکنند) گوش میزدیم مساله پیوند توده ای را روشنگر سازیم. تجربه مبارزات دانشجویان اسپانیا و دانشگاهها و ایران نشان میدهد که پیوند توده ای همواره وجود دارد و جنبش دانشجویی با وجود اینکه "اکثریت دانشجویان" را باور سازمانی در بر نگرفته ۱- بیانگر خواستهای واقعیتی اینان بوده و ۲- از توده ای دانشجویی بیگانه دور نشده است.

- ۶ -

نار خود را در باره کار توده از خلاصه میکنیم :

۱- نمایندگی و دفاع از خواست واقعی توده ها (شناخت خواست واقعی توده ها باید از طریق رفتن به میان آنان و تشخیص درست مرحله مبارزه و مسائل آن بدست آید) .
۲- شرکت دادن توده ها در تعیین سیاست و برنامه عمل جنبش و تحولات این سیاست و برنامه بوسیله آنان این شرکت در تعیین سیاست و برنامه عمل از طریق ارگانهایسی انجام میگیرد که خود توده ها تعیین کرده و بوجود آورده اند .

۳- اتخاذ سیاست در برابر بسیج توده ها : در کنفدراسیون دیده میشود که برخی برخورد اصولی به ساله توده ها بودن کار را به حد برخورد سطحی تنزل داده و در واقع باطلان " توده خواهی " میکنند . این سیاست بطور عمده چنین است :
۱- تسلیم درخواستی شدن و آتراً خواست توده ها جلوه دادن .
۲- در برگرفتن توده ها را بدستار در سازمان گرد آوردن همه افراد یا قشر دانستن .
۳- کار توده ها را و انجام آنها در حد تکرار مداوم و بی پایان لفظ " توده " و " توده ای " نگه داشتن .
۴- این سیاست " توده خواهی " که بسود توده ها ، خواستها و منافعتان نیست نمیتوانیم توافقی داشته باشیم .
۵- بسیج توده ها و دانشجو و متشکلات ساختن آنان اگر در رابطه با آرمه های ضد امپریالیستی نباشد امری است تهی از محتوا و در عمل غیر مترقی .
کنفدراسیون بمثابة سازمان ضد امپریالیستی باید توده ها و دانشجو را برگرد شمارنا و مترقی و مبارزه جویانه و بمنظایر تعلقی این شمارنا بسوی متشکلات سازد نه اینکه هر تیمی را صرفنظر از محتوا آن خوشامد بگوید .
درست در دراه متفاوت از این مسائل است که بین ما متفاوت نسبت به کار توده ها ، به بسیج دانشجویان و متشکلات کردن آنان وجود دارد .

۲- افشاء رژیم دیکتاتور ایران و دفاع از مبارزات مردم و مبارزات میهنی :

در سراسر دیرانی که از حیات کنفدراسیون میگذرد یا خط مبارزه جویانه در افشاء رژیم دیکتاتور و دفاع از زندان و مبارزین میهن دیده میشود .
۱- بسیجی است که این خط در پیرویه رشد کنفدراسیون هر روز صیقل بیشتری یافته و به خط روشن امروز منتهی شده است .
۲- در نتیجه این خط مبارزه جویانه است که امروز می بینیم رژیم دیکتاتور ایران در میان افکار عمومی و در محافل بین المللی تا این حد رسوا گشته و سیاستهایش بر ملا شده است .
۳- اگر رژیم رژیم ایران میتواند مردم جهان را بخیرید و بکشد ، تبلیغات و به هم زدن امپریالیستها و واقعیات میهن ما را در خارج از کشور دگرگون چاره دهد ، امروز برآ و این سیاستدار متشکلات فراوانی است و این درست بصورت مبارزه مداوم و بی امان دانشجویان در شماراندن سیمای حقیقی آنست .
۴- آگاهی محافل مترقی و دمکراتیک و گروههای بزرگی از مردم جهان به مسائل ایران ، استادی که در این زمینه در اختیار جهان دیان قرار گرفته ، گزارشهای ناظرین بین المللی و سایر فعالیتها ، افشا کننده تنها در پرتو کوششهای ارزنده دانشجویان ایرانی و سازمان متشکلات آن ، کنفدراسیون جهانی میسر گردیده است .
۵- ما معتقدیم این افشاگر و دفاع از مبارزین میهن بخش اساسی کار کنفدراسیون را تشکیل میدهد .
۶- نوعی پیوند با مبارزات مردم و دانشجویان درون کشور بوده و باید این افشاگر و همراه با دقیق تر کردن پیوند و کوشش در ایجاد رابطه با جنبش دانشجویی در داخل کشور همزمان بتواند یا وظیفه اساسی ادامه یابد .

کنفدراسیون بمثابة سازمانی که از پیگردنا و مستقیم پلیسی بدور است و برخورد از یک سلسله امکانات بین المللی میباشد باید انعکاس مبارزات مردم ایران و افشاء رژیم را که تاکنون هیچ سازمانی نتوانسته تأثیر کنفدراسیون از عهده انجام برآید عمانند گذشته دقیق تر از آن وظیفه اساسی خود قرار دهد .

- ۷ -

کنفدراسیون امروز از امکانات بسیار و در سطح بین المللی برخوردار بوده و در محافل متمدنی جهان دارای اعتبار فراوانی است. این امکانات، این اعتبار و این قدرت بسیر کننده کنفدراسیون برای دانشجویان ایرانی و سازمان آنان فرصت فعالیتها و بسیار بوجود آورده که بهیچ گونه نمیتوان آنها نادیده گرفت.

۳ - پیوند با جنبش دانشجویی داخل کشور و مبارزات مردم در مرحله کنونی. مضمون این پیوند و گرایشها و متفاوت

موجود در برخورد بدان:

سازمان جنبش دانشجویی ایران (کنفدراسیون جهانی) در درون زندگی پر حادثه خود در تئوری و عمل در برابر مسائل گوناگونی قرار گرفت و هر زمان با حل آنها قدمی بجلو برداشت و به خلق نزدیکتر شد. مهمترین مساله ای که جنبش دانشجویی ایران در برابر آن قرار داشت و در زمانها و مختلف با ظاهرات مختلف جلوه گر میشد این مساله بود که آیا جنبش دانشجویی ایران میتواند جدا از جنبش ملی مردم وجود داشته باشد یا نه؟ و آیا خواستها و "صنفی" دانشجویان ایران جدا از خواستها و اکثریت مردم است؟ و بالاخره آیا این خواستها تنها با مبارزه خود این قشر و از اریه رژیم حاکم در ایران میتواند برآورده شود؟

جنبش دانشجویی ایران در عمل با این مساله پاسخ داد. مبارزات درخشان دانشگاهها و ایران قبل و بعد از ۸ مرداد و مبارزات پیگیر کنفدراسیون جهانی در عمل دست رد بر تمام "تئوریا" "صنفی" ها زد. بصارت دیگر گروه "تئوریا" و سازشکارانه در پوششها و مختلف عرضه میشوند ولی در مجموع در جنبش دانشجویی ایران همیشه مبارزه بطور عده بین دو تئوری، دو سیاست و دو سازمان بوده است. این مبارزه که سالها و اخیر ظاهر خود را در خارج از کشور در مبارزه بین باطلان "سازمان دانشجویی صنفی" و سازمان دانشجویی سیاسی پیدا کرد به شکست آشکار و مفتضحاته راعها و سازشکارانه منتهی گردید و بخش خارجی جنبش دانشجویی در حد هر زمان، خود را روشنفتر در خدمت جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی مردم نهاد. امروز گروه این "تئوری" و سیاست از آنها، مختلفی قصد رخنه دوباره در جنبش را دارد ولی رسوائی و شکست آن مفتضحاته تر از آنست که بتواند جنبش دانشجویی ایران را مورد خارج و قرار دهد. این بدان معنا نیست که میتوان از این خطر "بالتوه" غافل ماند، زیرا همانا دوریکه گنجیم مبارزه بین دو حاشی و دو سیاست همیشه در درون جنبش دانشجویی وجود دارد، بویژه آنکه امروز این "تئوریا" دانشجویی در سطح جهانی نیز با پشتیبانی مرتجعان و سازشکاران گوناگون عرضه و تحصیل میشوند. جنبش دانشجویی ایران باید مواظب پوششها و جدیدی باشد که ممکن است بر روی این "تئوری" و روشسته و رسوا کشیده شده باشد. همچنین باید متوجه بود که درست در این لحظه که جنبش ملی ایران و جنبش دانشجویی با مسائل مختلفی روبروست و احیاناً در اینها و آنجا نیز کمبودها و بزرگی در کار آن دیده میشود، این "تئوری" ممکن است با تکیه باین یا آن کمبود و با مبالغه کردن یکی از جنبه ها و با تکیه به جنبه ها و ضعف جنبش با قیافه ارجح بجانب عرضه شود. و اگر جنبش را منحرف سازد تا مدتی آنها دچار سرگیجه نماید. خلاصه میکنیم "تئوری" و سیاست راست، بالتوه همیشه جنبش را تهدید میکند. امروز این حمله از راست در لباسها و مختلف - گروه ضعیف و پراکنده - دوباره آغاز شده است. از سوء دیگر جنبش دانشجویی ایران باید مواظب خود را در قبال جنبش دلیق کند و نه تنها در سطح عام بلکه دلیق تر و روشنفتر، پایبند خود را به جنبش و عناصر جنبش نشان دهد. این مساله بویژه در دوران ما - دوران قلابی شدن نیروها - تعیین کننده است. بصارت دیگر امروز جنبش دانشجویی ایران در برابر مساله از قرار گرفته که در واقع به بیانی اداغه مساله "صنفی"، "سیاسی" گذشته است و جهت گیری جنبش در برابر آن راه آینده جنبش دانشجویی ایران را تعیین خواهد کرد. این مساله، مساله برخورد به رخصتکشان میهن ما، مبارزه آنها

- ۸ -

و برای جنبه دانشجویی در برابر این مبارزه در هر مرحله از آن می باشد. جنبه دانشجویی - از دید درازمدت بدون برخورد رودررو با این مساله به زندگی خود ادامه دهد. جنبه دانشجویی، خارج از آوازه این یا آن، راه خود را انتخاب خواهد کرد. یکی از این راهها ما میتا همان راه صنفی است و دیگری ادامه راه ضد امپریالیستی جنبه یی از این راهها تحت عناوین مختلف از برخورد مشخص با مسائل و مبارزه خلق بویژه کارگران و دهقانان سرباز میزند و از آن دافره میروند و دیگری تکنیکش را در برابر آن روشن میسازد.

جنبه دانشجویی ایران در مقابل باید به این مساله پاسخ گوید و مبارزه ضد امپریالیستی خود را با شرایط نوین تطبیق دهد و نیز در این رابطه با "تئوریهای" نو استعمار در پوشش جدید برخورد کند (مساله شوروی و کشورهای همسایه با آن).

بگفته دیگر روشنتر کردن مواضع جنبه در برابر امپریالیسم و نو استعمارگران و دیدن رابطه این مبارزه با مبارزه علیه ارتباط داخلی و در این رابطه پیوند با زحمتکشان میهن با مساله امروز جنبه است.

در خارج از کشور در سالها اخیر جنبه دانشجویی به روشنی تر کردن این مواضع پرداخته و گره تئوری و تئوری مدون آنرا ندارد ولی در مبارزه از حيله با بدست آوردن و در زمانی ناقل آمده است.

در اینجا این میدانیم این نکته را باز هم توضیح دهیم که: در اینجا صحبت بر سر روشن کردن جنبه دانشجویی ایران در برابر خلق نیست، زیرا همانطور که آوردیم این مساله بطور عمده روشن شده است: در اینجا صحبت بر سر دقیق کردن موضع از یکسو و یافتن راهها، واقعی و عینیت پیوند از سوز دیگر است. یعنی باید از یکسو در تئوری مواضع خود را دقیق تر بیان کنیم و از سوز دیگر در عمل محملهایی را نیابیم که واقعا به ادامه این پیوند و عینیت کردن آن کمک نماید. بشر خارجی جنبه دانشجویی ایران و این رابطه دار باره ابرسودرگی است. تضاد بین خواستهای ضد امپریالیستی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و واقعیت عینی - یعنی بودن در خارج - تضاد است که اگر توجه کافی بدان نشود یا به اغراض راست که به آن اشاره کردیم یا به پیچ و خمها و باطلات پ

می انجامد. بشر خارجی جنبه دانشجویی ایران تحت تاثیر شدید عوامل ذهنی جهانی قرار گرفت و از جمله به ایمن دلیل با متعصبان و سوز پیوند با خلق حرکت کرد. این جنبه مثبت و متروقی است ولی فقط یک جنبه مساله است. جنبه دیگر آن واقعیتها عینی جامعه ماست.

ارتباط داخلی و امپریالیسم برای تحکیم و ادامه استثمار شدید خلق ما با ایجاد دستگاههای وسیع اختناق و سرکوب و با تقویت ترور فاشیستی و یورش تمام سازمانها، گروهها و عناصر مبارز مجموعه جنبه را در برابر مسائل تازه ای قرار داد. شکست مبارزات دوباره سربلند کرده ۶۰ - ۶۹ و ۶۱ - ۶۰ نشان آشکار این واقعیت بود که تحکیمات موجود جوابگو و احتیاجات مبارزاتی زمان ما نیستند و گونه مبارزات دلورانه گروهها و عناصر ضد امپریالیست در ایران و همچنین مبارزات خلق ما در فاروس و کردستان و بالخره متاورمتها و دهقانان در برخی نقاط ایران و اعتصابات کارگری نشان زنده بودن خلق ماست ولی نمود این مبارزات نشان دهنده این واقعیت نیز هست که جنبه بطور پراکنده و با دیدن ناممکن به مبارزه یا مقاومت دست میزند. بمبارت دیگر جنبه مردم ما امروز فاقد سازمانها و پیشرو و هدایت کننده خود می باشد. از سوز دیگر شکست مبارزات سالها ۶۰ - ۶۹ و ۶۱ - ۶۰ آخرین ارتباطات موجود بین سازمانها و مختلف جنبه را از بین برد و یا نامحتمل کرد. یکی از تیلورها و این تعلیل رابطه سازمانی اعدام وجود ارتباط ارگانیک بین بشر داخلی جنبه دانشجویی و بشر خارج از کشور آن می باشد. و تبلور دیگر آن همانطور که

- ۹ -

گفتیم چاره اندیشی پراکنده از جانب گروهها و مختلف، بدون رابطه با هم و نتایج این کوششها پراکنده که در سطوح مختلف انجام میگیرد می باشد.

خلاصه میکنیم: امروز در ایران نه سازمان هدایت کننده جنبش وجود دارد و نه سازمانها و پراکنده موجود با یکدیگر در ارتباط روشن و دقیق می باشند. مبارزات و مقاومتها و مردم بطور خود بخود، پراکنده و در بهترین حالت با رهبری از آن گروه کوچکی از مبارزان انجام میگیرد.

جنبش دانشجویی ایران نیز در عمل به دو بخش خارج و داخل تقسیم شده و گروه این دو بخش با هم همسو و هم هدف می باشند (و این در عمل نشان داده شده) ولی فاقد رهبری واحد، تفکلات واحد و خط مشی واحد اند.

این واقعیتها و عیناً، امروز مجموعه جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ایران و از جمله جنبش دانشجویی را در برابر مسائل مختلفی قرار داده است. یکی از موارد اساسی این مسائل، همانطور که گفتیم روشن کردن مساله پیوند با عمده ترین نیروها و جنبش یعنی کارگران و دهقانان و پیدا کردن راهها و پیوند می باشد.

آیا عریا، از بحثها و جنبش باید بداند و بداند که ما معتقدیم که در شرایط فعلی هر یک از ما، هر سازمانی از سازمانها و جنبش مجبور است به این مساله جواب دهد و با توجه به وظایف و واقعیت خود در تئوری و عمل در جهت برقراری این پیوند حرکت کند. هرگونه برخورد فرصت طلبانه از این مساله غیر قابل توجه است. امروز جنبش دانشجویی ایران نه تنها باید در این جهت حرکت کند، نه تنها باید در تئوری و عمل این پیوند را نشان دهد، بلکه باید هم در تئوری و هم در عمل با تمام راههای راست سازماندهی و همچنین راهها و "میان" و "اولترایپ" و بویژه با مبارزه قاطع علیه تمام راهها و راست بسوی برقراری این پیوند به پیش رود. در اینجا تاکید میکنیم که وقتی صحبت از جنبش دانشجویی ایران میشود مقصودمان مجموعه جنبش (بغیر داخلی و بخش خارجی آن) میباشد و نه فقط یک بخش از آن.

در اینجا سئوال دیگری مطرح نمیشود، سئوالی که بنظر ما یکی از مهمترین مسائل روز کنفدراسیون است، و این با آن پاسخ به این سئوال نشان میدهد ما از جنبش و سازمانها و جنبش، رابطه سازمان دانشجویی با سازمانها و سیاسی جنبش و با آنچه نشان درک ما از ضد امپریالیستی، توده ای و دموکراتیک بودن کنفدراسیون است. این سئوال چنین است: آیا بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران میتواند بطور مستقیم، بدون رابطه با جنبش دانشجویی درون میهن، بدون رابطه با سازمانها و بازتاب کننده اعتراضات و واقعه زحمتکشان، با کارگران و دهقانان پیوند برقرار نماید؟ ما با صراحت تمام به این سئوال پاسخ منفی میدهم. جنبش دانشجویی خارج از کشور قادر به این عمل نیست و هرگونه "تئوری" سازی در اینباره اگر از ذهنیگری، آرزوهای کودکانه و دور بودن از محیا مایه نگرفته باشد نشان بیش از تعارفی از جنبش و سازمانها و جنبش و مسائل مبارزه مردم ماست. این بیش از حقیقت بیش از آلیستی از تاریخ و مبارزه و نشان عدم ایمان به توانایی توده ها و مردم می باشد.

ما جنبشی مجرد بنام جنبش دانشجویان خارج از کشور نمی شناسیم. جنبش واحد دانشجویی ایران، در داخل و خارج از کشور تبلور مشخص خود را پیدا کرده و اگر بنده گفتیم پیوند سازمانی بین این دو بخش در اثر عوامل گوناگون قاطع شده، این بدان معنا نخواهد بود که با جنبش دانشجویی ایران بشما به یک گروه و یک واحد برخورد نکنیم.

بصارت دیگر بخش خارجی جنبش بهیچ عنوان نمیتواند راه خاص خود را طی کند. راه جنبش دانشجویی یکی است

و دوتا نیست.

اما آیا این گفته بدان معناست که بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران ویژگیها و خود را دارا نمی باشد؟ و آیا

- ۱۰ -

این بدان معنی است که از امکانات مساعد اروپا و آمریکا که در اختیار بخش خارجی جنبش است برای خدمت بمبارزه مردم ایران نباید استفاده کرد؟ روشن است که بخش خارجی جنبش ویژگیها و خود را داراست. مدتها صحبت بر سر اینست که این ویژگیها را نمیتوان مطالب کرد و از آن برای جنبش خارج از کشور تشویر ساخت و در عمل پیاده کرد. برپا دادن به امکانات اروپا و آمریکا در عمل گزیده از دید کوتاه مدت میتواند کمکهای به جنبش برساند و لسی از دید رازمدت در صورت تنها دیدن این عوامل و در غور دیدن عینیت عناصر تشکیل دهنده جنبش دانشجویی، بخش خارجی جنبش را به طور مصنوعی "پیشرو" میکند و از مجموعه جنبه دانشجویی ایران جدا میسازد.

استفاده از امکانات مساعد اروپا و آمریکا اگر با توجه به این مسأله، که نباید این استفاده به بهای جدایی از جنبش دانشجویی درین کشور تمام شود، اعطای نگردد، ما بیجا زیر پا گذاشتن یکی از اصول یعنی توده ای بودن کنفدراسیون و تکیه تنها بر جنبه ضد امپریالیستی بودن آنست. درحالی که باید سه اصل ضد امپریالیستی، همکراتیک و توده ای بودن کنفدراسیون را بعنوان وعده در نظر داشته باشیم و هر عمل مشخص باید از دید درازمدت بهیچیک از این سه اصل لطمه نزند. بعنوان مثال: همانطور که دست آورد متروقی بخشی و یا نیرویی از کنفدراسیون باید قبل از آنکه تبدیل به عاملی کنفدراسیون شود، در مسأله مختلف واحد با مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در دورانی تبدیل به خواست اکثریت شود و ضمانت عمل پیدا کند، همانطور که نیز دست آورد بخش خارجی جنبش دانشجویی باید موضوع تمام جنبش دانشجویی ایران گردد تا بتواند در عمل پیاده شود. هرگونه انحرافی از این اصل به جدایی "پیشرو" از جنبش از توده دانشجویی و به جدایی بخش باطلی "پیشرو" از کشور از بخش داخلی خواهد انجامید.

مثال دیگر: بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران حتی اگر هم اکثریت قاطع عناصر تشکیل دهند آن دارا و جهان بینی واحد باشد نمیتواند جهان بینی واحد را بعنوان جهان بینی جنبش دانشجویی ایران اعلام کند. جنبش دانشجویی ایران به طور عینی متشکل از عناصر با دیدهای گوناگون ضد امپریالیستی (در رابطه با مرحله انقلاب ایران) است و بخش خارجی آن نمیتواند در اثر این یا آن عامل "مثبت" تأثیر کننده باطلی "پیشرو" نماید و خود را از جنبش جدا سازد. خلاصه میکنیم: ۱- مسأله پیوند با کارگران و دهقانان مسأله اساسی جنبش است و همه سازمانها منجمد سازمانها و جنبش دانشجویی باید با این مسأله برخورد کنند.

۲- جنبش دانشجویی ایران باید خود را در خدمت جنبش مردم و عناصر عمده آن یعنی زحمتکشان بگذارد.

۳- جنبش دانشجویی ایران اینکار را به تنهایی نمیتواند انجام دهد و این پیوند فقط از طریق سازمانها و پیشرو جنبش مردم ما انجام پذیر است.

۴- جنبش دانشجویی ایران باید برای ایجاد این پیوند در تشویر مواضع خود را دقیق تر و روشنی تر بیان کند و در عمل در رابطه با وظایف مشخص مرحله ای خود در این راه گام بردارد.

در مورد بخش خارجی جنبش به طور مشخص: ۱- بخش خارجی جنبش دانشجویی به طور عینی قادر نیست به تنهایی با زحمتکشان میهن پیوند برقرار سازد.

۲- بخش خارجی جنبش دانشجویی باید در این راه در رابطه با وظایف مشخص مرحله ای خود گام بردارد.

۳- بخش خارجی جنبش دانشجویی باید از امکانات مساعد اروپا و آمریکا برای این عمل حد اکثر استفاده را بنماید.

۴- بخش خارجی جنبش دانشجویی بدون رابطه با بخش داخلی جنبش دانشجویی به جنبش انحرافی تبدیل خواهد شد.

۵- در شرایط امروز عمده ترین و مهمترین وظایف بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران در زمینه پیوند با زحمتکشان ایجاد امکانات پیوند با جنبش دانشجویی در درون کشور می باشد.

- ۱۱ -

اینکه پیوند با بخش درون کشور جنبش دانشجویی از چه راحی و به چه ترتیب باید صورت گیرد خود مساله ایست قابل دقت و تامل و تامل آن از وظایف مهم ماست. در سال گذشته کنفدراسیون بطریق گوناگون کوششهایی در جهت این مساله مهم امروز جنبش بعمل آورد و گامهایی در این جهت برداشت. باید با جمع بندی کارها و انجام شده و بررسی اوضاع مشخص و امکانات کنفدراسیون شیوه ها و مناسب کار آینده را یافت. بلایستی است که خود پراتیک این حرکت افتد دید ما را بیشتر خواهد گشود و با ارزیابی همه جانبه ارگانها و کنفدراسیون و تامل و تامل چوئی آنها در این زمینه میتوان راحی جدید و شیوه مناسب را پیدا کرد.

گرایشها و انحرافات در برخورد به مساله پیوند:

قبلا اشاره کردیم که دقیق تر کردن موضع جنبش در تامل مبارزه و همگونگی ایجاد این پیوند مساله امروز جنبش دانشجویی است و روشن کردیم که امروز مضمون این پیوند برای جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور ایجاد پیوند با جنبش دانشجویی درون کشور است. بحث در مورد پیوند با ایران ماهیتا ادامه مبارزه صنفی - سیاسی گذشته است و همانگونه که جنبش دانشجویی ایران در مبارزه صنفی - سیاسی در تفرق و عمل موفق بیرون آمد باید با این مساله نیز برخورد جدی نماید و از انحرافات گوناگون راست و باطل جلوگیری کند. این مساله بویژه در اروپا و آمریکا که جنبش در رابطه مستقیم با زندگی مردم و واقعیتهای عینی نیست میتواند به چندین انحراف بیاورد. در حال حاضر این گرایشها و انحرافات در جنبش، صرفنظر از مهم بودن یا مهم نبودنشان، یا در حد معینی نظام و انعکاس یافته و یا در فکر رخنه هستند. باید با مبارزه و پیگیری هم دنباله هائی را باطلان صنفی و هم انحرافات باطلان "چپ" و "انقلاب بی" را از جنبش طرد کرد.

خطوط انحرافی موجود در رابطه با مساله پیوند با ایران از این قرار است:

۱- راه آشکار صنفی: این راه که ارد شده بود با توجه به مشکلاتی که امروز جنبش با آن درگیر است، یعنی مشکلات سیاسی جنبش به سوء استفاده از این مشکلات، ایجاد محیط مسموم و زمینه مساعد برای خود دست زده است. با توجه به رسوائی کافی این راه سازشکارانه و آگامی دانشجویان این خطر گرچه بالقوه وجود دارد ولی هنوز در حالت آشکار خود نمیتواند عجز انجام کند. مدتها باید بشمار بود که این راه طرد شده با پوششهای جدید وارد جنبش نشود.

۲- خطی که خاستگاه طبقاتی عناصر متشکل در جنبش را مبنا و برخورد خود قرار میدهد: این راه که ماهیتا همان راه سازشکارانه و صنفی را برای جنبش دانشجویی تبدیل میکند، گویند در جنبش دانشجویی فعالیت نمی دارد، ولی در سطوح مختلف به پیش افکار خود می پردازد. این خط با مطلق کردن عینیت و عدم توجه به عامل آگامی، جنبش دانشجویی را عملا در حد صنفی نگاه میدارد. مدافعان این خط فراموش میکنند که جنبش دانشجویی در حد و توان خود تأثیر به مبارزه در زمینه ها و گوناگون است. این خط با خط اول، یعنی خط آشکار سازشی یکی است و تنها در لباس دیگری عرضه میشود. نمونه ها را این خط در جنبش دانشجویی کشورهایی دیگر نیز دیده میشود و پدیده او تصادفی در جنبش دانشجویی ایران نیست. مبارزه با این انحراف باید همراه مبارزه با انحراف اول انجام گیرد. افشا و پوشش "چپ" این خط یکی از وظایف جنبش است. هم راه اول و هم راه دوم در عمل به دور و جدائی جنبش دانشجویی از مردم و مبارزه مردم می انجامد.

۳- خط نادرست دیگر باطلان میانه است. این خط با عدم موضعگیری و قاطع و با طفره رفتن از برخورد مشخص به

- ۱۲ -

مسائل روز جنبش، با جنبش دانشجویی برخورد تاکتیکی و روزانه میکند. وادار ساختن این خطا به مضعگیری قاطع از ولایت مبارزان جنبش است.

۴- در رابطه با مسأله پیوند دو انحراف با اطلاع چپ نیز در جنبش دیده میشود. یکی راه "اولترا چپ" است که بعد مادم آنرا در بینداید آلیستی از تاریخ و مبارزه باید جستجو کرد. مبارزه با این انحراف و طرد آن نیز یکی از شرایط پیوند راستین با زحمتکشان میهن ماست. مالتی کردن عامل ذهنی، پرمیادادن به امکانات اروپا و امریکا بدون توجه به واقعیتها و عینی داخلی، خواست برای با اطلاع پیوند مستقیم با کارگران و دهقانان، پیرو کودکانه با تکیه بر احساسات و شور انقلابی توده کار و دانش، از تاالرات این انحراف "چپ" می باشد. مبارزه با این انحراف در مرحله فصلی رشد مبارزه مائیت با انحراف راست متفاوت است. در این انحراف اکثر از خواست صمیمانه دانشجویان به شرکت در مبارزه مردم استفاده میشود. با مبارزه درونی (درون کنفدراسیون) در یادوران میتوان نمایندگان این خطا را منفرد ساخت و بر این انحراف غالب شد.

۵- شبیه سازان اروپا و امریکا انحراف "چپ" دیگریست که در میان برخی از مبارزان جنبش مشاهده میشود. این خطا عبارت از نفی مرحله انقلاب سبایران، متحدین و نیروهای بالقوه جنبش می باشد. این گرایش نادرست دو ضار بدنیال میآورد. یکی جدائی بخش خارجی جنبش از بخش داخلی و دیگری پراکندگی در خود جنبش خارج از کشور و در میان نیروها و عناصر متشکل در آن. مبارزه با این انحراف نیز مبارزه درونی سازمانی است، باید در دوانی توانی و از طریق مبارزه ارسال و روشن کردن دقیق مسأله رابطه وحدت - مبارزه در درون جنبش این گرایش را از بین برد.

جنبش دانشجویی خارج از کشور در سال گذشته:

پرا تیل سال گذشته جنبش دانشجویی ایران در خارج آموختنی فراوان دارد. ویژگی مبارزات، پایبند و پیداکردن بیشتر جنبش به سرنوشت خلق در تنور و پرا تیل می باشد. در مجموع آنچه انجام گرفت در این جهت بود که شناخت از ایران و سرنوشتی با مردم دقیق تر شود و این دقیق تر شدن شناخت به مبارزه از قاطع تر و روشنتر بیانجامد.

مبارزات کنفدراسیون در سال گذشته از یکسو توانائی کنفدراسیون را نشان داد و سوزی این واقعیت را بار دیگر آشکار ساخت که عرصه مبارزه میهنی تر شده، توده از تر نیز گفته است و این پاسخی است به همه "منفیسن" و آنان که از جوانان و مبارزه آنها دور شده، خواست و توانائی آنان را نمی شناسند و شین جدائی از "توده" را سرداده اند.

در سالی که گذشت در جنبش ضد امپریالیستی دانشجویان ایران و سازمان آن کنفدراسیون جهانی یک سلسله مسائل نو مطرح گردید که کنگره حاضر باید با آنها برخورد کرده، پاسخ درست به این مسائل را روشن سازد. در سال پیش بر اساس مجموعه کنگره نهم پیشی نور در مجموعه کار کنفدراسیون بوجود آمد که مضمون آنرا ایجاد جنبش کار در جهت ایران تشکیل میدهند. غیات دبیران کنفدراسیون کوشش کرد با دعوت به نوساز این جنب را که خطوط عام آن از طرف کنگره نهم بمنظور پیوند با جنبش دانشجویی در داخل کشور ظاهر شده بود، مشخص نموده و در کنفدراسیون دامن زند. ما سعی کردیم در سروسه عمل در خود را از این مبارزه عمیق تر کنیم و آقا بدآور مشخص پیاده نتایجیم به نحوه که در پرا تیل توانائی و تا آن حد که در توانائی و امکانات کنفدراسیون است طرق و وسایلی بیابیم که مسائل ایران محور اساسی فعالیت کنفدراسیون را در همه زمینه ها تشکیل دهند. با جنبش دانشجویی در ایران در حد امکانات در ارتباط قرار گیریم و متقابلا مسائل کنفدراسیون و مبارزات آنرا به هم میهنان خود، بویژه دانش

- ۱۳ -

جویان درون کشور بشناسانیم .

ما در بحث گذشته درك خود را از نارد ر جیت ایران ، پیوند با ایران و برخورد های گوناگون نسبت به آن توضیح دادیم .
در اینجا لازم میدانیم به پاره ای دیگر از مسائل مهمی که در سال پیش در مقابل کنفد راسیون قرار داشته اند برخورد نمائیم .
این مسائل عبارتند از :

۱- شرایطی که در آن هیات دبیران قبول مسئولیت نمود .

۲- مساله وحدت در درون کنفد راسیون .

۳- کنگره یازدهم راسیون آلمان .

۴- برخورد به واحد های کنفد راسیون .

۵- درباره کردستان .

۶- مساله تیمور بختیار .

۷- مساله سازمان امنیت .

۸- موخره .

۱- شرایطی که در آن هیات دبیران قبول مسئولیت نمود :

هیات دبیران کنفد راسیون در شرایط خاصی قبول مسئولیت نمود . ما در کنگره نهم کنفد راسیون اعلام کردیم که به خاطر كك به منظور غلبه بر بحرانی که کنگره با آن روبرو است عاجزیم مسئولیت کار جنبش را با همه مشکلاتی که برای ما ایجاد خواهد کرد بدوش گیریم . ما از همان ابتدا با آگاهی به مشکلاتی که این شرایط را زاینگیر در برابر ما قرار میدهد کوشش کردیم تا آنجا که به ما مربوط است در مقابل آنها ، رفع و کاوش میزان آن پارمچویی کنیم ولی طبیعی است که در این پارمچویی با وجود حسن تفاهم نمیتوانستیم از مواضع اصولی عدول کنیم و بالاخره علیرغم همه موانعی که بوجود آمد ، علیرغم پاره ای ها و هماریها و علیرغم برخی برخورد های نادرستی که با کار هیات دبیران انجام میگرفت خود را صمیمانه با تمام امذانات در خدمت انجام و اثباتی که به عهده گرفتیم قرار دادیم و در هرارفتوشیدیم تا خواستهای اکثریت تا طام دانشجویان رانفایندگی کنیم و امروز در این دنگره نتایج کار کرد کنفد راسیون و مبارزه دشواری را که در یکسال گذشته صورت گرفته ارائه میدهم .

در سالی که گذشت کنفد راسیون یکی از مشدلتترین دوران خود را گذراند و بنا بر دم نظیر در رگیر دارد و مبارزه بود . یکی مبارزه سرسخت علیه رژیم ایران و دیگر مبارزه جان بر سر مسائل درونی . مبارزه درونی جنبه که از کنگره هفتم شکل روشن بخود گرفته بود ، در دنگره نهم و بیوه پس از آن تشدید گردید . علاوه بر بین مسائل سیاسی و شرایط جنبش خارج از کشور نیز مقداری مسائل عمده با اضافه مسائل فرضی و کاذب با خود به همراه آورد و در نتیجه مجموعه این مسائل عمده و غیر عمده اثر و نتایج صمیمی در جنبش و کار کنفد راسیون داشته است که در ارزیابی از فعالیتهای یکساله نمیتوان آنها را نادیده گرفت .

۲- وحدت در درون کنفد راسیون :

شرکت دانشجویان مترقی با ناره های مختلف سیاسی در سازمانهای دانشجویی از ما طلب میکنند که به مساله وحدت در درون کنفد راسیون برخوردی جدی داشته باشیم . حل این مساله به داریو صمیمی به از ناز ارتباط با مبارزه مردم و چه از نظر نیروهای شرکت کننده در درون سازمانهای دانشجویی اهمیت حیاتی دارد . قبلا اشاره کردیم که موضعگیری قاطع در برابر امپریالیسم و ارتجاع و میانگری خواستهای واقعی توده های

- ۱۶ -

دانشجو تنها ضامن پیوند با توده ها و دانشجویی است. این تغییر در باره نیروها و درون سازمانی نیز صادق است و وحدت درون سازمانی نیز (که پایه ها و عینی آن در جامعه وجود دارد) هم در تئوری و هم در عمل یا وحدت ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است. این وحدت نیز مانند پیوند توده ها نمیتواند با دید سودجویانه و کوتاه مدت از مبارزه برقرار شود. این وحدت در رابطه است با مرحله رشد مبارزه خلق، مرحله انتقال به دیگر مسائل جنبش. هرگونه راست روی و تعبیر سازشکارانه از این وحدت و هرگونه "چپ روی" و ندیدن نیروها و مختلف ضد امپریالیست در درون سازمانها و عدم توجه به خواستها و آنان، مرحله مبارزه را ندیدن است. روشن است که "چپ روی" که ما از آن صحبت میکنیم با برعکس "چپ روی" سازشکاران و مرتجعین از زمین تا آسمان فرق دارد. برعکس "چپ روی" آنان همان تکفیر است و برای کوبیدن جنبش بکار میرود و "چپ روی" که ما باید از آن پرهیز کنیم، اتخاذ آن استراتژی و تا کنین و شیوه ها و کار است که با مرحله جنبش و رشد نیروها و آنان سازگار است و جنبش را تضعیف میکند. وحدت افراد و عناصر تشکیل دهنده کنفدراسیون در جریان مبارزه علیه رژیم و حامیان آن و همچنین در جریان مبارزه میان نژاد درست و نادرست در درون جنبش تحکیم می یابد. بقول وجود مبارزه طبیعی و مداوم میان نژاد درست و نادرست، بقول اعمال برخی شیوه ها و نا صمیمی کار و پاره ای گرایشها، ناسالم وحدت درونی کنفدراسیون همواره ممکن است در اینها و آنجا، در این یا آن زمان دستخوش تزلزل گردد. در رابطه با این مبارزه در سرفاله شماره دوم شانزدهم آور در باره مسائل گذر که فهم نوشتیم که "باید با مبارزه اجتناب ناپذیر درونی برخورد درست داشت و از آن در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی جنبش استفاده کرد." برای این منظور باید مساله وحدت در درون کنفدراسیون و مبانی این وحدت بدقت ارزیابی شود و حد و مرز آن دقیقاً ترسیم گردد. پایه گریه آبی و وحدت در کنفدراسیون اشتراک نژاد در مسائل اساسی جنبش توافق و فهم مشترک از خدای و وظایف کنفدراسیون و شرکت عملی در انجام این وظایف است. این معیارها مناسبات درونی جنبش را تعیین کرده و نشان میدهند حرکت تا به حد در جهت تحقق خواستها و آتی توده دانشجویان برمیدارد. وحدت درونی کنفدراسیون وعدتی است داوطلبانه و آگاهانه و در پایه. باید بر اساس این وحدت شیوه عمل درست و سبک کار صحیح اتخاذ کرده و در برابر هر گرایشی ناسالم و غیر تاریخی در تحصیل نژادتی که به زیان جنبش است، مقاومت و مبارزه جدی بعمل آید.

گذرگه یازدهم کنفدراسیون آلمان و پیام هیات دبیران کنفدراسیون

هیات دبیران کنفدراسیون سعی کرده بود در پیام خود به گذرگه یازدهم کنفدراسیون آلمان به ستاد و از مسائل کنفدراسیون برخورد کند ولی خود این پیام در گذرگه با عکس العمل نادرست عده اری از نمایندگان مواجه گردید و در نتیجه بحثهای مختلفی را در گذرگه و پیرامون آن برانگیخت. ما برای آگاهی کلیه دانشجویان از متن این پیام آنرا چاپ و پخش کردیم. در اینجا آنرا میداریم بدلیل اهمیت مساله برخی از نکات پیام را باز کرده و موضع خود را در قبال آن و نقد آن و بعد از آن دیگر اعلام داریم. آنچه مربوط به نوع برخورد با پیام است، همانطور که در گذرگه کنفدراسیون هم اظهار داشتیم، گذرگه کنفدراسیون نمیتواند در رد یا قبول، چاپ رساندن یا نرساندن آن تصمیم بگیرد. نمایندگان که با را خود پیام هیات دبیران را رد کردند کار و برخلاف موازین تشکیلاتی انجام داده و با آتشفشان که در نتیجه چنین برخورد ایجاد نمودند کامیابی گذرگه را مورد سؤال قرار دادند و علاوه بر این یا شیوه ناصحیح و ناسالم کار را نیز پایه گذار کردند. اینکه در حق گذرگه هیچ یا از واحد ما نیست پیام هیات دبیران کنفدراسیون را هر چند با آن موافق نباشند رد و از چاپ آن خودداری کند در واقع احتیاج به

بحث زیاد ندارد. اگر قرار بود پیامها طوری نوشته شود که بعد با آن موافق باشند، اوستادش را شاد و خوشحال از اصولیت و مبارزه خلاق در میان باشد. پیام هیات دبیران براحتی میتواند مورد توافق عده ای از دوستان قرار گیرد. اما این بدان معنا نیست که در کنگره با آن ایزدین برخورد شود. رسیدگی به محتوای پیام تنها از وظایف کنگره کنفدراسیون است و این مانند همه کارها هیات دبیران باید زیر نظر نقادانه نمایندگان کنگره کنفدراسیون مورد بررسی قرار گرفته و در باره آن داوری شود. شیوه ای که در کنگره کنفدراسیون آلمان در برخورد به پیام انتصاب شد تنها میتوانست بمنظور از اعتبار انداختن مرکزیت کنفدراسیون و اعمال پل‌روشن نادرست جدید برای آینده مورد استفاده قرار گیرد و نه بیشتر.

عده ای در کنگره میخواستند که هیات دبیران همانجا بنشینند و پیام خود را اصلاح نمایند و یا بصورت دیگری آنچه منایر نظر و خواست آنهاست بخازنه شود و عملاً شرط قبول پیام را تأمین این خواست خود قرار داده بودند. نه تنها در سازمانی چون کنفدراسیون، بلکه در هر مورد دیگر نیز نادرست است اگر عده ای خواهان آن باشند که نظرات و خواستها و آنان از طرف کماتیی که معتقد به ندرستی این نظرات می باشند بیان گفته و مورد دفاع واقع شود. از همه اینها گذشته، آنها چنین غرایبی را برای آپ این پیام قرار میدادند. خوب بود از خود سؤال میکردند این تصمیم و دایره‌های در باره کار هیات دبیران کنفدراسیون از حقوق و وظایف آنها و کنگره کنفدراسیون است و یا در اختیار ارگان دیگر است.

برخوردی که در کنگره کنفدراسیون آلمان نسبت به پیام هیات دبیران شد برخورد نادرست بود و بحق است اگر چنین برخوردی از طرف دوستان پذیرفته نشود تا به بدستی بر آنها به گذار و شیوه ها و نادرست و نا سالم در آینده تبدیل نگردد. در غیر اینصورت هر واحدی بسته به نظراتی که در آن غالب است میتواند مستقل بر اساس آرایسین نظرات عمل کرده و تنها نظراتی را پذیرفته و اجرا نماید که مورد موافقت او قرار گیرد و این امریست که جهانی مسامحات سازمانی را متزلزل میسازد.

و اما در باره محتوای پیام: هیات دبیران در سال گذشته کوشید تا از شرکت خود در نشستها و دانهجوشی برای ملی و بررسی مسائل جنبش و در میان نهادن کارها و خود با اعطای کنفدراسیون استفاده کند. ما هیچگاه نکوشیدیم و در تمام تقسیم گفتگو و تبادل نظر با اعضای کنفدراسیون به یک برخورد با صلااح رسمی و رفع تکلیف ختم شود. در پیام به کنگره ما دانهجوشی سعی میکردیم مختصر از آنچه صورت گرفته عنوان شود و مورد بررسی قرار گیرد. بعضی از دوستان معتقد بودند که پیام نباید به این شکل باشد و در واقع باید به مقداری کلی گوئی در آن اکتفا گردد. بدیهی است که این تقصیر کاملاً متفاوت است. ما هنوز هم معتقدیم که پیامها نباید صورت فرمال و رسمی بنمود گیرند و هیات دبیران باید از نشستها و دانهجوشی حد اکثر استفاده را برای ملی و بحث و بسط مسائل کنفدراسیون بنمایند و در این شیوه عمل مسراوند یافتار و میکنیم. صرفنظر از این مورد ظاهراً دو نکته در آرایسین پیام از آن نکات دیگر آن مورد بحث واقع شد. و این همان مواردیست که گفته میشده مبهم بیان گردیده و هیات دبیران در کنگره در باره آن توضیح داد. ما این دو مورد را در اینجا عیناً نقل میکنیم:

«برخورد به کنفدراسیون و جنبش دانهجوشی امروز نیز از مواضع گوناگونی صورت میگیرد. گرنه جنبش دانهجوشی بارها از طریق کنگره ها و تصمیمات و خود سازشکاران و خاطرات ما را محکوم کرده و جنبش با حرکت مبارزه جویانه از میلیون این مملکت منفرد ساخته است ولی این بمعنا و آن نیست که چنین خطی هنوز در صدد دست یافتن به مراکز و عبور و زدودن خط منفرقی و ضد اپرنا لیستی کنفدراسیون نمی باشد. خط رفرمیستی در جنبش دانهجوشی اگر چه

- ۱۶ -

ضریات جد و خورده است و بازیم می‌گوید با استناد به این گوناگون و حتی پیدا کردن متعدين عوارض انانام بنیاد ما بهینه دانشمندان متوقی عشار میدیم تا در مبارزه خود این عارضه جنبی را که بنیاد ما عارضه مردم و رادیو، پیک ایران است مصمم و پیگیر افشا و ارد نمایند ."

مادر ایضا اشکارا عارضه‌ها را نه و رفرمیستی را که بارها از ارفا اکثریت تالیع عناصر متشکل در جنبی و از ان کذره عارضه کنفدراسیون محکم و بارده شده است با توجه به دست و پا زدن‌ها و جدید مبلغین و ارنداران آن و عارضه که از اینداریه جنبی را تهدید میکند بر مان کرده ایم . فاکتها و واقعیات نشان میدهند که عارضه سازش کار و رفرمیستی امروز در انتظار فرصتها و معینی نشده و ما با توجه به مسئولیت خود در قبال جنبی نه تنها نمیتوانیم آنرا نادیده بگیریم ، بلکه موظفیم از ارفی عشار و بسیج دانشمندان و عناصر و نیروهای متشکل در درون کنفدراسیون این عارضه را در همان هسته عارضه اولیه تار خود و قبل از پا و گرفتن قاطعانه طرد کنیم . این عشار و بسیج پیونده از این تار اهمیت دارد که این عارضه‌ها عوارض مترصد است و بنا بر ماهیت خود و از اختلافات میان مبارزین درون کنفدراسیون و از بی‌ثباتی و درگیری و نیروهای جنبی بعد اکثر استفاده را بنیاد و در این رابطه غیر طبیعی و عجیب نیست که برای تحقق عارضه‌ها و خویش در جستجوی متعدين باید و ما عارضه این عشار را نه تنها نا صحن نمیدانیم ، بلکه معتقدیم که صحن و حتی ضروری بوده است . اینکه چه کمی متحد آنان میشوند و این اتحاد چگونه میتواند شکل گیرد و تکامل باید بسته به عارضه‌ها و واکنشها آنها است . در عارضه این واقعیت را نمیتوان نادیده گرفت که عارضه‌ها عارضه‌ها و رفرمیستی در صورت موفقیت در این یا آن مورد برای خود محیل رفت و دیگران تمهیداتی بوجود می‌آورد . این تمهیدات که در ابتدا تبار خود را در عدم موضعگیری صریح در برابر این عارضه‌ها یافت یقینا با رشد خود به نتایج زیان‌بار و تر منتهی میشود . بهمین دلیل ما در ایضا نیز یکبار دیگر از عارضه سازان جنبی می‌خواهیم که با موضعگیری صریح در قبال این عارضه ارتباطی با آن قاطعانه و روشن عارضه‌ها ناصل یکند . ما اعتقاد داریم که نه از طریق پلیمیا ، بلکه از طریق این موضعگیری صریح میتوان در عارضه‌ها چگونه شبهه از را در این زمینه از میان برداشت .

در جای دیگر پیام گوش شده بود به مقاله تیرماه ۶۸ ما عارضه توفان و نادرستی مالک‌های شده در این مقاله اشاره شود . اینکه مالک‌های آورده شده در اینباره را بدون ذکر مقاله مزبور ناسمیدیم ، باین دلیل بود که حیات‌دبیران تصمیم داشت‌های اطلاعیه جداگانه از با آن برخورد کند . ولی طبیعی است که ما با توجه به بخش این مقاله و مورد بحث قرار گرفتن نکات آن نمیتوانستیم در زمین نشستی بکلی از کنار آن بگذریم . بدین مناسبت ترجیح دادیم به برخورد معینی با مالک‌های این مقاله بدون ذکر نام اکتفا کنیم و باز کردن آنرا به اطلاعیه حیات‌دبیران موکل سازیم . رویدادها و بعدی و با عارضه اظهاریه توفان در این باره ، درستی موضعگیری ما را نشان داد . حیات‌دبیران در اطلاعیه سپتامبر ۶۹ خود سعی نموده بود تا از موضع کنفدراسیون و تنها با عارضه‌ها مقاله برخورد کند . ولی متأسفانه اظهاریه فوق‌الذکر نیز با شیوه او که در همان مقاله اتخاذ شده بود ، اتهام زدن را ادامه داده است . ما با توجه باینکه با یکبار پاسخگویی بدلیل لزوم رد اتهامات و آشکارا شدن حقایق و مسائل را تا حدی روشن کرده بودیم ، تصمیم گرفتیم پاسخی به اظهاریه تنذیم و از این طریق از آن کشیده شدن به یک پلیمیا به هم خود جلوگیری کرده باشیم . متنها در اینجا که کارنامه یکساله فعالیت ما عارضه‌ها است خود را موظف میدانیم از موضعگیریها و درست خویش به دفاع برخاسته و در باره آنها توضیح لازم را بدیم . قبل از پرداختن به خود مالک‌های ضروری میدانیم به یکی از نکاتی که در اظهاریه آمده است اشاره کنیم . در این

- ۱۷ -

اظهاریه نوشته شده عیادت‌بیران با وجود آگاهی بودن بد این امر که پخش چنین اطلاعیه‌ای به موضع‌گیری عوا
داران ما و در نتیجه شناخته شدن آنان منتهی می‌شود، باز هم به پخش این اطلاعیه اقدام می‌کند. روشن است
که عناصر و نیروهای سیاسی نمی‌توانند توجیه داشته باشند، چرا که تبار و عقیده‌ای در باره کفدراسیون و مسئولین
آن انتشار دهند، ولی کفدراسیون و مسئولین بدلیل اینکه موضع‌گیری آنان موجب شناخته شدن این نیروها
و افرادشان آنها می‌گردد، موافق باشند در برابر آن سکوت کنند. این استدلال واقعا عجیبی است. کسی حقیقت
داشته باشد عرصه دل می‌خواهد در باره شما بگوید، چرا تهی که نایل است و اراده کند بشما نسبت دهد، با عر
موضعی به مصالح جنبش برخورد کند، اما شما موافق به سکوت باشید و اگر جز این کنید خلا و شما مضاعف است،
زیرا که به شناخته شدن او و عوا دارانش منتهی می‌گردد. ابیعی است که نمی‌توان چنین استدلالی را پذیرفت.
ما معتدیم وقتی به جنبش و مسئولین آن نسبتی ناروا داده می‌شود، این حق و وظیفه مسئولین کفدراسیون است
که موضع خود را در برابر آن روشن کنند. در غیر این صورت هرگونه سکوت و بی تفاوتی عملا بمثابة پذیرفتن
این نسبتها خواهد بود. و چنین برخورد بی تفاوتی بدون تردید مخیالی از سردرگمی، ابهام و عدم اعتماد در
جنبش بیرون خواهد آورد. بنا بر این اگر ما در باره مالالب مقاله مزبور اقدام به تهیه اطلاعیه کردیم و مطالب
نا درست را روشن ساختیم، نه تنها خود را حق، بلکه موافق نیز میدانستیم. حال دیگر تعیین هرگونه گونگی
عکس العمل در برابر این اقدام و ایفای آنها می‌است که این اقدام و اقدامات مشابه را به کفدراسیون و
مسئولین آن تحمیل می‌کنند. این خود آنها هستند که مسئولیت مسائل درونی، سبلان کار و پنهان کاری دوستان
و عوا داران خود را باید متقبل شوند و حداقل از طریق خودداری از اقداماتی که دیگران را باور متناقضی
و اجتناب ناپذیر به پاسخگویی وادار می‌سازد، در حفظ دوستان و عوا داران خود بکوشند. کفدراسیون نمی‌تواند
مسئولیت همه چیز و همه کس، حتی آنها می‌را که در مواردی در سطح وسیعی توده‌ای با جنبش‌ها نشیونتی برخورد
نا درست می‌کنند بعهده بگیرد. ابیعی است آنان که به چنین شیوه اوست می‌زنند باید باور ابیعی در انتشار
پاسخ به مالالب خود هم باشند. و اگر تصور می‌کنند این پاسخگوئیها برای افراد را نشان ایجاد مزاحمت می‌کند،
با آن برخورد با مسئولیت نموده و از اقدامی که ناگزیر برانگیزنده این پاسخهاست پرهیز کنند. از این
گذشته اگر قرار باشد چنین استدلال درست باشد، بر اساس آن سازمانها و سیاسی هم نباید در هزایا کنونی
با یکدیگر بر سر مواضع خود بحث کرده و این مواضع را تبلیغ نمایند، چه در این صورت پلیس طرفداران آنان را
که در بحثها بدفاع از این مواضع بر می‌فروزند خواهد شناخت. در حال ما از باز کردن بیشتر این استدلال
خودداری می‌نماییم. اما در مورد مالالب مقاله:

نقل قول آورده شده در این مقاله و ارتباط این نقل قول با سایر مالالب نوشته شده، آنقدر روشن است که
ما را از بحث مجدد در این باره که مناور مقاله عیادت‌بیران کفدراسیون می‌باشد بی نیاز می‌سازد. در این
مقاله از "تمام نیروها ملی و انقلابی متشکل در کفدراسیون" دعوت می‌شود که در تبار شعار تهدید آمیز
مقاومت کنند. این دعوت از نیروها ملی و انقلابی برای مقابله با کدام شعار بزرگ است و از چه جانی بی‌چنین
شعار بزرگی کفدراسیون را تهدید می‌نماید؟ آیا واقعا آنگونه کارمایی صورت گرفته بود که می‌بایستی همه
نیروها ملی و انقلابی متحد و بسیج شده در برابر آن مقاومت کنند؟ اظهاریه بعدی، بتوبی نشان میدهد
که اتهامات به چه کسی نسبت داده شده و این "دعوت" عایه چیست و بالخره مواردی که چنین "دعوت" به

- ۱۸ -

به مثاومتی را ضروری ساخته کدامند. این موارد به‌طوری‌که در اظهاریه آمده از اینتزارند: «حیات‌دبیران خود را با «کلیه نیروها و ملی و دموکراتیک در داخل و خارج از کشور دمساز نکرده است - در جلب‌دانشجویان بتوان فعالیت‌های خدایسته و بالخره اینکه بحثها و سمینار آگسبورگ دلیل «پرو» و «چپ‌ها» «حیات‌دبیران است».

ما بدستاله گستر کمی واحد ما و مجموعه کنفدراسیون در این گزار جداگانه برخورد خواهیم کرد. اما در باره «دمساز» «آیا منظور از این دمساز و اینست که حیات‌دبیران از مواضع جنبش بگذارد و در برابر جریان و هر مساله تسلیم شود؟ اگر تراز است که این «دمساز» «جنبش تفهیم گردد، در این صورت درست است و ما نه تنها اینکار را نکرده، بلکه هیچگاه نیز نخواهیم کرد. ما همراهی و عملکرد مشترک را با نیروها و ملی و مترقی با نشان برود. مواضع اصولی جنبش و مبارزه بنابر پیشبرد این مواضع اصولی میدانیم و معتقدیم که تنها در بیان این مبارزه اصولی است که همگامی واقعی با نیروها و ملی و مترقی میتواند شکل بگیرد».

مساله سمینار آگسبورگ: از اظهاریه چنین بر می‌آید که ظاهراً تمام این بسی و دعوت به مقابله با حیات‌دبیران پروژه بحثی است که در سمینار آگسبورگ صورت گرفته است. درحالی‌که ما در اطلاعیه خود روشن کرده بودیم که نمیتوان یک‌پدیده را به همه جنبش تصمیم داد و از این گذشته حیات‌دبیران نه تنها معقول محسوب بدنها می‌که در سمینارها کنفدراسیون انجام میشود نیست، بلکه معتقد بوده و هست که سمینارها معطای برخورد آراء و عقاید بوده و تنها از طریق این سخن برخورد داشت که بالخره و آنهم در یک پروژه از کار خارج در مساله بیرون نیاید. در سمینارها و کنفدراسیون تا کنون بحثها و بسیاری صورت گرفته ولی این بدان معنی نیست که مواضع همان کنندگان بحثها در عین حال مواضع تمام جنبش و ارگانها و آن باشد، صرفنظر از اینکه ما نظر خود را در باره سمینار آگسبورگ در مقدمه گزار سمینار نوشته ایم، معایب نیست‌گونه میتوان این مساله را توجیه کرد که یک بحث در سمینار میتواند آفتابان موجب باشد که به ضرورت دعوت وسیع از «نیروها و ملی و انقلابی» برای مقابله با آن منتهی گردد.

- 19 -

ما از همان آغاز مسئولیت خود با پاره ای نکات جدید جدی برخورد کردیم که در اینجا لازم میدانیم به آنها اشاره نماییم. این نکات عبارتند از: در واقع همیشه در رشد راسیین وجود داشته و بطور عمده از ویژگیهای سازمان - ساختمان تشکیلاتی و عناصر تشکیلاتی و مدیریت آن ناشی میگردند میتوان بر موارد زیر خلاصه کرد:

باید باین مسئله توجه کنیم که امر «کونه کم کاری» نقصان و یا نا هماهنگی در این یا آن بخش کار میتواند نبود باین گز زبان برساند. ازاین رو در برخی از فعالیت گسترده راسیون باید اصل «جزء در خدمت کل» یعنی فعالیت یک بخش از کار در خدمت مجموعه، جنبه امر ریالیستی داشته چنانچه ایران و در این رابطه در خدمت کل مبارزه مردم در نظر گرفته شود.

میدین است نادرست خواهد بود اگر تصور کنیم بر خور ریزمه ای با مسائل و پیرامانیسم در کار گفتار می بین رامتوان یکباره از میان برد . پیرامانیسم موجود در گفتار را می بین گفتار از زبان از واقعیت جنبه - عناصر عقلی در آن . ساختمان تبدیلی سازمان ما و به آنجا که بالاخره مرادله مبارزه در ایران ناشی می شود .

بنابراین آنکه باید مورد توجه ما قرار گیرد نامشروع و رفع سایر نواقص است که از طریق برنامه ریزی - تقسیم کار درست و انتخاب شیوه های عمل صحیح و متدین با شرایط و امکانات وجود میتواند تحقق یابند.

در سال گذشته با آگاهی باین واقعیتها گوشه‌نوردیم مشکلات موجود را بسود حرکت بسوی کار مداوم — نه انبوه و سیستماتیک تقلیل دهیم . ولی با توجه به اینکه این حرکت و انجام این مقصود از امروز به فردا نمیتواند صورت گیرد بلکه کار سخت و طولانی را طلب میکند باید این گوشه و راغشائی در این زمینه — همان اندازه باید . در سال گذشته سعی گردید و بر مقرر با صدای جیغ و پیشتی حتی المقدور پیچود آید که در موعه علیریه ای مشخص بسود گل جنبش و نه جزئی از آن تبلور یابد . بر همین اساس تصور مرتب و مداوم با وجود — توضیح مسائل جنبش — آشناسان پیشرفت و فعالیتهای سازمانهای محلی و آگاهی از سبب بینی آنها را در دستور کار خود قرار دهیم تا از یکسو اقدامات لازم برای ایجاد این پیشرفت و انجام گرفته باشد و از سوی دیگر بتوان میزان فعالیت و توانایی کل کشور را سنجید و دقیقاً ارزیابی کرد .

یک از ویژگی‌ها مردم واحد ها گذر استون در مقابل از کشور و بدون نیاز آشناس

یکی از ویژگیهای مهم واحد سازگاری راسمین در مناطق از کشور وجود نامعینی در آنهاست. این نامعینی تقریباً در کلیه سطوح آن مشهود است. عوامل موثر در این نامعینی عبارتند از:

۱ - تقسیم نامتعداد دانشجویان در شهر را و کلاسهای مختلف (این تقسیم نه بر عین یک برنامه و یا بر اساس احتیاجات میانه بلکه بر پایه وضعیت مشخص - خانوادگی - تحصیلی - مالی و غیره صورت میگیرد)

۲ - تاثیر وجود دانشجویان آگاه در هر محوطه - اثرات ناشی از ترکیب متفاوت نیروی انسانی و گرایشهای مختلف سیاسی و روحی آنها.

۳ - سابقه فعالیت سیاسی و دانشجویی در محل . - ۲۰ -

۴ - حدود رابطه با کنفدراسیون و میزان شناخت از فعالیتهای آن .

۵ - میزان ورود دانشجویان تازه وارد بشهر .

۶ - تعداد دانشجویان محل .

۷ - تاثیر جنبشهای ضد امپریالیستی کشور و شهر محل اقامت .

و بالاخره موارد درجه دوم دیگری از قبیل - امکان تماس مرتب میان دانشجویان محل (معمولاً این امکان در شهرهای بزرگ کمتر است) مجموعه ابر عوامل به نوساناتی در فعالیتها و اهداف منتهی میگردد که در زیر بان اشاره میکنیم :

نوسانات سازمانها

باتوجه به مسئله نامعقولی سازمانها و علل آن که در بالا اشاره گردید، هر یک از مواردی که ممکن است بدلیل برخی از عوامل ذکر شده برای مدتی در ارگود درند و این امر غیرعادی نیست . در شهریکه بعیت قلت دانشجویان محلی با ۱۰ نفر تشکیل شده است برادتی میتواند فعالیت آن به خاطر فراغ التحصیل شدن و یا تغییر محل دو نفر از فعالین یا عدم کار توضیحی کافی در محله نیابد لکن عرفت محدود - سطح نازل آگاهی اعضاء و یا پاره ای عوامل نا مساعد دیگر برآمدن کوتاه یا طولانی و ارفقه گردد . ولی عده ای متعاجر ایرادیده دارند که در سازمانی نظیر کنفدراسیون بطور عیبی و اجتناب ناپذیر میتواند وجود داشته باشد بعنوان ارگود کنفدراسیون جلوه داده و بدون در نظر گرفتن واقعیتها فی که اشاره گردید میگویند از چنین مواردی برای جمله به کنفدراسیون و جمله به خط مشی و مبارزات آن استفاده کنند . بارداشتیده شده که ادعایگرد " کنفدراسیون از نظر کمی نه تنها گسترش نیافته بلکه تضعیف نیز شده است " و احیاناً برای اثبات این ادعا یکی دو سازمان بعنوان دلیل تضعیف مستمسک قرار داده میشود . اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینستکه برای ارائه دلایل تضعیف یا رشد کنفدراسیون باید مجموعه آنرا دید و بر اساس ارزیابی از این مجموعه داری کرد . کسانی که ارگود موقت و یا حتی تعدیل فعالیت یک سازمان را میبینند ولی دو برابر شدن تعداد اعضاء سازمان دیگر و ایجاد سازمانهای نو را نمیبینند یقیناً اگر در چار یک جنبه درونی و نه بیرونی نشده باشند آگاهانه و مغرضانه با این مسئله برخورد کرده اند . ما - راینجا وارد بحث نمیشویم که اصولاً گسترش کمی سازمانی که دارای کیفیت و سطح مبارزاتی نظیر کنفدراسیون است از سازمانی که دارای مواضع ناروشن و دوپهلوی و اغراض شنده میل و خواست " همه " میباشد بمراتب دشوارتر خواهد بود . مادر اینجاست که به ادعای کسانی برخورد میکنیم که یا بزرگ کردن یک جانب و گذشتن از جانب دیگر - یا دیدن کل نسخه " تضعیف کنفدراسیون " را میبینند .

گزارش سازمانها - حق عضویتها پر داخت شده - رقم دانشجویانی که در فعالیت دارند باقی - گذرگاه ها و سمینار شرکت درده اند و بالاخره اعتبارنامه ها نمایندگان همین گذرگاه نشان میدهند که در سال گذشته تعداد اعضاء غالب واحد های کنفدراسیون افزایش یافته و این افزایش تعداد در مواردی حتی به دو برابر میرسد .

در کنفدراسیونهای ایتالیا با وجود فشاری که در سال گذشته از طرف سازمان امنیت نسبت به دانشجویان جوان و خانواده آنها اعمال شد و در اثر بار باره فشارها و توطئه های سفارت ایران و نمایندگانی سازمان امنیت - تضعیفات تهدیدات پلیس اتریش (جز در مواردی استثنائی که مسئله آن باید با توجه به وضعیتهای موجود بررسی قرارگیرد) در تعداد اعضاء آنها ۱۵ درصد وجود نیامده . در مقابل تعداد اعضاء کنفدراسیونهای ترکیه و آمریکا تعداد اعضاء سازمانها - مونیخ - برلن - دارشتات - فرانکفورت - کلن - و ماینس (در کنفدراسیون آلمان) افزایش یافته است . تنها در چند واحد است که تعداد اعضاء و فعالیتها تا حدی معین تقلیل یافته است . گونگی این تقلیل را (که علل کلی آن همان عواملیست که در بخش مربوط به نامعقولی در کنفدراسیون آورده شده) بطور مشخص مربوط به مطرح خوانیم کرد . تازه همه اینها یک جانب مسئله است و باید جانب دیگر یعنی ایجاد ارتباط جدید و سازمانهای جدید را نیز به آن اضافه نمود . در سال گذشته علاوه بر ایجاد سازمانهای جدید در آلمان و سوئیس کوششهای موفقیت آمیز نیز جهت ایجاد دسته های متشکل دانشجویان ایرانی در فرانسه - ترکیه - ژاپن - کانادا - بیروت و هندوستان صورت گرفته که در گزارش فعالیتها و دبیرخانه تشکیلات چاپ و در اختیار نمایندگان گذرگاه قرار داده شده است . بنابراین با وجود واقعیتها و فاکتورهای مربوط به گسترش کمی کنفدراسیون و افزایش تعداد اعضاء و واحد ها که در بالا اشاره گردید و باتوجه به موفقیت قابل ملاحظه کوششهای مربوط به ایجاد روابط نو - بسته - اشتراک و سازمانها دانش وئی جدید و حتی در دورترین نقاط جهان ادعا نامعربوط به " تضعیف کنفدراسیون " و یا " عدم گسترش کمی " آنرا نمیتوان به چیز جز تبلیغات بی اساس علیه کنفدراسیون تعبیر نمود .

- ۲۱ - فعالیت مستقل در برای از واحد ها

این واحد یته کنفد راسیون سازمانی است متشکل از دانشجویان مترقی بانظرات کوناثون و واحد های آن نیز دارای شرائط و ویژ خود میباشند تا با برخی از واحدها رابطه نتیجه گیری غلط و به اتنا از شیوه عمل مستقیماً مشاهده و آنها را بنای پرداختن به مسائل عمومی جنبش سرگرم فعالیتهای میکند که بطور عمده از خواست به نظریه مارکسیستیک خارجالب در محل ناشی میشود و نه از برنامه عمل مشترک و وظائف تعیین شده از طرف کنفد راسیون . حتی در مواردی برخلاف نقطه نظرهای کنفد راسیون موضعگیری میکنند . اقداماتی معاین با اساسنامه و موازین تشکیلاتی دست میزنند . در زیر به نمونه ایی از این شیوه عمل در فدراسیون اتریش و موارد از اقدامات سایر بامونج و موازین تشکیلاتی کنفد راسیون در سازمان آمریکا و سازمان آنکارا اشاره میکنیم :

در سال گذشته با همه اهمیت پیاده کرد برنامه های فرهنگی مصوبه کثرت نسیم - فدراسیون اتریش برنامه های فرهنگی خود را اجرا میکند . در زمینه انتشارات با وجود اینکه اصل کار به جستجو و ترویج و لزوم تهیه مقالات نامه پارسی بوسیله واحد نامه تصویب کننده رسیده بود . مصوبه اد بر سر کار فدراسیون اتریش مشاهده میکنیم که در امر تحقیق این مصوبه مهم و در این کار دستجمعی کل فنفد راسیون انجام گرفته فعالیتی نداشته اند .

قبل از پرداختن به نمونه های دیگر لازم میدانیم به منظور روشن ساختن مسئله فعالیت مستقل یاد و گرایر موجود در این زمینه برخورد کنیم :

کسرا یشر اول - لزوم فعالیت خلاق و منطبق با شرائط سازمانهای محلی را نفی و در عوض رسیدن همه چیز از طرف مرکزیت را مطلق میسازد و حتی مثلاً رهنمود جنب دانشجویان جوان را برای واحد ها از واثف مرکزیت میدهد .

ثیرا یشر دوم - بهرگز و وظائف اختیارات واحد ها را مطلق میسازد . آنچه در مورد و این گرایشها نادیده گرفته میشود تلفیق درست مسئله کار واحد ها با خد محلی و برنامه عمل کل کنفد راسیون است . سازمانها بمن اینک باید خود شیوه های تعیین کار در زمینه های مختلف را با توجه به وضعیت مشخص محل و تجارب آن و سایر واحدها پیدا کنند بر عین حال موظفند در چهار چوب خد محلی - موازین و برنامه عمل مجبوعه کنفد راسیون فعالیت کنند . به عبارت دیگر یافتن شیوه های عمل و ابزار کار باید در خدمت انجام وظائف تعیین شده از طرف کثرت باشد . بنابراین فعالیت به شخص در محل در واقع چیز جز پیاده کردن مضمومات کثرت و رانایان با شرائط محلی نیست . در اینجا کوشش میکنیم با اشاره به دو نمونه دیگر اقدامات سایر بامواض کنفد راسیون (در سازمان آمریکا) و سایر باموازین تشکیلاتی (در سازمان آنکارا) مسئله فعالیت خارج از چهار چوب کنفد راسیون و فعالیت مستقل را روشنتر سازیم .

با اینکه هیئت نمایندگی کنفد راسیون میزان اطلاعات - حدود شناخت و موضعگیری کنفد راسیون را درباره مسئله کردستان در نشره شانزدهم سازمان آمریکا توضیح داد . پیر از کثرت مقاله " جنبش نوین کردستان " در نشریه دانشجویان سازمان آمریکا چاپ میسر شد که در آن نه تنها به موضعگیریهای کنفد راسیون در این باره بهیچ وجه توجه نشده است بلکه بد لخواه بررسی و موضعگیری می شود که معلوم نیست بر اساس کدام شناخت و تجزیه و تحلیل انجام گرفته است .

چاپ و پخش اطلاعیه سازمان آنکارا درباره سمینار ترکیه که برخلاف اصول تشکیلاتی و قبل از رسیدن از طرف ارکانهای مسئول انجام میگیرد نمونه دیگری از فعالیتهای مغایر با اساسنامه و مستقل را نشان میدهد .

- ۲۲ -

درباره کردستان

کنفدراسیون بتواند سازمان جنبه مردم امپریالیستی همیشه یکی از وظایف اساسی خود را دفاع از مبارزات مردم و مبارزان میهن دانسته و تاکنون نیز در جهت تحقق این وظیفه در چند امکانات خود مبارزه کرده است. در همین رابطه است که دفاع از مبارزات مردم در کردستان و اشیای جنایات رژیم در این منطقه را در برنامه کار خود قرار داد. طبیعی است که جد دفاع از مردم مبارزه و از آن جمله مبارزه در کردستان به اراده و تمایل این و آن بلکه بر پایه میزان اطلاعات موجود - شناخت از مبارزه و با توجه به امکانات و شرائط تعیین میگردد.

کنفدراسیون با توجه به اطلاعاتی که در این زمینه در اختیار داشت کوشش کرد که از یکسو بر پایه اطلاعات موجود از مبارزه مردم در این منطقه دفاع کرده و جنایات رژیم را افشاء نماید و از سوی دیگر باید دست آوردن اطلاعات بیشتر و تازه تر شناخت از این مبارزه این فعالیت را ملکی را گسترده کرد.

در تاریخ ۶ سر مقاله پیمان ۱۲ مسئله کردستان اختصار داده شد و در آن پس از برخورد وسیع به مبارزه مردم در کردستان (صرف نظر از حد آن) در چهار نام ۴ نفر از مبارزین که در آنجا شهید شده اند و اشیای گسترده جنایات رژیم در این منطقه از همه دانشجویان دعوت شده است که علیه این جنایات مبارزه کنند. در همین تاریخ از طریق اطلاعیه کمیته اجرایی دفاع از واحد خواستیم که: ۲- اطلاعات فعلی را چه به جنایات رژیم علیه مردم کردستان را بر چه زود تر در اختیار روزنامه ها و شخصیت های موقر و سازمان های دموکراتیک بگذارند و از آنها تقاضای اقدام فوری نمایند.

۳- به مراجع موقر و مطبوعات مهم بامداد فوری و به صورت یقینی مراجع مسائل مربوط به کردستان را مدافع نمایند.

۳- ترغیب اطلاع موقر را که در این باره بدست میآورند را سریع و وقت برای دبیرخانه تشکیلات و کمیته اجرایی دفاع ارسال نمایند و به جمع آوری اطلاعات بپردازند.

در پیمان ۱۴ علاوه بر سر مقاله در سایر موارد و از جمله در بخشی تحت عنوان کردستان این کوشش در بسیج دانش و توان ایرانی و نیروهای موقر همچنان ادامه دارد و در آن برای گسترش دامنه فعالیت و تأمین موفقیت آن بار دیگر همه مبارزان برپه دانشجویان متعلق به این مناطق خواسته ایم در کسب اطلاعات بماند کنند. در این شماره همچنین گزارش هایی از فعالیت های اعتراضی در مورد کردستان - نامه ها و تلگراف های اعتراضی سازمان های خارجی آورده شده است.

در رابطه با احتیاج مابکسب خبر در اطلاعیه ۲۰ آوریل کمیته دفاع کنفدراسیون چنین آمد " درباره مبارزه علیه جنایات رژیم در کردستان ندانکه مهم را تذکر میدهم: "

الف - اطلاعات در این باره بهمان اطلاعیه ۱۰ مارس مدد میباید.

ب - از همه دوستان میخواستیم در امر جمع آوری اطلاعات تازه بکوشند. این مسئله را میاتود دانشجویان بصورت دانشجویانی که متعلق به این نوعی هستند بپردازند. در جمع آوری اطلاعات باید به اخبار تازه توجه کرد. با اخبار چند ماه قبل نمیتوان برای مراجع موقر و مطبوعات جهات مسئله را بعنوان مسئله روز مطرح نمود و در نتیجه امکان اشاعه وسیع بدست نخواهیم آورد."

در جریان این کوشش علاوه بر اطلاعیه ۱۰ نامه های دیگری از سازمان های دانشجویان و عده ای از دانشجویان گردمان گرفتیم. به روزنامه "ان النور" وابسته به حزب دموکرات کردستان در عراق مراجعه کردیم. اقدامات وفالیت ها و مواضع کنفدراسیون را در مورد مبارزه مردم در کردستان و جنایات رژیم در این منطقه به آنها اطلاع داده و انتشارات خود را در این زمینه در اختیار آنها قرار دادیم و تقاضا کردیم که از طریق دادرا اطلاعات و اخبار بیشتر بنا در جریان این مبارزه بمانند کنند. و بواسطه اینها هم کمی ترسید.

در اطلاعیه ۴ ژوئن "هیئت دبیران کنفدراسیون در رابطه با محاکمه ۱۲ نفر در کردستان یکبار دیگر از همه گروه ها و سازمان های سیاسی و موقر و کسانی که اطلاعاتی یا امکاناتی جهت کسب خبر دارند تقاضا کردیم که با در اختیار داشتن اطلاعات خود بروسمت دامنه فعالیت کنفدراسیون بفرایزند. در این اطلاعیه برپه تأکید کردیم که هیئت دبیران کنفدراسیون از همه امکاناتی که داشته استفاده کرده است.

در اواسط ماه اوت هیئت دبیران کمیسیونی مرکب از چند نفر از فعالین کنفدراسیون بمنظور جمع آوری خبر و بررسی مسئله کردستان تشکیل داد و ولی این کمیسیون با همه خواست جدی و صمیمانه اعضا آن در عمل از جمله بدلیل نمان نبود اطلاعات نتوانست کاری انجام دهد. با همه اینها و با وجود ترسیدن خبر و کمکی در این باره کوشش کردیم فعالیت و در با استفاده از پاره ای خبر ها پراشده و چند اعلامیه که بدست ما رسید همچنان ادامه بدیم. دبیرخانه بین المللی طی اطلاعیه مطبوعاتی مفصل - ضمن چاپ اساسی مبارزاتی که شهید شده اند - مسائل کردستان - مبارزه مردم - یورش سازمان امنیت - پلیس و ارتش باین منطقه به اطلاعات مبعوث مراجع حقوقی - شخصیت های دموکرات سازمان های موقر و ضد امپریالیست رسانده و آنان را به پشتیبانی از مبارزه

- ۲۲ -

میهن پرستان دعوت کرده که در نتیجه آن و کوششهای بعدی فعالیت در دفاع از این مبارزه و اعتراض علیه جنایات رژیم در سطح بین المللی بوجود آید.

اطلاعیه های دیگر کفدراسیون به زبانهای خارجی و ادامه فعالیت برای تجهیز نیروهای مرفقی - مصاحبه با مطبوعات عراق و منعکس ساختن مبارزات مردم کردستان و جنایات رژیم در آنها - تشکیل کمیسیون - ادامه فعالیت برای جمع آوری خبر و بالاخره شماره ای بعدی "پیمان" این کوشش و تدایم آنها نشان میدهد.

باید اشاره کرد که در برابر همه این کوششها مجموعه اطلاعات مادر باره جنایات رژیم و مبارزه مردم کردستان - م.توین مبارزه - دولتی آن و اینکه هم اکنون این مبارزه مسلحانه وجود دارد پناه تنهایی - نه اعلامیه از حزب دموکرات کردستان و آذ هم غالباً با عقایدی تناقض و اغیارکننده و بدو را اشاره روشن به مبارزه مردم در کردستان و چند اعلامیه سازمان روشنفکران کرد ایرانی در اروپا و حتی دو مقاله در روزنامه های سیاسی خارج از کشور معدوم میشود. گر اینها همین مسئله که روزنامه های سیاسی خارج یا توجه به امکانات و وظائف خود در برابر یک مبارزه سیاسی در ایران تنها به انتشار یکی دو مقاله اکتفا میکنند نشان میدهد به مرتجعین سیاسی - نداشتن حیر و ا - یا ناخواسته دیگر است که به طور کلی - مورد کفدراسیون بیشتر سابق اند.

اما آنچه به موضوع دیگری سیاسی در قبال مسئله کردستان مربوط میشود از نائبات این گفته است و باید در اینجا دولتی و حد آن معلوم کرد. ما - تقدیم که سازمانی تاثیر کفدراسیون متشکل از عناصر و نیروهای بانظرات گوناگون نمیتواند نسبت به مبارزه ای بفرجه

بدون اطلاع و شناخت کافی از محتوی مبارزه و مطالبات مربوطه آن و بدون شناخت از برنامه عملی و تبیین مبارزه موضع سیاسی معینی اتخاذ کند و یا بسود یک سازمان سیاسی معینی تبلیغ و موضعگیری نماید و یا خود را در برابر آن متعهد سازد. امروز به طور عمده دو سازمان خود را وابسته به مبارزات کردستان میدانند و مسائل این مبارزه را تبلیغ و منتشر میکنند. این دو سازمان یکی حزب دموکرات کردستان و دیگری سازمان روشنفکران کرد در اروپاست. اعلامیه های حزب دموکرات کردستان که به عبارتی جناهی از آن مبارزه کردستان را برپا میکند - راست از ابهام و تناقض - صرف نظر از برخورد مابه محتوی این چند اعلامیه باید یک مسئله را روشن کنیم و آن اینکه که کفدراسیون نمیتواند بسادگی خود را در قبال یک سازمان سیاسی متعهد سازد و اصولاً این شیوه که کفدراسیون را

بدون شناخت عمیق از یک سازمان سیاسی در برابر آن متعهد کند شیوه نادرستی است. کفدراسیون در زمانی میتواند متعهد خود را در برابر آن مبارزه انتقد مشخص کند - یعنی نسبت بیک سازمان سیاسی خود را متعهد کند که اولاً این سازمان واقعاً درستی سیاست خود را در عمل نشان داده باشد و ثانیاً خبری مبارزات وسیع توده های ضد امپریالیستی مردم را واقعاً انجام دهد. بدین ترتیب ما نمیتوانیم و نباید تنها به صرف آنکه چند اعلامیه (صرف نظر از محتوی آنها) در دست داریم بدون توجه به مسئولیت در برابر جنبش

در ایجاد چنین تعهدی اقدام کنیم. از این گذشته در اعلامیه ای که سازمان روشنفکران کرد اخیراً در پاسخ بیکی از سازمانهای سیاسی انتشار داده نه تنها بر این ابهام میافزاید بلکه موضوعی دو گانه در قبال یکی از مسائل حساس و مهم گفونی ایران برپا دارد میکند. در اعلامیه روشنفکران کرد مسئله ملی و انقلاب دموکراتیک و رابطه آنها با بالاخره اینکه در شرائط گفونی کدام تقدم دارند و

حل مسئله ملی در چه زمانی میسر است در ابلا جملات پوشیده نگه داشته شده و در نتیجه نادرست مطرح شده است. آیا از کفدراسیون خواست که خود را در برابر چنین موضعی متعهد کند؟ بدون شک چنین خواستی غیر منطقی - نادرست و زیان بخش خواهد بود. ما همان طور که گفتیم و عمل نمودیم از مبارزات مردم همواره دفاع کردیم و چنین دفاعی را وظیفه اساسی کفدراسیون میدانیم. ولی این مسئله را نمیتوان و نباید با برخورد بدون مسئولیت و با متعهد کردن کفدراسیون در برابر سازمانهای سیاسی یکی دانست. امید داریم گفته حاضر خط و لازم را برای کار آینده روشن کند و در گونه ابهامی را در این زمینه برطرف سازد.

- ۲۴ -

میدانده تیمور بختیار - مسافرت به عراق

تیمور بختیار این نوکر امپریالیزم - مخبر و عامل جنایات بیشمار در ایران در جریان مبارزات مردم آذربایجان و سالهای ۲۵ و ۲۶ طی سالیان رازی که پس از بیست و هشتم مرداد ۳۲ در رأس فرمانداری دفاعی تهران و سازمان امنیت قرار داشت در کشور مبارزان دلاوری نظیر سیاط - قاسمی - روزبه و صد همیار از ضد امپریالیست دیگر - از چند پرتال قبل بدنیال اختلاقی شدید با شاه - در خارج از کشور مشغول فعالیت است . کنفدراسیون بشاب سازمانی ضد امپریالیستی نمیتوانست نسبت به این فعالیت بی تفاوت باشد . اهمیت این مسئله برای جنبش دانشجویی ایران از جمله باین دلیل بود که سالهاست ارتجاع ایران بر عیبری شاه و همچنین بختیار - مرد و عامدانه ولی یا هدفهای مختلف میکوشند مسئله " رابطه بختیار " و فعالیتهای مبارزان ضد امپریالیست ایران بویژه در خارج از کشور را آتچنان معرفی کند که گویا بختیار گرداننده این مبارزات میباشد .

بختیار جلالت در نوشته های خود با برخوردی مزورانه و عوامفریبانه با مسائل مردم ایران و اعتقادات مذهبی مردم آشکارا از " رهبری " مبارزات مردم توسط خودش صحبت میکند . رژیم شاه نیز با پخش بیانات میخواند چنان وانمود کند که مخالفان رژیم و از جمله کنفدراسیون از جانب مرتجعینی تقویت میشوند و گرداننده ایشان نیز بختیار همان جلالت مزبور میباشد . کنفدراسیون جهانی بارها از طریق انتشارات خود و اطلاعیه ها و تبلیغاتی ماهیت شاه - بختیار و این توطئه ها را افشاء کرده است .

باتوجه به تشدید فعالیت بختیار و با توجه باینکه رژیم و مطبوعات عراق در رابطه با رویدادهای خاورمیانه - اختلالات مرزی با ایران و مقاله یا تحریکات رژیم شاه در سطح الجزیره تنها از بختیار حمایت کرده بلکه او را بعنوان " رژیم " و " رهبر " ملت ایران معرفی میکردند . هیئت نمایندگی کنفدراسیون جهانی که بدعوت اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی برای شرکت در پنجمین کنگره اتحادیه اردن رفته بود پس از پایان کار کنگره باتوجه به اهمیت مسئله بمصر مسافرت کرده برای اعتراض بمقامات عراقی و جرائد این کشور بر برابر مسئله تیمور بختیار و بدینطور افشای بیشتر ماهیت این نوکر امپریالیزم بمطبوعات عراق مراجعه و علیه مقامات عراقی از بختیار و مطالب جرائد این کشور در این زمینه اعتراض نمود . هیئت نمایندگی کنفدراسیون در جریان " صاحب " با روزنامه النور (وابسته به حزب موکرات کردستان) و النوره (روزنامه دولتی عراق) خواص کنفدراسیون را درباره بسیاری از مسائل ملی و جهانی و بویژه درباره تیمور بختیار و ماهیت او و اینکه بختیار نه تنها " رهبر " مردم ایران نیست بلکه جنایتکار و عامل امپریالیسم میباشد اعلام کرد .

پس از بازگشت هیئت نمایندگی کنفدراسیون روزنامه های النور و النوره بدست کنفدراسیون رسید . روزنامه النوره (بند از چاپ مقداری از گفته های نماینده کنفدراسیون و معرفی کنفدراسیون و مبارزات آن بطور مفصل) با برخوردی غیر عمیق و سرد چنانچه به کنفدراسیون و سر استفاده از کنفدراسیون را رابطه با اختلات ایران و عراق نه همان به مسئله بختیار و جد بودن او از مردم یکی بودن او با شاه و بالاخره اعتراضها به " رژیم " نامیده شدن این جلالت از جانب رژیم و مطبوعات عراقی اشاره ای نکرده بود بلکه با آوردن فقط بخشی از گفته های کنفدراسیون و آنهم نادقیق مسئله را آتچنان مطرح کرده بود که گویا کنفدراسیون با هر آنچه دولت عراق انجام میدهد مراقت کامل دارد .

هیئت دبیران کنفدراسیون پس از دریافت " النوره " باین گونه مائورای سیاستمداران روزنامه های عراقی و سایر روزنامه های که احیاناً از این مسافرت هیئت نمایندگی به عراق سر استفاده میکنند شدیداً اعتراض کرده و بکبار دیگر از روزنامه های عراقی خواست که مواضع کنفدراسیون را هم درباره رژیم شاه و هم بختیار جلالت منتشر کنند . (به شانزدهم آذر شماره ۱۰ مراجعه شود)

مبارزه علیه سازمان امنیت

هیئت دبیران کنفدراسیون باتوجه به تشدید فشار سازمان امنیت برواحدها و اعضای کنفدراسیون (از طریق فشار به خانواده ها بویژه خانواده دانشجویان جوان - بازجویی های متعدد از اعضای کنفدراسیون در موقع مسافرت با بران مبارزات امنیتی های از آنها) با توجه به تشدید تلاش سازمان امنیت در ایجاد گروههای دانشجویی و بالاخره با توجه به همکاری پلیس کشورهای غربی با ساواک ، لازم دید که بطور وسیع و جدی با این مسائل برخورد کند و بدنیال این برخورد و بررسی باین نتیجه رسید که بابت برای خنثی کردن این توطئه تشدید فشار و مقابله بدووقع با آن برنامه دقیق تنظیم و مورد اجرا گذارد . مادر تنظیم این برنامه استراژی آن به این نتیجه رسیدیم که :

۱ - افشای وسیع سازمان امنیت و خنثی کردن توطئه آن علیه کنفدراسیون یک مبارزه طولانی و پرمطمنه است و بدوواقع یک برنامه شدیدی چند ماهه تنها بمشابه آغاز این مبارزه طولانی خواهد بود و ادامه آن باید همپتان در برنامه کار مداوم و دراز مدت دفاعی واحد ها قرار داشته باشد . بصیارت دیگر این مبارزه به یک فعالیت شدیدی چند ماهه محدود نمیشود و درعین اینکه بخشی از مبارزه دراز مدت دفاعی را تشکیل میدهد ، خود مبارزهای وسیع ، طولانی و داغنده را است .

- ۲۵ -

- ۲ - برای دفاع از موجودیت واحد های گفده را بهرین باید، با این توطئه سازان ضد یدا مبارزه شود.
- ۳ - از طریق افشاکاری و کار وسیع در میان دانشجویان ایرانی بویژه توده سازمانی و در جهت افکار عمومی است که خواهیم توانست از آزادی عمل لانه های جاسوسی سازمان "امنیت" در خارج جلوگیری کنیم و از موجودیت سازمانهای خود حراست نماییم.
- ۴ - باید مستمرا اختلاف فاشیستی و نقش سازمان "امنیت" را بعنوان دستگاه پلیسی که در عرض سالهای حکومت کودتا به مجنایتهای بیشماری دست زده افشا کنیم.
- ۵ - افشای وسیع سازان به عنوان وسیله عمده اختلافی در ایران علیه مردم و مبارزان و افشای فعالیت آن در خارج از کشور علیه کنفدراسیون جهانی، ماهیت ضد خلقی رژیم را به مردم جهان خواهد شناساند.
- ۶ - با افشای بیش از پیش سازمان "امنیت" و تامین موفقیت در این مبارزه افشاگرانه خواهیم توانست موارد اختلافی در ایران را به عنوان نمونه هایی از جنایات سازان به نحو موثری در افکار عمومی منعکس سازیم.
- ۷ - برنامه مبارزه علیه سازمان "امنیت" نه تنها در میان اعضای واحد های کنفدراسیون زمینه فعالیت وسیعی را بوجود آورد، بلکه انعکاس این مبارزه و اطلاعاتی های کنفدراسیون در مطبوعات جهان نیز موفقیت این برنامه - حتی در آغاز آن - و زمینه مساعد برای ادامه آنرا نشان داد. برای پیشبرد این فعالیت و تامین پیروزی کامل این مبارزه لازم بود در جهت رفع یکی از کمبود های بزرگی که کنفدراسیون همواره با آن روبرو بود بطور جدی اقدام کرد و از این طریق هم دامنه افشای رژیم و مبارزه با آن وسیعتر گردید و هم به واحد های کنفدراسیون که همیشه در زمینه گردآوری و تنظیم اسناد و مدارک درباره مسائل ایران با اشکالات فراوانی مواجه بودند کمک موثری شده باشد. محصول گفیش کنفدراسیون در رفع این کمبود تهیه کتاب جامعی درباره سازان بهمانه یکی از ابزار سلطه امپریالیسم و تاجران با سیاهانی از جنایات رژیم و فعالیت های سازمان "امنیت" در خارج از کشور و همکاری پلیس کشورهای خارجی با آن می باشد که در قندار وسیع چاپ رسیده است.

-- بخوره --

وقایع عزیز ما همیشه یک کنگره حاضر باید نه تنها در سطح عام بلکه بطور مشخص با تجربه یکساله برخوردی انتقادی سازند می کند. و با جمع بندی از پراکنده مبارزاتی سال گذشته و با توجه به مسائل عمده جنبش جهانی بخش میهن ما مساله همسرنوشتی جنبش دانشجویان با جنبش جهانی نقش را هم در تقویری عام و هم در سیاست مشخص روشن تر و دقیق تر بیان کند و خطهای لازم را برای پیاده کردن چنین سیاستی در پرتو مفهوم و تقویری عام جنبش بوجود آورد. بدون چنین برخورد مشخصی در ارزیابی مسائل جنبش در سطح عام باقی خواهیم ماند و عملا در راه بزرگ بین وظیفه جنبش دانشجویی و که همسرنوشتی با جنبش جهانی بخش است، قدمهای بزرگ و موثری برد نخواهیم داشت. کنگره همچنین باید به مساله سیاست نو استعماری اتحاد شوروی در جهان، تأثیر و نتایج آن در ایران برخورد کند. این برخورد منتقیا در سطح به سیاست مبارزه، جوانه کنفدراسیون در مبارزه علیه دشمنان خارجی خلق ما منتهی میشود بلکه خود به مساله شناخت دقیق تر ما از بدوستان و دشمنان جنبش در سطح ملی در هر صحنه جهانی نیز کمک میکند. امروز جنبش دانشجویی ایران بدون شناخت دقیق از مسائل جنبش و نیروهای جنبش و بدوستان و دشمنان جنبش نمیتواند باورید اد های تمامع ایران و مسئله استعمار خلق کشور بزرگ و رادیکال امپریالیست و بدوستان او مانند انگال بخونج تری پیچید و در نظم و میثاق، برخوردی دقیق و در نتیجه استراتژی و تاکتیکی روشن و موثر داشته باشد و در نتیجه نمیتواند با موضوعگیری روشن در برابر جریانهای انحرافی به مبارزاتی پیگیر و اصولی دست زند. کنفدراسیون نه تنها باید از ستاردهای جنبش دفاع نماید، بلکه باید با روشنی تمام و با قاطعیت بصورتی، با تجربه هاندوزی از گذشته و در پرتو پیشرو صحیح و با ادامه حرکت در سمت جنبش دانشجویی ایران که همیشه سمت جنبش جهانی بخش ملی بوده و در بررانی، آنچنان تشکیلاتی بوجود آورد که خواست و توانائی همه، نوشتی پیگیر و جوانهای با جنبش دانشجویی درون کشور و جنبش جهانی بخش مردم ما داشته باشد. جنبش دانشجویی ما برخلاف بسیاری از نیروهای سازشکارانه نمیتواند عقب گرد نماید. همچنین باید توجه داشته باشیم که عازره بدون قربانی میسر نیست. کاری در پوششهای مختلف به مساله این با آن قربانی ناپسند در جنبش تکیه میشود و از این طریق سازشکاری در پرتو اسبوزی تبلیغ میگردد. خلق مادر تاریخ زندگی خود، دلاوریهای فراوانی از خود نشان داده، جنبش دانشجویی ایران نیز باید در عمل نشان دهد که بدون هراس از قربانی شایسته همسرنوشتی با جنبش خلق دلاور است. روشن است که در عین حال باید با اتخاذ استراتژی و سیاست صحیح حتی الامکان از میزان قربانیها کم کرد و ستاردها افزود. بنابراین باید باز هم به مساله تدقیق راه سیاست جنبش دانشجویی ایران جدی تر توجه داشت و با جلوگیری از انحرافهای باصطلاح "چپ" و راست با کمترین قربانی به پیروزی نائل شد. راه جنبش دانشجویی ایران عقب گرد به همانند کم کردن قربانی نیست. بلکه اتخاذ استراتژی و سیاست دقیق مبارزه جهانی و جلوگیری از انحرافهای گوناگون برای کم کردن قربانی می باشد. کنگره باید به این مساله نیز توجه کند و مواضع خود را در قبال بسیاری از نفعهای ظاهری در سوزانه روشن سازد. جنبش دانشجویی ایران نیز مانند جنبش جهانی بخش ملی به حرکت من و ار خود ادامه میدهد. باید از کمبود مبارزاتیهای خود نهراسید و در عین حال در جریان مبارزه آنها را گام بردار. اجتماع داخلی ایران و امپریالیسم جهانی بهر کردگی امپریالیسم آمریکا و همه یاران رنگارنگشان از نظر تاریخی میرنده و نابود شونده هستند، و در برابر آن نیروهای جنبش جهانی بخش و از جمله نیروهای رزنده جهان و دانشجویان ایران نیروی رشد پاینده و پروان جامعه ما هستند. با این ایمان شناخت از نیروهای انحرافی باید مبارزه را ادامه داد و با جلوگیری از انحرافهای گوناگون به خلق نزدیکتر شد.

زننده باید سمت صحیح جنبش سوسیالیستی جوانان ایران
 زننده باید پیوند جنبش دانشجویی ایران با جنبش جهانی بخش خلق
 موفقیت بهمانند همسرنوشتی کنگره کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

گزارش

دبیر تشکیلات به کنگره دهم کنفدراسیون

بخش دوم:

- برخوردی به مسائل و وظائف اساسی جنبش دانشجویی ایران

- پاره‌ای از مسائل مهم کنفدراسیون جهانی در سال گذشته

کارلسروهه فوریه ۱۹۷۰

یک توضیح مهم!

چاپ این گزارش بعلت اشکالات تکنیکی متأسفانه به تأخیر افتاد، ولی در این فاصله واحدهای کنفدراسیون بر پایه گزارش نمایندگان و ناظرین شرکت کننده در کنگره دهم به مطالب آن برخورد کردند. عدم انتشار این گزارش هم‌چنین موجب گردید که معدودی از این امر سوءاستفاده کرده، مطالب آنرا تحریف و بطور نادرستی مطرح سازند. با اینکه خود انتشار گزارش، این سودجویان را بخوبی افشاء خواهد کرد، معیناً لازم می‌دانیم در رابطه با این شیوه مبارزه!! نکات زیر را توضیح دهیم:

۱- نظر نویسنده گزارش در مورد وحدت در درون کنفدراسیون و مضمون این وحدت تنها آن چیزی است که به روشنی و صراحت در این گزارش - در پیام به کنگره یازدهم فدراسیون آلمان و در سایر اسنادی که نویسنده در تنظیم آنها شرکت داشته، آمده است. بنابراین "تفسیرهای" خودسرانه و نسبت‌هایی که خارج از مطالب این مدارک انجام می‌گیرد سندیت نداشته و در واقع تحریف نظرات نویسنده است. از جمله این موارد نسبت دادن تر خود ساخته باصطلاح "وحدت جبهه واحدی" و یا "وحدت سازمان‌های سیاسی در کنفدراسیون" به نویسنده گزارش است که اساساً بی‌پایه بوده و بطور آشکار مغایر با نظری است که در این گزارش و در پیام به کنگره فدراسیون آلمان آمده است.

۲- در مورد کار در جهت ایران و مساله پیوند.

عده‌ای ضمن اعتراف به اینکه "کنگره نهم را باید بخاطر طرح مساله کاردرجهت ایران نقطه عطفی در زندگی کنفدراسیون دانست، با وحشت و سراسیمگی عجیبی حتی قبل از چاپ این گزارش به جنجال علیه آن و مسائلی که در زمینه کار در جهت ایران مطرح ساخته، تحریف آن، "تفسیرهای" خودسرانه و حتی دروغ‌پردازی در باره مطالب آورده شده دست زده اند. در حالی که مساله پیوند در این گزارش چیزی جز ادامه کوشش برای روشن و دقیق کردن طرح اولیه و تا حدی هم نادرست و غیر مشخص "طرح کار در جهت ایران" ارائه شده به کنگره نهم نیست. کوشش ما در طرح مساله پیوند از این اعتقاد ناشی می‌شود که جنبش دانشجویی ایران و کنفدراسیون جهانی باید امروز هم در تئوری و هم در عمل به این وظیفه اساسی خود به طور جدی برخورد کند. ما بدلیل رسیدن به این ضرورت و بر اساس این اعتقاد در این راه گام برداشتیم و روشن است که نه تنها طرح اولیه، بلکه آنچه نیز در این گزارش آمده نمی‌تواند کامل، بی عیب و خالی از ضعف و نادرستی باشد ولی ما در عین حال اعتقاد داریم که توده دانشجوی قادر خواهد بود از طریق بحث و بررسی و در جریان پراتیک، این کمبودها را بر طرف ساخته و به طرحی نهائی و دقیق برسد.

بنابراین آنهایی که این چنین جنجال به پا کرده اند، اگر هم در گذشته گامی برداشته اند بهتر است حداقل اکنون بجای بکار انداختن کوشش خود در تحریف و دروغ‌پردازی، این انرژی را در جهت طرح‌های درست و دقیق صرف کنند و یقین داشته باشند که توده دانشجوی در محیط سالم ارزیابی طرح‌ها و نظرات، قادر به تشخیص درست از نادرست خواهد بود.

منتها آنچه صمیمیت این افراد را مورد تردید قرار می‌دهد اینست که آنهایی که بلافاصله بدنبال این گزارش اینهمه هیاهو برافراشته اند در تمام یکسال گذشته کوچک‌ترین برخوردی به "طرح کار در جهت ایران" که به کنگره ارائه دادیم نکردند، در حالی که این طرح قاعدتاً از نقطه نظر آنها باید به مراتب نادرست تر از نظری باشد که در گزارش کنگره دهم آمده است.

۳- در مورد کردستان - این افراد که قبل از کنگره دهم و در کنار کنگره همواره در اینجا و آنجا از کم‌کاری کنفدراسیون در مورد کردستان صحبت می‌کردند، در خود کنگره کوچک‌ترین اشاره‌ای به این کم‌کاری ننمودند در حالی که پس از کنگره مجدداً این ادعا را ساز می‌کنند. معلوم نیست آنهایی که به این کم‌کاری اعتقاد داشتند و حتی پس از کنگره نیز از این کم‌کاری گفتگو می‌کنند چرا در کنگره که مرجع صلاحیتدار رسیدگی به

این امر است آنرا مطرح نساختند و ادعاهای خود را بطور آشکار بیان نکردند تا درستی یا نادرستی آن در معرض داوری پانصد نفر نماینده و ناظر شرکت کننده قرار گیرد تا بتوان ضمن افشا و انتقاد این کم‌کاری به منظور خودداری از تکرار مشابه در آینده، از آن آموخت. اما آنها که این سبک کار و این شیوه مبارزه!! را شناخته اند بخوبی می‌دانند که هیچ‌یک از این اقدامات تصادفی نیست و این سبک کار در واقع انعکاسی است از یک بینش سیاسی که در عین حال میزان صمیمیت در مبارزه را نشان می‌دهد. ولی این سبک در سازمانی نظیر کنفدراسیون که خواست مبارزه و صداقت در کار در آن غالب است نمی‌تواند میدان عمل داشته باشد و توده دانشجوی نه تنها اجازه رشد و گسترش دامنه آنرا نخواهد داد، بلکه آنرا همچنان که در گذشته نیز نشان داده محکوم و طرد می‌کند. دبیر سابق تشکیلات

جنبش ملی و جنبش دانشجویی در درون کشور

ویژگی دوران ما قطبی شدن نیروهاست و این قطبی شدن از یک سو به دلیل بن بست توسعه طلبی امپریالیسم و هجوم سرمایه آن به کشورها و سه قاره و پیدایش استثمارگران جدید در عرصه جهانی و از سوی دیگر بخاطر رشد آگاهی و تشدید هر روز بیش تر می‌شود. این قطبی شدن با گسترش پیکار انقلابی خلق‌ها و مقاومت و تجاوز امپریالیسم برای طولانی کردن دوران احتضار خود پیوسته آشکارتر و مشخص تر می‌گردد و بدین ترتیب مرز بین دوست و دشمن و جهت گیری‌ها بسود امپریالیسم یا خلق در جریان مبارزه روزانه توده‌های مردم در عرصه‌های گوناگون دقیق می‌شود. این تشدید پروسه قطبی شدن و شناخت دقیق تر از دوستان و دشمنان که به ویژه در کشورهای مناطق توفانی به دلیل استثمار شدیدتر و قهر آشکارتر امپریالیسم و ارتجاع روشن تر به چشم می‌خورد در تعیین استراتژی و تاکتیک در پیکار جهانی علیه امپریالیسم تاثیر فراوان می‌گذارد. در کشور ما ایران امپریالیسم جهانی بسرکردگی ایالات متحده آمریکا و ارتجاع داخلی بسرکردگی شاه بعنوان دشمن زحمتکشان شهر و روستا و بسیاری دیگر از قشرهای شهر نشین جامعه ایران سلطه خود را بطور عمده از طریق سیستم اختناق پلیسی و زور و فشار اعمال می‌کنند. بنابراین وظیفه اول خلق ما ایجاد ابزارهای لازم برای مقابله و یافتن شیوه‌های مناسب مبارزه به این قهر ضد انقلابی است. امپریالیسم و ارتجاع در ایران با دیکتاتوری فاشیستی، با تکیه به ارتش، سازمان امنیت، دستگاه‌های پلیسی و سایر وسائل سلطه‌ای که در اختیار دارد مانعی است در راه گسترش مبارزه مردم و در راه شکوفایی کشور ما. بنابراین مهم‌ترین وظیفه نیروها و مبارزین میهن برای برداشتن این مانع ایجاد سازمان‌های مقابله کننده با دشمن و سازمان‌های اوست. نیروی خلق در درون خلق نهفته است. بسیج و سازماندهی این نیروی عظیم که اکثریت قاطع مردم میهن ما یعنی کارگران - دهقانان، کارمندان و سایر قشرهای متوسط و پائین شهری، پیشه‌وران، روحانیون مبارز، روشنفکران مترقی و از جمله دانشجویان را شامل می‌شود وظیفه اساسی جنبش در این مرحله است.

تاریخ میهن ما سرشار از داوری‌های فردی و گروهی است ولی این مبارزه و دلاوری به دلائل گوناگون و بطور عمده به دلیل نبودن سازمان بسیج کننده خلق و نشناختن قانون‌مندی دگرگونی جامعه ایران نتوانسته به سلطه امپریالیسم و حاکمیت ارتجاع در میهن ما پایان بخشد. امروز خلق ما پس از شکست ۲۸ مرداد و دوران سکوت بعد از آن در تدارک نیروهای خویش است. فشار فاشیستی رژیم علیه مبارزان کردستان و آذربایجان، حبس و شکنجه و اخراج دانشجویان مبارز دانشگاه‌های ایران، ترور فاشیستی علیه روحانیون ضد امپریالیست ایران، فشار به روشنفکران مترقی، ایجاد و توسعه سندیگاه‌های دولتی در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و دانشگاه‌ها، "انقلاب آموزش" و دیگر تشبیهات رژیم همه و همه نشان ناکامی "فرم" های امپریالیستی و ارتجاع در ایران، نشان ترس او از خلق و نشان ضعف اوست. این مقاومت و پیکار خلق از یک سو نماینده بارز وجود شرایط عینی و از سوی دیگر نشان آمادگی خلق برای سازمان پذیری و رودرویی با رژیم است که سازمان دهی این نیروهای مقاوم پراکنده از وظائف مبرم امروز جنبش است.

در چنین شرایطی دانشجویان و محصلین ایران به عنوان نیروی با توانی که بالقوه در برابر امپریالیسم و ارتجاع قرار دارد باید بیش از گذشته از طریق بسیج و سازماندهی به نیروی بالفعل بدل گردند. این مساله بویژه با توجه به موقعیت دانشجویان و محصلین ایران و با توجه به کوشش رژیم برای ایجاد سازمان‌های زرد و فاشیستی در دانشگاه‌های ایران بیش از پیش اهمیت می‌یابد. اهمیت دیگر این سازماندهی در نقشی است که روشنفکران انقلابی در کشوری نظیر ایران دارند. بنابراین باید با سازماندهی دانشجویان و محصلین ایران و جلب آنان به مبارزه از راه‌های گوناگون، محمل‌های اولیه امکان عملکرد مشترک روشنفکران و زحمتکشان ایران را بوجود آورد. و در مراحل مختلف و در سطوح مختلف با توجه به وضعیت مشخص، این نیروها را در خدمت جنبش قرار داد.

نگاهی بحرکت جنبش دانشجویی ایران در چند سال اخیر و به ویژه در سال گذشته آگاهی دانشجویان مبارز ایران را به این وظیفه و حرکت آنان را در جهت آن نشان می‌دهد.

مبارزات درخشان دانشگاه‌های ایران نشان‌دهنده این آگاهی دانشجویان و تداوم کوشش‌ها و مبارزه جویانه آنهاست. بررسی این مبارزات بویژه نشان می‌دهد که حرکت مجموعه کوشش‌ها مبارزه سیاسی علیه رژیم دست‌نشانده در ایران است. در بررسی مبارزات دانشجویان داخل کشور در سال گذشته به روشنی مشاهده می‌کنیم که کلیه خواست‌ها و تقاضاهایی که از مسائل مشخص روزمره، مسائل دانشگاهی و آموزشی آغاز شده به مبارزه‌ای سیاسی علیه رژیم ایران و سازمان امنیت منتهی گردیده است.

در دانشگاه تهران:

در اسفند ماه ۴۸ دانشجویان دانشکده زبان‌های خارجه دانشگاه تهران برای معادل لیسانس، شناختن مدرک تحصیلی خود به مدت یکماه و دانشجویان سال اول دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بخاطر وادار کردن مقامات دانشگاهی به تشکیل کلاس‌های درسی در محل دانشگاه به مدت یکسال و نیم دست باعصاب زدند. اعتصاب دانشجویان با دسیسه‌های گوناگون مسئولین دانشگاه و سازمان امنیت برای درهم شکستن آن و در نتیجه مقاومت دانشجویان در برابر این دسیسه‌ها منتهی شد. اوائل سال گذشته دوره جدید پیام دانشجو در ایران انتشار می‌یابد. انتشار مجدد "پیام دانشجو" نمودارست از تداوم و پیگیری در فعالیتهای دانشجویان درون کشور و این نشان می‌دهد که رفقای دانشجویی ما در ایران چگونه علیرغم ترور و اختناق رژیم و با همه محدودیت‌ها و مشکلات موجود به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

در مهر ماه ۴۸ مطابق اخباری که به کنفدراسیون رسیده است ۱۲ نفر از دانشجویان مبارز دانشگاه تهران دستگیر شدند که از چگونگی آن هنوز اطلاعات دقیق در دست نیست. دانشجویان دانشگاه تهران و سایر دانشکده‌ها از طریق اعلام همبستگی مبارزه جویانه و شرکت وسیع و پر شکوه در مراسم بزرگداشت دوست مبارز خود عباس نراقی تنفر و کینه خود را نسبت به دشمنان خلق نشان دادند.

در هنرسرایالی تهران

در آذر ماه ۴۸ دانشجویان هنرسرایالی تهران دست به اعتصاب زده و در نتیجه هنرسرایالی به مدت بیست روز تعطیل بود. دانشجویان بجای رفتن به کلاس درس در محوطه دانشگاه جمع شده و در مورد خواست‌ها و مسائل خود به بحث و سخنرانی می‌پرداختند. اعتصاب دانشجویان برای اعتراض به لایحه‌ای بود که طبق آن رژیم ایران تصمیم داشت هنرسرایالی را به دانشگاه تربیت دبیر تبدیل کند. این مبارزه که از یک مساله معین روزانه آغاز می‌گردد به درگیری دانشجویان با پلیس منتهی شده در بخشی از گزارش که در این زمینه از هنرسرایالی تهران به دستمان رسیده چنین می‌خوانیم: پریروز صبح که برای اعتصاب به دانشکده رفته بودیم دیدیم ژاندارم‌ها حمله ور شدند و [ناخوانا] اتحاد را از دست نداده و متفرق نشدند. البته در روزهای گذشته هم ژاندارم‌ها در بیرون دانشکده و مقابل آن با توم و سرنیزه آماده بودند ولی تا پریروز به بچه‌ها حمله نمی‌کردند. خلاصه بچه‌ها همگی با هم شروع بدویدن کردیم و در ضمن شعار هم می‌دادیم و سعی می‌کردیم که متفرق نشویم. سربازها پیاده به دنبالمان می‌دویدند و افسرها هم با ماشین می‌آمدند. مردم کوچه و خیابان بیرون ریخته بودند و ژاندارم‌ها را هو می‌کردند. دیروز هم وقتی آمدیم دیدیم در تمام خیابان‌های مسیر دانشکده ژاندارم‌ها گوش تا گوش صف کشیده اند. و اتوبوس‌ها هم هنوز به هنر سرا نرسیده بچه‌ها را پیاده می‌کنند. گفتند که به استودیم فرح برویم. خلاصه اتوبوس شرکت واحد درست دانشجو‌ها را به استودیم فرح برد. در آنجا معاون پلیس تهران پشت بلندگو رفت و گفت "آقایان ما تا بحال با شما کوتاه اومدیم خلاصه یه کاری نکنید که با نیروی نظامی برخورد کنید" بچه‌ها هوش کردند ولی سرو صدا را زود خواباندند، چون ما در یک محوطه سر پوشیده محاصره شده بودیم و افسرهای پلیس و پاساها سفت و سخت آماده بودند.

در نتیجه این اعتصاب ۲۰ روزه سازمان امنیت ۲۵ تا ۳۰ نفر از دانشجویان را دستگیر و زندانی و چهار نفر را روانه سربازخانه کرد که اینک در سنج بصر می‌برند. امواج تظاهرات و اعتصابات دانشجویی به تهران محدود نمی‌شود، بلکه سایر دانشگاه‌های ایران را نیز فرا می‌گیرد.

در دانشگاه شیراز: برای نشان دادن سیر مبارزه دانشجویان شیراز از مسائل مشخص روزمره به مبارزه سیاسی به ذکر یکی دو نمونه می‌پردازیم. روزنامه اطلاعات در نظر داشت طی مراسمی انتخابات "دختر شایسته سال" را در محل دانشگاه شیراز برگزار نماید و هیات حاکمه و مقامات دانشگاهی سالی را که محل دریافت دکترای فارغ التحصیل است برای این منظور در اختیار آن قرار می‌دهد. ولی دانشجویان علیه این مراسم و این اقدام توهین آمیز شدیداً اعتراض کرده و با آن به مقابله بر می‌خیزند. این اعتراض دانشجویان به برخورد شدید میان قوای انتظامی و دانشجویان مبارز دانشگاه شیراز منتهی می‌گردد و بدنبال زد و خوردی که میان آنان در گیر می‌شود مراسم مبتذل روزنامه اطلاعات تعطیل می‌گردد. در این جریان چهار نفر از دانشجویان دستگیر و یکی از آنان به سربازخانه فرستاده می‌شود. اعلامیه‌ای را که دانشجویان دانشگاه شیراز در رابطه با انتخاب دختر شایسته چاپ و پخش نموده اند محتوی سیاسی دانشجویان را علیه رژیم نشان می‌دهد. در این اعلامیه می‌خوانیم: "حکومت دست نشانده و استعماری بوسیله جلادان سازمان امنیت و به راهنمایی دلالان دانشگاهی خود بر آنست که با ایجاد وحشت و ارباب فریادهای مخالفت دانشجویان و مردم روشنفکر را در سینه‌ها خفه سازند. عمال استعمار بر آنند که دانشگاه باید محیطی پاک و مرکز روشنفکری باشد بوسیله عناصر کثیف و برنامه‌های شوم خود بطرف محیطی فاسد و ناسالم سوق دهند. برآنند که به عناوین مختلف مانند انتخاب دختر شایسته عناصر فاسد و شناخته‌شده‌ای را به گمان خود الگوی تمام عیار افکار و رفتار دانشجویان سازند و بدینوسیله تمام مظاهر انسانی و اخلاقی را در میان آنان نابود

سازند. از اینرو هنگامیکه با اعتراض شدید دانشجویان آگاه و بیدار مواجه می‌شوند و برنامه‌های سیاه خود را با شکست روبرو می‌بینند و توده مردم را نیز پشتیبان حق‌گوئی، دانشجویان مشاهده می‌کنند دست به اخراج و شکنجه دانشجویان زده و گروهی از روشنفکران و روحانیون بیدار دل را بجرم طرفداری از حق و شرافت در چنگال سازمان امنیت اسیر ساخته و به سیاهچال‌ها می‌اندازند تا شاید آنان با این اعمال غیر انسانی دست از حق‌خواهی بشویند. به این گمان که توده مردم را از هم‌فکری و هم‌گامی با دانشجویان و مخالفت با برنامه‌های فرمایشی امپریالیستی و صیہونیستی منصرف سازند و فریادهای مبارزین پیروزمند و پیکارگر را بوسیله اخراج به زندان، تبعید و محرومیت خاموش کنند و به گمان اینکه می‌توانند بوسیله سر نیزه و زندان، روح و فکر آنان را تسخیر نمایند."

در خرداد ماه ۴۸ نیز در نتیجه مبارزه دانشجویان دانشگاه شیراز یازده نفر دستگیر و زندانی شدند.

در دانشگاه مشهد:

در نوامبر ۶۹ هنگامیکه در سالن "رازی" دانشکده پزشکی مشهد نمایشنامه "سلطان مار" اجرا می‌شد دانشجویان دانشگاه مشهد به عنوان اعتراض و به منظور جلوگیری از اجرای نمایش با ۱۰۰ دژبان و پلیس به زدو خورد پرداختند. در این جریان چند پلیس و دانشجو بسختی مجروح شدند. دانشجویان با استفاده از شاخه‌های درخت، سیم‌های تلفن را قطع کردند. شیشه‌های پنجره و درها را که بسته بود شکستند و وارد سالن شدند. دانشجویان تماشاچیان را وادار ساختند که از سالن خارج شوند. بالاخره موفق گردیدند جریان نمایش را تعطیل کنند. نمایشنامه سلطان مار داستان سلطان بیدادگریست که سرانجام تیرنه شده و بیدادگری او موجه جلوه داده می‌شود. در جریان این تظاهرات عده‌ای از دانشجویان دستگیر و زندانی می‌شوند که هنوز چهار نفر آنان در زندان به سر می‌برند. در همین ماه دانشجویان دانشکده ادبیات مشهد نسبت به رفتار یکی از استادان که دانشجویی را کتک زده بود اعتراض و این اعتراض از روز ۱۶ نوامبر ۶۹ به اعتصاب چند روزه دانشجویان دانشکده ادبیات منتهی می‌گردد.

بدنبال اعتصاب دانشجویان دانشکده ادبیات از روز ۲۹ نوامبر اعتصاب دانشجویان دانشکده دندانپزشکی نیز آغاز شد. این اعتصاب به منظور تعویض فوری رئیس دانشکده دندانپزشکی و اعتراض به برنامه آموزشی انجام گرفته است. بدنبال این اعتصابات دستگیری و بازجویی از دانشجویان هر روز افزایش می‌یابد. خانه‌های مسکونی برخی از دانشجویان برای پرونده سازی مورد بازرسی مامورین سازمان امنیت قرار می‌گیرد. امواج مبارزات دانشگاهی ایران که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره گردید در عین اینکه آگاهی دانشجویان را به وظائف خود و حرکت در جهت تحقق آنرا مشخص می‌کند این ویژگی بارز را نیز نشان می‌دهد که حرکت مجموعه کوشش‌ها مبارزه سیاسی علیه رژیم دست نشانده در ایرانست. انتخاب شعارها و طرح تقاضاها که در آغاز هر مبارزه به منظور بسیج وسیع توده‌ها و آگاه ساختن آنان با مسائل مشخص روزمره و دانشگاهی آغاز گردیده در پروسه رشد خود به مبارزه‌ای با شعارها و مضمون سیاسی منتهی شده است و از اینطریق دانشجویان مبارز ایرانی در داخل کشور ماهیت واقعی رژیم و حربه‌های آنرا در مقابله با خواست‌های دانشجویان افشا کرده و در نتیجه دانشجویان بیش‌تری را به مبارزه می‌کشند.

جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور - مسائل و وظائف آن:

امروز جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور در رابطه با مسائل ایران در برابر سه وظیفه اساسی قرار دارد. این سه وظیفه اساسی عبارتند از:

۱- بسیج دانشجویان ایرانی، متشکل کردن و

به مبارزه کشیدن آنان.

۲- افشای رژیم دیکتاتوری ایران، دفاع از مبارزات مردم و مبارزان ضد امپریالیسم.

۳- پیوند با مبارزات خلق در مرحله کنونی - روشن کردن مضمون این پیوند.

بدون پاسخ باین وظائف و بدون داشتن موضع صحیح در قبال هر یک از آنها، عناصر مترقی در جنبش دانشجویی قادر بحل مسائل مطروحه در جنبش نخواهد بود. روشن است که تکیه بر روی این وظائف اساسی به معنای نادیده گرفتن سایر مسائل نیست و این تکیه را به این دلیل ضروری می‌دانیم که معتقدیم در شرایط کنونی باید دیدی روشن نسبت به اساسی‌ترین مسائل و وظائف کنفدراسیون داشت و بربنای این دید روشن برنامه ریزی نمود.

۱- بسیج دانشجویان ایرانی، متشکل کردن و به مبارزه کشیدن آنان:

در واقع پروسه ایجاد و گسترش کنفدراسیون، پروسه بسیج، تشکل و به مبارزه کشاندن دانشجویان ایرانی بوده و هست. از آنجا که نیروی اصلی مبارزاتی کنفدراسیون را دانشجویان ایرانی تشکیل می‌دهند و از آنجا که کنفدراسیون از خواست‌های این دانشجویان نمایندگی کرده و می‌کند، در جریان این پروسه چگونگی بسیج این دانشجویان و متشکل کردنشان همواره شیوه‌های مناسبی را طلب نموده است. درست است که کنفدراسیون در جریان زندگی خود موفق شده است اکثریت عظیم دانشجویان ایرانی را در شعاع فعالیت‌های خود گرد آورده و آگاه‌ترین آنان را در صفوف خود

متشکل نماید. اما اتخاذ شیوه‌های درست به منظور ادامه این سیاست و یافتن راه‌هایی که مطابق با شرایط روز و نیاز زمان باشد همواره در دستور کار ما قرار خواهد داشت. در واقع به همین خاطر است که کنفدراسیون سیاست کار توده‌ای، بسیج توده‌ها و در میان گذاردن مسائل جنبش را با آنان هر روز جدی‌تر و دقیق‌تر در سر لوحه کار خود قرار می‌دهد. اینکه می‌گوئیم توجه به مساله کار توده‌ای و بسیج دانشجویان ایرانی دارای اهمیت است از این بینش ناشی می‌شود که به نیروی پر توان توده‌ها ایمان داریم و مبارزه را بدون شرکت وسیع آنان نا موفق می‌دانیم.

در رابطه با کار توده‌ای و بینش از کار توده‌ای برای بسیج دانشجویان و متشکل ساختن آنان، در کنفدراسیون نقطه نظرهای متفاوتی وجود دارد که به دو بینش کاملاً متفاوت از کار توده‌ای می‌انجامد. ما معتقدیم که کار و پیوند توده‌ای نمی‌تواند با از دست دادن موضع قاطع ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی صورت گیرد و هر برخورد فرصت‌طلبانه و سودجویانه با توده و یا پر بودن احتمالی سازمانی از "توده‌ها" الزاماً به معنای پیوند توده‌ای داشتن نیست. پیوند توده‌ای فقط می‌تواند از طریق سازمان‌های مبارز بازتاب‌کننده خواست‌های توده‌ها برقرار شود. بنابراین در هر مرحله معین از مبارزه باید با ارزیابی روشن از شرایط مبارزه، تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، توانائی عینی یک سازمان ضد امپریالیستی را از ایجاد پیوند توده‌ای سنجید و اشکال و دامنه این پیوند را معین کرد. چه این پیوند که گفتیم باید با حفظ موضع قاطع ضد امپریالیستی برقرار شود، از یکسو در دورانی و با روشنگری سیاسی مداوم، مبارزه ضد امپریالیستی مداوم و کار توضیحی پر شکب در بین توده‌ها می‌تواند بدست آید و از سوی دیگر در هر لحظه معین از مبارزه، دامنه و شکل آن می‌تواند فرق داشته باشد. یعنی این پیوند ۱- همیشه نسبی است و ۲- اشکال و تظاهرات گوناگون می‌تواند داشته باشد.

روشن کردن مساله پیوند توده‌ای و کار توده‌ای نه تنها بخاطر برخورد درست با مسائل جنبش و اتخاذ شیوه‌های مناسب فعالیت ضروریست، بلکه از این نظر نیز دارای اهمیت می‌باشد که ارتجاع و سازشکاران همیشه با تعبیری نادرست از مساله شرکت همه دانشجویان و مساله "پیوند توده‌ای" مبارزات دانشجویان ضد امپریالیست را مبارزه "اقلیت ناچیزی" قلمداد کرده و می‌کنند و با این اسلحه به جنگ آن می‌روند.

ما در اینجا در رابطه با مبارزات دانشجویان دانشگاه‌های ایران و یک نمونه از کشورهای خارج، دانشجویان اسپانیا (که در شرایط فاشیستی مبارزه می‌کنند) کوشش می‌کنیم مساله پیوند توده‌ای را روشن‌تر سازیم.

تجربه مبارزات دانشجویان اسپانیا و دانشگاه‌های ایران نشان می‌دهد که پیوند توده‌ای شکل ویژه خود را دارد و جنبش دانشجویی با وجود اینکه "اکثریت دانشجویان" را بطور سازمانی در بر نگرفته ۱- بیانگر خواست‌های واقعی اینان بوده و ۲- از توده‌های دانشجویی هیچ‌گاه دور نشده است. نظر خود را در باره کار توده‌ای خلاصه می‌کنیم:

۱- نمایندگی و دفاع از خواست واقعی توده‌ها (شناخت خواست واقعی توده‌ها باید از طریق رفتن به میان آنان و تشخیص درست مرحله مبارزه و مسائل آن بدست آید). ۲- شرکت دادن توده‌ها در تعیین سیاست و برنامه عمل جنبش و تحقق این سیاست و برنامه بوسیله آنان این شرکت در تعیین سیاست و برنامه عمل از طریق ارگان‌هایی انجام می‌گیرد که خود توده‌ها تعیین کرده و به وجود آورده اند.

۳- اتخاذ سیاست [درست] برای بسیج توده‌ها: در کنفدراسیون دیده می‌شود که برخی برخورد اصولی به مساله توده‌ای بودن کار را به حد برخوردی سطحی تنزل داده و در واقع به اصطلاح "توده خواهی" می‌کنند. این سیاست بطور عمده چنین است: ۱- تسلیم هر خواستی شدن و آنرا خواست توده‌ها جلوه دادن. ۲- در بر گرفتن توده‌ها را به معنای در سازمان گرد آوردن همه افراد یک قشر دانستن. ۲- کار توده‌ای و انجام آنرا در حد تکرار مداوم و بی‌پایان لفظ "توده" و "توده‌ای" نگهداشتن. طبیعی است که ما با این سیاست "توده خواهی" که بسود توده‌ها، خواست‌ها و منافعشان نیست نمی‌توانیم توافقی داشته باشیم. بسیج توده‌های دانشجو و متشکل ساختن آنان اگر در رابطه با آرمان‌های ضد امپریالیستی نباشد امری است تهی از محتوی و درعمل غیر مترقی.

کنفدراسیون به مثابه یک سازمان ضد امپریالیستی باید توده‌های دانشجو را به گرد شعارهای مترقی و مبارزه جویانه و به منظور تحقق این شعارها بسیج و متشکل سازد نه اینکه هر تجمعی را صرفنظر از محتوی آن خوشامد بگوید. درست در درک متفاوت از این مسائل است که بینش‌های متفاوت نسبت به کار توده‌ای، به بسیج دانشجویان و متشکل کردن آنان وجود دارد.

۲- افشای رژیم دیکتاتوری ایران و دفاع از مبارزات مردم و مبارزات میهنی:

در سراسر دورانی که از حیات کنفدراسیون می‌گذرد یک خط مبارزه جویانه در افشاء رژیم دیکتاتوری و دفاع از زندانیان و مبارزین میهن دیده می‌شود. طبیعی است که این خط در پروسه رشد کنفدراسیون هر روز صیقل بیش‌تر یافته و به خط روشن امروز منتهی شده است. در نتیجه این خط مبارزه جویانه است که امروز می‌بینیم رژیم دیکتاتوری ایران در میان افکار عمومی و در محافل بین‌المللی تا این حد رسوا گشته و سیاست‌هایش بر ملا شده است. اگر روزی رژیم ایران می‌توانست مردم جهان را بفزاید و بکمد تبلیغات و به همدستی امپریالیست‌ها واقعیات میهن ما را در خارج از کشور دگرگون جلوه دهد، امروز برای اجرای این سیاست دچار مشکلات فراوانی است و این درست بعلاوه مبارزه مداوم و بی‌امان دانشجویان در شناساندن سیمای حقیقی آنست. آگاهی محافل مترقی و دموکراتیک و گروه‌های بزرگی از مردم جهان به مسائل ایران، اسنادی که در این زمینه در

اختیار جهانیان قرار گرفته، گزارش‌های ناظرین بین‌المللی و سایر فعالیت‌های افشا کننده تنها در پرتو کوشش‌های ارزنده دانشجویان ایرانی و سازمان متشکل آن، کنفدراسیون جهانی میسر گردیده است. ما معتقدیم این افشاگری و دفاع از مبارزین میهن بخش اساسی کار کنفدراسیون را تشکیل می‌دهد، نوعی پیوند با مبارزات مردم و دانشجویان درون کشور بوده و باید این افشاگری همراه با دقیق‌تر کردن پیوند و کوشش در ایجاد رابطه با جنبش دانشجویی در داخل کشور همچنان بعنوان یک وظیفه اساسی ادامه یابد.

کنفدراسیون به مثابه سازمانی که از پیگردهای مستقیم پلیسی بدور است و برخوردار از یک سلسله امکانات بین‌المللی می‌باشد باید انعکاس مبارزات مردم ایران و افشای رژیم را که تاکنون هیچ سازمانی نتوانسته نظیر کنفدراسیون از عهده انجام برآید همانند گذشته دقیق‌تر از آن وظیفه اساسی خود قرار دهد.

کنفدراسیون امروز از امکانات بسیاری در سطح بین‌المللی برخوردار بوده و در محافل مترقی جهان دارای اعتبار فراوانی است. این امکانات، این اعتبار و این قدرت بسیج‌کننده کنفدراسیون برای دانشجویان ایرانی و سازمان آنان فرصت فعالیت‌های بسیاری بوجود آورده که به هیچ گونه نمی‌توان آنرا نادیده گرفت.

۳- پیوند با جنبش دانشجویی داخل کشور و مبارزات مردم در مرحله کنونی. مضمون این پیوند و گرایش‌های متفاوت موجود در برخورد بدان: سازمان جنبش دانشجویی ایران (کنفدراسیون جهانی) در درون زندگی پر حادثه خود در تئوری و عمل در برابر مسائل گوناگونی قرار گرفت و هر زمان با حل آنها قدمی به جلو برداشت و به خلق نزدیک‌تر شد. مهم‌ترین مساله‌ای که جنبش دانشجویی ایران در برابر آن قرار داشت و در زمان‌های مختلف با تظاهرات مختلف جلوه‌گر می‌شد این مساله بود که آیا جنبش دانشجویی ایران می‌تواند جدا از جنبش ملی مردم وجود داشته باشد یا نه؟ و آیا خواست‌های "صنفی" دانشجویان ایران جدا از خواست‌های اکثریت مردم است؟ و بالاخره آیا این خواست‌ها تنها با مبارزه خود این قشر و از طریق رژیم حاکم در ایران می‌تواند بر آورده شود؟

جنبش دانشجویی ایران در عمل به این مساله پاسخ داد. مبارزات درخشان دانشگاه‌های ایران قبل و بعد از ۲۸ مرداد و مبارزات پیگیر کنفدراسیون جهانی در عمل دست رد بر تمام "تئوری‌های" صنفی سازشکارانه زد. عبارت دیگر گرچه تئوری‌های سازشکارانه در پوشش‌های مختلف عرضه می‌شوند ولی در مجموع در جنبش دانشجویی ایران همیشه مبارزه بطور عمده بین دو تئوری، دو سیاست و دو سازمان بوده است. این مبارزه که سال‌های اخیر تظاهر خود را در خارج از کشور در مبارزه بین باصطلاح "سازمان دانشجویی صنفی" و سازمان دانشجویی سیاسی پیدا کرد به شکست آشکار و مفتضحانه راه‌های سازشکارانه منتهی گردید و بخش خارجی جنبش دانشجویی در [ناخوانا]، هر زمان، خود را روشن‌تر در خدمت جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی مردم نهاد. امروز اگر چه این "تئوری" و سیاست از راه‌های مختلفی قصد رخنه دوباره در جنبش را دارد ولی رسوائی و شکست آن مفتضحانه‌تر از آنست که بتواند جنبش دانشجویی ایران را مورد خطر جدی قرار دهد. این بدان معنا نیست که می‌توان از این خطر "بالقوه" غافل ماند، زیرا همانطوری که گفتیم مبارزه بین دو خط مشی و دو سیاست همیشه در درون جنبش دانشجویی وجود دارد، بویژه آنکه امروز این "تئوری‌ها" دانشجویی در سطح جهانی نیز با پشتیبانی مرتجعان و سازشکاران گوناگون عرضه و تحمیل می‌شوند. جنبش دانشجویی ایران باید مواظب پوشش‌های جدیدی باشد که ممکن است بروی این "تئوری" ورشکسته و رسوا کشیده شده باشد. همچنین باید متوجه بود که درست در این لحظه که جنبش ملی ایران و جنبش دانشجویی با مسائل مختلفی روبروست و احیانا در اینجا و آنجا نیز کمبودهای بزرگی در کار آن دیده می‌شود، این "تئوری" ممکن است با تکیه باین یا آن کمبود و با مطلق کردن یکی از جنبه‌ها و با تکیه به جنبه‌های ضعف جنبش با قیافه‌ای حق بجانب عرضه شود. و اگر جنبش را منحرف نسازد تا مدتی آنرا دچار سرگیجه نماید. خلاصه می‌کنیم "تئوری" و سیاست راست، بالقوه همیشه جنبش را تهدید می‌کند. امروز این حمله از راست در لباس‌های مختلف - گرچه ضعیف و پراکنده - دوباره آغاز شده است. از سوی دیگر جنبش دانشجویی ایران باید مواضع خود را در قبال جنبش دقیق کند و نه تنها در سطح عام، بلکه دقیق‌تر و روشن‌تر، پابندی خود را به جنبش و عناصر جنبش نشان دهد. این مساله به ویژه در دوران ما - دوران قطعی شدن نیروها - تعیین‌کننده است. عبارت دیگر امروز جنبش دانشجویی ایران در برابر مساله‌ای قرار گرفته که در واقع به بیانی ادامه مساله "صنفی"، "سیاسی" گذشته است و جهت گیری جنبش در برابر آن راه آینده جنبش دانشجویی ایران را تعیین خواهد کرد. این مساله، مساله برخورد به زحمتکشان میهن ما، مبارزه آنها و وظائف جنبش دانشجویی در برابر این مبارزه در هر مرحله از آن می‌باشد. جنبش ما نمی‌تواند از دید دراز مدت بدون برخورد رو در رو با این مساله به زندگی خود ادامه دهد. جنبش دانشجویی، خارج از اراده این یا آن، راه خود را انتخاب خواهد کرد. یکی از این راه‌ها ماهیتا همان راه صنفی است و دیگری ادامه راه ضد امپریالیستی جنبش. یکی از این راه‌ها تحت عناوین مختلف از برخورد مشخص با مسائل و مبارزه خلق به ویژه کارگران و دهقانان سر باز می‌زند و از آن طفره می‌رود و دیگری تکلیفش را در برابر آن روشن می‌سازد.

جنبش دانشجویی ایران در هر حال باید به این مساله پاسخ گوید و مبارزه ضد امپریالیستی خود را با شرایط نوین تطابق دهد و نیز در این رابطه با "تئوری‌های" نو استعماری در پوشش جدید برخورد کند (مساله شوروی و کشورهای همراه با آن).

به گفته دیگر روشن‌تر کردن مواضع جنبش در برابر امپریالیسم و نو استعمارگران و دیدن رابطه این مبارزه با مبارزه علیه ارتجاع داخلی و در این رابطه پیوند با زحمتکشان میهن ما مساله امروز جنبش است.

در خارج از کشور در سالهای اخیر جنبش دانشجویی به روشن‌تر کردن این مواضع پرداخته و گرچه هنوز تئوری مدون آنرا ندارد ولی در بسیاری از حیطه‌ها بدست آوردهای درخشانی ناآل آمده است.

در اینجا لازم می‌دانیم این نکته را بازهم توضیح دهیم که: در اینجا صحبت بر سر روشن کردن تکلیف جنبش دانشجویی ایران در برابر خلق نیست، زیرا همانطور که آوردیم این مساله بطور عمده روشن شده است. در اینجا صحبت بر سر دقیق کردن موضع از یکسو و یافتن راه‌های واقعی و عینی پیوند از سوی دیگر است. یعنی باید از یکسو در تئوری مواضع خود را دقیق‌تر بیان کنیم و از سوی دیگر در عمل محمل‌هایی را بیابیم که واقعا به ادامه این پیوند و عمیق کردن آن کمک نماید. بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران در این رابطه دچار پاره‌ای سردرگمی است. تضاد بین خواست‌های ضد امپریالیستی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و واقعیت عینی - عینی بودن در خارج - تضادی است که اگر توجه کافی بدان نشود یا به انحراف راست که بدان اشاره کردیم و یا به پیچ و خم‌های باصطلاح چپ می‌انجامد. بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران تحت تاثیر شدید عوامل ذهنی جهانی قرار گرفت و از جمله به این دلیل با شتاب فراوان به سوی پیوند با خلق حرکت کرد. این جنبه مثبت و متری است ولی فقط یک جنبه مساله است. جنبه دیگر آن واقعیت‌های عینی جامعه ماست.

ارتجاع داخلی و امپریالیسم برای تحکیم و ادامه استثمار شدید خلق ما با ایجاد دستگاه‌های وسیع اختناق و سرکوب و با تشدید ترور فاشیستی و یورش به تمام سازمان‌ها، گروه‌ها و عناصر مبارز مجموعه جنبش را در برابر مسائل تازه‌ای قرار داد. شکست مبارزات دوباره سربلند کرده ۳۹-۴۰ و ۴۰-۴۱ نشان آشکار این واقعیت بود که تشکیلات موجود جواب‌گوی احتیاجات مبارزاتی زمان ما نیستند و گرچه مبارزات دلاورانه گروه‌ها و عناصر ضد امپریالیست در ایران و همچنین مبارزات خلق ما در فارس و کردستان و بالاخره مقاومت‌های دهقانان در برخی نقاط ایران و اعتصابات کارگری نشان زنده بودن خلق ماست ولی خود این مبارزات نشان‌دهنده این واقعیت نیز هست که جنبش بطور پراکنده و با دیدهای ناهمگون به مبارزه یا مقاومت دست می‌زند. به عبارت دیگر جنبش مردم ما امروز فاقد سازمان‌های پیشرو و هدایت کننده خود می‌باشد. از سوی دیگر شکست مبارزات سال‌های ۳۹-۴۰ و ۴۰-۴۱ آخرین ارتباطات موجود بین سازمان‌های مختلف جنبش را از بین برد و یا نامنظم کرد. یکی از تبلورهای این قطع رابطه سازمانی عدم وجود ارتباط ارگانیک بین بخش داخلی جنبش دانشجویی و بخش خارج از کشور آن می‌باشد. و تبلور دیگر آن همانطور که گفتیم چاره اندیشی پراکنده از جانب گروه‌های مختلف، بدون رابطه با هم و نتایج این کوشش‌های پراکنده که در سطوح مختلف انجام می‌گیرد می‌باشد.

خلاصه می‌کنیم: امروز در ایران نه سازمان هدایت کننده جنبش وجود دارد و نه سازمان‌های پراکنده موجود با یکدیگر در ارتباط روشن و دقیق می‌باشند. مبارزات و مقاومت‌های مردم بطور خودبخودی، پراکنده و در بهترین حالات با رهبری از طرف گروه کوچکی از مبارزان انجام می‌گیرد. جنبش دانشجویی ایران نیز در عمل به دویخش خارج و داخل تقسیم شده و گرچه این دویخش باهم هم‌سو هم‌هدف می‌باشند (و این در عمل نشان داده شده) ولی فاقد رهبری واحد، تشکیلات واحد و خط مشی واحد اند.

این واقعیت‌های عینی، امروز مجموعه جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ایران و از جمله جنبش دانشجویی را در برابر مسائل مختلفی قرار داده است. یکی از موارد اساسی این مسائل همانطور که گفتیم روشن کردن مساله پیوند با عمده‌ترین نیروهای جنبش یعنی کارگران و دهقانان و پیدا کردن راه‌های پیوند می‌باشد.

آیا هر یک از بخش‌های جنبش باید بطور جداگانه به این مساله جواب دهند؟ ما معتقدیم که در شرایط فعلی هر یک از ما، هر سازمانی از سازمان‌های جنبش مجبور است به این مساله جواب دهد و با توجه به وظائف و واقعیت خود در تئوری و عمل در جهت برقراری این پیوند حرکت کند. هرگونه برخورد فرصت‌طلبانه‌ای با این مساله غیر قابل توجیه است. امروز جنبش دانشجویی ایران نه تنها باید در این جهت حرکت کند، نه تنها باید در تئوری و عمل این پیوند را نشان دهد، بلکه باید هم در تئوری و هم در عمل و با طرد تمام راه‌های راست سازشکارانه و همچنین راه‌های "میانه" و "اولتراچپ" و بویژه با مبارزه قاطع علیه تمام راه‌های راست به سوی برقراری این پیوند به پیش رود. در اینجا تاکید می‌کنیم که وقتی صحبت از جنبش دانشجویی ایران می‌شود مقصودمان مجموعه جنبش (بخش داخلی و بخش خارجی آن) می‌باشد و نه فقط یک بخش از آن.

در اینجا سؤال دیگری مطرح می‌گردد، سؤالی که بنظر ما یکی از مهم‌ترین مسائل روز کنفدراسیون است، و این یا آن پاسخ به این سؤال نشان بیش از جنبش، سازمان‌های جنبش، رابطه سازمان دانشجویی با سازمان‌های سیاسی جنبش و بالاخره نشان درک ما از ضد امپریالیستی، توده‌ای و دموکراتیک بودن کنفدراسیون است. این سؤال چنین است: آیا بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران می‌تواند بطور مستقیم، بدون رابطه با جنبش دانشجویی درون میهن، بدون رابطه با سازمان‌های بازتاب کننده خواست‌های واقعی زحمتکشان، با کارگران و دهقانان پیوند برقرار نماید؟ ما با صراحت تمام به این سؤال پاسخ منفی می‌دهیم. جنبش دانشجویی خارج از کشور قادر به این عمل نیست و هر گونه "تئوری" سازی در اینباره

اگر از ذهنیگری، آرزوهای کودکان و دوربودن از محیط مایه نگرفته باشد نشان بینش انحرافی از جنبش، سازمان‌های جنبش و مسائل مبارزه مردم ماست. این بینش درحقیقت بینشی ایدئالیستی از تاریخ و مبارزه و نشان عدم ایمان به توانائی توده‌های مردم می‌باشد.

ما جنبشی مجرد بنام جنبش دانشجویان خارج از کشور نمی‌شناسیم. جنبش واحد دانشجویی ایران، در داخل و خارج از کشور تبلور مشخص خود را پیدا کرده و اگر چنانکه گفتیم پیوند سازمانی بین این دو بخش در اثر عوامل گوناگون قطع شده، این بدان معنا نخواهد بود که با جنبش دانشجویی ایران به مثابه یک کل و یک واحد برخورد نکنیم. بعبارت دیگر بخش خارجی جنبش به هیچ عنوانی نمی‌تواند راه خاص خود را طی کند. راه جنبش دانشجویی یکی است و دوتا نیست.

اما آیا این گفته بدان معناست که بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران ویژگی‌های خود را دارا نمی‌باشد؟ و آیا این بدان معنی است که از امکانات مساعد اروپا و آمریکا که در اختیار بخش خارجی جنبش است برای خدمت به مبارزه مردم ایران نباید استفاده کرد؟ روشن است که بخش خارجی جنبش ویژگی‌های خود را داراست. منتها صحبت بر سر این است که این ویژگی‌ها را نمی‌توان مطلق کرد و از آن برای جنبش خارج از کشور تئوری ساخت و در عمل پیاده کرد. پر بها دادن به امکانات اروپا و آمریکا در عمل گرچه از دید کوتاه مدت می‌تواند کمک‌هائی به جنبش برساند ولی از دید دراز مدت در صورت تنها دیدن این عوامل و در عوض ندیدن عینیت عناصر تشکیل دهنده جنبش دانشجویی، بخش خارجی جنبش را بطور مصنوعی "پیشرو" می‌کند و از مجموعه جنبش دانشجویی ایران جدا می‌سازد.

استفاده از امکانات مساعد اروپا و آمریکا اگر چه با توجه به این مساله، که نباید این استفاده به بهای جدائی از جنبش دانشجویی درون کشور تمام شود، انجام نگیرد، ماهیتا زیر پا گذاردن یکی از اصول یعنی توده‌ای بودن کنفدراسیون و تکیه تنها بر جنبه ضد امپریالیستی بودن آنست. در حالیکه باید سه اصل ضد امپریالیستی، دمکراتیک و توده‌ای بودن کنفدراسیون را به عنوان واحدی در نظر داشته باشیم و هر عمل مشخص باید از دید دراز مدت به هیچیک از این سه اصل لطمه نزنند. بعنوان مثال: همانطور که دست آورد مرفقی بخشی و یا نیروئی از کنفدراسیون باید قبل از آنکه تبدیل به خط مشی کنفدراسیون شود، در سطوح مختلف واحدها مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در دورانی تبدیل به خواست اکثریت شود و ضمانت عمل پیدا کند، همانطور نیز دست آورد بخش خارجی جنبش دانشجویی باید موضع تمام جنبش دانشجویی ایران گردد تا بتواند در عمل پیاده شود. هرگونه انحرافی از این اصل به جدائی "پیشرو"های جنبش از توده‌های دانشجویی و به جدائی بخش به اصطلاح "پیشرو" خارج از کشور از بخش داخلی خواهد انجامید.

مثال دیگر: بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران حتی اگر هم اکثریت قاطع عناصر تشکیل دهنده آن دارای جهان‌بینی واحدی باشند، نمی‌تواند جهان‌بینی واحدی را بعنوان جهانی‌بینی جنبش دانشجویی ایران اعلام کند. جنبش دانشجویی ایران بطور عینی متشکل از عناصر با دیدهای گوناگون ضد امپریالیستی (در رابطه با مرحله انقلاب ایران) است. و بخش خارجی آن نمی‌تواند در اثر این یا آن عامل "مثبت" تاثیر کننده با اصطلاح "پیشسازی" نماید و خود را از جنبش جدا سازد. خلاصه می‌کنیم: ۱- مساله پیوند با کارگران و دهقانان مساله اساسی جنبش است و همه سازمان‌ها منجمله سازمان‌های جنبی جنبش باید با این مساله برخورد کنند

۲- جنبش دانشجویی ایران باید خود را در خدمت جنبش مردم و عناصر عمده آن یعنی زحمتکشان بگذارد.

۳- جنبش دانشجویی ایران این کار را به تنهایی نمی‌تواند انجام دهد و این پیوند فقط از طریق سازمان‌های پیشرو جنبش مردم ما انجام پذیر است.

۴- جنبش دانشجویی ایران باید برای ایجاد این پیوند در تئوری مواضع خود را دقیق‌تر و روشن‌تر بیان کند و در عمل در رابطه با وظائف مشخص مرحله‌ای خود در این راه گام بردارد.

در مورد بخش خارجی جنبش بطور مشخص: ۱- بخش خارجی جنبش دانشجویی بطور عینی قادر نیست به تنهایی با زحمتکشان میهن پیوند برقرار سازد.

۲- بخش خارجی جنبش دانشجویی باید در این راه در رابطه با وظائف مشخص مرحله‌ای خود گام بردارد.

۳- بخش خارجی جنبش دانشجویی باید از امکانات مساعد اروپا و آمریکا برای این عمل حداکثر استفاده را بنماید.

۴- بخش خارجی جنبش دانشجویی بدون رابطه با بخش داخلی جنبش دانشجویی به جنبش انحرافی تبدیل خواهد شد.

۵- در شرایط امروز عمده‌ترین و مبرم‌ترین وظیفه بخش خارجی جنبش دانشجویی ایران در زمینه پیوند با زحمتکشان ایجاد امکانات پیوند با جنبش دانشجویی در درون کشور می‌باشد.

اینکه پیوند با بخش درون کشور جنبش دانشجویی از چه راهی و به چه ترتیب باید صورت گیرد، خود مساله ایست قابل دقت و چاره جوئی بخاطر آن از وظائف مهم ماست. در سال گذشته کنفدراسیون بطرق گوناگون کوشش‌هائی در جهت این مساله مهم امروز جنبش بعمل آورد و گام‌هائی در این جهت برداشت. باید با جمع‌بندی از کارهای انجام شده و بررسی اوضاع مشخص و امکانات کنفدراسیون شیوه‌های مناسب کار آینده را یافت.

طبیعی است که خود پراتیک این حرکت افق دید ما را بیش‌تر خواهد گشود و با ارزیابی همه جانبه ارگان‌های کنفدراسیون و چاره جوئی آنها در این زمینه می‌توان راه‌های جدید و شیوه مناسب را پیدا کرد.

گرایش‌های انحرافی در برخورد به مساله پیوند:

قبلا اشاره کردیم که دقیق‌تر کردن موضع جنبش در قبال مبارزه زحمتکشان ایران و چگونگی ایجاد این پیوند مساله امروز جنبش دانشجویی است و روشن کردیم که امروز مضمون این پیوند برای جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور ایجاد پیوند با جنبش دانشجویی درون کشور است. بحث در مورد پیوند با ایران ماهیتا ادامه مبارزه صنفی-سیاسی گذشته است. و همانگونه که جنبش دانشجویی ایران در مبارزه صنفی-سیاسی در تئوری و عمل موفق بیرون آمد باید با این مساله نیز برخورد جدی نماید و از انحرافات گوناگون راست و باصطلاح چپ جلوگیری کند. این مساله بویژه در اروپا و آمریکا که جنبش در رابطه مستقیم با زندگی مردم و واقعیت‌های عینی نیست می‌تواند به چندین انحراف بیانجامد. در حال حاضر این گرایش‌های انحرافی در جنبش، صرفنظر از مهمی بودن یا مهم نبودنشان، یا در حد معینی تظاهر و انعکاس یافته و یا در فکر رخنه هستند. باید با مبارزهای پیگیر هم دنباله‌های راه باصطلاح صنفی و هم انحراف‌های باصطلاح "چپ" و "انقلابی" را از جنبش طرد کرد. خطوط انحرافی موجود در رابطه با مسله پیوند با ایران از این قرار است:

۱- راه آشکار صنفی: این راه که طرد شده بود با توجه به مشکلاتی که امروز جنبش با آن در گیر است، یعنی مشکلات سیاسی جنبش به سوءاستفاده از این مشکلات، ایجاد محیط مسموم و زمینه مساعد برای خود دست زده است. با توجه به رسوائی کافی این راه سازشکارانه و آگاهی دانشجویان این خطر گرچه بالقوه وجود دارد ولی هنوز در حالت آشکار خود نمی‌تواند عرض اندام کند. مدت‌ها باید هشیار بود که این راه طرد شده با پوشش‌های جدید وارد جنبش نشود.

۲- خطی که خاستگاه طبقاتی عناصر متشکل در جنبش را مبنای برخورد خود قرار می‌دهد: این راه که ماهیتا همان راه سازشکارانه و صنفی را برای جنبش دانشجویی تبلیغ می‌کند، گرچه در جنبش دانشجویی فعالیتی ندارد، ولی در سطوح مختلف به پخش افکار خود می‌پردازد. این خط با مطلق کردن عینیت و عدم توجه به عامل آگاهی، جنبش دانشجویی را عملا در حد صنفی نگاه می‌دارد. مدافعان این خط فراموش می‌کنند که جنبش دانشجویی در حد و توان خود قادر به مبارزه در زمینه‌های گوناگون است. این خط با خط اول یعنی خط آشکار سازش یکی است و تنهادر لباس دیگری عرضه می‌شود. نمونه‌های این خط در جنبش دانشجویی کشورهای دیگر نیز دیده می‌شود و پدیده‌ای تصادفی در جنبش دانشجویی ایران نیست. مبارزه با این انحراف باید همراه مبارزه با انحراف اول انجام گیرد. افشای پوشش "چپ" این خط یکی از وظائف جنبش است. هم راه اول و هم راه دوم در عمل به دوری و جدائی جنبش دانشجویی از مردم و مبارزه مردم می‌انجامد.

۳- خط نادرست دیگر باصطلاح میانه است. این خط با عدم موضع‌گیری قاطع و با طفره‌رفتن از برخورد مشخص به مسائل روز جنبش، با جنبش دانشجویی برخوردی تاکتیکی و روزانه می‌کند. وادار ساختن این خط به موضع‌گیری قاطع از وظائف مبارزان جنبش است.

۴- در رابطه با مساله پیوند دو انحراف باصطلاح چپ نیز در جنبش دیده می‌شود. یکی راه "اولترا چپ" است که رشد مادی آنرا در بینش ایدئالستی از تاریخ و مبارزه باید جستجو کرد. مبارزه با این انحراف و طرد آن نیز یکی از شرایط پیوند راستین با زحمتکشان میهن ماست. مطلق کردن عامل ذهنی، پر بها دادن به امکانات اروپا و آمریکا بدون توجه به واقعیت‌های عینی داخلی، خواست برای باصطلاح پیوند مستقیم با کارگران و دهقانان، چپ روی کودکانه با تکیه بر احساسات و شور انقلابی توده‌های دانشجو، از تظاهرات این انحراف "چپ" می‌باشد. مبارزه با این انحراف در مرحله فعلی رشد مبارزه ماهیتا با انحراف راست متفاوت است. در این انحراف اکثرا از خواست صمیمانه دانشجویان به شرکت در مبارزه مردم استفاده می‌شود. با مبارزه درونی (درون کنفدراسیون) در یک دوران می‌توان نمایندگان این خط را منفرد ساخت و بر این انحراف غالب شد.

۵- شبیه سازی از اروپا و آمریکا انحراف "چپ" دیگرست که در میان برخی از مبارزان جنبش مشاهده می‌شود. این خط عملا به نفی مرحله انقلاب ایران، متحدین و نیروهای بالقوه جنبش می‌انجامد. این گرایش نادرست دو خطر بدنبال می‌آورد. یکی جدائی بخش خارجی جنبش از بخش داخلی و دیگری پراکندگی در خود جنبش خارج از کشور و در میان نیروهای عناصر متشکل در آن. مبارزه با این انحراف نیز مبارزهای درون سازمانی است، باید در دورانی طولانی و از طریق مبارزهای سالم و روشن کردن دقیق مساله رابطه وحدت-مبارزه در درون جنبش این گرایش را از بین برد.

جنبش دانشجویی خارج از کشور در سالی گذشت:

پراتیک سال گذشته جنبش دانشجویی ایران در خارج آموختنی فراوان دارد. ویژگی مبارزات، پابندی پیدا کردن بیش تر جنبش به سرنوشت خلق در تئوری و پراتیک می باشد. در مجموع آنچه انجام گرفت در این جهت بود که شناخت از ایران و هم سرنوشتی با مردم دقیق تر شود و این دقیق تر شدن شناخت به مبارزه های قاطع تر و روشن تر بیانجامد.

مبارزات کنفدراسیون در سال گذشته از یک سو توانائی کنفدراسیون را نشان داد و سوئی این واقعیت را بار دیگر آشکار ساخت که هرچه مبارزه میهنی تر شده، توده های تر نیز گشته است و این پاسخی است به همه "صنفیون" و آنان که از جوانان و مبارزه آنها دور شده، خواست و توانائی آنان را نمی شناسند و شیون جدائی از "توده" را سر داده اند.

در سالی که گذشت در جنبش ضد امپریالیستی دانشجویان ایران و سازمان آن کنفدراسیون جهانی یک سلسله مسائل نو مطرح گردید که کنگره حاضر باید به آنها برخورد کرده، پاسخ درست به این مسائل را روشن سازد. در سال پیش بر اساس رهنمود های کنگره نهم بینش نوی در مجموعه کار کنفدراسیون بوجود آمد که مضمون آنها ایجاد جنبش کار در جهت ایران تشکیل می دهد. هیات دبیران کنفدراسیون کوشش کرد با دعوت به نوسازی این جنبش را که خطوط عام آن از طرف کنگره نهم به منظور پیوند با جنبش دانشجویی در داخل کشور مطرح شده بود، مشخص نموده و در کنفدراسیون دامن زند. ما سعی کردیم در پروسه عمل درک خود را از این مبارزه عمیق تر کنیم و آنها بطور مشخص پیاده نمائیم به نحوی که در یک پراتیک طولانی و تا آن حد که در توانائی و امکانات کنفدراسیون است طرق و وسائلی بیابیم که مسائل ایران محور اساسی فعالیت کنفدراسیون را در همه زمینه ها تشکیل دهد. با جنبش دانشجویی در ایران درحد امکانات در ارتباط قرار گیریم و متقابلا مسائل کنفدراسیون و مبارزات آنها به هم میهنان خود، بویژه دانشجویان درون کشور بشناسانیم.

ما در بخش گذشته در ک خود را از کار در جهت ایران، پیوند با ایران و برخوردهای گوناگون نسبت به آن توضیح دادیم. در اینجا لازم می دانیم به پاره ای دیگر از مسائل مهمی که در سال پیش در مقابل کنفدراسیون قرار داشته اند برخورد نمائیم.

این مسائل عبارتند از:

۱- شرایطی که در آن هیات دبیران قبول مسئولیت نمود.

۲- مساله وحدت در درون کنفدراسیون.

۳- کنگره یازدهم فدراسیون آلمان.

۴- برخورد به واحدهای کنفدراسیون.

۵- در باره کردستان.

۶- مساله تیمور بختیار.

۷- مساله سازمان امنیت.

۸- موخره.

۱- شرایطی که در آن هیات دبیران قبول مسئولیت نمود

هیات دبیران کنفدراسیون در شرایط خاصی قبول مسئولیت نمود. ما در کنگره نهم کنفدراسیون اعلام کردیم که به خاطر کمک به منظور غلبه بر بحرانی که کنگره با آن روبروست حاضری مسئولیت کار جنبش را با همه مشکلاتی که برای ما ایجاد خواهد کرد بدوش گیریم. ما از همان ابتدا با آگاهی به مشکلاتی که این شرایط خاص ناگزیر در برابر ما قرار می دهد کوشش کردیم تا آنجا که به ما مربوط است در مقابله با آنها، رفع و کاهش میزان آن چاره جوئی کنیم، ولی طبیعی است که در این چاره جوئی با وجود حسن تفاهم نمیتوانستیم از مواضع اصولی عدول کنیم و بالاخره علیرغم همه موانعی که بوجود آمد، علیرغم پاره ای عدم همکاری ها و علیرغم برخی برخوردهای نادرستی که با کار هیات دبیران انجام می گرفت خود را صمیمانه با تمام امکانات در خدمت انجام وظائفی که به عهده گرفتیم قرار دادیم و همواره کوشیدیم تا خواست های اکثریت قاطع دانشجویان را نمایندگی کنیم و امروز در این کنگره نتایج کارکرد کنفدراسیون و مبارزه دشواری را که در یکسال گذشته صورت گرفته ارائه می دهیم.

در سالی که گذشت کنفدراسیون یکی از مشکل ترین دوران خود را گذرانده و بطور کم نظیری در گیرودار دو مبارزه بود. یکی مبارزه سرسخت علیه رژیم ایران و دیگری مبارزه حاد بر سر مسائل درونی جنبش. مبارزه درونی جنبش که از کنگره هفتم شکل روشن به خود گرفته بود، در کنگره نهم و به ویژه پس از آن تشدید گردید. علاوه بر این مسائل سیاسی و شرایط جنبش خارج از کشور نیز مقداری مسائل عمده با اضافه مسائل فرعی و کاذب با خود به همراه آورد و در نتیجه مجموعه این مسائل عمده و غیر عمده اثر و نتایج معینی در جنبش و کار کنفدراسیون داشته است که در ارزیابی از فعالیت های یکساله نمی توان آنها را نادیده گرفت.

۲- وحدت در درون کنفدراسیون:

شرکت دانشجویان مترقی با نظرهای مختلف سیاسی در سازمان‌های دانشجویی از ما طلب می‌کند که به مساله وحدت در درون کنفدراسیون برخوردی جدی داشته باشیم. حل این مساله به طریق صحیح چه از نظر ارتباط با مبارزه مردم و چه از نظر نیروهای شرکت کننده در درون سازمان‌های دانشجویی اهمیت حیاتی دارد. قبلا اشاره کردیم که موضع‌گیری قاطع در برابر امپریالیسم و ارتجاع و بیانگری خواست‌های واقعی توده‌های دانشجوی تنها ضامن پیوند با توده‌های دانشجویی است. این تفسیر در باره نیروهای درون سازمانی نیز صادق است و وحدت درون سازمانی نیز (که پایه‌های عینی آن در جامعه وجود دارد) هم در تئوری و هم در عمل یک وحدت ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است. این وحدت نیز مانند پیوند توده‌ای نمی‌تواند با دیدی سودجویانه و کوتاه مدت از مبارزه برقرار شود. این وحدت در رابطه است با مرحله رشد مبارزه خلق، مرحله انقلاب و دیگر مسائل جنبش. هرگونه راست‌روی و تعبیری سازشکارانه از این وحدت و هرگونه "چپ‌روی" و ندیدن نیروهای مختلف ضد امپریالیست در درون سازمان‌ها و عدم توجه به خواست‌های آنان، مرحله مبارزه را ندیدن است. روشن است که "چپ‌روی" که ما از آن صحبت می‌کنیم با برچسب "چپ‌روی" سازشکاران و مرتجعین از زمین تا آسمان قرق دارد. بر چسب "چپ‌روی" آنان چماق تکفیر است و برای کوبیدن جنبش بکار می‌رود و "چپ‌روی" که ما باید از آن پرهیز کنیم، اتخاذ آن استراتژی و تاکتیک‌های شیوه‌های کار است که با مرحله جنبش و رشد نیروهای آن ناسازگار است و جنبش را تضعیف می‌کند. وحدت افراد و عناصر تشکیل‌دهنده کنفدراسیون در جریان مبارزه علیه رژیم و حامیان آن و همچنین در جریان مبارزه میان نظرات درست و نادرست در درون جنبش تحکیم می‌یابد. بعلاوه وجود مبارزه طبیعی و مداوم میان نظرات درست و نادرست، بعلاوه اعمال برخی شیوه‌های ناصحیح کار و پاره‌ای گرایش‌های ناسالم وحدت درونی کنفدراسیون همواره ممکن است در اینجا و آنجا، در این یا آن زمان دستخوش تزلزل گردد. در رابطه با این مبارزه در سر مقاله شماره دوم شانزدهم آذر در باره مسائل کنگره نهم نوشتیم که "باید با مبارزه اجتناب ناپذیر درونی برخوردی درست داشت و از آن در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی جنبش استفاده کرد". برای این منظور باید مساله وحدت در درون کنفدراسیون و مبانی این وحدت بدقت ارزیابی شود و حد و مرز آن دقیقاً ترسیم گردد. پایه گردهمایی و وحدت در کنفدراسیون اشتراک نظر در مسائل اساسی جنبش توافق و فهم مشترک از خط مشی و وظائف کنفدراسیون و شرکت عملی در انجام این وظائف است. این معیارها مناسبات درونی جنبش را تعیین کرده و نشان می‌دهد هرکس تا چه حد در جهت تحقق خواست‌های واقعی توده دانشجوی گام بر می‌دارد. وحدت درونی کنفدراسیون وحدتی است داوطلبانه، آگاهانه و در پایه. باید بر اساس این وحدت شیوه عمل درست و سبک کار صحیحی اتخاذ کرده و در برابر هر گرایش ناسالم و هر تلاشی در تحمیل نظراتی که به زیان جنبش است مقاومت و مبارزه جدی بعمل آید.

کنگره یازدهم فدراسیون آلمان و پیام هیات دبیران کنفدراسیون

هیات دبیران کنفدراسیون سعی کرده بود در پیام خود به کنگره یازدهم فدراسیون آلمان به مقداری از مسائل کنفدراسیون برخورد کند ولی خود این پیام در کنگره با عکس‌العمل نادرست عده‌ای از نمایندگان مواجه گردید و در نتیجه بحث‌های مختلفی را در کنگره و پس از آن برانگیخت. ما برای آگاهی کلیه دانشجویان از متن این پیام آنرا چاپ و پخش کردیم. در اینجا لازم می‌دانیم بدلیل اهمیت مساله برخی از نکات پیام را باز کرده و موضع خود را در قبال آن و رخدادهای بعد باریک‌تر اعلام داریم. آنچه مربوط به نوع برخورد با پیام است، همانطور که در کنگره فدراسیون هم اظهار داشتیم، کنگره فدراسیون نمی‌تواند در رد یا قبول، بچاپ رساندن یا نرساندن آن تصمیم بگیرد. نمایندگانی که با رای خود پیام هیات دبیران را رد کردند کاری برخلاف موازین تشکیلاتی انجام داده و با آتمسفری که در نتیجه چنین برخوردی ایجاد نمودند کامیابی کنگره را مورد سؤال قرار دادند و علاوه بر این یک شیوه ناصحیح و ناسالم کار را نیز پایه‌گذاری کردند. اینکه در حق کنگره هیچ‌یک از واحدها نیست پیام هیات دبیران کنفدراسیون را هرچند با آن موافق نباشند رد و از چاپ آن خودداری کند در واقع احتیاج به بحث زیاد ندارد اگر قرار باشد پیام‌ها طوری نوشته شوند که همه با آن موافق باشند آنوقت [نمی‌شود] ناخوانا از اصولیت و مبارزه خلاق در میان باشد. پیام هیات دبیران به راحتی می‌تواند مورد توافق عده‌ای از دوستان قرار نگیرد. اما این بدان معنا نیست که در کنگره با آن اینچنین برخورد شود. رسیدگی به محتوی پیام تنها از وظائف کنگره کنفدراسیون است و این مانند همه کارهای هیات دبیران باید زیر نظر نقادانه نمایندگان کنگره کنفدراسیون مورد بررسی قرار گرفته و در باره آن داوری شود. شیوه‌ای که در کنگره فدراسیون آلمان در برخورد به پیام انتخاب شد تنها می‌توانست به منظور از اعتبار انداختن مرکزیت کنفدراسیون و اعمال یک روش نادرست جدید برای آینده مورد استفاده قرار گیرد و نه بیش‌تر.

عده‌ای در کنگره می‌خواستند که هیات دبیران همانجا بنشینند و پیام خود را اصلاح نمایند و یا عبارت دیگر آنچه مغایر نظر و خواست آنهاست خط زده شود و عملاً شرط قبول پیام را تأمین این خواست خود قرار داده بودند. نه تنها در سازمانی چون کنفدراسیون، بلکه در هر مورد دیگر نیز نادرست است اگر عده‌ای خواهان آن باشند که نظریات و خواست‌های آنان از طرف کسانی که معتقد به نادرستی این نظرات می‌باشند بیان گشته و مورد

دفاع واقع شود. از همه اینها گذشته، آنها چنین شرایطی را برای چاپ این پیام قرار می‌دادند. خوب بود از خود سؤال می‌کردند این تصمیم و داوری نهائی در باره کار هیات دبیران کنفدراسیون از حقوق و وظائف آنها و کنگره فدراسیون است و یا در اختیار ارگان دیگرست. برخوردی که در کنگره فدراسیون آلمان نسبت به پیام هیات دبیران شد برخوردی نادرست بود و بحق است اگر چنین برخوردی از طرف دانشجویان پذیرفته نشود تا به بدعتی برای پایه گذاری شیوه‌های نادرست و ناسالم در آینده تبدیل نگردد. در غیر اینصورت هر واحدی بسته به نظرانی که در آن غالب است می‌تواند مستقلاً بر اساس این نظرات عمل کرده و تنها نظرانی را پذیرفته و اجرا نماید که مورد موافقت او قرار گیرد و این امریست که مبانی مناسبات سازمانی را متزلزل می‌سازد.

و اما در باره محتوی پیام: هیات دبیران در سال گذشته کوشید تا از شرکت خود در نشست‌های دانشجویی برای طرح و بررسی مسائل جنبش و در میان‌نهادن کارهای خود با اعضای کنفدراسیون استفاده کند. ما هیچ‌گاه نکوشیدیم و نخواستیم گفتگو و تبادل نظر با اعضای کنفدراسیون به یک برخورد باصطلاح رسمی و رفع تکلیف ختم شود. در پیام به کنگره‌های دانشجویی سعی می‌کردیم مختصری از آنچه صورت گرفته عنوان شود و مورد بررسی قرار گیرد. بعضی از دوستان معتقد بودند که پیام نباید به این شکل باشد و در واقع باید به مقداری کلی‌گوئی در آن اکتفا کرد. بدیهی است که شیوه کاملاً متفاوت کار است. ما هنوز هم معتقدیم که پیام‌ها نباید صورت فرمال و رسمی به خود گیرند و هیات دبیران باید از نشست‌های دانشجویی حداکثر استفاده را برای طرح و بحث وسیع مسائل کنفدراسیون بنماید و در این شیوه عمل مصرانه پافشاری می‌کنیم. صرفنظر از این مورد ظاهراً دو نکته در این پیام بیش از نکات دیگر آن مورد بحث واقع شد. و این همان مواردیست که گفته می‌شده مبهم بیان گردیده و هیات دبیران در کنگره در باره آن توضیح داد. ما این دو مورد را در اینجا عیناً نقل می‌کنیم:

"بر خورد به کنفدراسیون و جنبش دانشجویی امروز نیز از مواضع گوناگونی صورت می‌گیرد. گرچه جنبش دانشجویی بارها از طریق کنگره‌ها و نشست‌های خود سازشکاران و خطوط سازش را محکوم کرده و جنبش با حرکت مبارزه جویانه‌اش مبلغین این مشی را منفرد ساخته است ولی این به معنای آن نیست که چنین خطی هنوز در صدد دست یافتن به مراکز رهبری و زدودن خط مترقی و ضد امپریالیستی کنفدراسیون نمی‌باشد. خط رفرمیستی در جنبش دانشجویی اگر چه ضربات جدی خورده است، بازهم می‌کوشد با استفاده از وسائل گوناگون و حتی پیدا کردن متحدین عرض اندام بنماید. ما به همه دانشجویان مترقی هشدار می‌دهیم تا در مبارزه خود این خط ضد جنبش را که بنفع مآهنامه مردم و رادیوی پیک ایران است مصمم و پیگیر افشا و طرد نمایند."

ما در اینجا آشکارا خط سازشکارانه و رفرمیستی را که بارها از طرف اکثریت قاطع عناصر متشکل در جنبش و از طرف کنگره‌های کنفدراسیون محکوم و طرد شده است با توجه به دست و پا زدن‌های جدید مبلغین و طرفداران آن و خاری که از این طریق جنبش را تهدید می‌کند بر ملا کرده ایم. فاکت‌ها و واقعیات نشان می‌دهند که خط سازش کاری و رفرمیستی امروز در انتظار فرصت‌های معینی نشسته و ما با توجه به مسئولیت خود در قبال جنبش نه تنها نمیتوانیم آنرا نادیده بگیریم، بلکه موظفیم از طریق هشدار بسیج دانشجویان، عناصر و نیروهای متشکل در درون کنفدراسیون این خط را در همان هسته‌های اولیه تلاش خود و قبل از پا گرفتن قاطعانه طرد کنیم. این هشدار و بسیج بویژه از این نظر اهمیت دارد که این خط سازش همواره مترصد است، بنا بر ماهیت خود، از اختلافات میان مبارزین درون کنفدراسیون و از بحران‌ها و درگیری نیروهای جنبش حداکثر استفاده را بنماید و در این رابطه غیر طبیعی و عجیب نیست که برای تحقق هدف‌های خویش در جستجوی متحدین باشد و ما طرح این هشدار را نه تنها ناصحیح نمی‌دانیم، بلکه معتقدیم که صحیح و حتی ضروری بوده است. اینکه چه کسی متحد آنان می‌شود و این اتحاد چگونه می‌تواند شکل گیرد و تکامل باید بسته به حساسیت و واکنش‌های آنها است. در هر حال این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که خط سازشکارانه و رفرمیستی در صورت موفقیت در این یا آن مورد برای خود محیط رشد و در دیگران تعهداتی به وجود می‌آورد. این تعهدات که در ابتدا تبلور خود را در عدم موضع‌گیری صریح در برابر این خط خواهد یافت یقیناً با رشد خود به نتایج زیان‌بخش‌تری منتهی می‌شود. بهمین دلیل ما در اینجا نیز یکبار دیگر از همه مبارزان جنبش می‌خواهیم که با موضع‌گیری صریح در قبال این مشی ارتجاعی با آن قاطعانه و روشن خط فاصل بکشند. ما اعتقاد داریم که نه از طریق پلمیک، بلکه از طریق این موضع‌گیری صریح می‌توان در عمل هرگونه شبهه‌ای را در این زمینه از میان برداشت.

در جای دیگر پیام کوشش شده بود به مقاله تیرماه ۴۸ مآهنامه توفان و نادرستی مطالب مطرح شده در این مقاله اشاره شود. اینکه مطالب آورده شده در این باره را بدون ذکر مقاله مزبور طرح نمودیم، باین دلیل بود که هیات دبیران تصمیم داشت طی اطلاعیه جداگانه‌ای با آن برخورد کند. ولی طبیعی است که ما با توجه به پخش این مقاله و مورد بحث قرار گرفتن نکات آن نمی‌توانستیم در چنین نشستی بکلی از کنار آن بگذریم. بدین مناسبت ترجیح دادیم به برخورد معینی با مطالب این مقاله بدون ذکر نام اکتفا کنیم و بازکردن آنرا به اطلاعیه هیات دبیران موکول سازیم. رویدادهای بعدی و بالاخره اظهاریه توفان در این باره، درستی موضع‌گیری ما را نشان داد. هیات دبیران در اطلاعیه سپتامبر ۶۹ خود سعی نموده بود تا از موضع کنفدراسیون و تنها با همان مقاله برخورد کند. ولی متأسفانه اظهاریه فوق‌الذکر نیز با شیوه‌ای که در همان مقاله اتخاذ شده بود، اتهام‌زدن را ادامه داده است. ما با توجه باینکه با یکبار پاسخ‌گوئی به دلیل لزوم رد اتهامات و آشکار ساختن حقایق، مسائل را تا حدی روشن کرده

بودیم، تصمیم گرفتیم پاسخی به اظهاریه تنظیم نکنیم و از اینطریق از کشیده شدن به یک پلمیک بسهم خود جلوگیری کرده باشیم. مدت ها در اینجا که کارنامه یک ساله فعالیت ما مطرح است خود را موظف می دانیم از موضع گیری های درست خویش به دفاع برخاسته و در باره آنها توضیح لازم را بدهیم. قبل از پرداختن به خود مطلب ضروری می دانیم به یکی از نکاتی که در اظهاریه آمده است اشاره کنیم. در این اظهاریه نوشته شده هئیت دبیران با وجود آگاهی بودن به این امر که پخش چنین اطلاعیه ای به موضع گیری هواداران ما و در نتیجه شناخته شدن آنان منتهی می شود، بازهم به پخش این اطلاعیه اقدام می کند. روشن است که عناصر و نیروهای سیاسی نمی توانند توقع داشته باشند، هر نظر و عقیده ای در باره کنفدراسیون و مسئولین آن انتشار دهند، ولی کنفدراسیون و مسئولین بدلیل اینکه موضع گیری آنان موجب شناخته شدن این نیروها و طرفداران آنها می گردد، موظف باشند در برابر آن سکوت کنند. این استدلال واقعا عجیبی است. کسی حق داشته باشد هرچه دلش می خواهد در باره شما بگوید، هر تهمتی که مایل است و اراده کند به شما نسبت دهد، با هر موضعی به مسائل جنبش برخورد کند، اما شما موظف به سکوت باشید و اگر جز این کنید خطای شما مضاعف است، زیرا که به شناخته شدن او و هوادارانش منتهی می گردد. طبیعی است که نمی توان چنین استدلالی را پذیرفت. ما معتقدیم وقتی به جنبش و مسئولین آن نسبتی ناروا داده می شود، این حق و وظیفه مسئولین کنفدراسیون است که موضع خود را در برابر آن روشن کنند. در غیر اینصورت هرگونه سکوت و بی تفاوتی عملا به مثابه پذیرفتن این نسبت ها خواهد بود. و چنین برخورد بی تفاوتی بدون تردید محیطی از سردرگمی، ابهام و عدم اعتماد در جنبش بوجود خواهد آورد. بنابراین اگر ما در باره مطالب مقاله مزبور اقدام به تهیه اطلاعیه کردیم و مطالب نادرست را روشن ساختیم، نه تنها خود را محق، بلکه موظف نیز می دانستیم. حال دیگر تعیین چگونگی عکس العمل در برابر این اقدام وظیفه آنهاست است که این اقدام و اقدامات مشابه را به کنفدراسیون و مسئولین آن تحمیل می کنند. این خود آنها هستند که مسئولیت مسائل درونی، سبک کار و پنهان کاری دوستان و هواداران خود را باید متقبل شوند و حداقل از طریق خودداری از اقداماتی که دیگران را بطور منطقی و اجتناب ناپذیر به پاسخ گوئی وادار می سازد، در حفظ دوستان و هواداران خود بکوشند. کنفدراسیون نمی تواند مسئولیت همه چیز و همه کس، حتی آنهاست را که در مواردی در سطح وسیع توده ای با جنبش دانشجویی برخورد نادرست می کنند به عهده بگیرد. طبیعی است آنان که به چنین شیوه هایی دست می زنند باید بطور طبیعی در انتظار پاسخ به مطالب خود هم باشند. و اگر تصور می کنند این پاسخ گوئی ها برای طرفدارانشان ایجاد مزاحمت می کند، با آن برخورد با مسئولیت نموده و از اقدامی که ناگزیر برانگیزنده این پاسخ هاست پرهیز کنند. از این گذشته اگر قرار باشد چنین استدلالی درست باشد، بر اساس آن سازمان های سیاسی هم نباید در شرایط کنونی با یکدیگر بر سر مواضع خود بحث کرده و این مواضع را تبلیغ نمایند، چه در اینصورت پلیس طرفداران آنانرا که در بحث ها بدفاع از این مواضع برمی خیزند خواهد شناخت. در هر حال ما از باز کردن بیش تر این استدلال خودداری می نمائیم. اما در مورد مطالب مقاله:

نقل قول آورده شده در این مقاله و ارتباط این نقل قول با سایر مطالب نوشته شده، آنقدر روشن است که ما را از بحث مجدد در این باره که منظور مقاله هیات دبیران کنفدراسیون می باشد بی نیاز می سازد. در این مقاله از "تمام نیروهای ملی و انقلابی متشکل در کنفدراسیون" دعوت می شود که در قبال خطر تهدید آمیز مقاومت کنند. این دعوت از نیروهای ملی و انقلابی برای مقابله با کدام خطر است و از چه جانی چنین خطر بزرگی کنفدراسیون را تهدید می نماید؟ آیا واقعا آنگونه کارهایی صورت گرفته بود که می بایستی همه نیروهای ملی و انقلابی متحد و بسیج شده در برابر آن مقاومت کنند؟ اظهاریه بعدی به خوبی نشان می دهد که اتهامات به چه کسی نسبت داده شده و این "دعوت" علیه کیست و بالاخره مواردی که چنین "دعوت" به مقاومتی را ضروری ساخته کدامند. این موارد به طوری که در اظهاریه آمده از این قرارند: هیات دبیران خود را با "کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک در داخل و خارج از کشور دمساز نکرده است- در جلب دانشجویان جوان فعالیتی نداشته و بالاخره اینکه بحث ها و سمینار آکسبورگ دلیل "چپ روی" و "چپ نمائی" هیات دبیران است.

ما به مساله گسترش کمی واحدها و مجموعه کنفدراسیون در این گزارش جداگانه برخورد خواهیم کرد. اما در باره "دمسازی" آیا منظور از این دمسازی اینست که هیات دبیران از مواضع جنبش بگذرد و در برابر هر جریان و هر مساله تسلیم شود؟ اگر قرار است که این "دمسازی" چنین تفهیم گردد، در اینصورت درست است و ما نه تنها اینکار را نکرده، بلکه هیچ گاه نیز نخواهیم کرد. ما همراهی و عملکرد مشترک را با نیروهای ملی و متری با نشان بروی مواضع اصولی جنبش و مبارزه بخاطر پیشبرد این مواضع اصولی می دانیم و معتقدیم که تنها در بطن این مبارزه اصولی است که هم گامی واقعی با نیروهای ملی و متری می تواند شکل بگیرد.

مساله سمینار آکسبورگ: از اظهاریه چنین بر می آید که ظاهرا تمام این بسیج و دعوت به مقابله با هیات دبیران به ویژه بحثی است که در سمینار آکسبورگ صورت گرفته است. در حالی که ما در اطلاعیه خود روشن کرده بودیم که نمی توان یک پدیده را به همه جنبش تعمیم داد و از این گذشته هیات دبیران نه تنها مسئول محتوی بحث هایی که در سمینارهای کنفدراسیون انجام می شود نیست، بلکه معتقد بوده و هست که سمینارها محل برخورد آراء و عقاید بوده و تنها از طریق این برخورد هاست که بالاخره و آنهم دریک پروسه از کار نظر درست بیرون می آید. در سمینارهای کنفدراسیون تاکنون بحث های بسیاری صورت گرفته ولی این بدان معنی نیست که موضع عنوان کنندگان بحث ها در عین حال موضع تمام جنبش

و ارگان‌های آن باشد، صرف‌نظر از اینکه ما نظر خود را درباره سمینار آکسبورگ در مقدمه گزارش سمینار نوشته ایم، معلوم نیست چگونه می‌توان این مساله را توجیه کرد که یک بحث در سمینار می‌تواند آنچنان موجبی باشد که به ضرورت دعوت وسیع از "نیروهای ملی و انقلابی" برای مقابله با آن منتهی گردد.

در باره واحدهای کنفدراسیون

در آغاز سال گذشته ما با آگاهی باین امر که همواره مقداری از کار کنفدراسیون و ارگان‌ها و هویت دبیران آن صرف کارهای خرده و تکنیکی می‌گردد سعی نمودیم در حد امکان از آن جلوگیری کرده و این وضع را بسود یک برنامه ریزی در بخش‌های مختلف فعالیت تغییر دهیم. از این طریق گام‌های هر چند محدود در جهت کاری طولانی و هم‌آهنگ و مداوم برداریم. در سال گذشته کنفدراسیون و ارگان‌های آن سعی داشتند که در زمینه مجموعه وظائف و فعالیت بخش‌های مختلف از اصل توجه به تمام وظائف اساسی مهم بخش‌های مختلف و پیش بردن هم‌آهنگ این وظائف حرکت کنند. به نحوی که رشد فعالیت یک بخش به تعطیل فعالیت سایر بخش‌ها منجر نشود. در عمل نیز موفق شدیم. در زمینه‌های گوناگون در جهت ایران کار تشکیلاتی، توجه بواحد های کار انتشارات، روابط بین‌المللی، گسترش مبارزه دفاعی و فعالیت فرهنگی تا حد معینی از این اصل پیروی کنیم.

ما از همان آغاز مسئولیت خود با پاره‌ای نکات ضعف جدی برخورد کردیم، که در اینجا لازم می‌دانیم به آنها اشاره نمائیم. این نکات ضعف را که در واقع همیشه در کنفدراسیون وجود داشته و بطور عمده از ویژگی‌های سازمان - ساختمان تشکیلاتی و عناصر تشکیل دهنده آن ناشی می‌گردند می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

در کنفدراسیون برنامه ریزی دقیقی که به هم‌آهنگی کار در سازمان‌ها کمک کند وجود نداشته. تداوم کار لازم در فعالیت‌ها حاکم نیست و رابطه واحدها با ارگان‌های کنفدراسیون نامنظم و بی برنامه است. فعالیت واحدها غالباً بر طبق سلیقه محلی انجام می‌گیرد. تقسیم کار درست نه تنها در واحدها، بلکه در سطح کنفدراسیون نیز دارای ضعف‌های فراوانیست. خواست از کنفدراسیون غالباً همراه با دید محلی است و واحدها در برخورد با کنفدراسیون در بسیاری موارد از مسائل مشخص خود حرکت می‌کنند. همه این عوامل شرایطی را بوجود می‌آورند که هویت دبیران کنفدراسیون نتواند وظائف خود را در هم‌سوئی مجموعه فعالیت‌ها آنطور که باید و شاید انجام دهد. ما با توجه باین مسئولیت در قبال مجموعه جنبش این نقائص را با واحدها در میان گذاشتیم و تاکید کردیم در برخورد به کنفدراسیون با شناختی در [ناخوانا] از جنبش و وظائف و بطور واقع‌بینانه کل مسائل را در نظر گرفت و درارتباط با این کل وظائف کار خود را تعیین و درجه بندی نمود.

باید باین مسئله توجه کنیم که هر گونه کم‌کاری - نقصان و یا ناهم‌آهنگی در این یا آن بخش از کار می‌تواند بنوبه خود به این کل زیان برساند. از این رو در هر بخش از فعالیت کنفدراسیون باید اصل جزء در خدمت کل یعنی فعالیت یک بخش از کار در خدمت مجموعه جنبش ضد امپریالیستی دانشجویان ایران و دراین رابطه در خدمت کل مبارزه مردم در نظر گرفته شود.

بدیهی است نادرست خواهد بود اگر تصور کنیم برخورد روزمره‌ای با مسائل و پراگماتیسم در کار کنفدراسیون را می‌توان یک‌باره از میان برد. پراگماتیسم موجود در کنفدراسیون مقدار زیادی از واقعیت جنبش - عناصر متشکل در آن - ساختمان تشکیلاتی سازمان ما وظائف آن و بالاخره مرحله مبارزه در ایران ناشی می‌گردد.

بنابراین آنچه باید مورد توجه ما قرار گیرد کاهش آن و رفع سایر نواقصی است که از طریق برنامه ریزی - تقسیم کار درست و اتخاذ شیوه‌های عمل صحیح و منطبق با شرایط و امکانات موجود می‌تواند تحقق یابد.

ما در سال گذشته با آگاهی باین واقعیت‌ها کوشش کردیم مشکلات موجود را به سود حرکت به سوی کار مداوم - همه جانبه و سیستماتیک تقلیل دهیم. ولی با توجه به اینکه این حرکت و انجام این منظور از امروز به فردا نمی‌تواند صورت گیرد ... سخت و طولانی را طلب می‌کند باید این کوشش و راه‌گشائی در این زمینه هم‌چنان ادامه یابد. در سال گذشته سعی گردید در برخورد با مسائل جنبش بینشی حتی المقدور بوجود آید که درموضع‌گیری‌های مشخص بسود کل جنبش و نه جزئی از آن تبلور یابد. بر همین اساس تماس مرتب و مداوم با واحدها - توضیح مسائل جنبش - آشنا شدن به مشکلات و فعالیت‌های سازمان‌های محلی و آگاهی از سطح کیفی آنها را در دستور کار خود قرار دهیم تا از یک‌سو اقدامات لازم برای ایجاد این بینش نو انجام گرفته باشد و از سوئی دیگر بتوان میزان [ناخوانا] توانائی کل کنفدراسیون را دقیقاً ارزیابی کرد.

ناهمگونی در کنفدراسیون و واحدها - علل این ناهمگونی

یکی از ویژگی‌های مهم واحدهای کنفدراسیون در خارج از کشور وجود ناهمگونی در آنهاست. این ناهمگونی تقریباً در کلیه سطوح آن مشهود است. عوامل موثر در این ناهمگونی عبارتند از:

- ۱- تقسیم نامتعادل دانشجویان در شهرها و کشورهای مختلف (این تقسیم نه طبق یک برنامه و یا بر اساس احتیاجات مبارزه، بلکه بر پایه وضعیت مشخص - خانوادگی - تحصیلی - مالی و غیره صورت می‌گیرد).
 - ۲- تاثیر وجود دانشجویان آگاه در هر محل - اثرات ناشی از ترکیب متفاوت نیروها و گرایش‌های مختلف سیاسی در واحدها.
 - ۳- سابقه فعالیت سیاسی و دانشجویی در محل.
 - ۴- حدود رابطه با کنفدراسیون و میزان شناخت از فعالیت‌های آن.
 - ۵- میزان ورود دانشجویان تازه‌وارد به شهر.
 - ۶- تعداد دانشجویان محل.
 - ۷- تاثیر جنبش‌های ضد امپریالیستی کشور و شهر محل اقامت.
- و بالاخره موارد درجه دوم دیگری از قبیل - امکان تماس مرتب میان دانشجویان محل (معمولاً این امکان در شهرهای بزرگ کم‌تر است) مجموعه این عوامل به نوساناتی در فعالیت واحدها منتهی می‌گردد که در زیر بآن اشاره می‌کنیم:

نوسانات سازمان‌ها

با توجه به مسئله ناهمگونی سازمان‌ها و علل آن که در بالا اشاره گردید هر یک از واحدها ممکن است به دلیل برخی از عوامل ذکر شده برای مدتی دچار رکود گردند و این امر غیر عادی نیست. در شهری که بعثت قلت دانشجویان محلی با ۱۰ نفر تشکیل شده است براحتی می‌تواند فعالیت آن بخاطر فارغ التحصیل شدن و یا تغییر محل دو نفر از فعالین یا عدم کار توضیحی کافی در محل یا به دلیل ظرفیت محدود - سطح نازل آگاهی اعضا و یا پاره‌ای عوامل نا مساعد دیگر برای مدتی کوتاه یا طولانی دچار وقفه گردد. ولی عده‌ای تظاهر این پدیده‌ها را که در سازمانی نظیر کنفدراسیون به طور طبیعی و اجتناب ناپذیر می‌تواند وجود داشته باشد بعنوان رکود کنفدراسیون جلوه داده و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌هایی که اشاره گردید می‌کوشند از چنین مواردی برای حمله به کنفدراسیون و حمله به خط مشی و مبارزات آن استفاده کنند. پاره‌ها شنیده شده که ادعا می‌گردد "کنفدراسیون از نظر کمی نه تنها گسترش نیافته، بلکه تضعیف نیز شده است" و احیاناً برای اثبات این ادعا یکی دو سازمان بعنوان دلیل تضعیف مستمسک قرار داده می‌شود. اما واقعیت چیست؟ واقعیت این است که برای ارائه دلایل تضعیف یا رشد کنفدراسیون باید مجموعه آنرا دید و بر اساس ارزیابی از این مجموعه داوری کرد. کسانی که رکود موقت و یا حتی تعطیل فعالیت یک سازمان را می‌بینند ولی در دو برابر شدن تعداد اعضای سازمان دیگر و ایجاد سازمان‌های نو را نمی‌بینند یقیناً اگر دچار یک جانبه‌گری نشده باشند آگاهانه و مغرضانه با این مسئله برخورد کرده اند. ما در اینجا وارد بحث نمی‌شویم که اصولاً گسترش کمی سازمانی که دارای کیفیت و سطح مبارزه‌ای نظیر کنفدراسیون است از سازمانی که دارای مواضعی ناروشن و دو پهلو و ارضاء کننده میل و خواست "همه" می‌باشد به مراتب دشوارتر خواهد بود. ما در اینجا تنها به ادعای کسانی برخورد می‌کنیم که با بزرگ کردن یک جانب و گذشتن از جانب دیگر - با دیدن جزء و ندیدن کل نغمه "تضعیف کنفدراسیون" را سرمی‌دهند. گزارش سازمان‌ها - حق عضویت‌های پرداخت شده - رقم دانشجویانی که در فعالیت‌های دفاعی - کنگره‌ها و سمینارها شرکت کرده اند و بالاخره اعتبارنامه‌های نمایندگان همین کنگره نشان می‌دهد که در سال گذشته تعداد اعضای غالب واحدهای کنفدراسیون افزایش یافته و این افزایش تعداد در مواردی حتی به دو برابر می‌رسد.

در فدراسیون‌های ایتالیا با وجود فشاری که در سال گذشته از طرف سازمان امنیت به دانشجویان جوان و خانواده آنها اعمال شد و در اتریش با همه فشارها و توطئه‌های سفارت ایران و مامورین سازمان امنیت - تضییقات تهدیدات پلیس اتریش (جز در مواردی استثنائی که مسئله آن باید با توجه به وضعیت مشخص مورد بررسی قرارگیرد) در تعداد اعضای آنها کاهش بوجود نیامده. در مقابل تعداد اعضای فدراسیون‌های ترکیه و آمریکا و تعداد اعضای سازمان‌های مونیخ - برلن - دارمشتات - فرانکفورت - کلن - و ماینس (در فدراسیون‌های آلمان) افزایش یافته است. تنها در چند واحد است که تعداد اعضا و فعالیت‌ها تاحدی معین تقلیل یافته است. چگونگی این تقلیل را (که علل کلی آن همان عواملیست که در بخش مربوط به ناهمگونی در کنفدراسیون آورده شده) بطور مشخص در کمیسیون مربوطه مطرح خواهیم کرد. تازه همه اینها یک جانب مسئله است و باید جانب دیگر یعنی ایجاد ارتباط جدید و سازمان‌های جدید رانیز به آن اضافه نمود. در سال گذشته علاوه بر ایجاد سازمان‌های جدید در آلمان و سوئیس کوشش‌های موفقیت آمیز نیز جهت ایجاد هسته‌های متشکل دانشجویان ایرانی در فرانسه - ترکیه - ژاپن - ذکانادا - بیروت و هندوستان صورت گرفته که در گزارش فعالیت‌های دبیرخانه تشکیلات چاپ و در اختیار نمایندگان کنگره قرار داده شده است.

بنابراین با وجود واقعیت‌ها و فاکت‌های مربوط به گسترش کمی کنفدراسیون و افزایش تعداد اعضا و واحدها که در بالا اشاره گردید و با توجه به موفقیت قابل ملاحظه کوشش‌های مربوط به ایجاد روابط نو- هسته‌های متشکل و سازمان‌های دانشجویی جدید- حتی در دورترین نقاط جهان ادعاهای مربوط به "تضعیف کنفدراسیون" و یا "عدم گسترش کمی" آنرا نمی‌توان به چیزی جز تبلیغات بی‌اساس علیه کنفدراسیون تعبیر نمود.

فعالیت مستقل در برخی از واحدها

این واقعیت که کنفدراسیون سازمانی است متشکل از دانشجویان مترقی با نظرات گوناگون و واحدهای آن نیز دارای شرایط ویژه خود می‌باشند گاهی برخی از واحدها را به نتیجه‌گیری غلط و به اتخاذ شیوه عمل مستقل کشانده و آنها را بجای پرداختن به مسائل عمومی جنبش سرگرم فعالیت‌هایی می‌کند که بطور عمده از خواست - نظریه‌ها و سلیقه‌های غالب در محل ناشی می‌گردد و نه از برنامه عمل مشترک و وظائف تعیین شده از طرف کنفدراسیون. حتی در مواردی برخلاف نقطه نظرهای کنفدراسیون موضع‌گیری می‌کنند. اقداماتی مغایر با اساسنامه و موازین تشکیلاتی دست می‌زنند. در زیر به نمونه‌هایی از این شیوه عمل در فدراسیون اتریش و مواردی از اقدامات مغایر با موضع و موازین تشکیلاتی کنفدراسیون در سازمان آمریکا و سازمان آنکارا اشاره می‌کنیم:

در سال گذشته با همه اهمیت پیاده کردن برنامه‌های فرهنگی مصوبه کنگره نهم - فدراسیون اتریش برنامه‌های فرهنگی خود را اجراء می‌کرد. در زمینه انتشارات با وجود اینکه اصل کار دستجمعی و گروهی و لزوم تهیه مقالات نامه پرسی بوسیله واحدها به تصویب کنگره رسیده بود معه‌ذا در بررسی کار فدراسیون اتریش مشاهده می‌کنیم که در امر تحقق این مصوبه مهم و در این کار دستجمعی کل [ناخوانا] کنفدراسیون هیچ‌گونه فعالیتی نداشتند.

قبل از پرداختن به نمونه‌های دیگر لازم می‌دانیم به منظور روشن ساختن مسئله فعالیت مستقل به دو گرایش موجود در این زمینه برخورد کنیم: گرایش اول - لزوم فعالیت خلاق و منطبق با شرایط سازمان‌های محلی را نفی و درعوض تعیین همه چیز از طرف مرکزیت را مطلق می‌سازد و حتی مثلاً رهنمود جلب دانشجویان جوان را برای واحدها از وظائف مرکزیت می‌داند.

گرایش دوم - برعکس وظائف و اختیارات واحدها را مطلق می‌سازد.

آنچه در هردوی این گرایش‌ها نادیده گرفته می‌شود تلفیق درست مسئله کار واحدها با خط مشی و برنامه عمل کل کنفدراسیون است. سازمان‌ها ضمن اینکه باید خود شیوه‌های معین کار در زمینه‌های مختلف را با توجه به وضعیت مشخص محل و تجارب آن و سایر واحدها پیدا کنند در عین حال موظفند در چارچوب خط مشی - مواضع و برنامه عمل مجموعه کنفدراسیون فعالیت کنند. بعبارت دیگر یافتن شیوه‌های عمل و ابزار کار باید در خدمت انجام وظائف تعیین شده از طرف کنگره‌های کنفدراسیون باشد. بنابراین فعالیت مشخص در محل در واقع چیزی جز پیاده کردن مصوبات کنگره‌ها در انطباق با شرایط محلی نیست. در اینجا کوشش می‌کنیم با اشاره به دو نمونه دیگر از اقدامات مغایر با مواضع کنفدراسیون (در سازمان آمریکا) و مغایر با موازین تشکیلاتی (در سازمان آنکارا) مسئله فعالیت خارج از چارچوب کنفدراسیون و فعالیت مستقل را روشن‌تر سازیم.

با اینکه هیت نمایندگی کنفدراسیون میزان اطلاعات - حدود شناخت و موضع‌گیری کنفدراسیون را در باره مسئله کردستان در کنگره شانزدهم سازمان آمریکا توضیح داد پس از کنگره مقاله "جنبش نوین کردستان" در نشریه دانشجو ارگان سازمان آمریکا بجای می‌رسد که در آن نه تنها به موضع‌گیری‌های کنفدراسیون در این باره به هیچ وجه توجه نشده است، بلکه به دلخواه بررسی و موضع‌گیری می‌شود که معلوم نیست بر اساس کدام شناخت و تجزیه و تحلیل انجام گرفته است.

چاپ و پخش اطلاعیه سازمان آنکارا در باره سمینار ترکیه که برخلاف اصول تشکیلاتی و قبل از رسیدگی از طرف ارگان‌های مسئول انجام می‌گیرد نمونه دیگری از فعالیت‌های مغایر با اساسنامه و مستقل را نشان می‌دهد.

در باره کردستان

کنفدراسیون بعنوان سازمان جنبش ضد امپریالیستی همیشه یکی از وظائف اساسی خود را دفاع از مبارزات مردم و مبارزان میهن دانسته و تاکنون نیز در جهت تحقق این وظیفه در حد امکانات خود مبارزه کرده است. در همین رابطه است که دفاع از مبارزات مردم در کردستان و افشای جنایات رژیم در منطقه را در برنامه کار خود قرار داد. طبیعی است که حد دفاع از هر مبارزه و از آن جمله مبارزه در کردستان با اراده و تمایل این و آن، بلکه بر پایه میزان اطلاعات موجود - شناخت از مبارزه و با توجه به امکانات و شرایط تعیین می‌گردد.

کنفدراسیون با توجه به اطلاعاتی که در این زمینه در اختیار داشت کوشش کرد که از یک‌سو بر پایه اطلاعات موجود از مبارزه مردم در این منطقه دفاع کرده و جنایات رژیم را افشاء نماید و از سوی دیگر با بدست آوردن اطلاعات بیش‌تر و تازه‌تر و شناخت از این مبارزه این فعالیت دفاعی را گسترش دهد.

در مارس [ناخوانا] سرمقاله پیمان [ناخوانا] به مسئله کردستان اختصاص داده شد و در آن پس از برخورد به مبارزه مردم در کردستان (صرفنظر از حد آن) و چاپ نام ۵۳ نفر از مبارزین که در آنجا شهید شده اند و افشای کشتار و جنایات رژیم در این منطقه از همه دانشجویان دعوت شده است که علیه این جنایت مبارزه کنند. در همین تاریخ از طریق اطلاعیه کمیته اجرایی دفاع از واحدها خواستیم که:

۱- اطلاعات فعلی راجع به جنایات رژیم علیه کردستان را هر چه زودتر در اختیار روزنامه‌ها و شخصیت‌های مترقی و سازمان‌های دموکراتیک بگذارند و از آنها تقاضای اقدام فوری نمایند.

۲- به مراجع مترقی و مطبوعات مهم با مدارک مربوطه بصورت هیئتی مراجعه و مسائل مربوطه به کردستان را مطرح نمایند.

۳- هرگونه اطلاع موثق را که در این باره بدست می‌آورند در اسرع وقت برای دبیرخانه تشکیلات و کمیته اجرایی دفاع ارسال نمایند و به جمع آوری اطلاعات بپردازند.

در پیمان ۱۴ علاوه بر سرمقاله در سایر موارد و از جمله در بخشی تحت عنوان کردستان این کوشش در بسیج دانشجویان ایرانی و نیروهای مترقی همچنان ادامه دارد و در آن برای گسترش دامنه فعالیت و تامین موفقیت آن بار دیگر از همه مبارزان بویژه دانشجویان متعلق به این مناطق خواسته ایم در کسب اطلاعات به ما کمک کنند. در این شماره همچنین گزارش پاره‌ای از فعالیت‌های اعتراضی در مورد کردستان - نامه‌ها و تلگراف‌های اعتراضی سازمان‌های خارجی آورده شده است.

در رابطه با احتیاج ما به کسب خبر در اطلاعیه ۲۰ آوریل کمیته دفاع کنفدراسیون چنین آمد "در باره مبارزه علیه جنایت‌های رژیم در کردستان چند نکته مهم را تذکر می‌دهیم":

الف- اطلاعات ما در این باره بهمان اطلاعیه ۱۰ مارس محدود می‌باشد.

ب- از همه دوستان می‌خواهیم در امر جمع آوری اطلاعات تازه بکوشند. این مسئله را میان توده دانشجویان به خصوص دانشجویانی که متعلق به این نواحی هستند ببرند. در جمع آوری اطلاعات باید به اخبار تازه توجه کرد. با اخبار چندماهه قبل نمی‌توان برای مراجع مترقی و مطبوعات جهان مسئله را به عنوان مسئله روز مطرح نمود و در نتیجه امکان افشاگری وسیع به دست نخواهیم آورد.

در جریان این کوشش‌ها علاوه بر اطلاعیه‌ها و نامه‌ها با برخی از سازمان‌ها و فعالین کنفدراسیون و عده‌ای از دانشجویان کرد تماس گرفتیم. به روزنامه‌های النور (وابسته به حزب دموکرات کردستان) در عراق مراجعه کردیم. اقدامات و فعالیت‌ها و مواضع کنفدراسیون را در مورد مبارزه مردم در کردستان و جنایات رژیم در این منطقه به آنها اطلاع داده و انتشارات خود را در این زمینه در اختیار آنها قرار دادیم و تقاضا کردیم که از طریق دادن اطلاعات و اخبار بیش‌تر به ما در جریان این مبارزه کمک کنند. ولی از اینجا هم کمکی نرسید.

در اطلاعیه "۴ ژوئن" هیئت دبیران کنفدراسیون در رابطه با محاکمه ۲۱ نفر و ۴۰ نفر در کردستان یکبار دیگر از همه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و مترقی و کسانی که اطلاعاتی یا امکاناتی جهت کسب خبر دارند تقاضا کردیم که با در اختیار گذاردن اطلاعات خود بر وسعت و دامنه فعالیت کنفدراسیون بیافزایند. در این اطلاعیه بویژه تاکید کردیم که هیئت دبیران کنفدراسیون از همه امکاناتی که داشته استفاده کرده است.

در اواسط ماه اوت هیئت دبیران کمیسیونی مرکب از چند نفر از فعالین کنفدراسیون به منظور جمع آوری خبر و بررسی مسئله کردستان تشکیل داد ولی این کمیسیون با همه خواست جدی و صمیمانه اعضاء آن در عمل از جمله به دلیل همان کمبود اطلاعات نتوانست کاری انجام دهد. با همه اینها و با وجود نرسیدن خبر و کمکی در این باره کوشش کردیم فعالیت خود را با استفاده از پاره‌ای خبرهای پراکنده و چند اعلامیه که بدست ما رسید همچنان ادامه دهیم. دبیرخانه بین المللی طی اطلاعیه مطبوعاتی مفصل - ضمن چاپ اسامی که شهید شده اند - مسائل کردستان - مبارزه مردم - یورش سازمان امنیت - پلیس و ارتش باین منطقه به اطلاعات مطبوعات - مراجع حقوقی - شخصیت‌های دموکرات و سازمان‌های مترقی و ضد امپریالیست رسانده و آنان را به پشتیبانی از مبارزه میهن پرستان دعوت کرد که در نتیجه آن و کوشش‌های بعدی فعالیت در دفاع از این مبارزه و اعتراض علیه جنایات رژیم در سطح بین‌المللی بوجود آمد.

اطلاعیه‌های دیگر کنفدراسیون به زبان‌های خارجی و ادامه فعالیت برای تجهیز نیروهای مترقی - مصاحبه با مطبوعات عراق و منعکس ساختن مبارزات مردم کردستان و جنایات رژیم در آنها - تشکیل کمیسیون - ادامه فعالیت برای جمع آوری خبر و بالاخره شماره‌های بعدی "پیمان" این کوشش و تداوم آنرا نشان می‌دهد.

باید اضافه کرد که در برابر همه این کوشش‌ها مجموعه اطلاعات ما در باره جنایات رژیم و مبارزه مردم کردستان - محتوی مبارزه - چگونگی آن و اینکه هم اکنون این مبارزه مسلحانه وجود دارد یا نه تنها به چند اطلاعیه از طرف حزب دموکرات کردستان و آنهم غالباً با مقداری تناقض و اخبار کهنه و بدون اشاره روشن به مبارزه مردم در کردستان و چند اعلامیه سازمان روشنفکران کرد ایرانی در اروپا و یک دو مقاله در روزنامه‌های سیاسی خارج از کشور محدود می‌شود. گو اینکه همین مسئله که روزنامه‌های سیاسی خارج با توجه به امکانات و وظائف خود در برابر یک مبارزه سیاسی درایران تنها به انتشار یکی دو مقاله اکتفا می‌کنند نشان‌دهنده بغرنجی مسائل نداشتن خبر و احیاناً عوامل دیگرست که بطور اولی در مورد کنفدراسیون بیش‌تر صادق‌اند.

اما آنچه به موضع‌گیری سیاسی در قبال مسئله کردستان مربوط می‌شود از وظائف این کنگره است و باید در اینجا چگونگی و حد آن معلوم کرد. ما معتقدیم که سازمانی نظیر کنفدراسیون متشکل از عناصر و نیروهای با نظرات گوناگون نمی‌تواند نسبت به مبارزه‌ای بغرنج بدون اطلاع و شناخت

کافی از محتوی مبارزه و مطالبات مطروحه آن و بدون شناخت از برنامه عمل و رهبری مبارزه موضع سیاسی معینی اتخاذ کند و یا به سود یک سازمان سیاسی معینی تبلیغ و موضع‌گیری نماید و یا خود را در برابر آن متعهد سازد. امروز بطور عمده دو سازمان خود را وابسته به مبارزات کردستان می‌دانند و مسائل این مبارزه را تبلیغ و منتشر می‌کنند. این دو سازمان یکی حزب دموکرات کردستان و دیگری سازمان روشنفکران کرد در اروپاست. اعلامیه‌های حزب دموکرات کردستان که به عبارتی جناحی از آن مبارزه کردستان را رهبری می‌کند پر است از ابهام و تناقض. صرفنظر از برخورد ما به محتوی این چند اعلامیه باید یک مسئله را روشن کنیم و آن اینکه کنفدراسیون نمی‌تواند بسادگی خود را در قبال یک سازمان سیاسی متعهد سازد و اصولاً این شیوه که کنفدراسیون را بدون شناخت عمیق از یک سازمان سیاسی در برابر آن متعهد کند شیوه نادرستی است. کنفدراسیون در زمانی می‌تواند تعهد خود را در جریان مبارزه آنقدر مشخص کند - یعنی نسبت بیک سازمان سیاسی خود را متعهد کند که اولاً این سازمان واقعا درستی سیاست خود را در عمل نشان داده باشد و ثانياً رهبری مبارزات وسیع توده‌ای و ضد امپریالیستی مردم را واقعا انجام دهد. بدین ترتیب ما نمی‌توانیم و نباید تنها بصرف آنکه چند اعلامیه (صرفنظر از محتوی آنها) در دست داریم بدون توجه به مسئولیت در برابر جنبش در ایجا چنین تعهدی اقدام کنیم. از این گذشته در اعلامیه‌ای که سازمان روشنفکران کرد اخیراً در پاسخ بیکی از سازمان‌های سیاسی انتشار داده نه تنها بر این ابهام می‌افزاید، بلکه با موضعی دوگانه در قبال یکی از مسائل حساس و مهم کنونی ایران برخورد می‌کند. در اعلامیه روشنفکران کرد مسئله ملی و انقلاب دموکراتیک و رابطه آنها و بالاخره اینکه در شرایط کنونی کدام تقدم دارند و حل مسئله ملی در چه زمانی میسر است در لابلای جملات پوشیده نگهداشته شده و در نتیجه نادرست مطرح شده است.

آیا می‌توان از کنفدراسیون خواست که خود را در برابر چنین موضعی متعهد کند؟ بدون شک چنین خواستی غیر منطقی - نادرست و زیان بخش خواهد بود. ما همانطور که گفتیم و عمل نمودیم از مبارزات مردم همواره دفاع کردیم و چنین دفاعی را وظیفه اساسی کنفدراسیون می‌دانیم. ولی این مسئله را نمی‌توان و نباید با برخورد بدون مسئولیت و با متعهد کردن کنفدراسیون در برابر سازمان‌های سیاسی یک دانست. امیدواریم کنگره حاضر خطوط لازم را برای کار آینده روشن کند و هرگونه ابهامی را در این زمینه بر طرف سازد.

مسئله تیمور بختیار - مسافرت به عراق

تیمور بختیار این نوکر امپریالیزم - مجری و عامل جنایات بیشمار در ایران در جریان مبارزات مردم آذربایجان در سال‌های ۲۴ و ۲۵ طی سالیان درازی که پس از بیست و هشتم مرداد ۳۲ در راس فرمانداری نظامی تهران و سازمان امنیت قرار داشت در کشتار مبارزان دلاوری نظیر سیامک - فاطمی - روزبه و صدها مبارز ضد امپریالیست دیگر - از چندین سال قبل بدنال اختلافی شدید با شاه - در خارج از کشور مشغول فعالیت است. کنفدراسیون به مثابه سازمانی ضد امپریالیستی نمی‌توانست نسبت به این فعالیت بی‌تفاوت باشد. ماهیت این مسئله برای جنبش دانشجویی ایران از جمله به این دلیل بود که سال‌هاست ارتجاع ایران به رهبری شاه و هم‌چنین بختیار هر دو عامدانه ولی با هدف‌های مختلف می‌کوشند مسئله "رابطه بختیار" و فعالیت‌های مبارزان ضد امپریالیست ایران بویژه در خارج از کشور را آنچنان معرفی کنند که گویا بختیار گرداننده این مبارزات می‌باشد.

بختیار جلاد در نوشته‌های خود با برخوردی مزورانه و عوام‌فریبانه با مسائل مردم ایران و اعتقادات مذهبی مردم آشکارا از "رهبری" مبارزات مردم توسط خودش صحبت می‌کند. رژیم شاه نیز با پخش شایعات می‌خواهد چنان وانمود کند که مخالفان رژیم و از جمله کنفدراسیون از جانب مرتجعینی تقویت می‌شوند و گرداننده ایشان نیز بختیار همان جلاد معروف می‌باشد. کنفدراسیون جهانی بارها از طریق انتشارات خود و اطلاعیه‌های مطبوعاتی ماهیت شاه - بختیار و این توطئه‌ها را افشاء کرده است.

با توجه به تشدید فعالیت بختیار و با توجه باینکه رژیم و مطبوعات عراق در رابطه با رویدادهای خاورمیانه - اختلاف مرزی با ایران و مقابله با تحریکات رژیم شاه در شط‌العربییه تنها از بختیار حمایت کرده، بلکه او را بعنوان "زعیم" و "رهبر" ملت ایران معرفی می‌کردند. هئیت نمایندگی کنفدراسیون جهانی که بدعوت اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی برای شرکت در پنجمین کنگره اتحادیه اردن رفته بود پس از پایان کار کنگره با توجه به اهمیت مسئله به عراق مسافرت کرده برای اعتراض به مقامات عراقی و جراند این کشور در برابر مسئله تیمور بختیار و به منظور افشای بیش‌تر ماهیت این نوکر امپریالیزم به مطبوعات عراق مراجعه و علیه مقامات عراقی از بختیار و مطالب جراند این کشور در این زمینه اعتراض نمود. هئیت نمایندگی کنفدراسیون در جریان مصاحبه با روزنامه النور (وابسته به حزب دموکرات) و الثوره (روزنامه دولتی عراقی) مواضع کنفدراسیون را در باره بسیاری از مسائل ملی و جهانی و به ویژه در باره تیمور بختیار و ماهیت او و اینکه بختیار نه تنها "رهبر" مردم ایران نیست، بلکه جنایتکار و عامل امپریالیسم می‌باشد اعلام کرد.

پس از بازگشت هئیت نمایندگی کنفدراسیون روزنامه‌های النور و الثوره بدست کنفدراسیون رسید. روزنامه الثوره (بعد از چاپ مقداری از گفته‌های نماینده کنفدراسیون و معرفی کنفدراسیون و مبارزات آن بطور مفصل) با برخوردی غیر صمیمی و سودجویانه به کنفدراسیون و سوء استفاده از

کنفدراسیون در رابطه با اختلاف ایران و عراق نه همان به مسئله بختیار و جدا بودن او از مردم یکی بودن او با شاه و بالاخره اعتراض‌ها به "زعیم" نامیده شدن این جلال از جانب رژیم و مطبوعات عراق اشاره‌ای نکرده بود، بلکه با آوردن فقط بخشی از گفته‌های کنفدراسیون و آنهم نادقیق مسئله را آنچنان مطرح کرده بود که گوئی کنفدراسیون با هر آنچه دولت عراق انجام می‌دهد موافقت کامل دارد.

هئیت دبیران کنفدراسیون پس از دریافت "الثوره" به این گونه مانورهای سیاست‌مدارانه روزنامه‌های عراقی و سایر روزنامه‌هایی که احیاناً از این مسافرت هئیت نمایندگی به عراق سوءاستفاده می‌کنند شدیداً اعتراض کرده و یک‌بار دیگر از روزنامه‌های عراقی خواست که مواضع کنفدراسیون را هم در باره رژیم شاه و هم بختیار جلال منتشر کنند. (به شانزدهم آذر شماره ۱۰ مراجعه شود).

- مبارزه علیه سازمان امنیت -

هیأت دبیران کنفدراسیون با توجه به تشدید فشار سازمان امنیت بر واحدها و اعضای کنفدراسیون (از طریق فشار به خانواده‌ها بویژه خانواده دانشجویان جوان - بازجوئی‌های متعدد از اعضای کنفدراسیون در موقع مسافرت به ایران و بازداشت عده‌ای از آنها) با توجه به تشدید تلاش سازمان امنیت در ایجاد گروه‌های دانشجویی و بالاخره با توجه به همکاری پلیس کشورهای غربی با ساواک، لازم دید که بطور وسیع و جدی با این مسائل برخورد کند و به دنبال این برخورد و بررسی باین نتیجه رسید که باید برای خنثی کردن این توطئه تشدید فشار و مقابله به موقع با آن برنامه دقیقی تنظیم و به مورد اجرا گذارد. ما در تنظیم این برنامه و استراتژی آن به این نتیجه رسیدیم که:

۱- افشای وسیع سازمان امنیت و خنثی کردن توطئه آن علیه کنفدراسیون یک مبارزه طولانی و پرمناشه است و در واقع یک برنامه شدید چند ماهه تنها به مثابه آغاز این مبارزه طولانی خواهد بود و ادامه آن باید همچنان در برنامه کار مداوم و دراز مدت دفاعی واحدها قرار داشته باشد. عبارت دیگر این مبارزه به یک فعالیت شدید چند ماهه محدود نمی‌شود، و در عین اینکه بخشی از مبارزه دراز مدت دفاعی را تشکیل می‌دهد، خود مبارزهای وسیع، طولانی و دامنه دار است.

۲- برای دفاع از موجودیت واحدهای کنفدراسیون باید با این توطئه ساواک شدیداً مبارزه شود.

۳- از طریق افشاگری و کار وسیع در میان دانشجویان ایرانی بویژه توده سازمانی و در جهت افکار عمومی است که خواهیم توانست از آزادی عمل لانه‌های جاسوسی سازمان "امنیت" در خلیج جلوگیری کنیم و از موجودیت سازمان‌های خود حراست نماییم.

- باید سیستم اختناق فاشیستی و نقش سازمان "امنیت" را بعنوان دستگاه پلیسی که در عرض سال‌های حکومت کودتا به جنایات بی‌شماری دست زده افشاء کنیم.

۵- افشای وسیع ساواک بعنوان وسیله عمده اختناق در ایران علیه مردم و مبارزان و افشای فعالیت آن در خارج از کشور علیه کنفدراسیون جهانی، ماهیت ضد خلقی رژیم را به مردم جهان خواهد شناساند.

۶- با افشای بیش از پیش سازمان "امنیت" و تامین موفقیت در این مبارزه افشاگرانه خواهیم توانست موارد اختناق در ایران را به عنوان نمونه‌هایی از جنایات ساواک به نحو موثری در افکار عمومی منعکس سازیم.

برنامه مبارزه علیه سازمان "امنیت" نه تنها در میان اعضاء و واحدهای کنفدراسیون زمینه فعالیت وسیعی را به وجود آورد، بلکه انعکاس این مبارزه و اطلاعیه‌های کنفدراسیون در مطبوعات جهان نیز موفقیت این برنامه - حتی در آغاز آن - و زمینه مساعد برای ادامه آنرا نشان داد. برای پیشبرد این فعالیت و تامین پیروزی کامل این مبارزه لازم بود در جهت رفع یکی از کمبودهای بزرگی که کنفدراسیون همواره با آن روبرو بود، بطور جدی اقدام گردد و از این طریق هم دامنه افشای رژیم و مبارزه با آن وسیع‌تر گردد و هم به واحدهای کنفدراسیون که همیشه در زمینه گردآوری و تنظیم اسناد و مدارک در باره مسائل ایران با اشکالات فراوانی مواجه بوده اند کمک موثری شده باشد. محصول کوشش کنفدراسیون در رفع این کمبود تهیه کتاب جامعی در باره ساواک به مثابه یکی از ابزار سلطه امپریالیسم و ارتجاع در ایران با سیاه‌ای از جنایات رژیم و فعالیت‌های سازمان "امنیت" در خارج از کشور و همکاری پلیس کشورهای خارجی با آن می‌باشد که به مقدار وسیع بچاپ رسیده است.

- موخره -

رفقای عزیز، ما معتقدیم که کنگره حاضر باید نه تنها در سطح عام، بلکه بطور مشخص با تجربه یک‌ساله برخوردی انتقادی و سازنده کند و با جمع‌بندی از پراتیک مبارزاتی سال گذشته و با توجه به مسائل عمده جنبش رهایی بخش میهن ما مساله هم‌سرنوشتی جنبش دانشجویی با جنبش رهایی بخش راهم در تئوری عام و هم در سیاست مشخص روشن‌تر و دقیق‌تر بیان کند و محمل‌های لازم را برای پیاده کردن چنین سیاستی در پرتو رهنمود و تئوری عام جنبش بوجود آورد. بدون چنین برخورد مشخصی در ارزیابی مسائل جنبش در سطح عام باقی خواهیم ماند و عملاً در راه بزرگ‌ترین وظیفه جنبش دانشجویی، که هم‌سرنوشتی با جنبش رهایی بخش است، قدم‌های بزرگ و موثری برنخواهیم داشت. کنگره هم‌چنین باید

به مساله سیاست نواستعماری اتحاد شوروی در جهان، تاثیر و نتایج آن در ایران برخورد کند. این برخورد نه تنها در عمل به سیاست مبارزه جویانه کنفدراسیون در مبارزه علیه دشمنان خارجی خلق ما منتهی می‌شود، بلکه خود به مساله شناخت دقیق‌تر ما از دوستان و دشمنان جنبش در سطح ملی و در عرصه جهانی نیز کمک می‌کند. امروز جنبش دانشجویی ایران بدون شناخت دقیق از مسائل جنبش، نیروهای جنبش، دوستان و دشمنان جنبش نمی‌تواند با رویدادهای جامعه ایران و مسئله استثمار خلق که روز به روز در اثر یورش امپریالیزم و همدستان او به اشکال بغرنج‌تر و پیچیده‌تر ظهور می‌کند، برخوردی دقیق و در نتیجه استراتژی و تاکتیکی روشن و موثر داشته باشد و در نتیجه می‌تواند با موضع‌گیری روشن در برابر جریان‌های انحرافی به مبارزه‌ای پیگیر و اصولی دست زند. کنفدراسیون نه تنها باید از دستاوردهای جنبش دفاع نماید، بلکه باید با روشنی تمام و با قاطعیت جسورانه و با تجربه اندوزی از گذشته و در پرتو بینش صحیح و با ادامه حرکت در سمت جنبش دانشجویی ایران که همیشه سمت جنبش رهائی بخش ملی بوده، در دورانی، آنچنان تشکیلاتی بوجود آورد که خواست و توانائی هم‌سر نوشتی پیکارجویانه‌ای با جنبش دانشجویی درون کشور و جنبش رهائی بخش مردم ما داشته باشد. جنبش دانشجویی ما برخلاف بسیاری تئوری‌های سازشکارانه نمی‌تواند عقب گرد نماید. همچنین باید توجه داشته باشیم که مبارزه بدون قربانی میسر نیست. گاهی در پوشش‌های مختلف به مساله این یا آن قربانی ناچیز در جنبش تکیه می‌شود و از این طریق سازشکاری در پرتو دلسوزی تبلیغ می‌گردد. خلق ما در تاریخ زندگی خود دلاوری‌های فراوانی از خود نشان داده، جنبش دانشجویی ایران نیز باید در عمل نشان دهد که بدون هراس از قربانی شایسته هم‌سر نوشتی با چنین خلق دلاوری است. روشن است که در عین حال باید با اتخاذ استراتژی و سیاست صحیح حتی‌الامکان از میزان قربانی‌ها کم کرد و به دستاوردها افزود. بنابراین باید بازهم به مساله تدقیق راه و سیاست جنبش دانشجویی ایران جدی‌تر توجه داشت و با جلوگیری از انحراف‌های باصطلاح "چپ" و راست با کم‌ترین قربانی به پیروزی نائل شد. راه جنبش دانشجویی ایران عقب‌گرد به بهانه کم‌کردن قربانی نیست، بلکه اتخاذ استراتژی و سیاست دقیق مبارزه‌جویانه و جلوگیری از انحراف‌های گوناگون برای کم‌کردن قربانی می‌باشد. کنگره باید به این مساله نیز توجه کند و مواضع خود را در قبال بسیاری از نغمه‌های ظاهراً دل‌سوزانه روشن سازد. جنبش دانشجویی ایران نیز مانند جنبش رهائی بخش ملی به حرکت موج‌وار خود ادامه می‌دهد. باید از کمبودها و قربانی‌های خود نه‌راسید و در عین حال در جریان مبارزه آنها را کاهش داد. ارتجاع داخلی ایران و امپریالیزم جهانی بسرکردگی امپریالیزم آمریکا و همه یاران رنگارنگشان از نظر تاریخی میرنده و نابود شونده هستند و در برابر آن نیروهای جنبش رهائی‌بخش و از جمله نیروهای رزمنده جوانان و دانشجویان ایران نیروهای رشدیابنده و پرتوان جامعه ما هستند. با این ایمان و شناخت از نیروهای تاریخ باید مبارزه را ادامه داد و با جلوگیری از انحراف‌های گوناگون به خلق نزدیک‌تر شد.

زنده باد سمت صحیح جنبش ضد امپریالیستی جوانان ایران

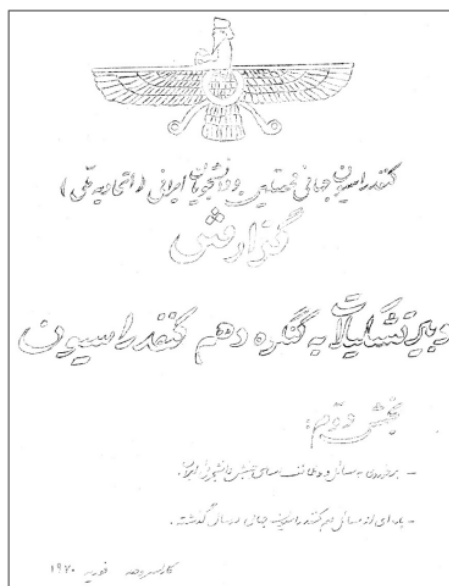
زنده باد پیوند جنبش دانشجویی ایران با جنبش رهائی بخش خلق

موفق باد دهمین کنگره کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

نقل از گزارش دبیر تشکیلات به کنگره دهم کنفدراسیون جهانی بخش دوم کارلسروهه فوریه ۱۹۷۰



"مسئله تیمور بختیار - مسافرت به عراق"

تیمور بختیار این نوکر امپریالیسم - مجری و عامل جنایات بی‌شمار در ایران مبارزات مردم آذربایجان در سال‌های ۲۵ و ۲۴ طی سالیان درازی که پس از بیست و هشتم مرداد ۳۲ در راس فرمانداری نظامی تهران و سازمان امنیت قرار داشت در کشتار مبارزان دلاوری نظیر سیامک - فاطمی - روزبه و صدها مبارز ضدامپریالیست دیگر - از چندین سال قبل به دنبال اختلافی شدید با شاه - در خارج از کشور مشغول فعالیت است که کنفدراسیون به مثابه سازمانی ضدامپریالیستی نمی‌توانست نسبت به این فعالیت بی‌تفاوت باشد. اهمیت این مسئله برای جنبش دانشجویی ایران از جمله به این دلیل بود که سال‌هاست ارتجاع ایران به رهبری شاه و همچنین بختیار هر دو عاقدانه ولی با هدف‌های مختلف می‌کوشند مسئله "رابطه بختیار" و فعالیت‌های مبارزان ضدامپریالیست ایران به ویژه در خارج از کشور را آن چنان معرفی کنند که گویا بختیار گرداننده این مبارزات می‌باشد.

بختیار جلال در نوشته‌های خود با برخوردی موزیانه و عوام‌فریبانه با مسائل مردم ایران و اعتقادات مذهبی عمیق مردم آشکارا از "رهبری" مبارزات مردم توسط خودش صحبت می‌کند. رژیم شاه نیز با پخش شایعات می‌خواهد چنان وانمود کند که مخالفان رژیم و از جمله کنفدراسیون از جانب مرتجعینی تقویت می‌شوند. و گرداننده ایشان نیز بختیار همان جلال معروف می‌باشد. کنفدراسیون جهانی بارها از طریق انتشارات خود و اطلاعیه‌های مطبوعاتی ماهیت شاه، بختیار و این توطئه‌ها را افشاء کرده است.

با توجه به تشدید فعالیت بختیار و با توجه باین که رژیم و مطبوعات عراق در رابطه با رویدادهای خاورمیانه، اختلاف مرزی با ایران و مقابله با تحریکات رژیم شاه در شط‌العرب نه تنها از بختیار حمایت کرده، بلکه او را به عنوان "زعیم" و "رهبر" ملت ایران معرفی می‌کردند. هیت‌نمایدگی کنفدراسیون جهانی که به دعوت اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی برای شرکت در پنجمین کنگره اتحادیه به اردن رفته بود پس از پایان کار کنگره با توجه به اهمیت مسئله به عراق مسافرت کرده برای اعتراض به مقامات عراقی و جرائد این کشور در برابر مسئله تیمور بختیار و به منظور افشاء بیش‌تر ماهیت این نوکر امپریالیسم به مطبوعات عراق مراجعه و علیه مقامات عراقی از بختیار و مطالب جرائد این کشور در این زمینه اعتراض نمود. هیت‌نمایدگی کنفدراسیون در جریان مصاحبه با روزنامه النور (وابسته به حزب دموکرات کردستان) و النور (روزنامه دولتی عراق) مواضع کنفدراسیون را در باره بسیاری از مسائل ملی و جهانی و به ویژه در باره تیمور بختیار و ماهیت او و اینکه بختیار نه تنها "رهبر" مردم ایران نیست،

بلکه جنایتکار و عامل امپریالیسم می‌باشد اعلام کرد. پس از بازگشت هیت‌نمایدگی کنفدراسیون روزنامه‌های النور و النور به دست کنفدراسیون رسید. روزنامه النور (بعد از چاپ مقداری از گفته‌های نماینده کنفدراسیون و معرفی کنفدراسیون و مبارزات آن بطور مفصل) با برخوردی غیرصمیمی و سودجویانه به کنفدراسیون و سوءاستفاده از کنفدراسیون در رابطه با اختلاف ایران و عراق نه همان به مسئله بختیار و جدا بودن او از مردم، یکی بودن او با شاه و بالاخره اعتراض ما به "زعیم" نامیده شدن این جلال از جانب رژیم و مطبوعات عراق اشاره‌ای نکرده بود، بلکه با آوردن فقط بخشی از گفته‌های کنفدراسیون و آنهم نادقیق مسئله را آن چنان مطرح کرده بود که گویی کنفدراسیون با هر آنچه دولت عراق انجام می‌دهد موافقت کامل دارد.

هیت‌دبیران کنفدراسیون پس از دریافت "النور" به این‌گونه مانورهای سیاستمدارانه روزنامه‌های عراقی و سایر روزنامه‌هایی که احیاناً از این مسافرت هیت‌نمایدگی به عراق سوءاستفاده می‌کنند شدیداً اعتراض کرده و یکبار دیگر از روزنامه‌های عراق خواست که مواضع کنفدراسیون را هم در باره رژیم شاه و هم بختیار جلال منتشر کنند. (به شانزدهم آذر شماره ۱ مراجعه شود) "

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

خلاصه‌ای از کارکرد کنفدراسیون جهانی در سال ۷۴

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشمندان ایرانی
(اتحادیه ملی)

خلاصه‌ای از کارکرد کنفدراسیون جهانی در سال ۷۵

در رابطه با تغییر الیت دبیرخانه تشکیلات

کارلسروهه دسامبر ۷۶

-۱-

برخی از مسائل و فعالیتهای دفاعی کنفدراسیون

برخوردی به فعالیتهای دفاعی

کنگره نهم کنف راسیون کوشش بمنظور ایجاد پیوند با مبارزه مردم و جنبش دانشجویی درون کشور را بعنوان یکی از وظائف اساسی کنف راسیون محین ساخت. یکی از راههای موثر تظاهر این پیوند مبارزه دفاعی کنف راسیون است. تلفیق این دو مسئله یعنی دفاع از زندانیان میهن پرست از یکسو و پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم از سوی دیگر مسئله ایست که برخوردی دقیق و جدی را طلب میکند. کنگره نهم اهمیت و حساسیت مبارزه دفاعی را بطوری درک کرده و در مصوبه خود به رهنمود مهمی توجه کرده در ماده واحده ۱ امور دفاعی کنگره نهم چنین آمده است:

"مبارزات دفاعی کنف راسیون در صورتیکه بر اصل مبارزه دراز مدت متکی نباشد نمیتواند اثر بخشی لازم و کافی را بدنیال آورد. بنابراین مبارزات دفاعی کنف راسیون باید با توجه به نیازهای جنبش ملی ایران و بطور عمده بدو شکل زیر انجام گیرد:

- ۱ - مبارزه فوری برای دفاع از حقوق آزادخواهانی که مورد تیرید و آذگاہای فرمایشی نظامی قرار میگیرند.
- ۲ - تهیه و اجرای یک برنامه دفاعی دراز مدت بمنظور مبارزه با تجاوزات دائمی رژیم نسبت به حقوق سیاسی مردم و رفتار وحشیانه با زندانیان سیاسی"

لزوم مبارزه دراز مدت دفاعی و ناگافی بودن مبارزات لحظه ای رهنمود مهم کنگره نهم بود. از سوی دیگر بلافاصله پس از کنگره نهم مسائل متعدد دفاعی (در داخل و خارج از کشور) بطوری سابقه ای در مقابل کنف راسیون قرار گرفتند و ضرورت مبارزه دراز مدت و پیگیری دفاعی را بیش از پیش مطرح کردند این مسائل دفاعی عبارت بودند از:

۱- آذگاہ تجدید نظر ۱۴ روشنفکر - جنایتهای رژیم علیه مردم کردستان - دستگیری و محاکمه ۲۱ میهن پرست - شکجه زندانیان قصر مد دستگیری صد نفر - ایرج سمیعی و علاوه بر آنها در خارج از کشور دفاع از سالم واحد وین و نیرومند.

لزوم تهیه برنامه دراز مدت دفاعی و پیاده نمودن آن در واحد ها و متحد بودن مسائل دفاعی، کنف راسیون و هیئت دبیران را در مقابل مشکلات بزرگی قرار داد. شرایط وضعیت بوجود آمده توجه به نگره مهم را ضروری میساخت و در نتیجه لازم بود که فعالیتهای دفاعی در طول سال گذشته با نتیجه باین سه نگره انجام میگرفتند:

- الف - کوشش و فعالیت پیگیری در زمینه دفاعی در سطح ارگانهای کنف راسیون.
- ب - طرح مسئله دفاعی بعنوان یکی از مهمترین وظائف کنف راسیون و پیش بردن سیستماتیک آن در مجموعه کنف راسیون.
- ج - کوشش بمنظور طرح بیشتر توده ای کردن فعالیت دفاعی در مجموعه کنف راسیون.

در سطح ارگانهای کنف راسیون و فعالیت بدون وقفه در این زمینه بهمین دلیل سعی کردیم مبارزه دفاعی را بطور نسبتاً سیستماتیک در واحد ها طرح کنیم و آثار اساسی امکانات موجود به پیش بریم. برای پاسخ گفتن به تمام مسائل و مشکلات جنبش دانشجویی در این زمینه، توده ای کردن طرح بیشتر فعالیت و مبارزه، تنبیهات گسب موققت و انجام وظایف دفاعی بود. کنف راسیون کوشش کرد خطوط برنامه دراز مدت و مسائل متعدد دفاعی را با تمام وسائل ممکنه بمیان واحد ها و توده های دانشجوی برده و جنبش وسیعی را بوجود بیاورد، اطلاعیه ها، انتشارات بویژه "پیمان" ارگان دفاعی کنف راسیون در این رابطه نقش مهمی را ایفا داشتند. از جانب دیگر از فرصت برگزاری کنگره های کنف راسیون ها و نشستهای کنف راسیونی حداکثر استفاده را

-۲-

در این مورد نمودیم. در کنگره های کنفدراسیون آنتریش، ایتالیا و آمریکا، هیئت دبیران کنفدراسیون مسئله دفاعی را مطرح نموده و به بحث وسیع گذاراد.

در کنگره کنفدراسیون آلمان با شرکت نمایندگان کمیته های دفاع واحد های آلمان و نمایندگان کنگره، کنفرانس دفاعی کنفدراسیون برگزار گردید. (بنده ششم از وظائف کمیته اجرایی دفاع مقصود، کنگره نهم)، در اردوین تابستانی درباره مسائل دفاعی دو جلسه بحث آزاد برگزار شد. در نتیجه این کوششها در تعداد زیادی از واحدها مبارزه دفاعی و اهمیت آن به نحو کم سابقه ای توجه شد و در این باره در بسیاری از واحدها بخشهای متحدی صورت گرفت. (با کار کردن واحدها در گزارش دفاعی که پیاده و در اختیار نمایندگان قرار گرفته برخوردار گردیدیم)

قبل از پرداختن بهر بخشی از فعالیتهای لازم است که نتیجه کناره رابه دو نکته اساسی جلب کنیم :

۱- متحد بودن مسائل دفاعی که نتیجه تشدید اختلاف در ایران است کنفدراسیون را در مقابل مشکل بزرگی قرار داده است ما متحد و بدون نیروی کنفدراسیون آگاه بودیم و میدانیم که با این نیروی محدود نمیتوان بنام مسائل دفاعی به نحو لازم و کافی پاسخ گفت. در چنین شرائطی یاباید یکی از مسائل دفاعی را انتخاب میکردیم و تمام نیروی خود را برای کسب موفقیت روی آن مسئله مشخص متمرکز می نمودیم (که برای چنین انتخابی باید معیارهای دقیقی در دست می داشتیم) یا اینکه برای تمام مسائل دفاعی علیرغم متحد بودن آنها و محدود بودن نیرویمان، بطور هم آمده و بر حسب اهمیت آنها فعالیت و کوشش کنیم. ماسعی کردیم که در زمینه تمام مسائل دفاعی بطور هم آمده و همه جانبه فعالیت و مبارزه شود.

در رابطه با تشدید اختلاف در ایران - در سال آینده نه تنها از تعداد مسائل دفاعی کم نخواهد شد بلکه این مسائل افزایش خواهند یافت و این یکی از مشکلاتی است که کنگره دهم باید بآن پاسخ بدهد.

۲- طرح مبارزه دراز مدت دفاعی برای اولین بار در کنفدراسیون مطرح شد، علیرغم برخورد با این طرح در تعدادی از واحدها در نشستهای کنفدراسیونی، علیرغم انعکاس این طرح در مقالات پیمان، متأسفانه در این باره بحث وسیعی در مجموعه کنفدراسیون بوجود نیامد. در واحد نفی هم که با این طرح برخورد شد جمع بندی بحثها و انتقادات مشخص برای تکمیل آن به کنفدراسیون فرستاده نشد. در نتیجه نه تنها این طرح تکمیل نشد بلکه خطاها اساس آن نیز در اکثریت واحدها پیاپی نگردید و فعالیتهای دفاعی در بسیاری از واحدها به ارسال چند نامه و تلگراف اقرار محدود گردید. با اینکه اینگونه فعالیتها را ما هیچ وجه نفی نمیکنیم و معتقدیم که بهمین خود موثر هستند ولی در سرازیم امروز به تمهائین اثر بخشی لازم را ندارند. متعهد برابر این فعالیت، در پاره ای از سازمانها وضع دیگری نیز موجود است و آن اینکه در برخی از واحدها علاوه بر مبارزه دراز مدت و بویژه مسئله افشاگری پیگیر و توده ای در عمل پیاده شده است. بدین ترتیب امروز یاد نوع فعالیت دفاعی در کنفدراسیون مواجه ایم. برنامه و دید واحدی از مبارزه دفاعی و ناممکنی طبیعی واحدها، در نتیجه، این دو حالت متفاوت، امروز در سطح کل کنفدراسیون از برنامه و دید واحدی از مبارزه دفاعی برخوردار نیستیم و این امر برنامه ریزی طبیعی واحدها نیز اخلال شده است.

امروز بحالت عدم برخورد واحد ها با طرح دراز مدت دفاعی، ما نمی توانیم بر پایه نظریات و انتقادات واحد ها این طرح را تکمیل و تصحیح نموده و بگونه نقدیم کنیم. بنا بر این تکمیل و تصحیح و پیاده نمودن برنامه دراز مدت دفاعی و - یا شش شیوه های نوی مبارزه در این زمینه همچنان بدو راجع در دستور کار کنگره و کنفدراسیون قرار دارد.

در مبارزه دراز مدت و برای پاسخ گفتن بمسائل متحد دفاعی مسئله افشاگری پیگیر توده ای در میان افکار عمومی یکی از

- ۳۰ -

هسته های اصلی کار ما را باید تشکیل دهد. افشاکری پیگیر توده ای تنها زمانی امکان پذیر است که؟ فعالیت دفاعی از ارسال چند نامه و تلگراف خارج گردد و فعالیت توده ای خلاق و وسیعی در کنفدراسیون تبدیل گردد. تجربیات مثبت تعداد محدودی از واحدها که توانستند برنامه راز مدت را پیاده؟ کنند نشان میدهد که نکات اصلی این طرح درست بوده و بنا برین لازم است که نکات نا روشن و گنگهای آن از طریق بحث و فعالیت های دستجمعی برطرف گردد. پس از این مقدمه و طرح مسائل اساسی در این گزارش به تمام فعالیت های دفاعی باختصار اشاره می کنیم. برای اختصار کلام از بازگو کردن جزئیات و ریز فعالیتها (اطلاعی ها، منتشر شده، نامه های اعتراض، مراجع، نوشته های مطبوعات و تماسهایی که با مراجع خارجی بطور منظم گرفته شده است) خودداری می کنیم بخصوص که جزئیات این فعالیتها بطور منظم در پیمان منعکس شده است.

۱- تهیه و تنظیم برنامه راز مدت دفاعی (بند یکم از وظایف کمیته اجرایی دفاع)

طرح برنامه راز مدت از طریق کوشش و بحث مشترک نمایندگان دبیران و کمیته اجرایی دفاع در نیمه اول آوریل تهیه گردید و بواحد ها بطور وسیع ارسال گردید. لازم میدانیم که خطوی ها اساسی این طرح را یاد آوری کنیم: در این طرح به چند مسئله اساسی توجه شده بود:

الف - لزوم افشاکری پیگیر در باره ما جهت و جنایات رژیم

برای این افشاکری پیگیر باید از تمام ظرفیتهای استفاده کنیم و در میان توده های مردم (افکار عمومی) و تشکیل جلسات سخنرانی و شرکت در جلسات سازمانهای مترقی، دانشجویی، سازمانهای ضد امپریالیستی و شرکت در میتینگها از وسائلی را که این افشاکری توده ایست. از سوی دیگر انتشار نشریات و جزوه های تحلیلی بزبانهای خارجی وسیله مهم افشاکری ما باید باشد. انتشار بولتن آلمانی ۲ و ژرمن و انتشار بولتن دفاعی بزبان انگلیسی در سطح کنفدراسیون آمریکا از اولین قدمهای مثبت (ولی ناقص) در این زمینه میباشد.

تهیه و انتشار جزوه های تحلیلی درباره توانین ایران مربوط به ادگاهای نظامی و وضع زندانیان میهن پرست

ادگاهای نظامی علیه میهن پرستان ماضیت رژیم و زادیهای در کراتیک در ایران از مسائل مهم این افشاکری پیگیر در نظر گرفته شده بود. با وجود اینکه از چند کمیته دفاع خواستیم که هر یک تهیه یکی از این جزوه ها را بعهده گیرند کوشش ما به نتیجه ای نرسید بنظر میرسد که تهیه نشریات و جزوه های تحلیلی بزبانهای خارجی از سطح کنفدراسیونها متمرکز شود و بین آنها تقسیم کار بوجود آید و حتی الامکان از طریق کمپیونی که قادر بانجام چنین وظیفه ای باشد. مثبت ترین تجربه در این زمینه کوشش سازمان مرکزی آمریکا است که میتواند رهنمودی برای سایر کنفدراسیونها باشد.

در زمینه افشاکری توده ای در میان مردم، سازمان مرکزی آمریکا، سازمان فلورانس، سازمان مونین و سازمان پاریس فعالیت های مثبت و ارزنده ای انجام داده اند. تلفیق درست افشاکری توده ای در موقع تدارک تظاهرات علیه شاه در آمریکا با مبارزات لحظه ای بدون شك مثبت ترین تجربه سال گذشته است.

ب- متحدین واقعی یا متحدین دراز مدت کنفدراسیون

نیروهای لیبرال و دموکرات تنها در مبارزات دفاعی لحظه ای کنفدراسیون میتوانند کمک موثری بکنند. متحدین دراز مدت ما سازمانها و نیروهای ضد امپریالیست هستند. از طریق مبارزه مشترک ضد امپریالیستی و اکسیونهای مشترک در سطح واحد ها برای مسائل مشخص

- ۴ -

اهمیت که خواهیم توانست پایه‌های مادی، همکاری دفاعی و تقابل بین کشف راسیون و نیروهای ضد امپریالیست را ایجاد کنیم. بوسیله این همکاری وسیع‌تر است که این سازمانها و نیروهای ضد امپریالیستی با داشتن شناخت دقیق از جنبش دانشجویی ایران و فعالیت ضد امپریالیستی آن، بطور دائم و پیگیر در انعکاس مسائل و خواسته‌های دفاعی ما خواهند کوشید.

در این زمینه نیز چند واحد سازمان مرکزی آمریکا، چند واحد ایتالیا (ظوران، بنونی) و واحد مونیخ و واحد پاریس فعالیت ارزنده‌ای کردند.

ج - اصل دیگر طرح درازمدت دفاعی توجه هرچه بیشتر توده‌ای کردن مبارزه دفاعی است. در واقع همانطوریکه قبلاً هم گفتیم پیاده نمودن برنامه درازمدت و بویژه اشتراکری مد اوم تنها زمانی میسر است که فعالیت دفاعی به جنبش توده‌ای در مجموعه کشف راسیون تبدیل شود.

در مورد تکمیل و پیاده نمودن طرح درازمدت پیشنهاد میکنیم:

اولاً - در شانزدهم آذر جمع بندی و نظریات واحد ها از طریق یک بحث آزاد بطور وسیع بتفاهم واحد های دیگر منتقل شود.

ثانیاً - در اولین بهمنار کشف راسیون برنامه درازمدت دفاعی بعنوان یکی از تمهای سمینار به بحث گذارده شود.

۴- انتشار پیمان ارگان دفاعی (بند سوم از وظایف کمیته اجرایی دفاع)

وجود مسائل و مشکلات متعدد در دفاعی انتشار منظم پیمان را به ضرورتی حاد مبدل کرد و انتشار پیمان بعنوان وظیفه مهمی در دستور کار کشف راسیون قرار گرفت. ۱۳ شماره پیمان (از شماره ۹ تا شماره ۲۱) بطور مرتب منتشر و در اختیار واحد ها و دانشجویان قرار گرفت. علاوه بر این ۱۳ شماره پیمان، سه ضمیمه پیمان نیز منتشر شدند که عبارت بودند از ضمیمه اول (پس از گذر نهم) ترجمه مطالب روزنامه های جهان درباره ادگاه بدوی ۱۴ روشنفکر - ضمیمه دوم ترجمه گزارش گاریدو - ضمیمه سوم، ضمیمه پیمان شماره ۱۷ چاپ و برنامه از روحانیون مشرق در این دوره پیمان سعی شد که ارگان دفاعی کشف راسیون مسائل زیر را منعکس کند:

الف - انعکاس منظم اخبار دفاعی مربوط به جنایتهای رژیم علیه دین پرستان.

ب - انعکاس مختصر و کوتاه فعالیت واحد ها، اعتراضات، مراجع خارجی و مطبوعات جهانی.

ج - انعکاس برنامه درازمدت دفاعی از طریق تهیه مقالات تحلیلی و برجسته کردن مثبت ترین و ارزنده ترین فعالیت های کمیته های دفاعی و واحد ها.

تهیه و چاپ مقالات تحلیلی کوتاه درباره حقوق سیاسی مردم، قوانین دادگاه های نظامی ایران مربوط به جرائم سیاسی، شیوه های این دادگاه ها مسئله ای بود که مورد توجه مافارگرفت ولی متأسفانه بدلیل نداشتن امکانات در این زمینه نتوانستیم کاری انجام دهیم. در شرایط کنونی در رابطه با تشدید اختلافات در ایران و اهمیت مبارزه دفاعی کشف راسیون و بمنظور توده ای نمودن بیشتر مبارزه دفاعی انتشار منظم پیمان در سال آینده ضرورتی است که باید بایگیری دنبال کرد.

بہر ضرورت بامسئلہ اعزازِ نیا ظہرین حقوقی

درباره کنفرانس بین المللی دفاع (بند دوم از سازمان ملل متحد)

استن نیونس - وکیل انگلیسی، نماینده حزب کارگر مجلس اندلس، رئیس کمیته دفاعی انگلیسی.

لويجي كالواليري - وکیل ايتاليائي، عضو دفاع کميته دفاع ايتالائي، ناظر بين المللي درداند گامساي نيکخواه و ۱۴ نفر.

هانس-خلد مان - وکیل آلمانی، ناظر بین المللی در دادگاه نیکخواه و نداینده اعضای گفتاراسیون برای امور زلزله در ایران .

هانری گاریدو - وکیل فرانسوی، ناظرین الصلحی و در انگاه تبیین نظر ۱۴ نفر.

-۶-

خانم گلت کان - د بیر گل فدراسیون جهانی حقوق بشر .

میشل بلوم - وکیل فرانسوی ، معاون فدراسیون جهانی حقوق بشر .

رولاند راپاپورت - وکیل فرانسوی ، ناظر بین المللی در دادگاه ۵۵ نفر - نماینده انجمن بین المللی حقوق انسان دموکرات .

- بنیاد صلح برتراند راسل

- کمیته فرانسوی دفاع بریاست ژان پل سابر .

- اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه (اوتف)

شخصیت‌های سازمان‌های دعوت شده پس از تماس‌های متعدد ، از کنفدراسیون برای تدارک کنفرانس استقبال نمودند و قبولی خویش را جهت شرکت در کمیته تدارک اعلام داشتند . به همراه دعوت‌نامه ای که جهت اعضای کمیته تدارک برای اولین نشست کمیته ارسال شد برنامه پیشنهادی درباره کار و وظائف کنفرانس و سازمان که از طرف هیئت دبیران و کمیته اجرایی دفاع تهیه و تنظیم شده بود نیز ارسال شد . در این برنامه پیشنهادی پس از شرح کوتاهی از رژیم ترور و اختناق موجود در ایران و علل و اهمیت کنفرانس در جهت دفاع از زندانیان سیاسی ایران ، هدف‌های کنفدراسیون از برگزاری کنفرانس بین المللی و خطا و طایفه محتوی و طرز کار آن ، کمیته تدارک و دبیرخانه آن ، اقداماتی که کنفدراسیون میبایست جهت برگزاری کنفرانس بصده گیرد و همچنین دستور جلسه اولین نشست آورده شد .

در این برنامه پیشنهادی وظائف اساسی کنفرانس بصورت زیر مطرح گردید :

۱- دفاع از حقوق زندانیان سیاسی میهن پرست ایرانی بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر ، مبارزه علیه تجاوزات رژیم ایران به حقوق بشر و اعمال ضد دموکراتیک و پلیسی او در مورد متهمین سیاسی ایران ، پدید آمدن راهای مبارزه مؤثر علیه این تجاوزات ؛

۲- انتخاب و تشکیل کمیته دائمی بین المللی دفاع از زندانیان سیاسی ایران .

اولین نشست کمیته تدارک در اواخر ماه ژوئن تشکیل شد . اگرچه شخصیت‌هایی که در این نشست شرکت کرده بودند با خطا و طایفه پیشنهادی کنفدراسیون موافقت نشان دادند اما در مجموع این نشست بدلائل گوناگون نتیجه مثبتی که انتظارش میرفت بازنیامورد . مهمترین این بدلائل عبارتست از :

۱- اگرچه هیئت دبیران و کمیته دفاع بابت مسئله آگاهی کامل داشت که قسمت اعظم تهیه مقدمات کنفرانس میبایست بصده کنفدراسیون باشد با اینهمه انتظار آن میرفت که کمیته تدارک بسم خود فعالیت ارزنده ای داشته باشد . ولی بیشتر شرکت کنندگان جلسه حاضر نشدند مستقیماً مسئولیتی بصده گیرند .

۲- بعضی از شخصیت‌ها و سازمان‌هایی که در کمیته تدارک شرکت داشتند بهره برداری سازمان خویش را از این کنفرانس مقدم بر خواسته‌های کنفدراسیون میدانستند . این افراد و سازمان‌ها اگر در موارد مشخص دفاع از گروه‌های میهن پرست ایرانی تاکنون کم و بیش فعالانه با کنفدراسیون همکاری نموده بودند در یک سطح بین المللی ، بواسطه شرائط و ویژگی‌های خاص سیاسی خود نه میتوانند و نه میخواهند که برای تأمین خواسته‌ها و نظریات کنفدراسیون همکاری مؤثر و فعالانه ای داشته باشند . بلکه در رجه اول سعی در تأمین منافع سیاسی سازمان‌های خود مینمودند .

پس از جمع‌بندی از مجموعه فعالیت‌هایی که در زمینه تشکیل کنفرانس و کمیته تدارک توسط هیئت دبیران و کمیته اجرایی دفاع بعمل آمد باین نتیجه رسید که باتوجه به محدود بودن امکانات کنفدراسیون برگزاری کنفرانس بین المللی احتیاج بیک کار طولانی

- ۷ -

چند ساله ای دارد و شرط اساسی موفقیت آن بستگی دارد به فعالیت وسیع در تهیه اسناد و مدارک و همکاری کلیه عناصر کنفدراسیون تهیه چنین اسناد و مدارک اگر در ابتدا آسان بنظر میآید ولی بعد عمل محتاج بیه کار دوانی است. در این زمینه اولین قدمها از طریق تهیه و چاپ کتاب جنبایات سازمان امنیت برداشتیم. تدارک سیاسی کنفرانس، یعنی تهیه چندین جزوه درباره مسائلی که در کنفرانس باید مطرح شوند، امروز بزرگترین مشکلی است که در این زمینه در مقابل کنفدراسیون قرار دارد.

تا زمانیکه متن فارسی این جزوه ها و ترجمه آنها بزیانهای مختلف برای چاپ و پخش وسیع آماده نشده اند نمیتوان در جهت خارجی بران جلب موافقت نیروهای مترقی شرکت در کنفرانس و یا تعیین زمان برگزاری آن اقدام کرد. چه در صورت چنین اقدامی با خطر عدم موفقیت کنفرانس میتوان روبرو شد. تهیه جزوه ها کاری نیست که کمیته دفاع از عهده آن برآیند. این کار احتمالاً میتواند بوسیله هیئت دبیران سال آینده بین کنفدراسیونها تقسیم شود. علاوه بر مشکل بزرگ تهیه اسناد، دو مشکل دیگر زمینه تشکیل کنفرانس وجود دارند: اول ترکیب کنفرانس - بطور عمده مسئله تأمین مؤمنی در داخل کنفرانس برای بعضی از سازمانهای حقوقی بین المللی و سازمانهای وابسته آنها، هدف کار و فعالیت آنها قرار خواهد گرفت. کنفدراسیون زمانیکه برگه اری کنفرانس را در امکانات و توانایی خود میسر میکنند باید به ترکیب کنفرانس فوق العاده اهمیت دهد و در رجه اول سعی بر این باشد که در کنفرانس نیروهای ضد امپریالیست و مترقی اکثریت داشته باشند تا کنفرانس دارای یک محتوی مترقی و درستی باشد.

دوم - مسائل تکنیکی و مالی کنفرانس از جمله مسائلی هستند که به مراتب از امکانات کنفدراسیون سنگین تر و بالاتر میباشد. مشکلات کار تدارک کنفرانس را بموقع در کنفرانس دفاعی کنگره کنفدراسیون آلمان و در پیمان هامبورگ کردیم. امروز اگر هنوز معتقد به تدارک کنفرانس هستیم باید بتوانیم اول مسئله تهیه جزوه ها را در دستور کار قرار دهیم و پس از حل این مسئله بتوانیم توانست در باره انجام سایر کارهای کن اقدام کنیم.

مسئله اعزام کمیسیون بین المللی برای رسیدگی بوضع زندانیان سیاسی ایران (ماده واحده دوم از مصوبات امور دفاعی کنگره نهم)

اعزام کمیسیون بین المللی را ما در رابطه با تدارک کنفرانس مطرح کردیم:

۱- کمیسیون بین المللی باید موقتی بایران اعزام شود که مسئله زندانیان سیاسی بمسئله روز و حد در سطح افکار عمومی تبدیل شده باشد.

۲- این کمیسیون باید از پشتیبانی تعداد زیادی از نیروهای ضد امپریالیست و سازمانهای بین المللی و حقوقی برخوردار باشد تا بتواند با مسئولین رژیم ایران مقابله کند.

۳- شرائط انجام وظائف و فعالیت کان بخوبی فراهم شده باشد.

باین لحاظ و با توجه به آنها کنفدراسیون اعزام این کمیسیون را در برنامه پیشنهادی به کمیته تدارک بین المللی جزئی وظایف این کمیته پیشنهاد کرد و پیشنهاد کردیم که کمیسیون قبل از تشکیل کنفرانس به ایران اعزام شود تا با اسنادی که از ایران مبادرت موفقیت کنفرانس کمک کند.

اکثریت اعضاء کمیته تدارک با اعزام کمیسیونی برخوردار دیگری کردند. آنها معتقد بودند که کمیسیون بین المللی تنها پس از تشکیل کنفرانس و با پشتیبانی نیروهای شرکت کننده در کنفرانس میتواند به ایران اعزام شود و تنها در این صورت است که این کمیسیون از پشتوانه لازم برای پیشبرد فعالیت با برخوردار خواهد بود و به هر صورت با مسئله اعزام کمیسیون بین المللی باید بطور جدی برخورد کرد و تنها تأمین سه شرط فوق الذکر است که کمیسیون بین المللی در ایران خواهد توانست مشر شراعت گردد.

- ۸ -

برخورد با فعالیت واحد ها

کمیته اجرائی دفاع کنفدراسیون در طول سال سعی کرد که با توجه به امکانات محلی که در تمام واحد ها تکیه امکان تشکیل کمیته دفاع وجود داشت کمیته ها بوجود آیند و در مبارزه دفاعی به صورت پیگیر شرکت کنند. علاوه بر ارسال اذالعه ها طرح این مسئله در کنگره های فدراسیون با واحد ها و کمیته های دفاع از طریق مکاتبه حد اکثر تماس را برقرار کرد. در این تماس های گیتی سعی بر این کرد که حد اکثر کمک فکری و راهنمایی به کمیته های دفاع واحد ها به عمل آید (بند پنج از وظائف کمیته اجرائی دفاع) نتیجه این تلاش اگر چه مثبت بوده است ولی قابل ملاحظه نیست. در بسیاری از واحد های کوچک شهر های کوچک امکان تشکیل کمیته دفاع وجود ندارد. در واحد های غیر فعال هم به همین ترتیب کمیته های دفاع فقط در واحد های باید بوجود آیند که دارای شرایط مناسب هستند هم از نظر فعال بودن واحد مربوط و هم از نظر امکانات این واحد ها در هر فدراسیون باید بوسیله هیئت دبیران فدراسیون مربوطه به کنگره فدراسیون تحیین شوند. این گفته باین معنی نیست که سایر واحد ها نباید در فعالیت و مبارزه دفاعی شرکت بکنند. سایر واحد ها باید بدون تشکیل کمیته دفاع در فعالیت دفاعی شرکت نمایند. برای اینکه کنگره از چگونگی فعالیت دفاعی در سطح واحد ها تصور نسبتا دقیقی داشته باشد با کارکرد کمیته های دفاع مختصرا برخورد میکنیم.

- ۹ -

اعتصاب غذای زندانیان

خبر اعتصاب غذای زندانیان در پیمانهای ۱۴ و ۱۵ منعکس گردیده است. در پیمان شماره ۱۶، نامه زندانیان اعتصاب کننده را منعکس کردیم. در جهت خارجی در ۱۵ ژوئیه دبیرخانه بین المللی در این باره اطلاعیه ای منتشر کرد. خبر اعتصاب غذا در مطبوعات منعکس گردید. منجمه در مطبوعات فرانسه و ایتالیا.

بیست و یکمین پرسش

خبر دستگیری راسای ۲۱ مهین پرست از طریق ناظرین حقوقی که در آنگاه ۱۴ ژوئن شرکت کرده بودند به کنفد راسیون رسید. در ۲۹ ژانویه کنفد راسیون از طریق اطلاعیه مطبوعاتی این خبر را در اختیار مطبوعات و مراجع جهانی گذارد. مسئله دستگیری ۲۱ مهین پرست در پیمانهای ۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸ منعکس گردید. در جهت خارجی اطلاعیه های دبیرخانه بین المللی در اول آوریل، ۱۰ ژوئن اول اوت، ۷ سپتامبر منتشر شد به مراجع و مطبوعات جهانی. فرستاده شد. دستگیری ۲۱ مهین پرست و شکجه آنان در مطبوعات فرانسه، ایتالیا، آلمان، ترکیه، سوئد و ژاپن به نظر وسیعی منعکس گردید.

علیرغم اعتراف شدیدی مراجع حقوقی و شخصیتها و سازمانهای دانشجویی و خواست آنها برای علنی شدن دادگاه با اینکه دستگیری این مهین پرستان از طرف مقامات رسمی رژیم ایران و بویژه از طرف وزیر دادگستری تکذیب شده بود رژیم ایران دادگاه نظامی این مهین پرستان را در ۲ اوت ۶۹ کاملاً مخفیانه برگزار کرد. مدراین دادگاه پنج نفر از افراد این گروه به حبس های از یک تا پنج سال محکوم گردیدند. محاکمه سرری این مهین پرستان در اثر فعالیت کنفد راسیون در مطبوعات جهانی از جمله روزنامه های فرانسه آلمانی سوئد منعکس گردید. سنجیر ایران در سوئد مجبور گردید که خبر این محاکمه را تأیید کند. اعتراف سنجیر ایران در سوئد عقب نشینی مقامات ایران در مقابل موج اعتراض جهانی بود.

با وجود اعتراف شدیدی مراجع خارجی و سازمانهای حقوقی و مسافرت ناظر ایتالیایی بایران مسئولین رژیم ایران از دادن هرگونه اطلاعیه تحقیق درباره زمان برگزاری دادگاه تجدید نظر بیست و یکم مهین پرست خودداری کردند و اطلاعیه تحقیق درباره سرنوشت این مهین پرستان در دست نیست.

صد نفر

دستگیری ۱۰۰ مهین پرست در پیمانهای ۱۴ و ۱۵ منعکس گردید. در اطلاعیه های دبیرخانه بین المللی بویژه اطلاعیه ۴۰ ژوئن مسئله در جهت مراجع و مطبوعات جهانی مطرح گردید. در مورد دستگیری این صد مهین پرست، جزا: سم آیت اله دالغانی هیچ گونه اطلاع مشخص دیگری بدست کنفد راسیون نرسیده علیرغم کوششهای متعدد نتوانستیم اطلاعیه تحقیق در این زمینه بدست آوریم و بالنتیجه فعالیت های دفاعی در این زمینه محدود باقی ماند و شریکشی لازم را نداشت. در مورد آیت اله دالغانی همانطوریکه در پیمان ۲۰ واحد ما مطلع کردیم ایشان پس از مدتی بازداشت از زندان آزاد شدند.

ایران سمیعی

کنفد راسیون پس از اطلاع از خبر دستگیری مخفیانه ایچ سمیعی، اغشاء گری وسیعی در این زمینه آغاز کرد. مامورین سفارت ایران در رم ابتدا خبر این دستگیری را تکذیب کردند. در فاصله کمتر از ۱۰ روز، در ۱۹ اوت ۶۹، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران.

- ۱۰ -

در اثر فشار مراجع خارجی و تحالف کنفدراسیون مجبور شد که دستگیری ایرج سمیعی را تأیید کند. محاکمه مخفیانه و برپا آسای ایرج سمیعی در ۲۶ اوت در دادگاه نظامی برگزار گردید.

دستگیری و محاکمه سری ایرج سمیعی در مطبوعات آلمان، ایتالیا، فرانسه، ترکیه و سوئد منعکس شدند. روز رژیم ایران در مورد ایرج سمیعی مثل روش او در مورد بیست و یک میهن پرست بود. یعنی توطئه سکوت و برگزار نمودن مخفیانه دادگاه و جلوگیری از شرکت ناظر بین المللی. علیرغم اینکه ناظر عوفی شده بود که با ایرج سمیعی ملاقات کند و مسئولین رژیم ایران برگزاری دادگاه تجدید نظر و اتایید کرد. مصطفی ازادان اطلاعات درباره زمان برگزاری دادگاه تجدید نظر خود داری کردند. دادگاه تجدید نظر سمیعی در ماه نوامبر ۶۹ باز هم کاملاً مخفیانه برگزار شد و حکم سه سال حبس او تأیید گردید.

برنامه مبارزه علیه سازمان امنیت

هیئت دبیران کنفدراسیون در جلسه خود در اردیبهشت تاهستانی تصمیم گرفت که کنفدراسیون مبارزه را در دین ماهه ای را علیه سازمان امنیت شروع نماید و بابتی به پیش ببرد. علل این تصمیم هیئت دبیران در اطلاعیه ۲۷ سپتامبر ۷۰ نوا میر هیئت دبیران گفته شده است. در این اطلاعیه برنامه مرحله اول این مبارزه، جنایات سازمان امنیت بویژه در داخل کنفدراسیون و توده های دانشجوی عمده بود. این افشاء گری بطور عمده از طریق پیمانه های ۱۸-۱۹-۲۰ و مقاله شماره ۹ شانزدهم آذر و جلسات بحث در واحد مادر داخل کنفدراسیون انجام گرفته است. همچنین کتاب "در سار سواک" در رابطه با این مبارزه تهیه گردید. از سوی دیگر در گذشته بارز شهید، صادق خسرو شاهی که در اثر فشار سازمان امنیت و برای اعتراض علیه جنایات سازمان امنیت خود را آتش زد بعنوان یکی دیگر از جنایتهای سازمان امنیت منعکس گردید. مبارزه علیه سازمان امنیت و افشای جنایتهای آن به مقیاس قابل ملاحظه از پیش برده شده است. بویژه از نظر افشاگری داخلی. این افشاگری داخلی و تهیه کتاب پایه های مادی ادامه این مبارزه را، به خصوص برای انکسار آن در جهت خارجی و افکار عمومی میبایزه است. در سال آینده کنفدراسیون باید مبارزه علیه سازمان امنیت را بابتی ادامه دهد.

دستگیری های دیگر

در ده ماه اخیر اطلاعاتی درباره دستگیری های دیگر به کنفدراسیون رسید. دستگیری ۱۸ میهن پرست در تهران، دستگیری ۴ تن از دانشجویان دانشگاه تهران، دستگیری ۱۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز، دستگیری دانشجویان در مشهد. این اخبار بویژه دستگیری ۱۴ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران بوسیله حقوق دانان ایتالیایی که ایران رفته بودند تأیید شدند. کنفدراسیون این اعمال رژیم را از طریق اطلاعیه و پیمان را اختیار خواهد کرد و افشاگری نمود. کوشش برای روشن نمودن سرنوشت این مبارزین از جمله مسائلی است که باید ادامه داشته باشد.

人。

(۲۱)

تظاهرات امکان گر هم آئی دبیران فدراسیون آلمان و در نتیجه برنامه ریزی دقیق، بوجود نیامده بود.

در برلن غریب - روز ۲۷ ژانویه در برلن نیز پس از یک تظاهرات وسیع بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان برای اعتراض علیه احکام دادگاه نظامی تهران و تصمیم پلیس برلن در مورد اخراج نیرومند مقابل کسولگری ایران در برلن رفته و شیشه های کسولگری را شکستند. در این جریان چهار ماشین پلیس آسیب دید و ۹ نفر از تظاهر کنندگان دستگیر شدند. دانشجویان دستگیر شده همانروز آزاد شدند. اخبار تظاهرات پراکنده آلمان بطور وسیع از طریق خبرگزاریها رادیو و تلویزیون در سراسر جهان منعکس گردید و شش آن در مطبوعات به چاپ رسید.

مبارزه دانشجویان ایرانی در ایتالیا - اشغال سفارت ایران در رم - در رابطه با برنامه اعتراضی ۲۷ ژانویه فدراسیون ایتالیا پس از تجویز دانشجویان پخش وسیع اعلامیه اطلاعیه مطبوعاتی نامه های اعتراضی و غیره برنامه اشغال سفارت ایران در رم را تنظیم و ساعت ۱۱ صبح روز ۲۷ ژانویه سفارت ایران در ایتالیا بوسیله دانشجویان ایرانی اشغال شد. سفارت ایران برای مقابله با دانشجویان از پلیس ایتالیا خواسته بود که از ورود دانشجویان به سفارت جلوگیری شود. ولی رفقان ما در ایتالیا با وجود سته بودن در سفارت و وجود پلیس در حال، کشیک موفق شدند با غافلگیر کردن پلیس به سرعت به درون سفارت راه یابند. دانشجویان به مجرد ورود به سفارت تمام اطاقها را اشغال کردند. مأمورین سفارت را زیر نظر گرفتند. تلفن کلبه اطاقها را قطع کرده و عکسهای شاه را پائین آوردند. گروه دیگری از دانشجویان تلفنخانه سفارت را اشغال نمودند. هیأت تدارک فدراسیون از مرکز تلفن سفارت جریان اشغال و علل آنرا به روزنامه های غیر گزاریهای خارجی وزارت امور خارجه و پلیس ایتالیا اطلاع داد و از این طریق نیز با کفدراسیون و فدراسیونهای دیگر تماس گرفته شد. سپس تلفنی با تهران با دکتر هدایتی وزیر مشاور تماس گرفته شد و جریان اشغال و خواسته های کفدراسیون در این گفتگوی تلفنی به دولت ایران اطلاع داده شد.

دانشجویان از مسئولین سفارت خواستند که سفیر را هرچه زودتر پیدا کرده و به سفارت بیاورند. دکتر عبده سفیر شاه که ابتدا از محل سفارت فرار کرده بود اجبارا به سفارت بازگشت. دانشجویان بحث با سفیر را در سطح سیاسی و روی شعارها و خواسته های کفدراسیون آغاز کردند و اعلام داشتند که سفیر باید در مصاحبه مطبوعاتی که برای عصر همانروز در محل سفارت ترتیب داده بودند شرکت جوید. بعد از ظهر آنروز نماینده وزارت امور خارجه ایتالیا به سفارت آمده به دانشجویان اطلاع داد که از ایران تقاضا شده است دانشجویان را با زور از محل سفارت بیرون کنند.

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر دکتر عبده سفیر شاه علیرغم کوشش برای امتناع و علیرغم تمام تهدیداتش ناچار به شرکت در مصاحبه مطبوعاتی شد. در این مصاحبه مطبوعاتی، رفقان ما در ایتالیا دلائل اشغال سفارت و خواسته های مشخص خود و جریان تماسهای تلفنی با تهران و پاسخ نمایندگان رژیم را بطور مفصل برای مخبرین توضیح دادند و علیرغم هیاهو و تهدیدات سفیر تمام قطعنامه اعتراضی خود را قرائت کردند و سفیر را وادار ساختند بلافاصله آنرا به تهران بازگردانند. دانشجویان در پایان مصاحبه در حالیکه اعلامیه های پیر - بلون عکس شاه با سیاهای از جنایات رژیم و جمله "این شخص به سبب جنایاتش محاکمه میشود" به دیوار سفارت نصب بود محل سفارت را با شعار اتحاد - مبارزه - پیروزی ترک کردند.

مبارزه پیروزند دانشجویان در صفحه اول ۳۷ روزنامه ایتالیائی و سایر مطبوعات جهان بطور وسیع انعکاس یافت. رادیو ایتالیا در تمام برنامه های اخبار بعد از ظهر دو شبه جریان را مرتباً پخش میکرد و تلویزیون در بخش اخبار خود فیلمی را که از صحنه های مختلف مبارزه در سفارت تهیه شده بود به نمایش گذارد. رادیو و تلویزیون سایر کشورها نیز این خبر اشغال را با شور و سیح منعکس کردند.

در فرانسه - در همین روز در پاریس ضمن یک تحصن شش ساعته در سفارت ایران در فرانسه که خبر آن در مطبوعات فرانسه انعکاس یافت سفیر را وادار به قبول نامه اعتراضی خود و ثبت آن در دفتر سفارت نمودند.

در ایالات متحده - آکسیون اعتراضی دانشجویان ایرانی در امریکا بخاطر لزوم ایجاد زمینه مساعدتر برای ۲۷ ژانویه در روز ۵ فوریه انجام گرفت. پس از اطلاع از شکم دادگاه نظامی تهران فعالیت سازمان امریکا با وسعت بیشتری ادامه یافت مقالات مفصل درباره اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران - اختلاف حاکم در ایران و مبارزات همپنهان ما از طرف سازمان امریکا تهیه و در چند روزنامه امریکائی آنها را منتشر یافت و در نتیجه سازمانهای مترقی دانشجویی و غیر دانشجویی دانشجویی و مترقی و دمکرات از طریق اعلامیه نامه های اعتراضی و جمع آوری امضا حمایت خود را از مبارزات مردم و خواسته های کفدراسیون اعلام داشتند.

روز چهارشنبه ۵ فوریه از طرف انجمن دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا و با همکاری سازمانهای دانشجویی عرب اتحادیه

۴۳۳

دانشجویان دمکرات در دانشگاههای سانفرانسیسکو - سن خوزه و هیوارد - زب گارگران مرفی - اتحادیه جوانان سوسیالیست سازمان دانشجویان مکزیک و چینی های امریکائی - اتحادیه دانشجویان سیامیوست کمیته اعتصاب دانشجویان سانفرانسیسکو مارش و تظاهرات پرشکوهِ ترتیب داده شد که پس از گردیدن در خیابان ای بزرگ شهر سانفرانسیسکو توقف در برابر عمارت شمرداری و عبور از محله سیاهان به مقابل کسولگری ختم شد. در برابر عمارت کسولگری با آنکه پلیس شمولگر را بصورت پلنگه نظامی باز آورده بود تظاهر کنندگان توانستند با در دست داشتن ابتکار عمل پلیس را در حالت کاملاً دفاعی قرار دهند. این تظاهرات پر از قریب سخنرانیات پایان یافت. روزنامه های محلی روزنامه های دانشگاهها همچنین رادیو و تلویزیون جریان این تظاهرات را منعکس ساختند.

۶ - فعالیت برای اطلاع دقیق از تاریخ دادگاه تجدید نظر - هیات دبیران کنفدراسیون در اواسد فوریه اطلاع یافت که دادگاه تجدید نظر چهارده نفر در اواخر بهمن ماه تشکیل میگردد پس از دریافت این خبر از یکسو برای اطلاع از تاریخ دقیق دادگاه و از سوی دیگر برای اعزام ناظر بین المللی به ایران به فعالیتهای پرداخت و با حقوقدانان مرفی و سازمانهای حقوقی تماس گرفت. به دنبال کوشش کنفدراسیون برای کسب خبر دقیق سازمانها و شخصتهای حقوقی و دمکرات به سفارتخانه های ایران در رم - پاریس و لندن مراجعه و از آنان خواستند تاریخ دقیق تشکیل دادگاه را اطلاع دهند. لوییجی کاولیری بنا به تقاضای کنفدراسیون جهانی با سفارت ایران در رم تماس گرفت و خواستار کسب خبر پیرامون تاریخ شروع دادگاه شد. با اینکه فرسیو (دانشستان نظامی) و سایر مقامات دولتی به او و ناظرین خارجی دیگر که در دادگاه بدون شرکت داشتند گفته بودند که تاریخ تشکیل دادگاه را قبلاً اطلاع میدادند و با اینکه کاولیری خود نیز با سفارت ایران در رم تماس گرفته بود که کمترین پاسخی در این زمینه دریافت نکرد. پاسخ سفارتخانه های ایران در لندن پاریس و بن نیز اظهار بی اطلاعی از تاریخ دادگاه بود. درحالیکه در همان زمان که نمایندگیهای سیاسی ایران در خارج به دستور سازمان امنیت برای اختفای خبر مربوط به دادگاه از عینی کوششی فرستاده میگردیدند دادگاه تجدید نظر بدون آگاهی جهانیان و در مخفی کامل در تهران جریان داشت.

۷ - اعزام ناظر فرانسوی به ایران - بانوجه به نتایج موفقیت آمیز شرکت ناظرین خارجی در دادگاه بدون هیات دبیران کنفدراسیون پس از اطلاع دقیق از شروع دادگاه تجدید نظر برای اعزام یک ناظر خارجی به تهران شروع به فعالیت نمود و در نتیجه روز ۱۹ فوریه آقای گارید و عضو هیات مرکزی فدراسیون بین المللی حقوق بشر برای شرکت در دادگاه تجدید نظر به تهران مسافرت کرد. گزارش گارید در پیمان ۱۳ و ۱۴ و همچنین جداگانه بطور وسیع انتشار یافت.

۸ - سایر فعالیتهای در این زمینه - علاوه بر آنچه در اینجا اشاره کردیم واحد های کنفدراسیون در شهرها و کشورهای مختلف با استفاده از امکانات موجود و با ابتکارات دلفی فعالیتها را سرگشته دارند. از آنجمله است فعالیت دانشجویان ایرانی در ترکیه اتریش و سوئد. دانشجویان ایرانی در سوئد با همکاری نیروهای مرفی و دمکرات این کشور و با ایجاد زمینه قبلی در روز ۸ فوریه ۶۹ تظاهرات موفقیت آمیزی در مقابل سفارت ایران در استکهلم ترتیب دادند. در اتریش به علت مسافرت شاه به این کشور بازو دلفی رفتن مبارز ما با تظاهرات وسیع و پر موفقیت علیه مسافرت شاه تلفیق داده شد که شرح مفصل آن جداگانه خواهد آمد.

جمع بندی فعالیتها - دفاع از ۱۴ نفر جنبش دفاع از ۱۴ روشنفکر نیاز اگرچه نتوانست از مدور محمولیت به همسایه های دولتی بدور کامل بگیرد ولی موفق شد به دستاوردهای بزرگ در زمینه افشای امر به بیشتر رژیم ورشائی میهن پرستان از خطر مرگ نائل آید.

۱ - این مبارزه دفاعی در همان مراحل اولیه کار خود به عقب نشینی سریع رژیم منتهی شد. پس از آنکه در اثر فعالیت کنفدراسیون جهانی اخبار مربوط به مسائل ایران و جریان دستگیری و شکنجه دانشویان و روشنفکران در هیات محترم سراسر اروپا و امریکا منعکس گردید و سازمانها و شخصتهای مرفی و دمکرات به حمایت از جنبش دلفی کنفدراسیون برخاستند سکوت رژیم ایران در مورد شکنجه و پیگرد میهن پرستان در هم شکسته شد. این اولین پیروز جنبش دلفی و برنامه ریزی درست آن بود.

۲ - با استمرار امنه جنبش دلفی رژیم ایران ناچار به تشکیل یک دادگاه با شرکت ناظرین خارجی تن در داد بنا به گزارش ناظرین بین المللی که در دادگاه شرکت داشته اند تقابلاً اعلام که ابتدا برای محبت نفر از آنها گمان میرفت بیعت محبت ناظرین خارجی خواسته نشد.

۳ - کوشش رژیم در سرکام بندی پرونده ها - ترجمه سند و سرچشمینی نه گمارده بود اشکالات متعدد در کار برای شرکت ناظرین خارجی بوجود آورد (بویژه در دادگاه تجدید نظر) و سایر تلاشها برای جلوگیری از سواستی بیشتر بود به خاطر برای روشن ساختن بیشتر ماهیت رژیم و شیوه محاکمات و پرونده ساز در ایران تبدیل شد.

- ۴ - سال مهم دیگری که در جریان محافه گروه ۱۴ نفر بران جهانیان آشکارتر گردید صاله شکجه زندانیان سیاسی است بنا به گزاره ناآرین بین‌المللی که به ایران اعزام شده بودند و آنچه در مطبوعات معتبر جهان منعکس شد در ایران "بازرسی" از زندانیان سیاسی از طریق اعمال شکجه‌های وحشیانه انجام میگردد.
- ۵ - کنفدراسیون جهانی با آغاز و گسترش این جنبش دفاعی خلعت ضد خلقی و ضد دموکراتیک رژیم را بیش از گذشته به مردم جهان نشان داد و توجه و حمایت بازم بیشتر سازمانها و شخصیتهای مرفی دانشجویان ضد امپریالیست و مردم دموکرات جهان را به صائلی که در ایران میگردد جلب کرد.
- ۶ - فعالیت انشاگرانه و پیگیر واحد ها و مبارزه مشترک و یکپارچه اعضا و نیروهای متشکل در کنفدراسیون (بویژه در آکسیون حمایت و پیروزمند ۲۷ ژانویه) علاوه بر موفقیت آنی آن عامل مهمی بود در هدایت کنفدراسیون بسوی مبارزه مصمتر و بارورتر آئیده.

#####

مسائرت شاه به اتریش

دبیرخانه تشکیلات کنفدراسیون جهانی بعد از ظهر روز ۲۰ ژانویه یعنی بعد از ظهر همانروز که شاه وارد رین میشد بوسیله رفقای اتریش از آن مطلع شد و بلافاصله جریان را طی بخشنامه‌ای به کلیه واحدها اطلاع داد. در این اطلاعیه بویژه تاکید شده بود که "با توجه به امکان اعمال فشار نسبت به رفقای مبارز ما در اتریش باید برای دفاع از آنان آمادگی کافی داشت. کلیه واحدهای کنفدراسیون باید جریان فعالیت رفقای اتریش را باور مرتب تحقیق کرده در انتظار اخبار و دستورالعمل ها کنفدراسیون در این زمینه باشند." همراه با اوج مبارزه در اتریش فعالیت کنفدراسیون واحدها آن نیز برای دفاع از آنان تشدید میشد و با تلفیق آن با وظائف دفاع از گروه ۱۴ نفر و مبارزه علیه تصمیم سنای برلین مبنی بر اخراج نیرومند کلیه فعالیت کنفدراسیون بویژه کار دبیرخانه‌های تشکیلات و بین‌المللی روی آن متمرکز گردید. علاوه بر اطلاعیه به فارسی و زبانهای خارجی پیمان و قوه الحاده شانزدهم آذر واحدها و هیات دبیران کنفدراسیون برای حمایت از رفقای اتریش شخصیتها و سازمانهای دانشجویی و غیر دانشجویی مرفی و دموکرات را تجهیز کردند. همانند با فعالیت پر دامنه واحدها هیات دبیران کنفدراسیون جهانی با دبیرکل سازمان ملل بنیاد صلح راسل سازمان عفو بین‌الملل برتراند راسل خانم کولت کان دبیرکل فدراسیون جهانی حقوق بشر میشل بلوم منشی فدراسیون حقوق بشر ویلسون نماینده پارلمان انگلستان نیوانی رئیس‌گروه پالماتی کمیته انگلیسی دفاع از زندانیان سیاسی ایران شومه دبیرکل اتحادیه بین‌المللی حقوقدانان دموکرات در بلژیک خانم بویوه آوام دبیرکل بخش فرانسه این اتحادیه استادان دانشگاهها و نمایندگان پارلمان ایتالیا اتحادیه بین‌المللی دانشجویان (آی. یو. اس) و بسیاری از سازمانهای ملی و ضد امپریالیستی دانشجویی (از طریق نامه تلفن و مراجعه مستقیم) تماس گرفت و کوشش کرد از حمایت هر چه بیشتر آنان برای دفاع از مبارزه رفقای اتریش برخوردار گردد. بدینال این تجهیز سیل نامه‌ها و تلگرافهای اعتراضی به وزارت کشور و نمایندگیهای سیاسی اتریش در خارج سرازیر شد و در پارهای موارد هیاتهای نمایندگی و برخی از شخصیتهایی که در بالا نامبرده شدند جهت اعتراض مستقما به سفیر اتریش در کشور محل اقامت خود مراجعه کردند.

در جریان دفاع از مبارزه رفقای اتریش کنفدراسیون با در جریان گذاردن کلیه واحدها از طریق اطلاعیه ملی مرتب و تماسهای مختلف موفق شد واحدها را برای مدتی طولانی در حال تجهیز نگه داشته و در نتیجه این مبارزه را در سطح مجموعه کنفدراسیون گسترش دهد.

علاوه بر این به علت اهمیت مبارزه دانشجویان ایرانی در اتریش و لزوم هماهنگی بیشتر مبارزه کنفدراسیون در حمایت از آن دبیر تشکیلات کنفدراسیون جهانی به این کشور مسافرت نموده با مسئولین فدراسیون و رفقای سازمان وین بحث و تبادل نظر کرده و با نمایندگان اتحادیه ملی دانشجویان اتریش به مذاور پشتیبانی بیشتر آنها مذاکره کرد.

مبارزه‌ای که رفقای ما در اتریش در جریان مسافرت شاه به این کشور آغاز کردند از یکسو به دستاورد های بزرگی در زمینه افشای وسیع رژیم ولانه های جاسوسی آن در خارج و از سون دیگر ایجاد همبستگی عمیق میان دانشجویان ایرانی و دانشجویان و مردم مرفی اتریش منتهی گردید و این امر به شرکت وسیع و کم سابقه دانشجویان مرفی اتریش و خارجی در مبارزه پیگیر دانشجویان ایرانی علیه جنایتهای ساواک و حتی به اعطای در تغییر وضع در میان دانشجویان اتریشی تقویت نیروهای مرفی دانشجویی و رشد مبارزه

(۴۵)

آنها تبدیل گردید. ولی دولت و پلیس اتریش و همچنین سفارت ایران در وین که از این پیروزی به وحشت افتاده بودند کوشش کردند به نحوی با آن به مقابله برخیزند. تشدید فشار به رفقای ما در اتریش تشکیل دانشگاه نمایشی علیه دوست مبارز ما سالم تهدید اتحادیه وین به انحلال از جمله این تلاشها است.

دادگاه سالم - دولت اتریش سعی داشت محاکمه سیاسی دوست ما سالم را به یک محاکمه غیر سیاسی و نزاع میان دو نفر تبدیل کند. کنفدراسیون در رابطه با این تلاش دولت اتریش و افشای آن علاوه بر ادامه فعالیت در بسیج سازمانها و شخصیتها اطلاعیه مطبوعاتی ویژه ای تهیه و از طریق ارسال آن به کلیه مطبوعات و خبرگزاریهای جهان و مراجعه به مهمترین آنها این توطئه را که حلقه ای از همکاری دولت های ارتجاعی با سازمان امنیت است و به منظور ایجاد فشار به اعضا و فعالین کنفدراسیون انجام میگردد بطور وسیع افشا کرده از همه نیروهای مرفقی خواست که به حمایت از مبارزه کنفدراسیون برای آزادی سالم همچنان ادامه دهند.

علاوه بر این پس از اطلاع از رای دادگاه تجدید نظر (که در آن دوست ما سالم به اخراج از اتریش محکوم شده بود):

- ۱ - نتیجه دادگاه از طرف کنفدراسیون بوسیله تلفن تلگراف نامه به کلیه کنفدراسیونها و واحدها اطلاع داده شد و از آنان خواسته شد بطور یکپارچه برای اعتراض به رای دادگاه به فعالیت بپردازند.
- ۲ - به سازمانهای مرفقی دانشجویی و غیر دانشجویی و به سازمانها و شخصیتهای حقوقی و دمکرات برای جلب کمک آنها مراجعه گردید.
- ۳ - از طرف کنفدراسیون طی نامه ای که در آن توطئه همکاری ساواک و پلیس اتریش افشا شده بود به وزیر کشور و وزیر دادگستری اتریش در مورد این حکم اعتراض گردید.
- ۴ - دبیر تشکیلات کنفدراسیون با رئیس سازمان ملی دانشجویان اتریش به منظور جلب حمایت و همکاری این سازمان در مورد اعتراض به حکم دادگاه و فشار به دانشجویان مبارز ایرانی در اتریش ملاقات کرد.
- ۵ - ملاقات دبیر تشکیلات کنفدراسیون (باتفاق دو نفر از اعضای هیات دبیران کنفدراسیون اتریش) با وزیر کشور اتریش با توجه به اینکه این ملاقات در زمانی انجام گرفت که سیل نامه ها و تلگرافهای اعتراضی به وزارت کشور اتریش رسیده بود وزیر کشور در این ملاقات اعلام نمود در صورتیکه مدرسه سالم با ادامه تحصیل او موافقت داشته باشد به سالم تا پایان تحصیل اجازه اقامت داده خواهد شد و بالاخره در نتیجه فعالیتهای وسیع کنفدراسیون در سطح جهانی و مبارزات یکپارچه کنفدراسیون اتریش و سایر واحدهای کنفدراسیون دولت اتریش به دوست مبارز ما سالم تا اتمام دوره تحصیل اجازه اقامت داد.

مبارزه رفقای ما در اتریش و دفاع از آنان موفقیت آن و بسیجی که در این زمینه شد کم نظیر بود. بطوریکه با وجود مسائل پر اهمیت فراوان در جهان و با وجود مسائلی از قبیل تشدید ییگر و فشار پلیسی در اسپانیا قتل دهها نفر در پاکستان ترکیه و سایر کشورها مساله مبارزه رفقای ما در اتریش بسیاری از مسائل مهم این کشور را تحت الشعاع قرار داد و با فعالیت واحد های دیگر کنفدراسیون آنان گسترش یافت که توانست حمایت و توجه جدی سازمانها و شخصیتهای مرفقی و ضد امپریالیست را بدور وسیع جلب کند. با توجه به اینکه جریان این مبارزات در ان تشارت کنفدراسیون بطور وسیع درج شده است در اینجا به همین مختصر اکتفا میکنیم.

#####

مبارزه برای جلوگیری از اخراج نیرومند

- ۱ - دبیرخانه تشکیلات در ۲۴ ژانویه ۶۹ پس از اطلاع از تصمیم پلیس برلن مبنی بر اخراج نیرومند بلافاصله علیه این تصمیم به پلیس برلن اعتراض کرده و طی بخشنامه ای از کلیه واحدها خواست که از طریق نامه و تلگراف علیه آن اعتراض کنند.
- ۲ - در ۲۶ ژانویه ۶۹ طی اطلاعیه مفصلی هدف و علل این اقدام پلیس برلن در موضع کنفدراسیون در اینباره لزوم دفاع فعال از نیرومند و گونگی آن توضیح داده شد.
- ۳ - در این اطلاعیه گفته میشود که "بهترین دارقه و شیوه دفاع از نیرومند رسوا نمودن هرچه بیشتر جنایات گونگی رژیم ارتجاعی ایران است" و سپس موارد مشخص این جنایات بشرح زیر آورده میشود:

"دستگیری شبکه و محکومیت های سنگین ۱۴ روشنفکر مبارز - دستگیری ۲۱ میهن پرست - کشتار ۷۰ نفر از میهن پرستان در کاز - دستگیری عده کثیری از دانشجویان دانشگاه های ایران - حمله مامورین و چاقوکنان ساواک به رفقای مبارز ما در اتریش و ... و بدین ترتیب هیات دبیران کنفدراسیون برای تامین موفقیت این مبارزه و سایر وظائف که در برابر کنفدراسیون قرار داشت مبارزه برای جلوگیری از اخراج دوست مبارز ما نیرومند را با وظائف دیگری که در دستور کار کنفدراسیون قرار داشت تلفیق کرده و آنها را بطور

مشعه و ... مانند به پیش برد . و بالاخره در نتیجه مبارزات پادشاه کنفدراسیون و سازمانهای دانشجویی و غیره دانشجویان و نخبه امپریالیست حمایت شخصیتها و سازمانهای دمکرات و آکسیونهای متعدد دیگر ترتیب داده شده (و شرح آن بویژه در پیمان ۱۱ و ۱۲ آمده است) پلیس و سنای برلن غریب بالاخره ناگزیر شد به دست مبارز ما نیرومند اجازه اقامت بدهد . پلیس و سنای برلن نتوانست تصمیم به اخراج نیرومند را بنبرد اجرا گذارد . کنفدراسیون با این مبارزه خود نشان داد که بطور جدی و قاطع از مبارزان درون کشور و از رفقای که در نتیجه مبارزات خود در خارج تحت فشار و تضییق پلیس کشورهای محل اقامت قرار میگیرند با استفاده از همه امکانات موجود به دفاع بر میخیزد .

#####

تظاهرات علیه شاه در سوئیس

بدنبال دعوت کنفدراسیون از دانشجویان مرفقی سوئیس برای دفاع از خواستهای کنفدراسیون و اعتراض به احکام دادگاه نظامی دانشجویان مرفقی سوئیس به پشتیبانی از مبارزات کنفدراسیون برخاسته و این فعالیت را بویژه در حزب ان مسافرت شاه به سوئیس گسترش دادند . تظاهرات پر موفقیت دانشجویان در زوریخ در روزهای ۲۴ و ۲۵ ژانویه و انکاس وسیع آن در مایبوات رادیو و تلویزیون نشانه های اثر بخشی عمیق مبارزات دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون جهانی در افشای رژیم دست نشاندۀ در مبین ما است (شرح تظاهرات در شانزدهم آوریل صادره به چاپ رسید)

جمع بندی - بدین ترتیب کنفدراسیون در برخورد با انبوهی از مسائل گوناگون (دادگاه ۱۴ نفر - تظاهرات اتریش - تظاهرات سوئیس - محاکمه سالم و تصمیم پلیس برلن در مورد اخراج نیرومند) پیروزمندانه آنها را پشت سر میگذارد بدو ریکه در بیان غاصه اند ماهه در سراسر اروپا و آمریکا مسائل ایران بطور کم سابقه ای مورد بحث مردم و مطبوعات بود .

- در اتریش مساله مبارزه دانشجویان ایرانی علیه شاه و حکومتش سازمان امنیت یکی از اتفاقات مهم آن کشور را تشکیل میداد و برای مدت تقریباً کلیه مسائل مربوط به حیات سیاسی آن کشور را تحتالشعاع قرار داده بود .

- در سوئیس کشور، که شاه میخواست به آرامی در آنجا بسر برد موج بی مانند تظاهرات این آرا را بر هم زد و توجه مردم و حمایت جوانان و دانشجویان مرفقی را نسبت به مسائل ایران جلب نمود .

- تدارک با شکوه ۲۷ ژانویه انجام پر موفقیت برنامه ها - تظاهرات اشتغال سفارت و مارش در اروپا و آمریکا و بالاخره فعالیت وسیع علیه پلیس و دولت اتریش و علیه تحمیل پلیس برلن از جمله مسائلی بودند که کنفدراسیون با آگاهی و حساسیت با آنها برخورد کرده و با تمام نیرو در جهت انجام آن به پا خیزد .

موج بی آرام مبارزات دانشجویان ایرانی و بسیج عظیم افکار عمومی جهان بویژه نیروهای مرفقی علیه رژیم شاه نشانه نتایج درخشان مبارزات کنفدراسیون و انکاس واقعیات جامعه ایران است . دانشجویان ایرانی در جریان این کوشش بارور از یکسو حمایت اتحاد و احترام روز افزون توده های هرچه وسیعتری از مردم جهان را نسبت به مبارزه خود و مردم ایران جلب کرده و از سوی دیگر در جهت گسترش و ارتقا سلاح مبارزه خود گامهای تازه ای برداشتند .

مبارزه برای جلوگیری از انحلال اتحادیه وین

در اواخر ژوئیه اطلاع یافتیم که پلیس اتریش در روز ۱۸ ژوئیه دعوتنامه ای به دبیر اتحادیه وین فرستاده و خواسته است که دبیر اتحادیه جهت اطلاع از چگونگی تصمیم پلیس مبنی بر انحلال اتحادیه روز بند به اداره پلیس مراجعه کند . پس از ملاقات دو نفر از اعضای هیات دبیران کنفدراسیون اتریش و دبیر اتحادیه وین با پلیس معلوم شد که پلیس بر اساس دلایلی واهی و مسخره (که در شلزد هم آورده شده است) تصمیم گرفته اتحادیه وین را منحل نماید . برای جلوگیری از اجرای این تصمیم از یکار اتحادیه وین و وکیل مدافع اتحادیه به فعالیت پرداختند و از سوی دیگر هیات دبیران کنفدراسیون علاوه بر نامه های اعتراضی به مقامات اتریش کوشش خود را در سطح مراجع بین المللی و برای تجهیز واحد ها آغاز کرد . در نتیجه این تجهیز فعالیتهای وسیعی انجام گرفت که در زیر به خلاصه ای از آن اشاره میشود .

در آمریکا

۱ - ارسال تلگراف اعتراض به وزیر کشور اتریش

۲ - ارسال نامه همبستگی به کنفدراسیون اتریش

۱۷۶

- ۳- ارسال نامه به سفیر اتریش در آمریکا.
- ۴- تلخ به سفیر اتریش در آمریکا و کسولگریهای اتریش در سانفرانسیسکو و لوس آنجلس.
- ۵- ملاقات با کسول اتریش در لوس آنجلس.
- ۶- چاپ اطلاعیه به زبان انگلیسی و افشای فشار پلیس و دولت اتریش نسبت به واحد های فدراسیون اتریش.
- ۷- چاپ اطلاعیه فارسی.
- ۸- مسافرت هیات نمایندگی سازمان آمریکا به لوس آنجلس و ملاقات با کسول اتریش و دادن نامه اعتراض (کسول طی يك نامه رسمی به سازمان اطلاع داد که خواستهای مطرح شده را به اطلاع دولت اتریش رسانده است).
- ۹- برگزاری جلسات عمومی در سازمانهای آمریکا برای بحث در مورد چگونگی دفاع از اتحادیه وین.

در ایتالیا

- ۱- چاپ اعلامیه به زبان ایتالیایی و پخش آن در مطبوعات دانشگاه ها.
 - ۲- جمع آوری امضا و ارسال آن برای وزیر کشور اتریش.
 - ۳- مراجعه به مراکز فرهنگی و ارائه های مردم برای تقاضای تذاکرات به وزیر کشور اتریش.
 - ۴- تماس با شهرداریهای محل استادان دانشگاه و کلا برای جلب پشتیبانی آنها و جمع آوری امضا از آنان.
 - ۵- تماس با سازمانهای خارجی.
 - ۶- مراجعه به سندیکاها و احزاب و ارسال تذاکرات از طرف آنها.
 - ۷- ارسال اطلاعیه مطبوعاتی به مطبوعات مهم.
- از طرف واحد های فدراسیون اتریش - آلمان - ترکیه و اتحادیه فرانسه نیز اقدامات مشابهی انجام گرفته است مضافا اینکه در برخی از واحدها هیات های نمایندگی از طرف سازمان دانشمندان ایرانی و یا هیات های نمایندگی مختلف با سایر دانشجویان متفرقی به نمایندگیهای سیاسی اتریش مراجعه و نسبت به تصمیم پلیس در مورد انحلال اتحادیه وین شدیداً اعتراض شده است.
- این مساله همچنان ادامه دارد و هم اکنون سازمان وین علاوه بر مبارزه علیه این تصمیم که مبارزه فعال مجموعه کنفدراسیون همراه است از نادر حقوقی نیز مساله را دنبال کرده و تصمیم دارد در صورت ابطال این حکم علیه آن اعتراض و درخواست تجدید نظر در این حکم را بنماید.

فصلنامه ارسال و مصرف کمکهای جمع آوری شده برای هم میهنان زلزله زده خراسان
پیش از آنکه نهم کنفدراسیون هیئت دبیران برای ارسال در مصرف رساندن کمکهای گرد آمده برای هم میهنان زلزله زده را
دنبال نمود. عمده ترین مسئله که برای مامورین بوه ایجاد زمینه و امکانات لازم جهت فعالیت ساختمانی مستقل در مناطق زلزله زده
و نظارت در مصرف دارو و لباسها بود. برای این منظور میبایستی در دو جهت داخل و خارج اقدام میکردیم.

الف - در داخل

- ۱- کوشش برای تماس با گورهای دانشجویی و شخصتهای ملی در ایران که در جریان زلزله در نظر داشته اند بطور مستقل در
امر رساندن کمک بهم میهنان زلزله زده اقدام کنند (بمنظور استفاده از نظرات و تجارب آنها و تحقیق درباره امکانات و مشکلات
موجود و چگونگی برخورد با آنها)
- ۲- کوشش برای تماس با شخصتهای از قبیل آیت اله میلانی و آقای مهندس حسینی که در جریان زلزله با استفاده از نفوذی که در
میان مردم داشته اند برای جمع آوری و رساندن کمک به هم وطنان زلزله زد بمقتضای پراخته بودند (بمنظور مشورت با آنان و
استفاده از تجارب آنها)

۳- گرفتن زمین برای ساختمان و پروانه اجازه ساختمان

۴- کوشش برای تهیه مصالح ساختمانی بقیمت ارزان

۵- ایجاد شرایط لازم برای نظارت و شرکت در امر توزیع لباس و دارو جمع آوری شده

ب - در سطح خارجی

از یکسو میبایستی تماس با برخی از سازمانها که با کنفدراسیون در جریان جمع آوری کمک همکاری داشته اند همچنان حفظ شود
و از سوی دیگر برای یک نظارت وسیع در امر رساندن کمک و در سطح بین المللی نگهداشتن این اکسیون بزرگ و در نتیجه تضمین
مطمئن توافقات مال لازم بود این همکاری گسترش میافت. در این رابطه کنفدراسیون با بسیاری از سازمانهای ملی دانشجویی و
سازمانهای خیریه از جمله سازمان ملی دانشجویان آلمان (اس. د. اس) سازمان ملی دانشجویان فرانسه (او. ان. اف)
سازمان ملی دانشجویان اتریش سازمان ملی دانشجویان سوئیس - شورای جهانی کلیساها کاریتاس بین المللی و کاریتاس آلمان در
تماس مرتب بود.

اعزام هیئت نمایندگی بایران

در رابطه با فداکاریتهائی که در بالا اشاره گردید هیئت دبیران کنفدراسیون بالاخره موفق شد در ۱۷ آوریل ۶۹ دوست
غلامحسین رضائی (یکی از فعالین کنفدراسیون) بمنوا نمایند کنفدراسیون و در ۳۰ آوریل دکتر محمدمان را بمنوا مشاور
حقوقی کنفدراسیون بایران اعزام دارد. دوست مارضائی و مصطفی دکتر محمدمان در نامه رسمی کنفدراسیون بمنوا هیئت
نمایندگی کنفدراسیون بمقامات ایرانی و مراجعی که میبایستی با آنها تماس گرفته میشد معرفی شدند. علاوه بر این کمیته بین المللی
نظارت در امر رساندن کمکهای گرد آمده و برخی از سازمانهای که در این زمینه با ما همکاری داشته اند ضمن استقبال از فعالیت
کنفدراسیون در این باره پشتیبانی کامل خود را از این کوشش و از ماموریت هیئت نمایندگی ان اعلام داشته و این تایید را بطور
باطلاع دولت ایران رساندند.

هیئت نمایندگی کنفدراسیون در تهران طبق ماموریتی که داشت ابتدا با آقای مهندس حسینی برای اعلام نظر کنفدراسیون در
مورد اینکه نمایندگی دائمی کنفدراسیون را در این زمینه بیدر ملاقات و مذاکره کرد. در این ملاقات آقای مهندس حسینی امانت و
موفقیت خود را برای قبول این ماموریت اعلام نمود. سپس هیئت نمایندگی کنفدراسیون با وزارت امور خارجه و وزارت آموزش و پرورش
و مدیرعامل شیر و خورشید تماس گرفت.

در نتیجه فعالیت مداوم وی گیر هیئت نمایندگی کنفدراسیون در تهران و کوشش هیئت دبیران در خارج از کشور کنفدراسیون توانست
جنبش جمع آوری کمک بهم میهنان زلزله زد هوانا باخر یعنی نظارت کامل در مصرف رساندن کمکها بموفقیت بانجام رساند.

این فعالیت‌ها نتایج زیرمندی شده:

۱- در مورد توزیع لیاستر و بطریقه‌های گرد آمده: از آنجا که بازخورد یک سال از وقوع زلزله خراسان میگذشت و بنظر اداره شیروخورشید در حال حاضر احتیاج مبرمی به بخش ایسه و دارو نمیشد قرار شد لباس و داروهای جمع آوری شده بسته بندی و در انبارهای شیروخورشید نگهداری شود و در حوادث بعدی بلافاصله به کشف راسیون اطلاع داده شود که نماینده یا نمایندگان خود را برای دریافت در پیکر آنها تعیین نمایند. کشف راسیون این پیشنهاد را قبول کرده و موافقت خود را بطور کتبی به اطلاع مدیرعامل شیروخورشید رسانید.

۲- در مورد ساختمان مدرسه: از طرف وزارت آموزش و پرورش، چهار قطعه زمین در چهار نقطه از مناطق زلزله زده جنوب خراسان برای ساختمان چهار مدرسه از محل پولهای جمع آوری شده به شرح زیر در اختیار کشف راسیون قرار داده شد:

۱- مرکز بخش بجستان	شهرستان گناباد
۲- مرکز بخش قاین	شهرستان بیرجند
۳- مرکز بخش سرایان	شهرستان فردوس
۴- روستای دولتی	در ۷ کیلومتری گناباد

جریان واگذاری مکانی این چهار قطعه زمین و اجاره ساختمان مدرسه در آنجا از طرف وزارت آموزش و پرورش بطور کتبی به نماینده کشف راسیون در ایران اطلاع داده شده.

۳- اقدامات بعدی: هیأت دبیران کشف راسیون پس از دریافت این خبر از ایران - پولهای گرد آمده را (مقداری پول و سایر حسنیات مالی در گزارش دبیرمالی) حامد آمد) به حساب آقای مهندس کاظم حسینی استاد دانشگاه تهران واریز نمود. آقای مهندس حسینی پس از مراجعت دوست ما به خارج از حزب کشف راسیون جهانی کتبه و طایفه مربوط به ساختمان مدارس - امور اداری و مالی آنرا به عهده گرفته است.

در حال حاضر آقای مهندس حسینی مشغول خرید مصالح ساختمانی میباشد و پس از پایان رضای و آغاز بهار کار ساخت مدارس آغاز و برای سال تحصیلی جدید مدارس ساخته شده مورد استقبال دانش آموزان مناطق زلزله زده قرار گیرد.

۴- فشار سازمان امنیت - باید اضافه کرد که این فعالیت کشف راسیون و مسافرت نماینده کشف راسیون به ایران بدون اجازت فشار و ایجاد مزاحمت از طرف سازمان امنیت نبوده است. چند روز پس از بازگشت دکتر هلد من از ایران سازمان امنیت در مورد مائیت را احراز و بازجویی از او تا روز حرکت دوست ما از ایران ادامه داشت. در رابطه با فشار سازمان امنیت وزارت آموزش و پرورش و شیروخورشید سرخ موافقتهای شفافی را که با حضور دکتر هلد من انجام گرفته بود فراموش کرده با ایجاد مشکلات

بیشمار از انجام کار و پیشرفت آن جلوگیری مینمودند ولی بالاخره مقاومت نماینده کشف راسیون در لیبی - ایران و دشمنی هیأت دبیران در خارج وزارت آموزش و پرورش و سلطه سازمان شیروخورشید سرخ موافقت با خواستههای کشف راسیون - کتبی اطلاع دادند و دوست ما پس از شش ماه وقت بیکوت - روز به اروپا مراجعت کرد.

تظاهرات دانشجویان ایرانی در شوروی - فعالیت کشف راسیون در دفاع خلع - خواستههای آنان - هیأت دبیران کشف راسیون روز ۱۲ مارس ۶۹ از طریق تلگرافی سازمان دانشجویان ایرانی در مسکو و اخبار خبرگزاریها اطلاع یافت که روز قبل (۱۱ مارس) دانشجویان ایرانی با همکاری دانشجویان کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مقابل سفارت ایران در مسکو دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات علیه عدم تمديد و تجدید برنامه و به خاطر به رسمیت شناختن آنها از

طریف ایران صورت گرفت. دبیرخانه تشکیلات کنفدراسیون به نامه پس از این خبر اقدامات زیر را انجام داد:

- ۱- طی تلگرافی به سفارت ایران در مسکو ضمن اعلام پشتیبانی کامل خود از مبارزه دانشجویان ایرانی در شوروی اعمال فشار و تنصیب بد دانشجویان را شدیداً محکوم کرده تمهیدات و تجدید کارنامه و انجام فوری سایر مطالبات دانشجویان را خواستار شد.
- ۲- طی بخشنامه‌ای از کلیه واحدها خواست که از طریق ارسال نامه ستلکرات بخش اعلامیه و سایر وسایل اعتراضی بیاری دوستان دانشجوی مادر مسکو برخاسته و با استفاده از عرامگانی که در اختیار دارند در تحقق خواستهای آنان بکوشند.
- ۳- با مسئولین فدراسیونها بطور جد اگانه تماس گرفته و خواست که بنام فدراسیون برای انجام خواست دوستان مادر شوروی به فعالیت بپردازند.

- ۴- هیئت دبیران با انعکاس مسئله در شانزدهم آذر کوشش کرد که فعالیت و تجهیز سازمانها را این جهت همچنان ادامه یابد.
- ۵- از طریق نامه و تلگراف از سازمان دانشجویان ایرانی در مسکو خواستیم که اطلاعات بیشتری در زمینه مبارزه و خواستهای خود را اختیار و اقرار دهند تا برپایه آن بتوانیم فعالیت خود را گسترش دهیم.

- ۶- بدنبال این اقدامات فعالیت اعتراضی شدیدی علیه سفارت ایران در شوروی - و علیه پلیس شوروی از واحدهای کنفدراسیون انجام گرفت (در تظاهرات ۱۱ مارس در مسکو پلیس شوروی به تظاهر کنندگان حمله و در نتیجه چند نفر زخمی شدند. جریان تظاهرات و حمله پلیس در شانزدهم آذر مفصلاً آمده است)

- ۷- از طرف دوستان دانشجوی مادر شوروی نامه‌ای بتاريخ ۱۳ اوت ۶۶ به کنفدراسیون رسید. در این نامه نوشته شده بود که در جریان تظاهرات ۱۱ مارس "سفارتچیان بنمایندگان دانشجویان قول دادند که اگر تظاهرات دست بردارند بجز خواستهای آنان ترتیب اثر داده و آماده برای مذاکرات مبرخشان بنمایندگان دانشجویان خواهند بود. . . . از این وعده سفارت روز گذشته اما سفارتچیان حتی حاضر بقبول نمایندگان نشدند."

- ۸- دبیران کنفدراسیون بر اساس این گزارش در ششم اکتبر نامه‌ای به سفیر ایران در شوروی نوشت. در این نامه ضمن افشا "در فشاریکه از سازمان امنیت و نمایندگیهای سیاسی ایران در خارج که با برخورداری از همکاری پلیس کشور عای خارجی علیه دانشجویان ایرانی اعمال میشود نسبت به رفتار غیرقانونی و ارتجالی سفارت ایران در شوروی شدیداً اعتراض کرده - تامین فوری خواستهای دانشجویان ایرانی مقیم اتحاد شوروی را طلب کرد."

- ۹- هیئت دبیران کنفدراسیون تصمیم گرفت در صورت عدم توجه سفارت ایران باین مسئله کامپاین وسیعی را سازمان دهد. به همین در نامه خود به سفیر ایران تاکید نمود که: "میخواهیم بفشار نسبت بدوستان دانشجوی مادر اتحاد شوروی خاتمه داده شود و گرنه نامه آنان هر چه زودتر تمدید گردد. در غیر این صورت کنفدراسیون جهانی علیه این اقدام شمای فعالیت اعتراضی وسیع و جدی در اروپا و آمریکا دست خواهد زد."

- ۱۰- بر همین اساس بود که با کلیه فدراسیونها و واحدهای کشوری تماس گرفته و خواستیم که برای ایجاد زمینه این مبارزه و هماهنگی آن به فعالیت بپردازند. کلیه فدراسیونها و واحدها با ارسال نامه‌های مشابه به سفارت ایران در شوروی این فعالیت را آغاز کردند. هیئت دبیران برای تجهیز بیشتر واحد حمایت نامه به سفارت ایران در شوروی رادر شانزدهم آذر چاپ کرد. در رابطه با مسئله گذر نامه دانشجویان ایرانی مقیم شوروی و مبارزه آنان برای تمهیدات و تجدید کارنامه غایب لازم میدانیم بجهت جریان آن در گذشته نیز بطور مختصر اشاره کنیم:

دانشجویان ایرانی در اتحاد شوروی روز ۱۶ آذر ۶۱ برای اعتراض به عدم تمهیدات و تجدید کارنامه خود ۳۶ ساعت

(۱۱)

در مرحله سفارت ایران در مسکو متحصن شدند که بالاخره پلیس شوروی آنها را از محل سفارت خارج کرد. پس از خروج دانشجویان از سفارت جلسه ای با شرکت دانشجویان و معاون رئیس دانشگاه لومومبا - نماینده پلیس امنیت شوروی و نماینده ای از طرف وزارت امور خارجه تشکیل شد. روز بعد نیز نامه از طرف رئیس دانشگاه به دانشجویان ایرانی رسید و از آنها خواسته شده بود که با رئیس دانشگاه ملاقات نکنند. رئیس دانشگاه در این ملاقات به تحصن دانشجویان اعتراض کرده و در عین حال اضافه نمود: "که اگر تاپانزده روز گذشته دانشجویان در مسکو متحصن بودند، باید تلافی می گرفتیم". ولی علیرغم تلاش سفارت ایران و این رفتار پلیس و مقامات، دانشجویان شوروی - مبارزه دانشجویان ایرانی در آنسال بموفقیت نسبی منتهی شد و سفارت ایران گدنامه دانشجویان را تمدید کرد. خود داری مجدداً سفارت از تمدید گدنامه بتظاهرات وسیع دانشجویان در مارس ۶۹ و حمایت عمومی واحد های کنفدراسیون از این مبارزه آنان انجامید. طبیعی است که این مبارزه باید تارفع فشار از دوستان دانشجویی مادر شوروی و تمدید و تجدید گدنامه آنان ادامه یابد.

تظاهرات علیه مسافرت هوید ابرویا:

آلمان - هیئت دبیران در اواسط آوریل ۶۹ اطلاع یافت که هوید نخست وزیر رژیم دست نشانده ایران روز ۲۸ آوریل جهت عقد قرارداد ادعائی با دولت آلمان غربی وارد برلین میشود. هیئت دبیران پس از اطلاع از این خبر اقدامات زیر را انجام داد:

- ۱- طی شانزده ساعت با صدراعظم آلمان غربی علیه دعوت از هوید اعتراض کرده و عقد محرکونه قراردادی را محکوم نمود. مبنی بر لغو دعوت و در اختیار خبرگزاریها منابع مهم قرار گرفت.

- ۲- هیئت دبیران طی اعلامیه ای که برای کلیه مطبوعات و خبرگزاریها ارسال شد اعلام کرد که بمنظور افشاء ماعت رژیم ایران روی مسئله برلین - ترور و اختناق حاکم بر کشورما - سیاست فرهنگی رژیم و غیره در کنفرانس میز دایر با حضور خبرنگاران جرائم نمایندگان خبرگزاریها حاضر به بحث با هوید امیباشد. نخست وزیر ایران از ترس رسوائی باین اعلامیه جوابی نداد.
- ۳- دبیرخانه تشکیل تظاهرات و واحد غاوازکنگرهای فد راسیون اتریش و فد راسیون ایتالیا خواسته علیه مسافرت هوید با آلمان و دعوت دولت آلمان از او اعتراض کنند.

- ۴- هیئت دبیران که فد راسیون پس از تماس با سازمانهای مرفی دانشجویی آلمان کوشش کرد تظاهراتی با همکاری دانشجویان مرفی آلمان و خارجی علیه مسافرت هوید با آلمان ترتیب داد. در نتیجه روز ۲۹ آوریل تظاهراتی از طرف فد راسیون آلمان و نیز هیئت دبیران در برلین (آلمان غربی) علیه مسافرت هوید صورت گرفت. جریان این تظاهرات از طرف خبرگزاری اوپ - پی - ایز - مخابره و در برخی از مطبوعات آلمان منعکس شد. (جریان تظاهرات و چگونگی انعکاس آن در شانزدهم آوریل چاپ رسید) در ضمن درباره این تظاهرات وضع کار سازمان فدایی آن در کشور یازدهم فد راسیون آلمان بحث شد.

ترکیه - دانشجویان ایرانی در ترکیه نیز علیرغم امکانات محدود فعالیت در این کشور و فنل شدیدی پلیس نسبت به دانشجویان مبارزه در جریان مسافرت هوید با آلمان باین کشور (در نیمه ماه ژوئن) تظاهرات موفقیت آمیزی با همکاری دانشجویان مرفی ترک ترتیب دادند. در این تظاهرات در حالیکه هوید ابهراهی دمیرل (نخست وزیر ترکیه) از فرودگاه بشهر میآمد مسیر راه با پر تابلو تخم مرغ گندیده از طرف دانشجویان ایرانی و ترک مواجه گردید (جریان این تظاهرات در مطبوعات ترکیه منعکس شد) (عسکریان باین مسافرت - واحد استانبول نیز اعلامیه مفصلی درباره اوضاع ایران - وابستگی رژیم پامپریالیسم - ترور اشتقاقی موجود در کشور ما و فعالیت سازمان امنیت در داخل و خارج تهیه و بطور وسیعی پخش نمود.

(۱۲)

سازمانهای دانشجویان ایرانی در شوروی و مصوبه شکره نهم کنفدراسیون

بر اساس نامه شماره ۶۸ نامهای با امضاء کنفدراسیون تحصیل و دانشجویان ایرانی مقیم اتحاد شوروی "مبنی بر تقاضای عضویت در کنفدراسیون جهانی دبیرخانه کنفدراسیون رسید". کنگره نهم کنفدراسیون هیئت دبیران را موصوف نمود که برای رسیدگی باین تقاضا با تعزیه ای بشوروی سفر شد. در نامه این سازمان به کنفدراسیون نوشته شده بود که این فصولیون تشکیل شده است "از واحد های دانشجویی در آذربایجان شوروی - شهر مسکو و تاجیکستان شوروی".

در ۲۰ مارس ۶۹ نامه دیگری بدبیرخانه کنفدراسیون رسید که در آن خبر تشکیل "د کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تاریخ ۱۴ مارس ۶۹ مرکب از سازمان دانشجویان ایرانی در مسکو - سازمان دانشجویان ایرانی در ایروان - سازمان دانشجویان ایرانی در لنینگراد اطلاع داده شده بود". در پانزدهمین نامه اضافه شده بود که "در آینده نزدیک اسانامه کنفدراسیون و تقاضا نامه های مافراستاده خواهد شد".

دبیرخانه تشکیلات کنفدراسیون بتصور اینکه این همان کنفدراسیون قبلی است در ۲۲ مارس ۶۹ طی نامه ای باین

سازمان متن مصوبه کنگره را اطلاع داد و آمادگی هیئت دبیران را برای انجام این مصوبه اعلام نمود.

در ۲۷ ماه مه ۶۹ نامه دیگری از این سازمان بدست ما رسید. در این نامه ضمن تقاضای عضویت پیوسته در کنفدراسیون

نوشته شده بود که "نامه شمارا دریافت کردیم پس از قرائت آن بر ما روشن شد که سو* تقاضای وجود دارد و آن اینست که شما

کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در شوروی را که در ۱۳ مارس تشکیل لاریده با کنفدراسیون دیگری اشتباهی گرفته اید. موضوع از این قرائست که اتحادیه های دانشجویان ایرانی در مسکو (دانشجویان دانشگاه دوستی ملل) - لنینگراد و ایروان پس از تطاعیراتی

که در تاریخ ۱۰ و ۱۱ مارس مقابل سفارت ایران جهت تمهید و تجدید گزینامه های خود ترتیب داده بودند برای مبارزه و فعالیت

بهتر تصمیم به تشکیل کنفدراسیون گرفتند " دبیرخانه تشکیلات پس از اطلاع از مراتب بالا در تاریخ ۳۰ ژوئن ۶۹ نامه ای برای سازمان

که بشکره نهم تقاضای عضویت داده بود ارسال داشت. در این نامه فتوکی نامه مورخه ۲۲ مارس ۶۹ کنفدراسیون که اشتباها

برای کنفدراسیون دیگری پست شده بود ضمیمه گردید. در این نامه ضمن اعلام آمادگی هیئت دبیران کنفدراسیون برای انجام

مصوبه کنگره نهم تقاضا کرده بودیم نرس سازمان را درباره این مصوبه و درباره وجود احتمالی "د کنفدراسیون" در اتحاد شوروی

به کنفدراسیون بنویسند. به نامه کنفدراسیون تاکنون جوابی نرسیده است.

ولی مکاتبه ما با سازمان دوم ادامه یافت. این سازمان طی نامه ای بتاريخ ۲۹ اکتبر ۶۹ از هیئت دبیران کنفدراسیون خواسته بود

که برای آشنائی نزدیک با کنفدراسیون نمایندگانی از طرف کنفدراسیون به شوروی مسافرت کنند. و متقبل شده بود که تمام مخارج یکی از نمایندگان را بعهده گیرد.

دبیرخانه تشکیلات در ۶ نوامبر ۶۹ ضمن نامه ای تصمیم هیئت دبیران مبنی بر اعزام یک نماینده بشوروی را بآنها اطلاع داد.

در این نامه مشخصات نماینده کنفدراسیون برای تهیه بلیت و ویزا ضمیمه شده بود و اضافه کردیم اواخر نوامبر برای لین مسافرت

مناسب میدانیم. در ۳۰ نوامبر ۶۹ دوستان دانشجوی مادر شوروی با اطلاع دادند که میتوانیم در فاصله ۱۰ تا ۱۵ دسامبر ویزای

شوروی را از سفارت شوروی در برلن دریافت کنیم. منتها با توجه به برگزاری کنگره دهم کنفدراسیون و بعد مسافرت (که انجام آن

بچند روز وقت احتیاج دارد) امکان مسافرت در این تاریخ نمیتوانست عملی گردد.

(۱۳)

ناوالیری در آلمان:

در رابطه با برنامه افشا، پیکر ماعت رژیم ازیگسو و همکاری کنفدراسیون با سازمانهای دموکرات ازیسون دیگر در ماه مه ۶۹ بابتکار و دعوت کنفدراسیون جهانی و باعزیه سازمانهای دانشجویان پروتستان آلمان (ای - اس - گ) آقای نایبکی ناوالیری شهر دان معروف ایتالیائی که به نمایندگی و باعزیه کنفدراسیون جهانی در ادگاه بدوی نسامی تهران (ادگاه ۱۴ نفر) شرکت کرده بود در پنج شهر آلمان در کنفرانسهایی که بدیج مشهور ترتیب داده شده بود شرکت نمود.

آقای ناوالیری که از تاریخ ۹ تا ۱۴ ماه مه با آلمان مسافرت کرده بود به ترتیب در روزهای ۹ - ۱۰ - ۱۲ - ۱۳ و ۱۴ ماه مه در شهرهای سبای مزایج - داراسروغف - ارشنتات - گیسن - و فرانکفورت در جلسات کنفرانس به بحث درباره ماعت ادگاه های نسامی در شانند اختتام و ایران پرداخت.

در این جلسات که اغلب در سالن دانشگاه تشکیل شد عده زیادی از دانشجویان و روشنفکران مرقی ایرانی و خارجی در آن شرکت داشتند علاوه بر ادگاه چهارده نفر و وضع ایران درباره مسئله دفاع از زندانیان سیاسی - کنفرانس بین المللی دفاع و بیم قانون خارجیهات را آلمان بدیج و گیتکو شد.

ترتیب این کنفرانسهها کام دیگری بود در روشن کردن افکار عمومی و تجهیز آنان برای حمایت از مبارزه کنفدراسیون جهانی.

(۱۴)

شرکت در کنگرهای فدراسیونها

هیئت دبیران بایرگزاری نشستهای دانشجویی (کنگرها و سمینارها) بعنوان فرصت مهمی برای طرح مسائل در کنگره فدراسیون و به بحث گذاشتن وسیع و توده‌ای آنها برخورد کرد و شرکت در این نشستها را بطور جدی در دستور کار خود قرار داد. در نتیجه توانستیم در کلیه نشستهای دانشجویی (کنگرهای اتریش - ایتالیا - آلمان - آمریکا - سمینارهای کنگره فدراسیون و فدراسیونها) کنگره سازمان دانشجویان ایرانی در آنکارا و استانبول) بطور فعال شرکت کنیم. دبیر تشکیلات از طرف هیئت دبیران و در چهارچوب برنامه تشکیلاتی در کلیه کنگره‌ها شرکت داشت. شرکت مادر کنگره نه بخاطر درجملاتی رسمی و قرائت پیامی مختصر بلکه بمنظور انتقال تجارب واحد ها - تبادل نظر و بررسی مشترک مسائل جنبش - طرح مسائل و مشکلات کنگره فدراسیون و بخشهای مختلف آن - ارزیابی از وضعیت جنبش - کوشش در جمع‌آوری پاسخ در دست مسائل و نیازها - یافتن راههای لازم برای انجام هر چه بهتر و غایت خود - اشاره به کمبود ها - آگاه ساختن توده وسیع دانشجویی از زندگی و فعالیت کنگره فدراسیون و یاری گرفتن از آن و بالاخره ترمش برای پیاده کردن مصوبات کنگره نهم در سطح واحد ها انجام میگرفت. لاین شیوه برخورد و عمل عامل مهمی است برای ایجاد یکپارچگی در واحد ها و هماهنگ ساختن مجموعه کنگره فدراسیون. علاوه بر این گزارش این کنگره و ارزیابی از کار آنها را بطور کامل از طریق ۶ آرد به باطلاع واحد ها و اعضای کنگره فدراسیون رسانیدیم.

مسافرت به واحد ها

هیئت دبیران و دبیرخانه تشکیلات کنگره فدراسیون از عزم ابتدای خود بپارواری از کمبود ها و مواجه شدن که لازم بود برای رفع آنها کوشش جدی بعمل آید. در جریان فعالیت مشاهده میشد که در بسیاری از واحد ها تمهیدات لازم در کارها وجود ندارد. ارتباط با ارگانهای کنگره فدراسیون بطور منظم انجام نمیشود - واحد ها و فدراسیونها از کوششها و فعالیتهای یکدیگر بی‌خبرند. استفاده متقابل از تجارب بدلیل ناموزون و نامنظم بودن فعالیتها بخوبی صورت نمیگیرد - برخی از سازمانها بدلیل سرگرم بودن بکارهای محلی در برخورد به کنگره فدراسیون بطور عمد از مسائل مشخص خود حرکت میکنند. هیئت دبیران و دبیرخانه تشکیلات کنگره فدراسیون باتوجه باین واقعیتها باین نتیجه رسید که باید برای کاهش و رفع این کمبود ها - توضیح مسائل جنبش - آشناسازی با مشکلات و فعالیتهای سازمانهای محلی و شناخت از سطح کیفی واحد ها - ارزیابی دقیق از ظرفیت و توانایی آنها و بالاخره ایجاد بینشی واحد در برخورد با مسائل جنبش به تماس مرتب و مداوم با واحد ها و مسافرت با تجارب از پیش توجه کند و بالاخره در رجعت تحقق این منظور موفق شد:

بکلیه واحد ها فدراسیون ایتالیا - کلیه واحد ها فدراسیون اتریش - واحد های اصلی سازمان آمریکا و سازمانهای شمال

کالیفرنیا - جنوب کالیفرنیا - شیکاگو و نیویورک و کالج های این مناطق) - اکثر واحد های فدراسیون آلمان - واحد های فدراسیون

ترکیه و بالاخره واحد های پاریس - لندن - بلژیک مسافرت کرده در جلسات عمومی آنها شرکت نمودند. (علاوه بر این از طرف

دبیرخانه تشکیلات نمایندگی برای تماس و گفتگو با دوستان دانشجویی مادر استکپله‌ها آچارفته با دوستان سازمان استکپله‌ها بطور

مفصل درباره مسائل کنگره فدراسیون گفتگو کرده و در جلسه عمومی سازمان شرکت نموده است. (باید اضافه کرد که برخی از واحد ها

بخاطر لزوم تماس بیشتر و یا مسائلی که بوجود میامد دو تا سه بار مسافرت شده است. (گزارش کامل مسافرت به واحد های ایتالیا و

آمریکا در شانزدهم آرد به چاپ رسیده است) برخورد بسیار واحد ها جداگانه بکنگره ارائه خواهد شد.

(۱۵)

گسترش فعالیت و روابط کنفدراسیون در دو سطح - با دانشجویان ایرانی و سایر هم میهنان مبارز -

کوشش برای گسترش فعالیت کنفدراسیون و ایجاد روابط وسیع تر با دانشجویان ایرانی و سایر هم میهنان مبارز از موارد قابل ملاحظه کار کنفدراسیون در سال گذشته بوده است .

گسترش رابطه با دانشجویان ایرانی : - کنفدراسیون موفق شده با دانشجویان ایرانی در ژاپن - در کانادا و بیروت روابط نوینی ایجاد و آنها توسعه دهد . نشریات کنفدراسیون بطور مرتب برای آنان ارسال میگردد . ما اطمینان داریم که این روابط که هم اکنون در باره ای از موارد شکل گرفته و منظم شده است در آینده با استحکام بیشتر وحدت بخشیدن دانشجویی ایران و گسترش آن خواهد انجامید .

در ژاپن - در نتیجه رابطه هیئت دبیران با دوستان دانشجوی ایرانی مقیم ژاپن و فعالیت آن عده از دوستان مبارز و آگاه مادر آنجا مسائل ایران و مبارزات کنفدراسیون جهانی چند بار در مطبوعات این کشور بطور وسیع منعکس شده است . (مادر شانزد هم آذر شماره ۷ با چاپ ترجمه یکی از این مقالات که در یکی از معتبرترین روزنامه های دانشجویی این کشور درج شده بود - نمونه ای از این کوشش پر موفقیت را نشان دادیم) .

در کانادا - در نتیجه کوشش دوستان مادر کانادا مسائل ایران و مبارزات کنفدراسیون جهانی در مطبوعات این کشور نیز انعکاس یافت .

در بیروت - هیئت نمایندگی کنفدراسیون جهانی در بازگشت از اردن و عراق مدت دو روز در بیروت اقامت کرده با عده ای از دوستان دانشجوی مقیم بیروت ملاقات نمود . در جریان این ملاقات درباره کنفدراسیون جهانی - مسائل سازمانی - چگونگی فعالیت و مبارزات و اخذ نما و مجموعه کنفدراسیون - مسائل و وظائف جنبش دانشجویی ایران و هم چنین در مورد گسترش روابط کنفدراسیون جهانی با دانشجویان ایرانی مقیم بیروت و پخش وسیع تر نشریات در آنجا بطور مفصل بحث و گفتگو گردید .

در زوریخ - در نتیجه فعالیت عده ای از دوستان جوان سازمان پروجا^۱ ترکیه با دانشجویان ایرانی آگاه و علاقمند به جنبش در زوریخ - مدتی قبل سازمان دانشجویان ایرانی در زوریخ تشکیل گردید . دبیرخانه تشکیلات کنفدراسیون از همان ابتدا ای فعالیت کوشش کرد با کمک کردن باین دوستان (خصوصاً از طریق رفقای پروجا) بسم خود در ایجاد این سازمان و حفظ رابطه به آن بکوشد . لازمست هیئت دبیران آینده از طریق مسافرت باین شهر و گفتگو با دوستان ایرانی در آنجا در شکل گرفتن بیشتر این سازمان جوان بکوشد .

در ترکیه - در نتیجه فعالیت دوستان مادر ترکیه کنفدراسیون ترکیه توانسته است با دانشجویان ایرانی در ازمیر - طرابزون و ارض روم تماس مرتبی ایجاد کند . هم اکنون نشریات کنفدراسیون بطور منظم برای دانشجویان ایرانی در این شهرها ارسال میگردد و دوستان مادر ترکیه میکوشند باین روش بطور هرچه بیشترین تحکیم و گسترش بخشند .

در آلمان - مونستر - دوستان دانشجوی ایرانی در مونستر در یکسال اخیر کوشیده اند با تقویت ساختن شناخت خود از کنفدراسیون - مواضع و مبارزات آن - همراه با سایر دانشجویان مبارز ایرانی در مبارزه مشترک جنبش دانشجویی ایران شرکت جویند . دبیرخانه تشکیلات کنفدراسیون کوشش کرد از طریق ارسال نشریات و مکاتبات بدوستان دانشجویی ایرانی مقیم این شهر در تشکیل سازمان کمک کند و سپس از طریق مسافرت دو روزه باین شهر بحث و تبادل نظر وسیع با این دوستان به تشریح مواضع و مبارزات

(۱۶)

گفدراسیون پیرد از د . سازمان دانشجویان ایرانی در مونستر تقاضای عضویت در گفدراسیون آلمان و گفدراسیون را نموده است که از عزت کنگره باین تقاضا رسیدگی خواهد شد .

در غندوستان

باتوجه باینکه عده زیادی دانشجوی ایرانی در غندوستان مشغول تحصیل میباشند و تعداد آنان بطور مرتب افزایش میابد عیثد بیران گفدراسیون سعی نمود به نحوی (در ابتدا از طریق انتشارات) با این دوستان ایجاد رابطه کند . این روابط را که عم اکنون بر مراحل اولیه خود میباشند باید در آینده توسعه داد .

در گرونویل

در سال گذشته عیثد بیران گفدراسیون و اتحادیه فرانسه کوشش کردند با دانشجویان ایرانی مقیم گرونویل روابط منطقی ایجاد کنند . مسافرت نمایندگان گفدراسیون و دوستان پاریس به گرونویل و بحث و گفتگوی مقصد با دانشجویان ایرانی در این شهر یکی از موارد این کوشش گفدراسیون را نشان میدهد . در ضمن ارسال نشریات گفدراسیون برای دانشجویان ایرانی در این شهر بطور مرتب انجام گرفته است .

گسترش روابط با سایر هم میهنان مبارز

باتوجه باعتقاد بوجدت عمل و نمائندگی فعالیت نیروی مبارز و متروقی ضرورت طرح خواستههای مشترک و دفاع از آن و بالاخره لزوم همکاری بیشتر نزد یکدیگر میان آنان سعی کردیم روابط گفدراسیون را با سایر نیروهای ملی و مبارز گسترش دهیم . گسترش رابطه با روحانیون مترقی و مبارز دفاع از مبارزه آنان (که در انتشارات گفدراسیون نیز مشهود است) همچنین ایجاد رابطه با " اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا " بر اساس همین اعتقاد انجام گرفته است .

ملاقات با حضرت آیت اله خمینی

همچنین بر پایه این اعتقاد و برای تعیین پیوند میان روحانیون و امپریالیست و جنبش دانشجوی ایران و معرفی بیشتر مبارزات گفدراسیون جهانی عیثد نمایندگی گفدراسیون از فرصت شرکت در پنجمین کنگره اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی استفاده کرده با حضرت آیت اله خمینی وعده دیگری از روحانیون مترقی ایرانی مقیم عراق ملاقات نمود . عیثد نمایندگی گفدراسیون در این ملاقات بمسئلتی گفدراسیون جهانی را با مبارزه ضد امپریالیستی روحانیون مترقی اعلام داشت . عیثد نمایندگی گفدراسیون در این گفتگو فعالیتها و مواضع گفدراسیون جهانی را در بخشهای مختلف توضیح داد و به اهمیت همکاری بیشتر از پیش نیروهای ضد امپریالیستی ایران اشاره نمود . حضرت آیت اله خمینی بویژه ضرورت پشتیبانی از مبارزه روحانیون ایران - دفاع از حقوق آنان - اعتراض علیه فشار و تشدید رژیم که نسبت با آنان اعمال میشود یاد آورشده اند .

مسئله تیمور بختیار - مسافرت به عراق

تیمور بختیار این نوکر امپریالیزم - مجری و عامل جنایات بشمار در ایران در جریان مبارزات مردم آذربایجان در سالهای ۲۴ و ۲۵ طی سالیان دراز یک پسر بیست و هشتم مرداد ۳۲ در رأس فرمانداری نظامی تهران و سازمان امنیت قرار داشت بر کشتار مبارزان دلاوری نظیر سیاح - قاضی - روزبه و صدعا مبارز ضد امپریالیست دیگر از چند سال قبل بدینال احتلال شدید شاه - در خارج از کشور مشغول فعالیت است که گفدراسیون بمطابق سازمانی ضد امپریالیستی نمیتوانست نسبت باین فعالیت بی تفاوت باشد . اهمیت این مسئله برای جنبش دانشجوی ایران از جمله باین دلیل بود که سالهاست ارتجاع ایران بر سبیری شاه و همچنین بختیار و عوامدانه و لایها مدفهای مختلف میگویند مسئله " رابطه بختیار " و فعالیتهای مبارزان ضد امپریالیست ایران بویژه در خارج از کشور را آنچنان معرفی کنند که گویا بختیار گرداننده این مبارزات میباشد .

بختیار جلال در نوشته های خود بابر خورده و مدیانه و عوامفریبانه با مسائل مردم ایران و اعتقادات مذهبی عمیق مردم آشکارا از از " رهبری " مبارزات مردم توسط خودش صحبت میکند . رژیم شاه نیز با خیر شایعات میخواند چنان وانمود شد که مخالفان رژیم و از جمله گفدراسیون از جانب مرتجعینی تقویت میشوند و گرداننده ایشان نیز بختیار همان جلال مصروف میباشد . گفدراسیون

(۱۷)

جهانی بارها از طریق انتشارات خود و اطلاعیه های مطبوعاتی مائیت شاه - بختیارو این تو طئه ها را افشا کرده است .
 باتوجه به تشدید فعالیت بختیار و باتوجه باینکه رژیم مصیوعات عراق در رابطه با رویداد های خاورمیانه - اختلاف مرزی با ایران و
 مقابله با تحریکات رژیم شاه در شط العرب نه تنها از بختیار حمایت کرده بلکه او را بعنوان "زعیم" و "رعبر" ملت ایران معرفی میکردند
 عیث نمایندگی کفدراسیون جهانی که بدعوت اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی برای شرکت در پنجمین شکره اتحادیه به اردن
 رفته بود پس از پایان کار شکره باتوجه با عیث مسئله به عراق مسافرت کرده برای اعتراض بمقامات عراقی و جرائد این کشور در برابر
 مسئله تیمور بختیارو منظر افش بیشتر مائیت این توکر امپریالیزم مصیوعات عراق مراجعه و علیه مقامات عراقی از بختیار و مطالب
 جرائد این کشور در این زمینه اعتراض نمود . عیث نمایندگی کفدراسیون در جریان مصاحبه با روزنامه النور (وابسته به حزب
 دموکرات کردستان) و الثورة (روزنامه دولتی عراق) مواج کفدراسیون را درباره بسیاری از مسائل ملی و جهانی و بویژه در باره
 تیمور بختیارو مائیت او و اینکه بختیار نه تنها " رعبر " مردم ایران نیست بلکه جنایتکار و عامل امپریالیسم میباید اعلام کرد .
 پس از بازگشت عیث نمایندگی کفدراسیون روزنامه های النور و الثورة بدست کفدراسیون رسید . روزنامه الثورة (بعد از چاپ مقداری
 از گفته های نماینده کفدراسیون و معرفی کفدراسیون و مبارزات آن به طور مفصل) با برخوردی غیر صمیمی و سود جویانه به کفدراسیون
 و سوء استفاده از کفدراسیون در رابطه با اختلاف ایران عراق که همان به مسئله بختیار و بد ادب او از مردم میکی بودن او باشاه
 و بالاخره اعترا مائیه " زعیم " نامیده شدن این جلا از جانب رژیم و مطبوعات عراق اشاره ای نکرده بود بلکه با آوردن فقط بخشی از
 گفته های کفدراسیون و آنهم نادقیق مسئله را آنچنان مطرح کرده بود که گوئی کفدراسیون با اعتراض دولت عراق انجام میدهد
 سوءاقت کامل دارد .

عیث دبیران کفدراسیون پس از دریافت الثورة باینگونه مانور مائیت استفاده ازانه روزنامه های عراقی و سایر روزنامه های عراقی و سایر
 روزنامه های که احیاناً از این مسافرت عیث نمایندگی به عراق سوء استفاده میکنند شدیدا اعتراض کرده و پیدار دیگر از روزنامه های
 عراق خواست که مواج کفدراسیون را عم درباره رژیم شاه و هم بختیار جلا منتشر کنند . (به شانزدهم آوریل شماره ۱۰ مراجعه شود)
سایر فعالیت های کفدراسیون و دبیرخانه تشکیلات

در ۲۴ مارس ۶۹ بوسیله قذراف سیون گزارش اطلاع حاصل کردیم که سه نفر از دوستان مبارز ما روز دوم فروردین که پس از انجام
 برنامه هنری روز سازمان وین بشهر خود گراتس مراجعت میکردند در اثر سانحه اتومبیل جلن سپردند . در جریان ایمن
 تصادف شاعر ریاضی عضو هیات کارداران و پرویز رفیعی از اعضای فعال این سازمان گراتس در همان محل حادثه و شهبین
 فرجاد پس از چهار روز بیهوشی در بیمارستان درگذشتند . همچنین دو نفر دیگر از دوستان فعال ما سهیلا ثقفی و فرهاد
 فرجاد بسختی مجروح و در بیمارستان بستری شدند . هیات دبیران کفدراسیون پس از دریافت این خبر دردناک طی اطلاعیه ای
 جریان این واقعه پرانده را بگلیه واحد ها اطلاع داده و خواست که از یک سو با برگذاری جلسات یادبود خاطره دوستانی را
 که در جریان مبارزات کفدراسیون جان خود را از دست داده گرامی داشته و از سوی دیگر با جمع آوری کمک مالی برای تشییع
 جنازه باشکوه دوستان شهید و تامین مخارج بیمارستان دو دوست دیگر همبستگی هرچه بیشتر خود را نشان دهند . علاوه
 بر این

- ۱ - هیات دبیران کفدراسیون طی اطلاعیه ای و همچنین از طریق ارسال تلگراف از طرف کلیه اعضای کفدراسیون این حادثه
 دردناک را بخانواده رفقای شهید تسلیت گفت .
- ۲ - با کفدراسیون اتریش و سازمان گراتس تماس گرفته آمادگی کفدراسیون را برای هر گونه کمکی ببرگزاری هرچه باشکوه تر مراسم
 تشییع جنازه و کمک بدوستان مجروح شده اعلام داشت .
- ۳ - واحد های کفدراسیون بدنبال اطلاعیه هیات دبیران ضمن ابراز همبستگی عمیق با خانواده دوستان و رفقای اتریش کوشش
 کردند بسم خود در حد توانائی در این زمینه کمک نمایند .
- ۴ - کفدراسیون اتریش و سازمان گراتس برای همبستگی با رفقای از دست رفته و زخمی با ایجاد جنبشی بزرگ فعالیت پردری را انجام
 دادند . تقیل گلیه باموزنیو بهی حمل جنازه ها - دفن - ارسال به ایران و مخارج بیمارستان را با وجود همه مشکلاتی که در برابر
 آنها بود انجام دادند . صدها نفر از دانشجویان ایرانی در مراسم یادبود شرکت جستند و ۶ اتومبیل حامل رفقای ایرانی جنازه
 پرویز راناخارج شهر گراتس بدرقه کردند .
- اتحادیه نوین تورنست در عرض ۴ ساعت بیش از شصت و دو هزار شلینگ کمک بلاعوض اعانه برای تامین مخارج جمع آوری نماید .

(۱۸)

علاوه بر این، افشای اتریش یا در دست گرفتن کلیه امور مربوط به انجمن و کینه از هر گونه دخالت سفارت ایران که در این مسئله جلوگیری کنند.

دانشجویان مبارز ایرانی در اتریش علیرغم مواجهه با بسیاری مسائل و مشکلات (دنباله فعالیتهای مربوط به تظاهرات علیه مسافرت شاه به اتریش، مقابله با فشار پلیسریه واحد ها و فعالین، دادگاه سالم و غیره با سازمان دادن این مراسم بزرگ روحیه مبارز و حد اعلاى همبستگی خود را نشان دادند). (از آنجا که جریان این حادثه و فعالیتهای مربوط به آن در انتشارات سازمان گراتس در آمو بطور مفصل به چاپ رسیده است در اینجا به ذکر همین مختصر اکتفا میشود)

اطلاعیه های جمعی سازمان امنیت:

نگاهی بزندگی کنفدراسیون نشان میدهد که هر چه کنفدراسیون موانع ضد امپریالیستی خود را دقیقتر و غنی تر کرده و هر چه در عمل همبستگی خود را با مردم زحمتکش ایران بیشتر نشان داده شدید تر مورد حمله دشمن قرار گرفته. بنابراین اگر در چنین حالتی کنفدراسیون مورد حمله دشمنان رنگارنگ خلق و از آن جمله سازمان امنیت قرار میگیرد تصادفی و اتفاقی نیست. از جمله شیوه های این حمله جعل و تحریف نوشته ها و گفته های مسئولان - تهمت و افتراء و شایعه پراکنی علیه آنها و بالاخره تلاش در ایجاد تفرقه و نفاق در بین دانشجویان ضد امپریالیست است.

در رابطه با مبارزات درخشان کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اتریش در جریان مسافرت شاه باین کشور و بدنبال فعالیتهای وسیع دفاعی کنفدراسیون تلاشهای سازمان امنیت نیز در حمله به فعالین کنفدراسیون و کنفدراسیون اتریش و ایجاد تفرقه بین دانشجویان ضد و مبارز افزایش یافت. در این رابطه چند اطلاعیه جمعی نام سازمانها و کنفدراسیون اتریش و یکی تحت عنوان "اطلاعیه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی" چاپ و پخش گردید. هدف از انتشار این اطلاعیه جمعی این بود که با تخطئه مبارزات کنفدراسیون اتریش از سوئی در درون کنفدراسیون و از سوی دیگر میان مبارزان اتریش و هیئت دبیران کنفدراسیون ایجاد تفرقه شود. هیئت دبیران کنفدراسیون طی اطلاعیه ای که در سطح وسیع پخش گردید این اطلاعیه جمعی و عدد از پخش آنرا افشا کرده و با تأکید مبارزات درخشان دانشجویان ایرانی عضو کنفدراسیون اتریش پشتیبانی کامل خود را از کنفدراسیون اتریش و هیئت دبیران اتریش علیه تحریف ها و افتراء و گراتس اعلام داشت.

تهیه و پخش پرسشنامه کنفدراسیون:

عدم اطلاع دقیق از وضع سازمانها - چگونگی برنامه فعالیت آنها عموماً یکی از مشکلات بزرگ هیئت دبیران بوده و یکی از عواملی است که عدم امکان برنامه ریزی واحد و مداوم و بالاخره عدم هماهنگی فعالیت در مجموعه کنفدراسیون را بدنبال دارد. بدین جهت هیئت دبیران کنفدراسیون و دبیرخانه تشکیلات تصمیم گرفت بمنظور گردآوری اطلاعات دقیقتر از وضع سازمانها پرسشنامه ای تهیه و پخش کند که این پرسشنامه از طرف واحد ها پر شده و سپس بوسیله دبیرخانه تشکیلات جمع بندی و نتایج آن در اختیار کنگره و مجموعه کنفدراسیون قرار گیرد. روشن است که تهیه و جمع بندی این پرسشنامه ها به کنگره کنفدراسیون و هیئت دبیران امکان میدهد تا با استناد اطلاعات دقیقتر و بیشتر از وضع سازمانها و در نتیجه دیدی وسیعتر از چگونگی کار آنها نحوه فعالیت مسائل و کمبودهایشان در جهت کمک به حل این مسائل - ایجاد زمینه بهتر و شمر بخشتر کار - هماهنگی فعالیت کنفدراسیون و بالاخره اقدام در برنامه ریزی واحد و مشخص بر پایه واقعیت موجود - توانائی و امکانات هر واحد و مجموعه کنفدراسیون گامهای جدی

(۱۹)

بیرد ارد . علاوه براین با توجه اینکه پرونده های کنفدراسیون شناخت و دید روشنی از وضع سازمانها به دست نمیدهد و عیثت دبیران منتخب در هر دوره ناچار هست چند ماه اول کار خود را صرف کسب این دید و شناخت لازم بنماید تهیه چنین پرسشنامه های میتواند این کمبود را برطرف و یاحداقل کاستی دهد .

۲ - دبیرخانه تشکیلات با توجه با اهمیت گردآوری پاسخ سئوالها و پرسشنامه باین نتیجه رسید که تحقیق این منظور با شرکت فعال و همکاری مستقیم عیثت دبیران فدراسیونها میسر خواهد بود و بهمین دلیل مسئله پرسشنامه ها و اهمیت آنرا در جریان گفتگو و ملاقات با عیثت دبیران فدراسیون آلمان - ایتالیا - اتریش - آمریکا - واحد فواید در میان گذاشته طور مطلق ای جداگانه نیز با کلیه فدراسیونها و واحد های کشوری مطرح نمود . پرسشنامه تارا برای کلیه واحد ها و همچنین به تعداد واحد ها برای عیثت دبیران فدراسیونها ارسال داشتیم و تقاضا کردیم که عیثت دبیران در برگردن و سریع و دقیق پرسشنامه ها نصارت مرتب داشته و در جریان مملفرت به هر واحد بخشی از کار خود را بآن اختصاص دهند .

این پرسشنامه ها در ماه ژوئیه پختن شد . از آن تاریخ تاکنون نیز چند بار از واحد ها و فدراسیونها خواستیم که باین پرسشنامه ها بمنوان یک کار بورگرتیبله بعنوان وظیفه مهم وجدی برخورد کرده و در برگردن آنها بکوشند . ولی متاسفانه تنها واحد های محدودی بمپاسخ دادند بطوریکه امکان جمع بندی از آنها را غیر ممکن مینمود . اکثر واحد های ایتالیا - سازمانهای ترکیه و دو واحد اتریش پرسشنامه ها را برگردن ارسال داشتند . ولی متاسفانه سایر واحد ها بویژه واحد های فدراسیون آلمان باین مملفرت برخورد جدی نکردند .

به عیثت دبیران آینده پیشنهاد میکنیم که با توجه با اهمیت این مسئله - پس از گذر عم بانجام این امر مهم توجه کنند .

نشست مشترک عیثت دبیران کنفدراسیون و مسئولین فدراسیونها و واحد ها

عیثت دبیران کنفدراسیون برای کمک به عمامت ساختن فعالیتها در مجموعه واحد ها و طرح و بررسی وسیع مسائل و مشکلات کنفدراسیون تصمیم گرفت با استفاده از فرصت برگزاری کنگره یازدهم فدراسیون آلمان نشست وسیعی با شرکت مسئولین فدراسیونها و واحد های کشوری تشکیل دهد . بدین منظور از مدتی قبل جریان از مدتی قبل به اطلاع آنها رساند . و در نتیجه پس پایان کار کنگره فدراسیون آلمان نشست مشترک عیثت دبیران کنفدراسیون - نمینده کمیته اجرایی دفاع - دبیران فدراسیونها آلمان و ایتالیا - عیثت کار داران واحد فرانسه و نماینده شورای عالی سازمان آمریکا که در این زمان در آلمان بود (تشکیل گردید در این نشست که دو روز بطول انجامید وضعیت واحد های کنفدراسیون - مسائل امروز جنبه - مسئله عم گون ساختن فعالیت واحد ها و بخشهای مختلف کار - لزوم واگذاری مقدار بیشتری از کار کنفدراسیون به عیثت دبیران فدراسیونها - شرکت دادن بیشتر و فعالتر اعضا در زندگی کنفدراسیون - ایجاد رابط مظم بین واحد ها (بویژه فدراسیونها و واحد های کشوری) و بالاخره یکونگی انجام بهتر ر نمود ها و مصوبات کنگره های کنفدراسیون در سطح کشوری و محلی برخورد ار شد و بر این پایه راه جلهای مشخص پیشنهاد گردید .

تعارات در آمریکا و دفاع از رفقای دستگیر شده

عیثت نمایندگان کنفدراسیون که برای شرکت در شانزدهمین کنگره سازمان آمریکا باین کشور مسافرت نموده بود پس از پایان کار کنگره مسئله تضامات علیه مسافرت شاه با آمریکا - لزوم تجهیز در این باره و توجه به برنامه ریزی دقیق و تدوین ها - و بالاخره

(۲۰)

ایجاد زمینه لازم برای جلب همکاری بیشتر متحدین ضد امپریالیست کشف راسیون را با دوستان آمریکا مطرح نمود .
 هیئت نمایندگی کشف راسیون علاوه بر طرح این مسائل در سازمانهای شمال کالیفرنیا و نیویورک با مسئولین سازمان آمریکا نیز در
 مورد چگونگی برنامه ریزی دقیق در این زمینه بطور مفصل بحث و تبادل نظر نمود . دانشجویان ایرانی در آمریکا با وجود
 کوشش مقامات دولتی ایران و آمریکا در مخفی نگهداشتن تاریخ ورود شاه توانستند از این تاریخ پنهانی اطلاع حاصل کرده و
 تظاهرات پر دامنه ای را که از چنفر هفته قبل از طریق طرح وسیع مسائلی ایران - کار در دانشگاه کالج مونتگومری وسیع
 دانشجویان مرفقی ایرانی و خارجی تدارک دیده بودند بلا موفقیت سازمان دهند .
 هیئت دبیران کشف راسیون از طریق گزارش سازمان آمریکا و اخبار خبرگزاریها اطلاع یافت که در جریان این تظاهرات ۳ نفر از رفقای
 ایرانی و یکی از دوستان دانشجوی خارجی دستگیر شده و دستگیر شدگان که در قبال پرداخت و دیعه آزاد میشوند در روز
 ششم نوامبر محاکمه خواهند داشت .

هیئت دبیران کشف راسیون بلافاصله پس از اطلاع از این خبر طی نامه ای بزرگش فاشیستی پلیس نیویورک در حمله به تظاهرات و همچنین
 علیه سر غم بندی پرورنده و تصمیم به تشکیل دادگاه به شهر نیویورک شدیداً اعتراض نمود . علاوه بر این طی اطلاعیه ای جریان
 تظاهرات را بواحدها اطلاع داده و از کلیه واحد ها خواست که با ارسال تلگراف و نامه ضمن پشتیبانی کامل از مبارزات رفقای ما در
 امریکه علیه حمله وحشیانه پلیس نیویورک و علیه تصمیم به محاکمه و عقاب دستگیر شده بر شیعی پلیس و شهر نیویورک شدیداً
 اعتراض کنند و در عین جریان مبارزه رفقای مادر آمریکا را بطور وسیع در شهر محل اقامت خود منعکس نمایند . (جریان تظاهرات
 رفقای مادر آمریکا بطور مفصل در پیمان ۲۱ و شانزدهم آوریل ۱۰ و ۱۱ منعکس گردید)

شهادت صادق خسرو شاعی

هیئت دبیران کشف راسیون از طریق سازمان استانبول اطلاع یافت که دوست مبارز صادق خسرو شاعی عضو هیئت
 کارداران استانبول بعنوان اعتراض علیه جنایات سازمان امنیت در روز هشتم نوامبر ۶۹ خود را آتش زده و پس از سه روز در ساعت
 سه بعد از نیمه شب ۱۱ نوامبر در بیمارستان درگذشت .
 پس از مرگ صادق رفقای مادر استانبول علیرغم کوشش موزانه سفارت ایران در ترکیه برای ارسال مخفیانه جسد بایران - موفق میشوند
 بدنیال ایجاد تماس با خانواده صادق کلیه مخارج مربوط به جسد و فرستادن آنرا بایران بعهده گیرند و برای تأمین مخارج آن در
 فاصله بیست و چهار ساعت با جمع آوری میلی ببالغ بر هشت هزار لیره ترك همبستگی مبارزه جوانان خود را نشان میدهند . بهمناسبت
 درگذشت صادق مراسم یاد بود با شرکت وسیع دانشجویان ایرانی و سازمانهای مرفقی ترك در دانشگاه پزشکی استانبول و در
 دانشگاه قی در حضور نمایندگان مطبوعات برگزار گردید . جریان این مراسم با شرح ترور و اختناق در ایران و جنایات و فشار
 سازمان امنیت در داخل و خارج کشور بطور وسیع در جراید ترکیه انتشار یافت .

دبیرخانه تشکیلات بلافاصله بعد از دریافت این خبر پس از اینکه طی تلگرافی بنام کلیه اعضای کشف راسیون به خانواده خسرو شاعی
 تسلیت فرستاد از طریق بخشنامه جریان را بکلیه واحد ها اطلاع داد . در بخش نامه با تأکید این مسئله که صادق قربانی دیگر سیستم
 اختناق پلیسی ایران و قربانی تشدید فشار سازمان امنیت علیه مبارزان جوان خراج از کشور است از کلیه واحد ها خواسته شده بود
 از طریق گسترش مبارزه علیه رژیم شاه و جنایات سازمان امنیت خاطره رفیق شهیدمان را گرامی بدارند و مراسم یاد بود او را بصحنه

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

تیمور بختیار این نوزاد امپریالیسم - مجری عوامل جنایات بیشمار در ایران در جریان مبارزات مردم آذربایجان در سالهای ۲۴۹۲۵ طی سالیان دراز به مبارزات بیست و ششم مرداد ۳۲ در رأس فرماندهی نظامی تهران و سازمان امنیت قرار داشت در کشتار مبارزان دلاوری نظیر سیاح - فاطمی - روزبه و عده مبارزند امپریالیست دیگر از چند سال قبل بدینال احتلال شدید شاه - در خارج از کشور مشغول فعالیت است که کشف راسپون بمشابه سازشانی عده امپریالیستی نمیتوانست نسبت باین فعالیت بی تفاوت باشد . اهمیت این مسئله برای جنش دانشجوی ایران از جمله باین دلیل بود که سالهاست ارتجاع ایران بر سر شاه و همچنین بختیار رزم و عائدانه ولها تدفهای مختلف میگویند مسئله " رابطه بختیار " و فعالیتهای مبارزان عده امپریالیست ایران بویژه در خارج از کشور را آنچنان معرفی کند که گویا بختیار گرداننده این مبارزات میباشد .

بختیار جلد در نوشته های خود بابر خودی مودبانه و عوامفریبانه با مسائل مردم ایران و اعتقادات مذهبی عین مردم آشکارا از " زرمیری " مبارزات مردم توسط خودش صحبت میکند . زرم شاه نیز بایخنر شایعات میخواهند چنان وانمود شد که مخالفان رژیم و از جمله کشف راسپون از جانب مرتجعینی تقویت میشوند . و گرداننده ایشان نیز بختیار همان جلد معروف میباشد . کشف راسپون

جهانی بارها از طریق انتشارات خود و اعلامیه های مطبوعاتی با حمایت شاه - بختیار و این نوشته ها را افشا کرده است .
 بانوجه به تشدید فعالیت بختیار و بانوجه باینکه رژیم و مصیوعات عراق در رابطه با رویداد های خاورمیانه - اختلاف مرزی ایران و
 قایله با تحریکات رژیم شاه در سطح العربیه تنها از بختیار حمایت کرده بلکه او را بعنوان "زعیم" و "عرب" ملت ایران معرفی میکردند
 نیست نمایندگی گذر راسمین جهانی که بدعوت اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی برای شرکت در پنجمین کنگره اتحادیه به اردن
 رفته بود پس از پایان کار کنگره بانوجه با حمایت مسئله به عراق مسافرت کرده برای اعتراض به مقامات عراقی و جرائد این کشور در برابر
 مسئله تیمور بختیار و همکارانش بیشتر با حمایت این توکر امپریالیزم و مصیوعات عراق مراجعه و علیه مقامات عراقی از بختیار و مطالب
 جرائد این کشور در این زمینه اعتراض نمود . عیثت نمایندگی گذر راسمین در جریان معاهده پارو زمانه النور (وابسته به حزب
 دموکرات کردستان) و النور (روزنامه دولتی عراق) مواج گذر راسمین را درباره بسیاری از مسائل ملی و جهانی و بویژه درباره
 تیمور بختیار با حمایت او و اینکه بختیار نه تنها "زعیم" مردم ایران نیست بلکه جهانیگرا و عامل امپریالیسم میباشد اعلام کرد .
 پس از اقامت عیثت نمایندگی گذر راسمین روزنامه های النور و النور به دست گذر راسمین رسید . روزنامه النور (بعد از چاپ مقدار
 از گفته های نماینده گذر راسمین و معرفی گذر راسمین و مبارزات آن به صورت مفضل) با برخوردی غیر صمیمی و سود جویانه به گذر راسمین
 و سوء استفاده از گذر راسمین در رابطه با اختلاف ایران و عراق نه همان به مسئله بختیار وید بودن او از بر مسیحی بودن او یا شاه
 و بالاخره افتراء بهانه "زعیم" نامیده شدن این جلا از جنب رژیم و مطبوعات عراق اشاره ای نکرده بود بلکه با آوردن فقط بخشی از
 گفته های گذر راسمین و آنهم نادقیق مسئله را آنچنان شرح کرده بود که گویی گذر راسمین با اعتراض دولت عراق انجام میدهد
 مخالفت کامل دارد .

حیثیت دبیران شد، راسیین پس از دریافت التوره باینگونه مانورهای مستند ارائه روزنامه عراقی و سایر پوزنامه‌ها عراقی و سایر روزنامه‌های ایران مسافرت عقیقت نمایندگی به عراق سو استفاده میکنند شدیداً اعتراض کرده و یزیدار دیگر از روزنامه‌های عراق خواست که مواضع را همین راعم درباره رژیم شاه و هم بخنبار جلاله منتشر کنند. (به شانزدهم آذرماه ۱۳۰ مراجعه شود) سابق فکانشاء، گفتد اسمع. در دهانه خانه

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی پر ضد کنفدراسیون جهانی)

تیمور بختیار این نوکر امپریالیزم - مجری و عامل جنایات بیشمار در ایران در جریان مبارزات مردم آذربایجان در سال‌های ۲۴ و ۲۵ طی سالیان درازی که پس از بیست و هشتم مرداد ۳۲ در راس فرمانداری نظامی تهران و سازمان امنیت قرار داشت در کشتار مبارزان دلاوری نظیر سیامک - قاضی - روزه و صدها مبارز ضد امپریالیست دیگر - از چندین سال قبل بدنیاال اختلافی شدید با شاه - در خارج از کشور مشغول فعالیت است. کنفدراسیون به مقابله سازمانی ضد امپریالیستی نمی‌توانست نسبت به این فعالیت بی‌تفاوت باشد. ماهیت این مسئله برای جنبش دانشجویی ایران از جمله به این دلیل بود که سال‌هاست ارتجاع ایران به رهبری شاه و همچنین بختیار هر دو عامدانه ولی با هدف‌های مختلف می‌کوشند مسئله "رابطه بختیار" و فعالیت‌های مبارزان ضد امپریالیست ایران بویژه در خارج از کشور را آنچنان معرفی کند که گویا بختیار گرداننده این مبارزات می‌باشد..."

مراجعه کنید به مصوبات کنگره دهم در تارنمای کنفدراسیون جهانی www.cisnu.org

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

اعمال خرابکارانه سازمان امنیت (ساواک)

اعمال خرابکارانه سازمان امنیت (ساواک)

در روز سه شنبه ۳۰ دسامبر کنگره اطلاع حاصل نمود که ماموران شناخته شده سازمان "امنیت" تحت عنوان "دانشجویان" پان ایرانیست در شهر کارلسروهه مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داده اند.

کنگره تصمیم گرفت که گروهی از دانشجویان از طرف کنفدراسیون در این مصاحبه مطبوعاتی شرکت جست و با مدارک و اسناد خود مخبرین جرایم را در جریان فعالیت سازمان جاسوسی "امنیت" بگذرانند و خط بطلان بر اظهارات نادرست این "گروه" بکشند. از آنجا که این "دانشجویان" پان ایرانیست تاکنون بارها ماهیت خود را نشان داده اند و به جای استدلال به چاقو و پنجه بکس و چوب و چماق متوسل شده اند و عده ای نیز از دانشجویان برای حمایت و حفاظت رفقای خود به محل مصاحبه مطبوعاتی روانه شدند. ابتدا گروه کوچکی از دانشجویان به محل مصاحبه مطبوعاتی که در رستورانی ترتیب داده شده بود وارد میشوند و قصد خود را که شرکت در مصاحبه مطبوعاتی بود بیان میدارند و به منظور جلوگیری از سرکوتنه بر "زمین رستوران" می نشینند و در این هنگام مامورین شناخته شده سازمان امنیت برای خارج کردن دانشجویان از رستوران دست باهاست غیرانسانی زده و بهاری های آپوی خود را شکسته و به پاری شکسته ریخته های مبدلی بارش دانشجویان حمله ور میشوند و به سختی نفرات دانشجویان را می نمایند. در این موقع دانشجویان برای دفاع از خود از رفقای که تا این لحظه در خارج از رستوران اجتماع کرده بودند کمک می طلبند. با ورود عده کثیری به رستوران زد و خوردهای درگیر میشود و به دیوار زخمی میشوند. بلافاصله پلیس در محل رستوران حاضر شده و مامورین سازمان "امنیت" را که از ترور در گوشه و آنرا رستوران مخفی شده بودند جمع نموده با ماشین پلیس آنان را از محل خارج مینماید.

فوراً از طرف کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان و مسئولین کنگره به پلیس شکایت شده و به فعالیت افعال خرابکارانه ماموران سازمان "امنیت" در آلمان اعتراض کردند. شکایت کنفدراسیون توسط دکتورسلد من (مشاور حقوقی کنفدراسیون) که بلافاصله در کنگره حاضر شده بود از طریق مقامات قضائی دنبال گردید.

در مصاحبه مطبوعاتی سازمان "امنیت" حدود بیست (۲۰) نفر از ماموران سازمان "امنیت" از شهرهای مختلف آلمان و تریس جمع آوری شده و بنام "دانشجویان" پان ایرانیست به مصاحبه مطبوعاتی شده بودند. همچنین در این جلسه نماینده مجلس شاه صد و هشتاد و نه نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی شرکت داشت و که کشف و بیانات وی به دست دانشجویان افتاد. در رکیز آتای "نماینده" مجلس شاه علاوه بر کافه بار که در آنجا بود (۷) پنجه بکس ساخت ایران وجود داشت که در روز بعد کنفدراسیون جهانی ای برگزاری یک مصاحبه مطبوعاتی آنها را در اختیار مخبرین قرار داد. گفت راسیون جهانی همچنین اقدام به انتشار اعلامیه ای در این زمینه کرد که در آنجا آن در جرایم و رای بوی آلمان منعقد شده و بار دیگر به از روی فعالیت سازمان "امنیت" و افعال خرابکارانه اثر برسد داشته شد.

اعمال خرابکارانه سازمان امنیت (ساواک)

اعمال خرابکارانه سازمان امنیت (ساواک)

"در روز سه شنبه ۳۰ دسامبر کنگره اطلاع حاصل نمود که ماموران شناخته شده سازمان "امنیت" تحت عنوان دانشجویان

پان ایرانیست در شهر کارلسروهه مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داده اند.

کنگره تصمیم گرفت که گروهی از دانشجویان از طرف کنفدراسیون در این مصاحبه مطبوعاتی شرکت جست و با مدارک و اسناد خود مخبرین جرایم را در جریان فعالیت سازمان جاسوسی امنیت بگذارند و خط بطلان بر اظهارات نادرست این گروه بکشند. از آنجا که این "دانشجویان" پان ایرانیست تاکنون بارها ماهیت خود را نشان داده اند و به جای استدلال به چاقو و پنجه بکس و چوب و چماق متوسل شده اند عده ای نیز از دانشجویان برای حمایت و حفاظت رفقای خود به محل مصاحبه مطبوعاتی روانه شدند. ابتدا گروه کوچکی از دانشجویان به محل مصاحبه مطبوعاتی که در رستورانی ترتیب داده شده بود وارد

می‌شوند و قصد خود را که شرکت در مصاحبه مطبوعاتی بود بیان می‌دارند و به منظور جلوگیری از هرگونه برخورد به کف زمین رستوران می‌نشینند و در این هنگام مامورین شناخته شده سازمان امنیت برای خارج کردن دانشجویان از رستوران دست به اقدامات غیرانسانی زده، بطری‌های آبخوی خود را شکسته و با بطری شکسته و پایه‌های صندلی به طرف دانشجویان حمله‌ور می‌شوند و چند نفر دانشجو را زخمی می‌نمایند. در این موقع دانشجویان برای دفاع از خود و از رفتن آنی که تا این لحظه در خارج از رستوران اجتماع کرده بودند کمک می‌طلبند. با ورود عده کمکی به رستوران زد و خوردی درگیر می‌شود و عده‌ای دوباره زخمی می‌شوند. بلافاصله پلیس در محل رستوران حاضر شده و مامورین سازمان امنیت را که از ترس در گوشه و کنار رستوران مخفی شده بودند جمع نموده با ماشین پلیس آنان را از محل خارج می‌نماید.

فوراً از طرف فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان و مسئولین کنگره به پلیس شکایت شد و به فعالیت و اعمال خرابکارانه ماموران سازمان امنیت در آلمان اعتراض گردید.

شکایت کنفدراسیون توسط دکتر هلدمن (مشاور حقوقی کنفدراسیون) که بلافاصله در کنگره حاضر شده بود از طریق مقامات قضائی دنبال گردید.

در مصاحبه مطبوعاتی سازمان امنیت حدود بیست (۲۰) نفر از ماموران سازمان امنیت از شهرهای مختلف آلمان و اتریش جمع آوری شده و به نام دانشجویان "پان ایرانیست به مطبوعات معرفی شده بودند. همچنین در این جلسه نماینده مجلس شاه صدر عاملی از رهبران فاشیست‌های وطنی شرکت داشت. که کیف دیپلماتیک وی به دست دانشجویان افتاد. در کیف آقای نماینده مجلس شاه علاوه بر کاغذها و مدارک تعداد هفت (۷) پنجه بُکس ساخت ایران وجود داشت که روز بعد کنفدراسیون جهانی طی برگزاری یک مصاحبه مطبوعاتی آنها را در اختیار مخبرین جراید گذاشت. کنفدراسیون جهانی همچنین اقدام به انتشار اطلاعیه‌ای در این زمینه کرد که مطالب آن در جراید و رادیوی آلمان منعکس شد و بار دیگر پرده از روی فعالیت سازمان امنیت و اعمال خرابکارانه‌اش برداشته شد."

مراجعه کنید به شانزدهم آذر ارگان کنفدراسیون جهانی در تارنمای کنفدراسیون جهانی www.cisnu.org

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

۱۶م آذر ماهنامه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی شماره ۱، سال ۶ دی، بهمن ۴۸ - ژانویه، فوریه ۱۹۷۰
مبارزه علیه سازمان "امنیت" را ادامه دهیم

نگره دهم کنفدراسیون

د همین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) بعد از ده روز (۲۶ تا ۳۱ ماه و ۱ تا ۵ آذر ۷۰) در شهر کابل سرور (آلمان غربی) برگزار شد.

در این کنگره ۶۰ نماینده متعلق به ۳۰ سازمان کنفدراسیون در شهرهای مختلف جهان بودند شرکت داشتند. افتخارنامه نمایندگی گان واحد های روتسبورگ و گوتینگ (آلمان) یاد و (ایتالیا) لوزان (سوئیس) و لیستون و کراسین شوروی به علت توفیق مختلف (توفیق) مورد تصویب کنگره قرار گرفت. در این کنگره علاوه بر نمایندگان ۴۰ نفر از علاقه مندان از شهرهای مختلف شرکت داشتند. از جانب سازمانهای مختلف پامپای نهاد بازنشست برگزاری در همین کنگره حاصل شده بود که این خود نشانه اعتبار و احترامی است که کنگره را سهین ما بحق در میان سازمانهای تشریف ورزیده. کتب کرده است از میان این نهضت های پیام اتحاد به ملی دانشجویان و بنام جشنهای

خاص داشتند و این ابراز احساسات بیشتر حاضرین در کنگره روبرو شد برادران و یمناسی ما با این گفتمان برگزاری کنگره را تیرت کشته بودند: "برای د همین کنگره در میان نماینده امپریالیسم و توکران آن آزادی موفقت میگویم. دانشجویان و بنام پشتیبانی کامل خود را از مبارزات دانشجویان ایرانی علیه امپریالیسم و هیات حاکما کنگره ایران اعلام میدارند. و صراحتاً میگویند که هیات حاکمه ارتجاعی ایران عفا عن ذلک و سنگین کردن مبین پرتان و دانشجویان ایرانی را متوقف سازد."

روز ۲۶ د ماه یک صاحبیه ملیونانی از طرف هیات ایران کنگره راسین ترتیب داده شده بود که در آن نمایندگان خصوصیات و راب و وطنیون آلمان شرکت داشتند. در این جلسه درباره فعالیتها و خرابکارانه سازمان امنیت کنگره (ساواک) صحبت شد و در آن روز در اختیار مخبرین گذارنده شد. خبر برگزاری کنگره کنفدراسیون و جریان صاحبیه ملیونانی در مجرای آلمان منکسر شد و با اطلاع هیات رسید.

یکی از نکات مثبت کنگره دهم طرز برخورد کنگره با گزارش هیات دایر بود. کنگره با بحث وسیع باین نتیجه رسید که به منظور برخوردی درست و انتقادی با گزارش موقع توافقی کار و برجسته کردن نقاط مثبت و منفی در سطح وسیع توده های گزارش دهنان را در بخشهای مختلف بطور جداگانه مورد ارزیابی دقیق قرار دهد و در موارد مشخصاً اظهار نظر مشخص ارائه دهد نه اینکه با تصویب وارد گزارش در مجموع برخوردی کنی بآن نماید. با توجه باین خواست کنگره گزارش سولین بخشهای مختلف را مورد ارزیابی قرار داد و درباره بهترین قسمتها گزارش امور تشکیلات - درباره انتشارات - درباره فرهنگ اظهار نظر مشخص کرد. گزارش منفی کنگره دهم درباره واتیه انتشار یافته و در سترس واحد قرار گرفته است.

کنگره در محضی خود تأکید کرد که: * خواستهای اکثریت ضمیمه دانشجویان ایرانی از خواستهای عمومی مردم مبنی مآجداً این ناپاک است. از این خواستها از طرف حکومت مدلی وند و توکرانیک مانند رژیم فعلی ایران غیر ممکن است. در نتیجه قدر دانشجویان به بخشی از مردم همرا با توده های راجتکی با هر کنگره رژیم ضد ملی وند و توکرانیک در تضاد بوده و منتهی با وجود آورده است. این جنبش جنبشی دموکراتیک وند امپریالیستی توده ای است. دانشجویانیک در این جنبش شرکت و مبارزه میکنند تشخیص داده اند که یکی از تضادهای اصلی جامعه تضاد توده های مردم و امپریالیست است لذا جنبش دانشجویی بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی مردم ایران میباشد. بقیه در صفحه ۲

برای ما جای تعجب نیست وقتی رژیم که بوسیله سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس وجود آمده، و تکیه گاهی در میان مردم ندارد، قادر به درک آن نیز نخواهد بود که سازمان و تشکیلاتی چون کنفدراسیون جهانی میتواند با وجود شرایط دشوار کار به علت پیوند با خلق خود به سرعت رشد کرده و دلیوانه مبارز کند.

رژیم پلیسی شاه مورد نفرت شد به مردم است. در ادامه حیات و استحکام این رژیم تیمور بختیار سهم بسزایی داشته است. حال به علت کتب قدرت و تضاد متافیز و رژیم، آتیه سازمان در مقابل هم صف آرایی کرده ماند. شاه در این فرصت میبویند اینگونه وانمود کند که "تنها" بختیار است که قاتل و جانی و عارتگر مردم بوده است. شاه میگوید: او را از مذهبیت رژیم خود جدا سازد ولی در این عمل د چار سرگرمی و سطحه و تضاد کوش میگرد. روزنامه کیهان در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۷۰ (۲۰ به ماه ۴۸) تحت عنوان "کاهی اعمال بختیار" چنین میگوید:

"... که نیست که تیمور بختیار تا آثار انتصاب بفرمانده ارتش ایران را در بساطت داشته است. و همین ترید بی نیست که این شورت بیحساب که فقط فقط محصول دوران تصدی او در فرماندهی نظامی تهران و سازمان امنیت کشور میباشد هیچ گونه تناسب با حقیق و مزایا و پاداشهای مرسوم و معمول نمی تواند داشته باشد. پس این شورت با آلوده را که ابعاد بخزانه ۱ و سرانبر نموده است؟ جز با ساعدی که ناشی بوده از اوضاع و احوال زمان و مکان؟ (تکیه روی جملات اریما است). برای مردمی که از چنین رژیم نفرت دارند هیچوقت جای شک باقی نبوده و بخوبی آگاهند که نه تنها بختیار، بلکه تمام خاندان او پهلوی و توکران فعلی نیز که آلوده بساطت شده اند، مترشح ملیونها زحمتکش ایرانی و دراز تر از وضع و احوال ساعدی" که "سپا" و حکومت برای آنها فراهم کرد شورت شد.

روزنامه کیهان در همان شماره سپس اینطور ادامه میدهد: "... حال این سوال پیش میاید که چرا در زمان قدرت او کسی فریاد خود را بلند نکرد؟ هر کسی که او را در لپا افتد و و هر مخالفی را بخواند توکرانیک و با آتیهگر زیر توفیق میگذاشت و گرفتار شکنجه و زندان میبویند البته عامل عدو است این کمونی بود."

بقیه در صفحه ۲

سزارش کنگره دانشجویان عراق

هفتین کنگره اتحادیه ملی دانشجویان عراق قرار بود بیست هشتم تا دوازدهم ژانویه ۱۹۷۰ در شهر بغداد تشکیل گردد. از کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی نیز دعوت بعمل آورده بودند که د نمایندگی اقدام دارند. نمایندگان کنفدراسیون پس از تماس با نمایندگان دانشجویان عراق و فراهم کردن وسائل مسافرت روز دهم ژانویه وارد بغداد شدند. پس از ورود با آنجا معلوم گردید که افتخار کنگره به علت اشکالات فنی بتاریخ پانزدهم ژانویه موکول شده است. روز پانزدهم ژانویه کنگره توسط رئیس جمهور عراق با حضور اشخاص گایینه و نمایندگان خصوصیات و سند یگاها افتتاح شد. سپس پامپایندگان سازمانهای خارجی و سند یگاها و گروههای مختلف داخل کشور قرائت گردید.

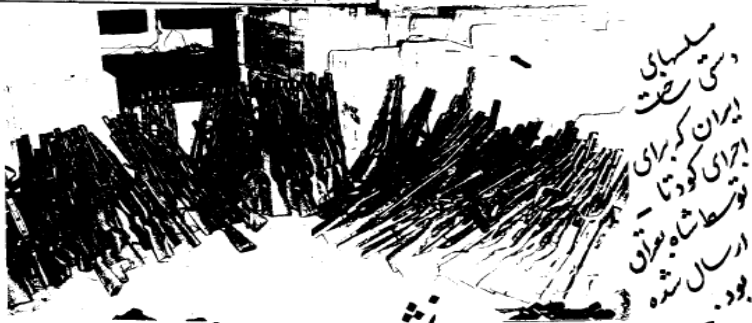
پیام کنفدراسیون قبل از سایر نمایندگان خارجی که شامل بقیه در صفحه ۳



مبارزه علیه سازمان امنیت

راودامر و بیم

تا اصال جهانی و فانیستی سازمان "امنیت" را آشوبگره خلق ایران در کلبه شتون زندگی خود احساس میکند و شبانه روز با آن در نبرد است و قادر نخواهد بود با شرایط و وسائل محدوده خود توصیف کنیم، ولی تاکنون گوته ای از جنایات و توطئه های آن که از طریق سازمان "امنیت" برای تحکیم رژیم ارتجاعی شاه و توسعه نفوذ امپریالیسم جهانی علیه خلق و مبین سازمان میگرفته، از طریق کتب "ساواک" و انتشارات دیگر کنفدراسیون بیان گردیده اند. مبارزین مبین پرست آزادی خواه ایران درباره مذهبیت ارتجاعی و ضد خلقی این سازمان پلیسی تردید ندارند، ولی ارتجاع ایران هنوز با حمایت نیروهای امپریالیستی، مجبور بر مردم ما سلطه است و هر روز بر اساس تبهکاریها و تانکامیابیهای گذشته خود، برای ادامه حیاتش نقشه جدیدی طرح و با شکل مختلفي نظاره میکند. سازمان "امنیت" برای مقابله با سازمانهای متشکل دانشجویی و فعالین آن در خارج از کشور تاکنون بشیوه های مختلفی از قبیل تهدید و ترس، اذیت و آزار رساندن به دانشجویان، ایجاد شبکه های سازمان "امنیت" در خارج، همکاری با پلیس کشورهای خارجی، توفیق گردیده، جسور شکنجه فعالین در ایران و غیره متوسل شده است. ولی تمام این اعمال نتوانسته اند صفوف نیرومند و متشکل دانشجویان ایرانی را از مبارزه بازدارد. کنفدراسیون جهانی در مدت کوتاه حیات خود، با الهام از مبارزات آزاد پیشرو مردم ایران و آموزش از جنبش های انقلابی ضد امپریالیستی جهان، برنده کپی و تشکیلات معینی، و مبارزات آن به پیروی های درخشانی ناظر آمده است. نباید فراموش کرد که تمام موفقیتهای دانشجویی در داخل و خارج از کشور، تاکنون ناشی از اتحاد عمل تمام نیروها و عناصر دموکرات و ضد امپریالیست متشکل در کنفدراسیون جهانی بوده است. از اینکه آئینه عظیمی از دانشجویان با وجود اختلاف نظرهای ایدئولوژیک، به علت پیوند نزدیک با خلق خود و احساس مسئولیت در مقابل جنبش، متحدان مبارزه میکنند. رژیم ارتجاعی را نسبت باینده خود نگران ساخته است. ترس از فعالیتها و آدم و پیگرد دانشجویان و نفرت و انزجار مردم نسبت بریزم، دستگاههای مزدور شاه را واداشته است که برای مقابله با جنبش دانشجویی و مخفی کردن چهره خود، فعالین دانشجویی و سازمان آن، کنفدراسیون جهانی را شتم به همکاری با دول بیگانه و عناصر شناخته شده ای چون تیمور بختیار کند. با وجودیکه رژیم کوشش میکرده از سازمانهای متشکل دانشجویی و فعالین آن در داخل کشور اسی نبوده، اخیراً در نشریات داخل کشور واد بر ایران حملات شدیدی علیه کنفدراسیون و مسئولین آن آغاز گشته است. اتهاماتی نیز توسط عناصر وابسته رژیم در خارج از کشور تحت اسمی مختلف بصورت اعلامیه های علیه کنفدراسیون و حتی مسئولین سابق آن (زیبخش - نیرومند) انتشار داده اند.



گرامی باد خاطره اول بجمین روز نبرد دانشجویان علیه رژیم شاه

مبارزه علیه...

باید به نویسنده گان رژیم خاطرنشان ساخت که مردم ایران و سازمانهای خلقی آنها هیچگاه نبودند که سکوت کردند، بلکه حتی باخطر فریاد اعتراض آنها بود که هرگز صد نکتری از آنها "یعنوا کونیست و یا آشوبگر" شنیده و اعدام شدند. آنها رژیم خود را هنوز هم بوسیله یک دهه جلا و ضابط مگر نمیکردند که با حبس و شکنجه و اعدام همین پرستان، سکوت و خفان در همین ما حکمفرما سازد؟

موضع جنبش دانشجویی و رهبری آن همیشه در مقابل این رژیم و دست پروردگان آن روشن بوده است. روزنامه کیهان در همان شماره مجبور بااعلان این حقیقت میگردد و چنین می نویسد: "... تیمور بختیار در اروپا ضمن اعلان خاستگاه خود بسیار کوشید ... که جوانان دانشجویان را از دست بگیرد اما دانشجویان او را طرد کردند ..."

حال، مدعی است که "حزب پان ایرانیست" (فاشیستها ی وطنی) به "رهبری" محسن پرتشکیر، وظیفه همکاری فعال با سازمان "انیترا" علیه کفدراسیون معیبه گرفته اند. این ده باخارج سازمان "انیترا" در داخل و خارج از کشور انتشار دارند و "گروه ضربه" بوجود آورد مانند در بنیاد تشکیلات

سازمان "انیترا" پلیس خارجی به زد و خورد و جاقو کشی بپردازد. در جریان برگزاری دهمین کنگره کفدراسیون، "رهبر" آنها تصمیم میگیرد که در کوردر، منصب دیگر

شاه در مجلس را، برای انجام توطئه ای باالمان غیبی اعزام دارد. ایشان با کفدراسیون دیناماتی پرازنپنجبه یکس

وارد کارلسروه میگردند تا بوسیله "گروه ضربه" و "منطق" خود وارد کارزار علیه کفدراسیون شوند. این توطئه آنها

در اثر هوشیاری دانشجویان درهم میشتد که جریان آن طی اطلاعیه شماره ۴ کفدراسیون بااطلاع هوطنان رسیده.

کفدراسیون در کوردر و محتوی آن که بدست کفدراسیون افتاده بود در تاریخ هشتم ژانویه بطور رسمی تحویل پلیس

جغاتی آلمان گردید (که قبض رسیده آن موجود است). چون این ده سازمان انیترا و ده زیادی دارد بود که طی از انجام آن عاجز ماندند، موجب شد تا پریشان کاری "رهبر

دورن مری" آنها، محسن پرتشکیر میگردد و ضمن عرض ادرات خلاصانه شاه، در مجلس چنین میگوید:

"... در این کفدراسیون هرگز دانشجویان عضویت نداشته بلکه عوامل زرخیز ناصر بودند که یکی از آنها بنام ماسالی چند روز پیش در تلویزیون بغداد صحبت کرد و سخنان الیکر را تائید کرد. یکی از گردانندگان این کفدراسیون لاانتر

نام دارد که بطول او را هم دولت عراق تبعه کرد و قبل از مسافرت با تیمور بختیار ملاقات کرد و تعلیمات لازم را از این

مهمین فروش فراری دریافت داشت." (کیهان هوایی ۱۵ بهمن ۴۸) (تکیه از ماست).

ولی سازمان دورن مری" آنها طی اعلامیه ای که در کارلسروه اخیرا انتشار داد چنین میگوید:

"... محسن ماسالی و خسرو لاانتری در کام حسن الیکر با تیمور بختیار ملاقات نمود و او را از پشتیبانی کفدراسیون

طشطن می نمایند و پس از موافقت و روبروسی با بختیار، همراه با بنای عراقی کاخ در ششان ... ترک می نمایند."

همچنین اعضا "حزب" پان ایرانیست "برخلاف" رهبر خود که معتقد است مسئول موت کفدراسیون عامل زرخیر ناصر می باشد، آنها در اعلامیه کارلسروه خود می نویسند که

"... این بار در امریکا تعلیمات جاسوسی خود را گرفته است. و همچنین مدعی شد که او که مصاحبه مطبوعاتی او "روزنجم

ژانویه ۱۹۷۰ از او بود اذ بخش شد ..."

بی پای و آشفتگی فکری آنها بعدی است که فزایش میکند که کنگره کفدراسیون تا روز ششم ژانویه ۱۹۷۰ در کارلسروه

در اقامت و بنیاد گانی که بکنگره دانشجویان عراق اعزام شدند، در هنگام نقول مسئولیت کفدراسیون در محل نامبرده

حضور داشتند. این عناصر وقتی بخودشان رجوع میکنند و می بینند که قادر بکنگر کردن نیستند و تکیه گاهی میان مردم ندارند

می پندارند که جنبش دانشجویی ایران و فعالین آن وابسته بدول خارجی هستند!

"رهبر" پان ایرانیستها همچنین در مجلس شاه میگوید: "... وزارت امور خارجه ما باید این پرسش را مطرح سازد و تحقیق کند که چگونه سید جافوکس و خرابکار بگفرانس طلیطانی نامیو

نالیستهای ایران حمله کردند ..."

"... من بنا بر یک نماینده پارلمان ایران از دولت آلمان باختر سوال می کنم که شهردار شهر کارلسروه به چه عناصرت بسا

توطئه گران هید ایرانی همکاری کرده و حتی نالار شهر داری

ارایگان در اختیار این عناصر خرابکار و باجرا جو فرار داد؟ است؟ در این میان برخی طلیطوات آلمان باختری نیز ششون

طی ایران را رعایت نمیکند و ... (کیهان هوایی ۱۵ بهمن ۱۳۴۸)

عناصر این گروه بحتل جافوکس در شهرهای کارلسروه و بین حتی نزد پلیس پرونده و سابقه طولانی دارند. اینبار در کنگره

صدر بختیار اثبات "وطن پرستی" گروه خود با "کفدراسیون" شاعشاهی "مقداری پنجه یکس" ساخت کارخانه های

ایران "را وارد آلمان میکنند تا وارد کارزار شوند. ولی از اینکه خلق سلاح کردند و کفدراسیون و اسلحه های سرد ساخت

ایران بمعرض نمایش خیرنگاران و پلیس فرار گرفت و رنج میبرد. این افراد در داخل کشور با حمایت رژیم پلیس شاه، با بازبین

و رست مخصوصی به تقلید نازیها دستهای خود را بلند میکنند و رخی با آنها رژه میروند و نمایش "شاه" در نقش هیتلر

می پردازند. از اینکه دولت آلمان و شهردار کارلسروه مایل کفدراسیون را در رکورد های آدم پزی "نیخته، سخت بر

اشتباه شده اند. از دست بعضی طلیطوات آلمان باختری نیز با وجود قدرت کنترل سرمایه داران این کشور - که مطالبی

در باره حقایق ایران می نویسند، ناراحتند و میخواهند که تمام طلیطوات جهان، طلیطوات داخل ایران را سریش خود غزار

داد و یک دست و یک رنگ شوند "آنها را حفظ کنند. برای سازمان انیتراهای ایران نیست بهم نیست که چه می

نویسند و چه میگویند، بلکه وظیفه دارند یک سلسله اتهامات و لغات واسعی افراد کشورهای را بدینال هم ردیف کنند.

و در این کار خود به تعداد کوشی هارونی دلی گرفتارند که ناشی از ماهیت و پریشانی آنهاست.

این باوه گویان با اینکه اتهامات تلاش میکنند تا به وفاداران نهضت ملی ایران که در طول تاریخ پیوند ناگسستنی با خلق

ایران برقرار گردانند و از جنبشهای و اعتماد آنها برخوردارند، از مبارزه باز دارند. ما اعلام میکنیم که تمسوخا هم سند وطن

پرستی از خائن بی وطنی چون شاه و فاشیست معلوم الحالی چون محسن پرتشکیر و سایر عمال بیگانه دریافت کنیم.

وظیفه تمام رفقای دانشجویان و واحد های کفدراسیون جهانی است که بکار توضیحی و افشاگری وسیعی در این موارد بپردازند

و دشمنان خلق و جنبش دانشجویی را که همکاری فعال بسا سازمان "انیترا" دارند، معرفی و سفرد سازند.

وظیفه همه ما چنین مشکل در کفدراسیون می باشد که با اتحاد عمل بیشتری مبارزه کنیم و دیگر خود را علیه سازمان "انیترا"

بهر طریق که ظاهر میکند در دستور کار خود قرار دهند و از برخورد های ناسالم و غیر اخلاقی که موجب تضعیف سازمان ما

و سو استفاده رژیم پلیس شاه میگردد پرهیز کنند.

جنبش دانشجویی ایران بر رهبری کفدراسیون ما رزمی هستی

نایدیر، مبارز خلق علیه امپریالیسم جهانی رژیم ارتجاعی شاه معیبه دارد. مبارزه کنیم تا پیروز شویم.

در این عکس محسن پرتشکیر همرا با فضل الله صدر رحمانیکتبله نازیها

با "انیمور" مخصوص "مراسم فاشیستی" بحتل میاورند، بدی میبندند. این

گروهازان با همکاری سازمان "انیترا" در داخل و خارج از کشور به فعالیتهای خرابکارانه مشغولند.

تظاهرات علیه شاه

بقیه از صفحه ۳

در این جلسه از طریق قطعنامه ای همبستگی کامل خود را بسا مبارزات مردم ایران و دانشجویان ایرانی و سازمان آن کشور

اعلام داشتند. در این قطعنامه نقش شاه در خاورمیانه و تحر یگات او علیه مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای این منطقه و از

حمله مبارزه آزاد بیخض فلسطین، و بالاخره همدستی رژیم شاه با امپریالیستها و صهیونیستها افشا و محکوم شد. پس

روز ۲۳ ژانویه نیز تظاهراتی با همکاری دانشجویان شرقی اطر و ایران علیه مسافرت شاه در اینسبروک برگزار شد.

واحد اینسبروک تعد اد زیادی اعلامیه در باره ماهیت رژیم شاه در شهر توزیع کرد و همچنین تلگرامی بعنوان اعتراض به

ورود شاه، برپیش جمهر اطریشو نخست وزیر خارجه کردند که متن آن از راد یو نیرویل (اینسبروک) پخش شد.

در ضمن دانشجویان دریانان تظاهرات خود قطعنامه ای به تصویب رساندند که روز بعد از طریق راد یو اینسبروک پخش

شد.

اعلامیه دانشجویان ...

مبارزه ایستادند و در این نبرد تا برابر سه تن از یاران ما

شریعت رضوی، مصطفی بزرگیا، احمد قنبدی قهرمانان بخان افتادند. آنها مرگ سرخ را پذیرا شدند تا حماسه ای برگ

نایدیر بیافرینند.

آزمون تاریخی ۱۶ آذر نشان داد که رزمندگان دانشگاه

توانایی آنها در خلق بخاطر هائی ایران و وفاداری بخلق ایستاده بیدرد. ۱۶ آذر روز سوگند خونین دانشگاه بنیور

طیبه دیکنوری و امپریالیسم است. اکنون ۱۶ سال از سلطه رژیم سیاه میگذرد. در این مدت جنبش آزاد بیخض ما و

پشاپیش آن در دانشگاه متحمل قربانیهای بیشمار و سرکوبیهای وحشیانه ای شده اما بدینال هر سرکوبی پرچم پیکار برافراشته

ترگشته است و نام آوران رزمند، ای از قلب دانشگاه سر بر کشیده اند که صلابت پولادین و شهبات حماسه آسایتنسان

د یوارهای زند آنها و شکنجه گاهها را بلرز در آورده است، دانشگاه همچنان بصورت پایگاه آزادی یایرجاست، و امان

از راه دشمنان خلق جداست. بین دانشجویان و آدم کشان رژیم کودتا خلیجی از خون آزاد یخواهان و میهنپرستان قرار

دارد و خونیکه الهامبخش شیر آشتی نایدیر ماست.

گرامی باد خاطره شگوهمند شهیدان ۱۶ آذر

انتخاب رزمندگان دلاور و دانشگاه

مستحکم باد اتحاد رژیم دانشجویان

کمیته سرامری دانشجویان ایران

۱۶ آذر ۴۸

کفدراسیون فلسطین

GUPS

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین

کفدراسیون فلسطین



فایشتهای وطنی

بطرق گوناگون در شناساندن مبارزات کنفدراسیون به مردم ایران بکوشیم

کثرت دهم کفدراسیون

... سازمان از موضع ضد امپریالیستی وتوده ای حرکت میکند و در جهت حل بنیادی این تضاد در مبارزات توده ای مردم شرکت مینماید. بنابراین غلبی است که نهضت دانشجویی ایران مستقیماً تحت تأثیر جزیره خلیج فارس قرار دارد. به همین جهت نمیتوان عوامل و کارگران موجب تشدید یا کندی نهضت دانشجویی میشود فقط در داخل تشکیلات این نهضت جستجو کرد.

کثرت هجدهمین باور دفاعی توجه خاص به دول داشت. برنامه دفاعی خود را تدوین نمود. و در زمینه کار در جهت ایران و ایجاد رابطه با دانشجویان دانشگاههای ایران تصمیماتی اتخاذ نمود.

کثرت شانزدهم در مرحله آخر کار یعنی انتخاب هیأت دبیران با عدم موفقیت روبرو شد. و نتوانست هیأت دبیران خود را انتخاب نماید و این امر را بکثرت فوق العاده ای که حد اکثر تا سه ماه بعد تشکیل خواهد شد محول نمود. کثرت نوزدهم تشکیل کثرت فوق العاده سه نفر از اعضای کثرت راسخون را بعنوان مسئولین موطن انتخاب نمود تا با باور کثرت اسبوس در این مدت رسیدگی کرده و کثرت فوق العاده را تشکیل دهند. بدیهی است که عدم انتخاب هیأت دبیران از دیدگاههای متفاوت مورد بررسی قرار میگردد. برخی آنرا زائیه بهرانههای سیاسی خارج از کار کثرت راسخون میدانند و برخی آنرا معلول بهرانههای دین کثرت راسخون قلمداد میکنند و برخی دیگر ریشه های نادرست کار در درون کثرت راسخون و عدم تشخیص صحیح کار در سازمان توده ای را موجب عدم انتخاب هیأت دبیران ذکر مینمایند. و تضاد متفاوت دیگر در درصحن این بحثی است که هم اکنون در واحدهای کثرت راسخون مطرح است. توده های دانشجویی بررسی و بحث درباره آن مشغولند. مسئولین موطن کثرت راسخون این بحث را در پناه های سازمانی عدم تشخیص میدهند و معتقد است که بحث بررسی در این زمینه به موقعیت کثرت فوق العاده کمک خواهد رساند.

گزارش کثرت ...

تحلیلی از موقعیت ایران و نقش ارتجاعی رژیم شاه در خاور میانه، همبستگی مردم ایران با اقرباء و پشتیبانی کامل از جنبش آزاد بیخشن فلسطینی، همبستگی مردم و دانشجویان ایران و عراق بود. فراغت گردید، در ضمن پیام باین اشاره شد که بعضی دول عرب که خود پشتیبان مبارزات مردم فلسطین هستند احمالی میکنند که بهانه بدست شاه میدهند تا او سیاست ضد خلقی و دیکتاتوری خود را توجیه کند. در ضمن گفته شد، ما انتقاداتی به بعضی از دول عرب از جمله دولت عراق داریم که در جریان کثرت طرح و به بحث خواهیم گذاشت.

جنبه های تشریفاتی کثرت با فراغت پیامها در روز ۱۶ زائویه پایان رسیده و پس از رسیدگی بافتار نامه ها و انتخاب هیئت رئیسه، کمیته های مختلف (سیاسی، تشکیلات، امور مبینی، روابط خارجی، فلسطین و سازمانهای دفاعی آن) تشکیل گردید. نمایندگان کثرت راسخون در جریان کثرت و هروقتی که بدست میاورند، بخصوص با شرکت فعال در خلیج فارس و خوزستان که در بسیاری از تشریفات عرب دیده میشود (که از نظارتاری و موضوع سیاسی نادرست هستند و متواتر به هیئت و مبارزه مشترک مردم منطقه بزند) و همچنین مشکلاتی که برای ده های ایرانیان در جریان بحثها شالارم فراهم شده بود، و مسئله اختیار طرح و کار توضیح لازم بعمل آوردند. درباره این مسائل علاوه بر مسئولین دانشجویی با بعضی مقامات دولت مثل وزیر خارجه ملاقات بعمل آمد و جریان باور فضل تشریح گردید. مسئولین مربوطه انتقادات فوق را می پذیرفتند و اظهار می داشتند که در ابتدا ای کار هنوز موقعیت دولت تحکیم نشده بود و مواجه با انواع اقسام توطئه ها و فعالیت های خرابکارانه سازمانهای جاسوسی آمریکا، انگلیس، اسرائیل و ایران در آنجا بودند. در جریان شالارم ما «مورین دولت عراق برای مقابله با شاه» متکب انشیهات ناگهانی شدند که رژیم شاه از آن استفاده تبلیغی بر علیه عراق و تفرقه میان مردم نمود. در ضمن اضافه کرد که مسئولین حکومت پس از آگاهی باین مسائل اقدامات لازم را بعمل آورد.

باید یادآور شد که پیام کثرت راسخون با استقلال و هیچان بی نظیری در کثرت روبرو شد و قسمتهای از آن از راه پویند اد بخش گردید و باین جهت سفارت ایران طی یادداشتی کسه تسلیم وزارت خارجه عراق در همان روز گردید. و شدیدا به معنوی پیام اعتراضی گردید.

سازمانهای مختلف دانشجویی در عراق

سازمانهای مختلفی از دانشجویان عراقی وجود دارند:

- ۱- اتحادیه عمومی دانشجویان عراقی ۲- اتحادیه علمی دانشجویان عراقی

اتحادیه عمومی دانشجویان عراقی بهترین تشکیلات آن در خاک از کشور است و علو اتحادیه بین المللی دانشجویان (پراگ) میباشد که دانشجویان وابسته حزب کمونیست عراق در آن نفوذ دارند.

اتحادیه علمی دانشجویان عراقی که کثرت آن برگزار شد، از اتحاد دانشجویان عراقی وابسته حزب بعث و دانشجویان کرد وابسته حزب دموکرات کردستان عراق بوجود آمده است. این اتحادیه نیال پات سلسله توافق و همکاریهایی که بین حزب بعث و حزب دموکرات کردستان عراق صورت گرفته بوقوع پیوسته است.

بطوریکه کتب اطلاع گردید برای شرکت وسیع در این کثرت، از اتحادیه عمومی دانشجویان عراقی نیز برای شرکت در انتخابات و کثرت دعوت شده بود ولی آنها صرف نظر کرده بودند و اتحاد عمل آنها ماکول به نتیجه مذاکرات نیالی بین حزب بعث و حزب کمونیست عراق میباشد.

بعد از جریان کثرت مطلع شدیم که اتحادیه عمومی دانشجویان عراقی از طریق اتحادیه بین المللی دانشجویان (پراگ) جزیره درباره شرایط غیر دموکراتیک انتخابات دانشجویان در عراق انتشار داد.

از جمله مسائلی که در این کثرت اتفاق افتاد، اختلاف نظر بین دانشجویان کرد و مردم بر سر مسئله کرکوک بود که به علت مناسب نفت خود مورد توجه خاص طرفین است.

در روز ۲۰ زائویه (روز آخر کثرت) هنگامیکه صوبه ای در مورد کرکوک گذشت و دانشجویان کرد بعنوان اضرانی از اینکه صوبه مزبور بصراحت حقوق کرد هارا تا «بن نیکند» کثرت را ترک کردند. و اظهار داشتند که در اتحاد تشکیلاتی باقی نمی ماند ولی در جبهه مشترک مبارزه باقی خواهند ماند. بعد از کار کثرت، پس از تماسهایی که با نمایندگان هر دو طرف برقرار شد معلوم گردید که باید پیکر وارد مذاکره شده فاند تا بتوافق برسند و آنطوریکه معلوم شد در اتحاد تشکیلاتی و در کار رهبری طبق توافقاتی که قبل از کثرت بعمل آورده بودند باقی خواهند ماند.

کثرت طبق اساسنامه ۲۷ نفر را بعنوان شورای مرکزی انتخاب کرد که از میان آنها ۹ نفر از دانشجویان کرد بودند. این عده از میان خود یازده نفر را بعنوان هیئت اجرایی مرکز که سه نفر آنها نمایندگانی کرد خواهند بود انتخاب میکنند. توطئه شاه و کودتا در عراق

پس از پایان کثرت توسط راد یو و مطبوعات، کف کودتای اعلام گردید که رژیم شاه نقش فعال در کودتا را نداشته و داشته است. معلوم گردید که این کودتا از مدتها قبل توسط سازمانهای جاسوسی دول غربی با همکاری و فعالیت موثر ما «مورین» شاه تدوین و تهیه دیده شده بود.

اعضا سفارت ایران، بخصوص داود طاهر دبیر سوم و عبد الحاق یوشیری زاده دبیر دوم سفارت ایران در بغداد نقش رابط و فعالی برای طرح نقشه و پخش پول و اسلحه بین عناصر ارتجاعی بمبده داشتند.

ماورین سفارت وسائل حمل سه هزار مسلسل دستی ساخت ایران و ۵۰۰ صندوق فشنگ ساخت آلمان غربی (کارلسروه) را بکثرت عراق داده بودند و در دستگاه فرستاده و گیرنده که ساخت فرانسه بوده از طریق سفارت برای ارتباط با تهران در اختیار کودتاجیان قرار گرفته بود. همچنین از طریق سفارت مبلغ شصت هزار دلار و معادل یک میلیون و دویست هزار تومان تحویل افسران کودتاجی شده بودند تا بین شیوخ عشایر و عناصر ارتجاعی ارتش توزیع کنند.

دولت عراق از طریق چند نفر از افراد خود که در جریان کودتا شرکت داشتند و سایرین از ماهیت آنها مطلع نبودند. شما می جریان کار را تعقیب میکرد. بطوریکه دولت عراق فقط از اگر محرومانه اعضا سفارت با عناصر کودتاجی قریب شصت حلقه نوار در اختیار دارد که پس از دستگیری کودتاجیان هوشب قسمتی از نوارهای ضبط شده توسط راد یو و تلویزیون پخش اد برای اطلاع مردم پخش میگردد.

دولت عراق در ضمن اینکه کودتاجیان را دستگیر و اعدام کرد، سفارت و کنسولگریهای ایران را بهت و باغضا سفارت اخلا را کرد که در ظرف ۲ ساعت خاک عراق را ترک کنند. دولت عراق همچنین برای اعضا حقایق، تمام سلسله های دستی ساخت ایران و سایر ابزار و وسائل بدست آمده را در بغداد به معرض نمایش مردم گذاشت.

به نیال این جریانها، دولت ایران دستگاههای تبلیغاتی رژیم شاه طبق معمول برای برده پوشی و تحریف حقایق به تبلیغات دروغ توسل شد و در تشریفات داخل کشور به دستور سازمان امنیت، مطالبی از قبیل «در بغداد حجام خون براف

افتاد» «نظاره کنندگان بنهای دولتی را آتش زدند» «در بغداد انتظارات مردم بخون کشیده شد» و ...

بطوریکه نمایندگان کثرت راسخون در مدت اقامت خود شاهدند آن بودند، فقط تظاهرات ضد امپریالیستی و علیه رژیم شاه در اکثر شهرهای عراق برگزار گردید و مردم یکپیکار خود مشغول بودند.

نمایندگان کثرت راسخون در مدت اقامت خود در عراق و در طول جریان کثرت با خبرگزاریهای عراق صاحب های متحدی بعمل آوردند، و طی آن فعالیت های کثرت راسخون، ماهیت رژیم ایران، مسائل انتقادی مربوط به اختیار تغییر اسم خلیج فارس و خوزستان را تشریح کرده و کودتای ارتجاعی اخیر در عراق را بعنوان نمونه ای از همکاری شاه و امپریالیسم

در خاور میانه محکوم کردند.

در وفود از رژیم در این مورد ما با بیام مطالبی میانه از کثرت روزنامه های داخل کشور به دستور سازمان امنیت، هنگام مسافر مطالبی مندرج میباشند. در حالیکه شاه ارتش خشم و موج شاه بخارج درباره «استقبال بی نظیر دانشجویان از شاه» تظاهرات دانشجویان مجبور بوده است خود در پشت چنبرین هزار پلیس و چاقوکاران سازمان امنیت مشغول کند.

تظاهرات علیه شاه در اتریش

Anti-Schah Demonstration



Mit Plakaten und Sprechchören gaben die Demonstranten ihren Antipathie gegen den Schah Ausdruck.



KEINE SCHÖNUNG gab's für unbeteiligte Passanten und Journalisten (Bild: "Wer hier steht, demonstriert") Foto: Schimke

Schah-Demonstranten von Polizei „zerstreut“

در تاریخ ۲۰ زائویه، شاه بمنظوریکه «استراحت وارد اطریش

در ساعت ۶ بعد از ظهر ۲۱ زائویه تظاهراتی با شرکت بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی و خارجی در وین ترتیب داده شد. در این تظاهرات علاوه بر دانشجویان وین و رفقای مبارز ما از سایر شهرهای اطریش نیز شرکت داشتند. تظاهرات کنندگان پس از عبور از خیابانهای اصلی شهر در جلوی دانشگاه توقف کرده و تظاهرات خود را بصورت شیطانی ادامه دادند.

تظاهر کنندگان ضمن پشتیبانی کامل خود از مبارزات دانشجویی و مردم ایران، علیه رژیم شاه، «اربابان امپریالیستی آن» و جنابان ساواک، و همچنین علیه همکاری پلیس و دولتها ارتجاعی کشورهای آلمان و اطریش با سازمان امنیت ایران اضرار کردند و در ساعت هشت بعد از ظهر همانروز در جلوسای که از طرف دانشجویان عرب، در دانشگاه وین برگزار گردیده بود شرکت کرده، مسئله مسافرت شاه باطریق مورد بحث قرار گرفت و در نتیجه قطعنامه ای از طرف ۸۰۰ نفر شرکت کننده در این جلسه «درباره مسائل ایران بتصوب رسید» شرکت کنندگان بقیه در صفحه ۲

KURIER
SONNENSTAG, 22. JÄNUAR 1979

پیروز باد مبارزات خلق فلسطین علیه امپریالیسم امریکا و صیهو نیسم

شماره ۴

شماره یک سال ششم

د. یاسین ۴۸ - ژانویه، نوامبر ۷۰

یک توطئه دیگر رژیم

نامه ای که متن اصلی و ترجمه قسمت مربوط آن در زیر آمده است، آقای د. اید کارلایر - وکیل مدافع سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا - به فعالین کفدراسیون در آن کشور ارسال داشته و آنها را در اختیار مسئولین کفدراسیون و سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا قرار داده اند. رژیم شاه با اینکه بخشی از خواسته های کفدراسیون مطلع است، مسائل حیاتی جنش را بصورت روش معامله گرانه و خدعه سیاسی مطرح می سازد تا به اصطلاح با اعطای "اصحار" سازمان ما را از برنامه اصلی مبارزه منحرف سازد. ما به پیوسته اعلام می کنیم که مبارزات کفدراسیون بدون انحراف بر اساس خواسته های خلق و توده دانشجویان ایرانی ادامه خواهد داشت.

DAVID CARLNER
ATTORNEY AT LAW
WARRICK BUILDING
WASHINGTON, D.C. 20004
009-5113

October 31, 1969

██████████
██████████
██████████

Dear ██████████

The attorney for the Iranian government in the United States has contacted me following the recent visit of the Shah to the United States in order to obtain the views of the Iranian students in the United States regarding various matters. I must emphasize that this request is not at all to be interpreted as coming from the Shah, but I believe that it is on the initiative of the attorney for the government who, in addition to representing the Iranian government, has close family connections in Iran.

It is naive, of course, to think that the attorney can effect any major changes in Iran. Nonetheless, he is willing to relay to the Iranian authorities specific suggestions which we may have regarding reforms. Apart from the general demands of the Iranian political movements for freedom of speech and the freedom to conduct meetings, and the curtailment of the authority of the SAVAK, I wonder whether you or the others involved in the Iranian Student Association would have any specific objectives to set forth. These might include the release from prison of certain named persons as well as other specifics, but perhaps some minor reforms in Iran. I shall look forward to hearing from you.

With best wishes,

Sincerely yours,
David Carlner

cc: pr

cc: Mr. ██████████

P.S. Of course, my contact with the attorney for the Iranian government should be kept confidential at this time if any good is to come of any negotiations.

بمقتور جلوگیری از هرگونه برخورد یکفرضی رستوران می نشینند در این هنگام مأمورین شناخته شده سازمان "امنیت" برای خارج کردن دانشجویان از رستوران دست اقدامات غیر انسانی زدند و بصری های آجوبی خود را شکسته و با بصری شکسته و با های شکسته دانشجویان حمله ور میشوند و چند نفر از دانشجویان را زخمی می نمایند. در این موقع دانشجویان برای دفاع از خود از رفاقتیکه تا این لحظه در خارج از رستوران اجتماع کرده بودند کت میزنند با ورود ده کیلی بستروران زد و خوردی درگیر میشوند و ده باره زخمی میشوند. با فاصله پلیس در محل رستوران حاضر شده و مأمورین سازمان "امنیت" را که از ترس در گوشه و کنار رستوران مخفی شده بودند جمع نموده با ماشین پلیس آنان را از محل خارج می نمایند. فورا از طرف کفدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان و مسئولین کفدراسیون "امنیت" در آلمان افسران گردیدند. شکایت کفدراسیون توسط دکتر هلدن (مشاور حقوقی کفدراسیون) که بلا فاصله در کنگره حاضر شده بود از طریق مقامات قضائی دنبال گردید.

در مصاحبه مطبوعاتی سازمان "امنیت" حدود بیست (۲۰) نفر از مأموران سازمان "امنیت" از شهرهای مختلف آلمان و آتریش جمع آوری شده و نام "دانشجویان" "پان ایرانیست" بمطبوعات معرفی شده بودند. همچنین در این جلسه نماینده مجلس شاه صید و از رهبران قاضیستهای وطنی شرکت داشت که کیف دیپلماتیک وی به دست دانشجویان افتاد. در کفد آقای نماینده مجلس شاه علاوه بر کاف ها و مدارک تعدا ده هشت پنجه یکساخت ایران وجود داشت که روز بعد کفدراسیون جهانی طی برگزاری یک محامیه مطبوعاتی آنها را در اختیار خبرنگارین قرار داد که همدان در مجرای آلمان وارد بودند.

"بد نیال سفر اخیر شاه به ایالات متحد و وکیل دولت ایران در ایالات متحده با من تماس حاصل نمود تا از این طریق نظرات سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا را درباره مطالب مختلفی جویا شود. سیاست تاکید کم که این تقاضا نباید باین عنوان که از طرف شاه مطرح شده تفسیر شوند. لکن و بنظر من این به ابتکار وکیل دولت انجام شده و که ایشان علاوه بر نمایندگی دولت ایران دارای بستگی نزد یک خانواده ای با شاه می باشد.

البته این بیگانه است اگر کسی گمان کند که این وکیل قادر خواهد بود تغییرات عده ای در ایران انجام دهد. با وجود این او مایل است که پیشنهادا ت مشخص را در مورد تغییرات و رفرماتی به مسئولین ایران مشرد دارد. صرف

نظر از خواسته های عسوسی جنش سیاسی ایرانیان در مورد آزادی بیان و اجتماعات، و جلو گیری از بسط قدرت سازمان امنیت و نهادهای آنها شما و یا دیگر افراد ساز مان دانشجویان ایرانی خواسته های مشخصی در این مورد دارید یا نه. این خواسته ها میتواند آزادی زندانیان معینی و رفرماتی مشخصی غیر عده تر دیگری را شامل شوند. در انتظار پاسخ شما خواهم بود."

آدرس ۱۶ آدر

GESNU
ZEKAR SPRING
POSTFACH 1953 WGERMANY

توطئه ای که به شکست انجامید

در روز سی ام دسامبر کنگره اطلاع حاصل نمود که مأموران شناخته شده سازمان "امنیت تحت عنوان "دانشجویان" "پان ایرانیست" در شهر کارلسروه مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داده اند. کنگره تصمیم گرفت کنگره ای از دانشجویان از طرف کفدراسیون در این مصاحبه مطبوعاتی شرکت بکند و با مدارک و اسناد خود مخبرین جرایم را در جریان سازمان جاسوسی "امنیت" بگذارد و خط بطلان برازها را تار نام درست این "گروه" بکشد. از آنجا که این "دانشجویان" پان ایرانیست تاکنون بارها ماضیت خود را نشان داده اند و به جای استدلال به جاف و پنجه یکس و جوب و مقامی متولد شده اند عده ای نیز از دانشجویان برای حمایت و حفاظت رفقای خود محل مصاحبه مطبوعاتی روانه شدند. ابتدا گروه کوچکی از دانشجویان محل مصاحبه که در رستورانی ترتیب داده شده بود وارد میشوند و قصد خود را که شرکت در مصاحبه مطبوعاتی بود بیان میدارند و



دستپا از مجله "کنکرت" شماره ۲ ژانویه ۷۰ می باشد که صدر منتشر شده در مجلس و لیب دیپلماتیک او را با پنجه یکس نشان میدهند.

ملقات با حضرت آیت العظمی

نمایندگان کفدراسیون که برای شرکت در کنگره دانشجویان عراقی رفته بودند، در ضمن اقامت خود با حضرت آیت العظمی ملاقات کردند. نمایندگان کفدراسیون همبستگی دانشجویان ایرانی را نسبت به مبارزات روحانیون شرقی بر طبق رژیم شاه اعلام داشتند.

همچنین ملاقات و عبادت دانشمند محترم حاج آقا مژوری که در بیمارستان نجف بستری بودند، رفتند.

اعلامیه دانشجویان دانشگاههای ایران

هر شب ستاره ای زمین می کشد و باز این آسمان غمزه غرق ستاره هاست کورتای خاشاکه ۲۸ مرداد سایه شوم را بر زمین ما کسترده بود. حکومت ملی دیگر مدتی در یک توطئه مشترک امپریال جهانی و ارتجاع داخلی سرنگون شده و خواب آید و همه نفت خواران غرب که چند آتش گشته بود آرامش خود را باز یافت. یکبار دیگر تاریخ شاهد ترازوی خلق شد که جهرماتانه در برابر استعمارگران ده افراشته بود. زمان آن رسیده که همه ستاره های جنش نجات بخش زمین مسا به یخا بود. قبل از همه میباید نظم برقرار شود - نظم لپهای دوخته و دستهای بسته - نظم زندان و شکنجه گاه و تیرباران تا سرزمین ما به شکارگاه امپریالیسم بدل شود - تا زمین ما یکم پیمانهای اسارت بار نظامی و اقتصاد وید افتد. دشمنان خلق در بی آن بودند آژانس گورستان بود. اسما زندگان زمین ما هرگز تن باین سکوت ننگین نمیدادند. و ده انگاره - این سنگر شکست ناپذیر ملت این دشمن سوگند خورده ارتجاع و دیکتاتوری - با برافراشته داشتن رابست مقاومت و یکبار نمایشگر عالیترین آیت حیات بود. و این آنجیز بود که نظم دلخواه آنها را آتش میساخت. رژیم برای خا - موش ساختن این کانون فروزان مبارزه. و ده انگاره را بتصرفی در آورده اما اراده دانشجویان تسخیر ناپذیر بود. پیسکار ادامه یافت. در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان در لا و متحد برای راندن اشغالگران از صحن مقدس دانشگاه بقیه در صفحه ۲

GEHEIMDIENSTE

Mit Schlagring und Koran

Wie in Karlsruhe die Prügelperser verprügelt wurden
Von Holger Oehrens



Nr. 2 - 15. Januar 1970

KONKRET extra

توطئه جدید رژیم علیه کفدراسیون را بر ملا سازیم

۱۶م آذر ماهنامه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی شماره ۱، سال ۶ دی، بهمن ۴۸- ژانویه، فوریه ۱۹۷۰

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

"مبارزه علیه سازمان "امنیت" را ادامه دهیم"

تمام اعمال جنائی و فاشیستی سازمان "امنیت" را آنطوری که خلق ایران در کلیه شئون زندگی خود احساس می کند و شبانه روز با آن در نبرد است، قادر نخواهیم بود با شرایط و وسائل محدود کار خود توصیف کنیم، ولی تاکنون گوشه ای از جنایات و توطئه هایی که از طریق سازمان "امنیت" برای تحکیم رژیم ارتجاعی شاه و توسعه نفوذ امپریالیسم جهانی علیه خلق و میهن ما انجام می گرفته، از طریق کتاب "ساواک" و انتشارات دیگر کنفدراسیون بیان گردیده اند. مبارزین میهن پرست و آزادیخواه ایران در باره ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی این سازمان پلیسی تردیدی ندارند، ولی ارتجاع ایران هنوز با حمایت نیروهای امپریالیستی، مجهز و بر مردم ما مسلط است و هر روز براساس تجربیات و ناکامیهای گذشته خود، برای ادامه حیاتش نقشه جدیدی طرح و به اشکال مختلفی تظاهر می کند. سازمان "امنیت" برای مقابله با سازمان های متشکل دانشجویی و فعالین آن در خارج از کشور تاکنون به شیوه های مختلفی از قبیل: تهدید و تطمیع، اذیت و آزار خانواده دانشجویان، ایجاد شبکه های سازمان "امنیت" در خارج، همکاری با پلیس کشورهای خارجی، توقیف گذرنامه، حبس و شکنجه فعالین در ایران و غیره متوسل شده است. ولی تمام این اعمال نتوانسته اند صفوف نیرومند و متشکل دانشجویان ایرانی را از مبارزه باز دارد. کنفدراسیون جهانی در مدت کوتاه حیات خود، با الهام از مبارزات آزادی بخش مردم ایران و آموزش از جنبش های انقلابی و ضد امپریالیستی جهان، به رشد کیفی و تشکیلاتی معینی، و به موازات آن به پیروزی های درخشانی نائل آمده است. نباید فراموش کرد که تمام موفقیت های دانشجویی در داخل و خارج از کشور، تاکنون ناشی از اتحاد عمل تمام نیروها و عناصر دموکرات و ضد امپریالیست متشکل در کنفدراسیون جهانی بوده است. از اینکه انبوه عظیمی از دانشجویان با وجود اختلاف نظر های ایدئولوژیک، به علل پیوند نزدیک با خلق خود و احساس مسئولیت در مقابل جنبش، متحداً مبارزه می کنند، رژیم ارتجاعی را نسبت به آینده خود نگران ساخته است. ترس از فعالیت مداوم و پی گیر دانشجویان و نفرت و انزجار مردم نسبت به رژیم، دستگاه های مزدور شاه را واداشته است که برای مقابله با جنبش دانشجویی و مخفی کردن چهره خود، فعالین دانشجویی و سازمان آن، کنفدراسیون جهانی را متهم به همکاری با دول بیگانه و عناصر شناخته شده ای چون تیمور بختیار کند. با وجودی که رژیم کوشش می کرد، از سازمان های متشکل دانشجویی و فعالین آن در داخل کشور اسمی نبرد، اخیراً در نشریات داخل کشور و رادیو ایران حملات شدیدی علیه کنفدراسیون و مسئولین آن آغاز گشته است. اتهاماتی نیز توسط عناصر وابسته به رژیم در خارج از کشور تحت اسامی مختلف به صورت اعلامیه هایی علیه کنفدراسیون و حتی مسئولین سابق آن (زربخش، نیرومند) انتشار داده اند.

برای ما جای تعجب نیست وقتی رژیمی که به وسیله سازمان های جاسوسی آمریکا و انگلیس بوجود آمده، و تکیه گاهی در میان مردم ندارد، قادر به درک آن نیز نخواهد بود که سازمان و تشکیلاتی چون کنفدراسیون جهانی می تواند با وجود شرایط دشوار کار به علت پیوند با خلق خود، سریع رشد کرده دلیرانه مبارزه کند.

رژیم پلیسی شاه مورد نفرت شدید مردم است. در ادامه حیات و استحکام این رژیم تیمور بختیار سهم بسزائی داشته است. حال به علت کسب قدرت و تضاد منافع درونی، آنها در مقابل هم صف آرایی کرده اند. شاه در این فرصت می کوشد اینگونه وانمود کند که "تنها" بختیار است که قاتل و جانی و غارتگر مردم بوده است. شاه می کوشد او را از ماهیت رژیم خود جدا سازد ولی در این عمل دچار سرگیجه و سفسطه و تضادگویی می گردد. روزنامه کیهان در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۷۰ (۲۰ دیماه ۴۸) تحت عنوان "نگاهی به اعمال بختیار" چنین می نویسد:

"... شک نیست که تیمور بختیار تا آغاز انتصاب به فرماندار نظامی تهران آه در بساط نداشته است. و همچنین تردیدی نیست که این ثروت بی حساب که فقط و فقط محصول دوران تصدی او در فرمانداری نظامی تهران و سازمان امنیت کشور می باشد هیچ گونه تناسبی با حقوق و مزایا و پاداش های مرسوم و معمول نمی تواند داشته باشد. پس این ثروت باد آورده را کدام باد به خزانه او سرازیر نموده است؟ جز باد مساعدی که ناشی بود، از اوضاع و احوال زمان و مکان؟" (تکیه روی جملات از ماست).

برای مردمی که از چنین رژیمی نفرت دارند هیچوقت جای شک باقی نبوده و به خوبی آگاهند که نه تنها بختیار، بلکه تمام خاندان پهلوی و غارتگران فعلی نیز که آه در بساط نداشتند از دسترنج میلیون‌ها زحمتکش ایرانی و در اثر "اوضاع و احوال مساعدی" که "سیا" و حکومت ترور برای آنها فراهم کرد ثروتمند شدند.

روزنامه کیهان در همان شماره سپس اینطور ادامه می‌دهد: "... حال این سؤال پیش می‌آید که چرا در زمان قدرت او کسی فریاد خود را بلند نکرد؟ هراسی که او در دلها افکنده و هر مخالفی را به عنوان کمونیست و یا آشوبگر زیر توقیف می‌گذاشت و گرفتار شکنجه و زندان می‌نمود البته عامل عمده این سکوت می‌بود."

باید به نویسندگان رژیم خاطر نشان ساخت که مردم ایران و سازمان‌های خلقی آنها هیچ‌گاه نبودند که سکوت کردند. بلکه حتی به خاطر فریاد اعتراض آنها بود که هر روز عده کثیری از آنها "به عنوان کمونیست و یا آشوبگر" شکنجه و اعدام شدند. و آیا رژیم کودتا هنوز هم بوسیله یک عده جلاد و قصاب مگر نمی‌کوشد که با حبس و شکنجه و اعدام میهن‌پرستان، سکوت و خفقان در میهن حکمفرما سازد؟

موضع جنبش دانشجویی و رهبری آن همیشه در مقابل این رژیم و دست پروردگان آن روشن بوده است. روزنامه کیهان در همان شماره مجبور به اذعان این حقیقت می‌گردد و چنین می‌نویسد: "... تیمور بختیار در اروپا ضمن اعمال خائنانه خود بسیار کوشید... که جوانان دانشجو را در دست بگیرد اما دانشجویان او را طرد کردند."

حال، مدعی است که "حزب پان‌ایرانیست" (فاشیست‌های وطنی) به "رهبری" محسن پزشکیور، وظیفه همکاری فعال با سازمان "امنیت" را علیه کنفدراسیون به عهده گرفته‌اند. این عده با مخارج سازمان "امنیت" در داخل و خارج از کشور انتشاراتی دارند و "گروه ضربه" به وجود آورده‌اند تا در پناه تشکیلات سازمان "امنیت" و پلیس خارجی به زد و خورد و چاقوکشی بپردازند. در جریان برگزاری دهمین کنگره کنفدراسیون، "رهبر" آنها تصمیم می‌گیرد که دکتر صدر، منتصب شاه در مجلس را، برای انجام توطئه‌ای به آلمان غربی اعزام دارد. ایشان با کیف دستی دیپلماتی پر از پنجه بوکس وارد کارلسروه می‌شود تا بوسیله "گارد ضربه" و "منطق" خود وارد کارزار علیه کنفدراسیون شوند. این توطئه آنها در اثر هوشیاری دانشجویان درهم می‌شکند که جریان آن طی اطلاعیه شماره ۲ کنفدراسیون به اطلاع هموطنان رسید. کیف دستی دکتر صدر و محتوی آن که به دست کنفدراسیون افتاده بود در تاریخ هشتم ژانویه به طور رسمی تحویل پلیس جنائی آلمان گردید (که قبض رسید آن موجود است). چون این عده به سازمان امنیت وعده زیادی داده بودند ولی از انجام آن عاجز ماندند، موجب شدت پریشان فکری "رهبر درون مرزی" آنها، محسن پزشکیور می‌گردد و ضمن عرض ارادت خالصانه به شاه، در مجلس چنین می‌گوید:

"... در این کنفدراسیون هرگز دانشجویان عضویت نداشته‌اند بلکه عوامل زرخید ناصر بوده‌اند که یکی از آنها به نام ماسالی چند روز پیش در تلویزیون بغداد صحبت کرد و سخنان البکر را تأیید کرد. یکی از گردانندگان این کنفدراسیون کلانتری نام دارد که بلیط او را هم دولت عراق تهیه کرد و قبل از مسافرت با تیمور بختیار ملاقات کرد و تعلیمات لازم را از این میهن فروش فراری دریافت داشت" (کیهان هوائی ۱۵م بهمن ۴۸). (تکیه از ماست).

ولی "سازمان برون مرزی" آنها طی اعلامیه‌ای که در کارلسروه اخیرا انتشار داده چنین می‌نویسد:

"... حسن ماسالی و خسرو کلانتری در کاخ حسن البکر با تیمور بختیار ملاقات نموده و او را از پشتیبانی کنفدراسیون مطمئن می‌نماید و پس از ملاقات و روبوسی با بختیار، همراه با دینارهای عراقی کاخ دشمنان... ترک می‌نمایند."

همچنین اعضا "حزب" پان‌ایرانیست برخلاف "رهبر" خود که معتقد است مسئول موقت کنفدراسیون عامل زرخید ناصر می‌باشد، آنها در اعلامیه کارلسروه خود می‌نویسند که "... این بار در آمریکا تعلیمات جاسوسی خود را گرفته است." و همچنین مدعی شده‌اند که مصاحبه مطبوعاتی او "روز پنجم ژانویه ۱۹۷۰ از رادیو بغداد پخش شد..."

بی‌پایگی و آشفتگی فکری آنها به حدی است که فراموش می‌کنند که کنگره کنفدراسیون تا روز ششم ژانویه ۱۹۷۰ در کارلسروه ادامه داشت و نمایندگانی که به کنگره دانشجویان عراق اعزام شدند، در هنگام قبولی مسئولیت کنفدراسیون در محل نامبرده حضور داشتند. این عناصر وقتی به خودشان رجوع می‌کنند و می‌بینند که قادر به فکر کردن نیستند و تکیه گاهی میان مردم ندارند، می‌پندارند که جنبش دانشجویی ایران و فعالین آن وابسته بدول خارجی هستند!

"رهبر" پان‌ایرانیست‌ها همچنین در مجلس شاه می‌گوید: "... وزارت امور خارجه ما باید این پرسش را مطرح سازد و تعقیب کند که چگونه سیصد چاقوکش و خرابکار به کنفرانس مطبوعاتی ناسیونالیست‌های ایران حمله کردند."

"...من به نام یک نماینده پارلمان ایران از دولت آلمان باختری سؤال می‌کنم که شهردار شهر کارلسروهه به چه مناسبت با توطئه گران ضد ایرانی همکاری کرده و حتی تالار شهرداری را رایگان در اختیار این عناصر خرابکار و ماجراجو قرار داده است؟ در این میان برخی مطبوعات آلمان باختری نیز شتون ملی ایران را رعایت نمی‌کنند و..." (کیهان هوایی ۱۵ بهمن ۱۳۴۸).

عناصر این گروه به علت چاقوکشی در شهرهای کارلسروهه و وین حتی نزد پلیس پرونده و سابقه طولانی دارند. این بار دکتر صدر به منظور اثبات "وطن پرستی" گروه خود با "کیف دیپلماتیک شاهنشاهی"، مقداری پنجه بوکس "ساخت کارخانه های ایران" را وارد آلمان می‌کند تا وارد کارزار شوند. ولی از اینکه خلع سلاح گردیدند و کیف و اسلحه‌های سرد ساخت ایران به معرض نمایش خبرنگاران و پلیس قرار گرفت رنج می‌برند. این افراد در داخل کشور با حمایت رژیم پلیسی شاه، با بازوبند و ژست مخصوصی به تقلید نازی‌ها دست‌های خود را بلند می‌کنند و در خیابان‌ها رژه می‌روند و به نمایش "شاه در نقش هیتلر" می‌پردازند. از این که دولت آلمان و شهردار کارلسروهه مبارزین کنفدراسیون را در "کوره‌های آدم‌پزی" نریخته، سخت برآشفته شده‌اند. از دست بعضی مطبوعات آلمان باختری نیز - با وجود قدرت کنترل سرمایه‌داران این کشور - که مطالبی در باره حقایق ایران می‌نویسند، ناراحتند و می‌خواهند که تمام مطبوعات جهان، مطبوعات داخل ایران را سرمشق خود قرار داده یکدست و یکرنگ "شتون" آنها را حفظ کنند.

برای سازمان امنیتی‌های پان‌ایرانیست مهم نیست که چه می‌نویسند و چه می‌گویند، بلکه وظیفه دارند یک سلسله اتهامات و لغات و اسامی افراد و کشورها را بدنبال هم ردیف کنند و در این کار خود به تضادگویی‌های مبتذل گرفتارند که ناشی از ماهیت و پریشان حالی آنهاست.

این پیاوه گویان با این گونه اتهامات تلاش می‌کنند تا به وفاداران نهضت ملی ایران که در طول تاریخ پیوند ناگسستنی با خلق ایران برقرار کرده‌اند و از پشتیبانی و اعتماد آنها برخوردارند، از مبارزه باز دارند. ما اعلام می‌کنیم که نمی‌خواهیم سند وطن پرستی از خائن بی وطنی چون شاه و فاشیست معلوم الحالی چون محسن پزشکیور و سایر عمال بیگانه دریافت کنیم.

وظیفه تمام رفقای دانشجو و واحدهای کنفدراسیون جهانی است که به کار توضیحی و افشاءگری وسیعی در این مورد بپردازند و دشمنان خلق و جنبش دانشجویی را که همکاری فعال با سازمان "امنیت" دارند، معرفی و منفرد سازند.

وظیفه همه مبارزین متشکل در کنفدراسیون می‌باشد که با اتحاد عمل بیش‌تری مبارزه منظم و پی‌گیر خود را علیه سازمان "امنیت"، به هر طریقی که تظاهر می‌کند در دستور کار خود قرار دهند و از برخوردهای ناسالم و غیر خلاقی که موجب تضعیف سازمان ما و سوء استفاده رژیم پلیسی شاه می‌گردد پرهیز کنند.

جنبش دانشجویی ایران به رهبری کنفدراسیون مبارزه‌ای خستگی ناپذیر، بیاری خلق خود علیه امپریالیسم جهانی و رژیم ارتجاعی شاه به عهده دارد. مبارزه کنیم تا پیروز شویم."

"کنگره دهم کنفدراسیون"

دهمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران (اتحادیه ملی) به مدت ده روز (۲۶ دسامبر - تا ۵ ژانویه ۷۰) در شهر کارلسروهه (آلمان غربی) برگزار شد.

در این کنگره ۵۶ نماینده که متعلق به ۳۶ سازمان کنفدراسیون در شهرهای مختلف جهان بودند شرکت داشتند. اعتبارنامه نمایندگان واحدهای وورتسبورگ و گوتینگن (آلمان) پادوا (ایتالیا) لوزان (سوئیس) و لهستان و فدراسیون شوروی به علت نواقص مختلف نتوانست مورد تصویب کنگره قرار گیرد. در این کنگره علاوه بر نمایندگان، ۴۰۰ نفر از علاقه‌مندان از شهرهای مختلف شرکت داشتند. از جانب سازمان‌های مختلف پیام‌های شاد باش به مناسبت برگزاری دهمین کنگره واصل شده بود که این خود نشانه اعتبار و احترامی است که کنفدراسیون ما به حق در میان سازمان‌های مترقی و رزمنده کسب کرده است از میان این تهنیه‌ها پیام ملی دانشجویان ویتنام درخشندگی خاصی داشت و با ابراز احساسات پرشور حاضرین در کنگره روبرو شد. برادران ویتنامی ما با این کلمات برگزاری کنگره را تبریک گفته بودند:

"برای دهمین کنگره شما در مبارزه علیه امپریالیسم و نوکران آن آرزوی موفقیت می‌کنیم. دانشجویان ویتنام پشتیبانی کامل خود را از مبارزات دانشجویان ایرانی علیه امپریالیسم و هیات حاکمه ارتجاعی ایران اعلام می‌دارند و مصرا طلب می‌کنند که هیات حاکمه ارتجاعی ایران خفقان و دستگیر کردن میهن‌پرستان و دانشجویان ایرانی را متوقف سازد."

روز ۲۶ دسامبر یک مصاحبه مطبوعاتی از طرف هیات دبیران کنفدراسیون ترتیب داده شده بود که در آن نمایندگان مطبوعات و رادیو و تلویزیون آلمان شرکت داشتند. در این جلسه در باره فعالیت‌های خرابکارانه سازمان امنیت شاه (ساواک) صحبت شد و مدارک لازم در اختیار مخبرین گذاشته شد. خبر برگزاری کنگره کنفدراسیون و جریان مصاحبه مطبوعاتی در جراید آلمان منعکس شد و به اطلاع همگان رسید.

یکی از نکات مثبت کنگره دهم طرز برخورد کنگره با گزارش هیات دبیران بود. کنگره با بحث وسیع به این نتیجه رسید که به منظور برخوردی درست و انتقادی با گزارش و رفع نواقص کار و برجسته کردن نقاط مثبت و منفی در سطح وسیع توده‌ای، گزارش دبیران را در بخش‌های مختلف به طور جداگانه مورد ارزیابی دقیق قرار دهد و در موارد مشخص اظهار نظر مشخص ارائه دهد نه اینکه با تصویب و یا رد گزارش در مجموع برخوردی کلی با آن به نماید. با توجه به این خواست کنگره گزارش مسئولین بخش‌های مختلف را مورد ارزیابی قرار داد و در باره مهم‌ترین قسمت‌های گزارش امور تشکیلات - دایره انتشارات - دایره فرهنگی اظهار نظر مشخص کرد. (گزارش مفصل کنگره دهم در ماه ژانویه انتشار یافته و در دسترس واحدها قرار گرفته است).

کنگره در خط مشی خود تأکید کرد که: "خواست‌های اکثریت عظیم دانشجویان ایرانی از خواست‌های عمومی مردم میهن ما جدائی ناپذیر است. ارضاء این خواست‌ها از طرف حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک مانند رژیم فعلی ایران غیر ممکن است، در نتیجه قشر دانشجو به مثابه بخشی از مردم همراه با توده‌های زحمتکش با هر گونه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک در تضاد بوده و جنبشی را بوجود آورده است. این جنبش جنبشی دموکراتیک و ضد امپریالیستی و توده‌ای است. دانشجویانی که در این جنبش شرکت و مبارزه می‌کنند تشخیص داده‌اند که یکی از تضادهای اصلی جامعه تضاد توده‌های مردم و امپریالیست است لذا جنبش دانشجویی بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی مردم ایران می‌باشد.

کنگره دهم کنفدراسیون

"... سازمان از موضع ضد امپریالیستی و توده‌ای حرکت می‌کند و در جهت حل بنیادی این تضاد در مبارزات توده‌ای مردم شرکت می‌نماید. بنابراین طبیعی است که نهضت دانشجویی ایران مستقیماً تحت تأثیر جزر و مدهای جنبش ملی قرار دارد. به همین جهت نمی‌توان عواملی را که موجب تشدید یا کندی نهضت دانشجویی می‌شود فقط در داخل تشکیلات این نهضت جستجو کرد..."

کنگره همچنین به امور دفاعی توجه خاص مبذول داشت و برنامه دفاعی خود را تدوین نمود و در زمینه کار در جهت ایران و ایجاد رابطه با دانشجویان دانشگاه‌های ایران تصمیماتی اتخاذ نمود.

کنگره متأسفانه در آخر کار یعنی انتخاب هیات دبیران با عدم موفقیت روبرو شد و نتوانست هیات دبیران خود را انتخاب نماید و این امر را به کنگره فوق‌العاده‌ای که حد اکثر تا سه ماه بعد تشکیل خواهد شد محول نمود. کنگره تا تشکیل کنگره فوق‌العاده سه نفر از اعضای کنفدراسیون را به عنوان مسئولین موقت انتخاب نمود تا به امور کنفدراسیون در این مدت رسیدگی کرده و کنگره فوق‌العاده را تشکیل دهند. بدیهی است که عدم انتخاب هیات دبیران از دیدگاه‌های متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی آنرا زائیده بحران‌های سیاسی خارج از کادر کنفدراسیون می‌دانند و برخی آنرا معلول بحران‌های درون کنفدراسیون قلمداد می‌کنند و برخی دیگر ریشه‌های نادرست کار در درون کنفدراسیون و عدم تشخیص صحیح کار در سازمان توده‌ای را موجب عدم انتخاب هیات دبیران ذکر می‌نمایند و نظرات دیگر. در هر حال این بحثی است که هم اکنون در واحدهای کنفدراسیون مطرح است و توده‌های دانشجو به بررسی و بحث در باره آن مشغولند. مسئولین موقت کنفدراسیون این بحث را در پایه‌های سازمانی مفید تشخیص می‌دهد و معتقد است که بحث و بررسی در این زمینه به موفقیت کنگره فوق‌العاده کمک خواهد رساند."

سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در فصل هفدهم بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)
پیام هیئت دبیراد کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی به دهمین کنگره فدراسیون اطریش.

پیام هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی به دهمین کنگره فدراسیون اطریش
رفقا! دهمین کنگره فدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی مقیم اطریش زمانی برگزار شده که بیش از چند
ماه از مبارزه مردم در تهران نمیگذرد.

.....
زمینه سازی سازمان "امنیت" برای یورش و حمله به کنفدراسیون با طرح مسئله باصلاح رابطه و ما
و سوء استفاده از احساسات میهن پرستانه مردم در مورد دولت عراق و تبلیغ بر مجور این مسئله در مورد کنفدراسیون
تحت عنوان رابطه ما و دولت ارتجاعی عراق - با شدت بیشتری در دسترگار قرار دارد در قبال این سائل - برای
پیشبرد مبارزات کنفدراسیون - برای ایجاد شرایط بخاطر حل مسائلی که در درون جنبش مطرح است - در
کنگرسه یازدهم کنفدراسیون حفظ مرکزیت و تشکیلات کنفدراسیون مطرح بوده و هیئت دبیران در یکی از مشکلتین
امور زندگی کنفدراسیون قبول مسئولیت نموده از تمام رفقای دانشجو دعوت به برپاورد همه جانبه بمسائل کنفدراسیون
میکنیم و اطمینان داریم که تمام مبارزین جنبش دانشجویی متشکلا و متحداً بر علیه تمام دسیسه های و توطئه های ملزمان
"امنیت" بر علیه کنفدراسیون بر خواهند خواست و متفقاً برای دفاع و حمایت از مبارزین خود امپریالیست
مبارزه ای بی امان را پیش خواهند برد .
بوسیله رهبری دبیر فرنگی خواننده شد

سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفدهم

مندرج در فصل هفدهم بخش: (مسئله تیمور بختیار ابزار تبلیغاتی بر ضد کنفدراسیون جهانی)

"پیام هئیت‌دیران کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی به دهمین کنگره فدراسیون اطیش

رفقا! دهمین کنگره فدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی مقیم اطیش زمانی برگزار شده که بیش از چند ماه از مبارزه مردم در تهران می‌گذرد.

....

زمینه‌سازی سازمان "امنیت" برای یورش و حمله به کنفدراسیون با طرح مسئله به اصطلاح رابطه بختیار و ما و سوءاستفاده از احساسات میهن‌پرستانه مردم در مورد دولت عراق و تبلیغ بر محور این مسئله در مورد کنفدراسیون تحت عنوان رابطه ما و دولت ارتجاعی عراق - با شدت بیش‌تری در دستور کار قرار دارد در قبال این مسائل - برای پیشبرد مبارزات کنفدراسیون - برای ایجاد شرائط به خاطر حل مسائلی که در درون جنبش مطرح است - در کنگره یازدهم کنفدراسیون حفظ مرکزیت و تشکیلات کنفدراسیون مطرح بوده و هئیت دیران در یکی از مشکل‌ترین لحظات زندگی کنفدراسیون قبول مسئولیت نموده از تمام رفقای دانشجو دعوت به برخورد همه جانبه به مسائل کنفدراسیون را می‌کنیم و اطمینان داریم که تمام مبارزین جنبش دانشجویی متشکلا و متحداً بر علیه تمام دسیسه‌ها و توطئه‌های سازمان "امنیت" بر علیه کنفدراسیون بر خواهند خواست و متفقاً برای دفاع و حمایت از مبارزین ضد امپریالیست مبارزه‌ای بی‌امان را پیش خواهند برد.

به وسیله رهبری دبیر فرهنگی خوانده شد "

